



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد  
علیه  
اصحاب  
السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

پراگت علیا بن ابرہات حرمہ امیر بطل حرمہ امیر بن علیا بن

# ولایت

شرط قبولی اعمال



﴿بلد دوم﴾

محمد امینی گلستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ولایت شرط قبولی اعمال

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
ولایت شرط قبولی اعمال جلد ۲	۱۳
مشخصات کتاب	۱۳
اشاره	۱۳
فهرست موضوعات	۱۸
پیشگفتار	۳۱
انتخاب جانشین نقطه پایان رسالت	۳۳
شان نزول آیه تبلیغ	۳۸
خلاصه جریان غدیر	۴۳
گفتگوها و ایرادها	۵۲
روز اکمال دین کدام روز است	۶۶
فضائل امام علی (علیه السلام) در کلام خلفا	۷۸
اشاره	۷۸
۱- سخنان و مرویات ابوبکر بن ابی قحافه	۸۰
اشاره	۸۰
نگاه کردن به روی علی عبادت است	۸۲
۲- سخنان و مرویات از عمر بن خطاب درباره علی	۹۴
اشاره	۹۴
۱- در قبال ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از همه	۱۰۲
۲- آفرینش یک میلیون فرشته از نور علی (علیه السلام)	۱۱۰
۳- عمر بن خطاب پرسید علامت دوستدار اهل	۱۱۱
۴- نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۱۲
۵- حق با امیرالمؤمنین علیه السلام و او با حق است	۱۱۲
۶- جوان خوش سیما به عمر چه گفت؟	۱۱۶

- ۷- امتیازهای سه گانه علی علیه السلام از زبان عمر. ----- ۱۱۸
- ۸- اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده شود ----- ۱۲۰
- ۹- زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی طالب به ----- ۱۲۳
- ۱۰- نام امیرالمومنین در عرش!!!! ----- ۱۲۴
- ۱۱- نور خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام چهارده ----- ۱۲۵
- ۱۲- ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از ----- ۱۲۶
- ۱۳- انکار علی(علیه السلام) انکار رسول خداست(صلی الله علیه و آله). ----- ۱۲۹
- ۱۴- علم نامحدود امیرالمؤمنین علیه السلام ----- ۱۳۰
- ۱۵- اعتراف عمر به برتری های علمی و قضایی امیر ----- ۱۳۱
- ۱۶- این به پیغمبر و کتابش دانایتر است! ----- ۱۳۲
- ۱۷- برتری علی (علیه السلام) در قضاوت ----- ۱۳۳
- ۱۸- خداوند مرا بعد از تو نگه ندارد ای علی! ----- ۱۳۵
- ۱۹- اگر علی نبود عمر هلاک می شد! ----- ۱۳۷
- ۲۰- استواری اسلام با شمشیر علی (علیه السلام) ----- ۱۳۹
- ۲۱- هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع می شود ----- ۱۳۹
- ۲۲- تمام اسرار قرآن در وجود امیرالمؤمنین ----- ۱۴۰
- ۲۳- فضائلی که کسی طاقت درک آن را ندارد ----- ۱۴۱
- ۲۴- خدا با او مناجات می کرد ----- ۱۴۱
- ۲۵- مباهات خدای متعال به امیرالمؤمنین ----- ۱۴۲
- ۲۶- امیر المؤمنین علیه السلام مولای کل ----- ۱۴۳
- ۲۷- وای بر تو نمی دانی این مولای من است! ----- ۱۴۵
- ۲۸- اگر مردم به محبت علی جمع می شدند آتش ----- ۱۴۷
- ۲۹- تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده ----- ۱۴۷
- ۳۰- همراه با پیامبر در بهشت ----- ۱۴۸
- ۳۱- علی برگزیده و امین پیامبر صلی الله علیه و آله ----- ۱۴۹
- ۳۲- آزردن علی علیه السلام آزردن رسول ----- ۱۴۹

- ۳۳- پدر و مادرم فدای تو ----- ۱۵۰
- ۳۴- اعترافهای از عمر ----- ۱۵۲
- ۳۵- علی از من و ابوبکر به خلافت سزاوارتر بود ----- ۱۵۳
- ۳۶- سلام عمر به علی علیه السلام با عنوان ----- ۱۵۵
- ۳۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تمام پیامبران جز خاتم ----- ۱۵۶
- ۳۸- اطاعت و عصیان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) همان ----- ۱۶۰
- ۳۹- ای علی! تو برادر منی در دنیا و آخرت ----- ۱۶۲
- ۴۰- علی از پیامبر و پیامبر صلی الله علیه وآله از علی ----- ۱۶۵
- ۴۱- علی محبوب ترین شخص نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) ----- ۱۶۶
- ۴۲- امیرالمؤمنین علیه السلام، ولی و سرپرست هر ----- ۱۷۱
- ۴۳- ای بریده علی از من و من از علیم ----- ۱۷۳
- ۴۴- امیرالمؤمنین علیه السلام، فاروق اعظم و ----- ۱۷۵
- ۴۵- غضب لقب صدیق و فاروق! ----- ۱۷۸
- ۴۶- امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او، ----- ۱۸۱
- ۴۸- دوستان علی (علیه السلام) سعداء و دشمنانش اشقیامی ----- ۱۸۲
- ۴۹- وصایت علی (علیه السلام) ----- ۱۸۳
- ۵۰- حدیث منزلت ----- ۱۸۴
- ۵۱- امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر صلی ----- ۱۹۴
- ۴۲- محبت امیرالمؤمنین علیه السلام معیار سنجش ----- ۱۹۵
- ۵۳- هیچکس مانند علی فضیلت به دست نیاورد ----- ۱۹۶
- ۳- روایاتی از عبدالله بن عمر ----- ۱۹۸
- ۱- به تعداد موهای بدن دوستداران علی شهری ----- ۱۹۸
- ۲- چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند که ----- ۱۹۹
- ۳- هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید اهل ----- ۲۰۲
- ۴- سخنان و مرویات عثمان بن عفان: نگاه کردن به ----- ۲۰۳
- اشاره ----- ۲۰۳

- ۱ - ..... ۲۰۳
- ۲ -...خلیفه سوم عثمان، سه مرتبه از علی علیه ..... ۲۰۴
- ۴ -سخن عثمان در خطابش به علی علیه السلام: ..... ۲۰۶
- فضائل امیرالمومنین علی(علیه السلام) از زبان عایشه ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
- یاد کردن علی عبادت است ..... ۲۰۹
- خدا علی را رحمت کند که حقیقتاً بر حق بود ..... ۲۱۱
- محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم که بود ..... ۲۱۱
- خداوند نیافرید کسی را نزد رسول اکرم محبوبتر از ..... ۲۱۱
- خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج کند، ..... ۲۱۳
- دانشمند ترین مردم برستت علیست. .... ۲۱۳
- حبیب مرا بخوانید ..... ۲۱۵
- رسول خدا علی را بوسید و دوبار گفت: پدرم فدای ..... ۲۱۶
- از من درباره کسی می پرسی که من، کسی را که از او ..... ۲۱۷
- من دوست داشتم هر آنچه که روی زمین است، به ..... ۲۱۹
- آنچه که بین من و علی اتفاق افتاد، مانع از آن ..... ۲۲۰
- عایشه وقتی که فهمید علی ذو تُدیّه را کشته است ..... ۲۲۱
- حدیث دق الباب ..... ۲۲۲
- أم السلمه چه می گوید ..... ۲۲۳
- اشاره ..... ۲۲۳
- ۲ -کامروایان رستاخیز ..... ۲۲۵
- لعن آن دو نفر ..... ۲۲۶
- روایات عبدالرحمن بن عوف ..... ۲۲۷
- روایت أنس بن مالک ..... ۲۳۰
- روایت یکی از اولاد ابی لهب ..... ۲۳۴
- معاذ بن جبل: ..... ۲۳۶



- روایتی از تفسیر ثعلبی ..... ۲۳۶
- روایات ابو هريره ..... ۲۳۷
- روایات از ابن عباس ..... ۲۳۸
- اشاره ..... ۲۳۸
- علی روشنی تاریکی و چراغ هدایت و حجت بر ..... ۲۴۵
- آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را ..... ۲۴۹
- گفتار و اظهار نظرهای تعدادی از بزرگان اهل سنت ..... ۲۵۲
- ۵- عبدالله بن مسعود: ..... ۲۵۷
- اعمال قبول نمی شود مگر با ولایت ..... ۲۶۸
- بخدا قسم اگر کسی هزار سال عبادت کند قبول ..... ۲۷۰
- و جوب محبت اهل بیت و پرهیز از بغض آنها ..... ۲۹۱
- روایت از ابی هريره در باره محبت علی علیه السلام ..... ۲۹۷
- منظور از آیه وائی لغفار لمن تاب... چیست ؟ ..... ۳۱۱
- کمال دین ولایت ماست ..... ۳۱۷
- خداوند مردم را به پنج کار مأمور نموده ..... ۳۱۸
- سوال از چهار چیز ..... ۳۲۰
- علی حجت من است بر مخلوقاتم ..... ۳۲۱
- جواز عبور از صراط، ولایت علیست ..... ۳۲۲
- دوستان و دشمنان خدا کیانند. .... ۳۲۸
- علی چراغ هدایت و روشنی تاریکیهاست ..... ۳۳۰
- در میان امت جانشین پیامبر کیست؟ ..... ۳۳۱
- طرفداران ولایت از گردنه گذشتند. .... ۳۳۳
- از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟ ..... ۳۳۴
- هر کس با ولایت بمیرد شهید است. .... ۳۳۶
- امتیازاتی بر ولایتمداران ..... ۳۳۷
- آنها حجت خدایند به تمام عالمیان و جمیع ..... ۳۳۸

- اسماء امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ..... ۳۴۹
- منظور از معرفت اهل بیت امامت آنهاست ..... ۳۵۸
- اعمال کسانی قبول است که معتقد به امامت آنها ..... ۳۶۷
- امسال حاجی چقدر زیاد است؟! ..... ۳۷۰
- آنچه لازم است مراعاتش از نظر حفظ احترام و ..... ۳۷۹
- ابدال همان ائمه علیهم السلام هستند ..... ۳۸۴
- صاحب این امر محفوظ است و او به پیشگاه ..... ۳۸۵
- گناهانشان بخشیده می شود اگر چه به تعداد ..... ۳۸۷
- لزوم دوستی با دوستان ائمه علیهم السلام و دشمنی با ..... ۳۸۹
- ثواب دوست داشتن و یاری و ولایت ائمه علیهم ..... ۳۹۶
- چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم ..... ۴۰۳
- محب و دوستدار ما منتظر رحمت است ..... ۴۰۷
- این از شیعیان آنهاست ..... ۴۱۳
- ای علی تو مانند قل هو الله أحدی ..... ۴۱۷
- نه بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه ..... ۴۲۵
- یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت ..... ۴۲۶
- پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان ..... ۴۲۶
- آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را ..... ۴۲۷
- از شاهراه هدایت خارج نمیکند ..... ۴۲۸
- بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین ..... ۴۲۸
- این روایت را بخوانید ..... ۴۳۰
- دست از علی بر ندارید او مولای شما است ..... ۴۳۲
- مصافحه کننده با علی با انبیاء مصافحه کرده است ..... ۴۳۴
- به حمزه و پسر عمویم جعفر گفتم کدام عمل را در ..... ۴۳۵
- هر که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد من ..... ۴۳۶
- عبور فاطمه علیها السلام از محشر ..... ۴۳۸

- ۴۴۰ ..... خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد
- ۴۴۲ ..... از وحشت روز قیامت در امان است
- ۴۴۲ ..... اینک برای تو جریانی را میگویم
- ۴۴۵ ..... تعهد خدا
- ۴۴۶ ..... روایات در شأن شیعیان
- ۴۵۱ ..... بخدا قسم ما بیدار شما انس داریم
- ۴۶۰ ..... شما مردان پاک و طیب هستید
- ۴۶۳ ..... امام رضا علیه السلام درنیشابور
- ۴۶۵ ..... قبول توبه شیعیان تا دم مرگ
- ۴۶۵ ..... نهی بد گفتن به شیعیان
- ۴۶۷ ..... شیعیان در حکم شهید
- ۴۶۹ ..... سرزنش دشمن ائمه علیهم السلام و اینکه او کافر
- ۴۷۰ ..... دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و
- ۴۷۱ ..... سعادتمند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد
- ۴۷۲ ..... ای علی این شخص همان ریاح غلام آل نجار است.
- ۴۷۶ ..... من و خدا و تمام انبیاء آنها را لعنت کرده اند
- ۴۷۷ ..... دستت را در دست من بگذار من و تو از یک درخت
- ۴۷۸ ..... ما را وادار بر فحش دادن بعلی علیه السلام کرد.
- ۴۷۹ ..... مگر نمیدانی خانه من خانه تو است
- ۴۸۰ ..... دشمن ما خانواده از بت پرست بدتر است.
- ۴۸۱ ..... خداوند مرجئه را کور محشور مینماید
- ۴۸۶ ..... اعتقادات صدوق:
- ۴۹۳ ..... مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب
- ۴۹۷ ..... تالیفات چاپ شده از مؤلف
- ۴۹۸ ..... خواب سیده سکینه خانم طباطبائی
- ۵۰۳ ..... کتاب های آماده چاپ ودر دست تألیف

منابع کتاب ----- ۵۰۷

درباره مرکز ----- ۵۲۴

## ولایت شرط قبولی اعمال جلد 2

### مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی گلستانی، محمد، 1317 -

عنوان و نام پدیدآور: ولایت شرط قبولی اعمال [کتاب] / محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر: قم: سپهر آذین، 1395 .

مشخصات ظاهری: 2ج

شابک: 100000 ریال: 6-27-6920-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- اثبات خلافت

موضوع: \*Proof of caliphate -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661

موضوع: ولایت

موضوع: \*Sainthood

رده بندی کنگره: BP223/54/الف816 و 1395 8

رده بندی دیویی: 297/452

شماره کتابشناسی ملی: 4245896

ص: 1

اشاره



ولایت شرط قبولی اعمال

مؤلف: محمد امینی گلستانی .

ص: 3

نام: ولایت شرط قبولی اعمال ج 2 .

مؤلف: محمد امینی گلستانی .

ناشر: مؤلف .

تلفن مؤلف: همراه (09123793915)

نوبت چاپ: اول .

تاریخ چاپ :

قطع وزیری .

تیراژ: 2000 .

قیمت .

چاپخانه: قم .

حقوق طبع شرعاً، قانوناً، اخلاقاً، مخصوص مؤلف است.

ص:4





ج 12

محمد امینی گلستانی 1

فهرست موضوعات 5

پیشگفتار 17

ولایت شرط قبولی اعمال 20

انتخاب جانشین نقطه پایان رسالت 20

شان نزول آیه تبلیغ 24

خلاصه جریان غدیر 29

گفتگوها و ایرادها 37

روز اکمال دین کدام روز است 51

فضائل امام علی (علیه السلام) در کلام خلفا 63

1- سخنان و مرویات ابوبکر بن ابی قحافه 66

نگاه کردن به روی علی عبادت است 68

2- سخنان و مرویات از عمر بن خطاب درباره 80

علی علیه السلام 80

1- در قبال ولایت امیرالمومنین علیه السلام 88

از همه سؤال خواهد شد. 88

2- آفرینش یک میلیون فرشته از نور علی (علیه السلام) 96

ص:6



3- عمر بن خطاب پرسید علامت دوستدار اهل 97

بیت شما چیست؟! 97

4- نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین 97

علیه السلام عبادت است. 97

5- حق با امیرالمؤمنین علیه السلام و او با حق 98

است 98

6- جوان خوش سیما به عمر چه گفت؟ 101

7- امتیازهای سه گانه علی علیه السلام 103

از زیان عمر. 103

8- اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده 106

شود و ایمان علی در کفه دیگر، 106

ایمان علی برتر خواهد بود. 106

9- زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی 109

طالب به دنیا آورند 109

10- نام امیرالمؤمنین در عرش...!!! 110

11- نور خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام 111

چهارده هزار سال قبل از آفرینش آدم. 111

12- ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از 112

خودشان نیستم؟ 112

13- انکار علی (علیه السلام) انکار رسول خداست (صلی الله علیه و آله). 115

14- علم نامحدود امیرالمؤمنین علیه السلام 115

15- اعتراف عمر به برتری های علمی و قضایی 117

امیر مؤمنان علی علیه السلام. 117

16- این به پیغمبر و کتابش داناتر است! 118

17- برتری علی (علیه السلام) در قضاوت 119

18- خداوند مرا بعد از تو نگه ندارد ای علی! 120

19- اگر علی نبود عمر هلاک می شد! 123

20- استواری اسلام با شمشیر علی (علیه السلام) 125

21- هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع 125

می شود مگر سبب و نسب من. 125

22- تمام اسرار قرآن در وجود از 126

امیرالمؤمنین علیه السلام است 126

23- فضائلی که کسی طاقت درک آن را ندارد 127

24- خدا با او مناجات می کرد 127

25- مباهات خدای متعال به امیرالمؤمنین علیه 128

26- امیر المؤمنین علیه السلام مولای 128

کل عالم است. 128

27- وای بر تو نمی دانی این مولای من است! 131

28- اگر مردم به محبت علی جمع می شدند 132

آتش آفریده نمی شد. 132

29- تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده 133

30- همراه با پیامبر در بهشت 134

31- علی برگزیده و امین پیامبر صلی الله علیه و آله 135

32- آزدن علی علیه السلام آزدن رسول 135

خداست 135

33- پدر و مادرم فدای تو 136

34- اعترافهایی از عمر 137

35- علی از من و ابوبکر به خلافت 139

سزاوارتر بود 139

36- سلام عمر به علی علیه السلام با عنوان 140

امیرالمومنین 140

37- امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تمام پیامبران جز 142

خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) افضل است 142

38- اطاعت و عصیان از امیرالمؤمنین 146

(علیه السلام) همان اطاعت و عصیان از رسول الله 146

(صلی الله علیه و آله) است. 146

39- ای علی! تو برادر منی در دنیا و آخرت. 148

40- علی از پیامبر و پیامبر صلی الله علیه و آله از علی 150

41- علی محبوب ترین شخص نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) 152

42- امیرالمؤمنین علیه السلام، ولی و سرپرست 157

هر مؤمن 157

43- ای بریده علی از من و من از علیم 159

44- امیرالمؤمنین علیه السلام، فاروق اعظم 161

و صدیق اکبر 161

45- غضب لقب صدیق و فاروق! 163

46- امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او، 167

رستگاران در قیامت. 167

48- دوستان علی (علیه السلام) سعداء و دشمنانش 168

اشقیامی باشند. 168

49- وصایت علی (علیه السلام) 169

50- حدیث منزلت 170

51- امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر 179

صلی الله علیه و آله و سلم در اولین دعوت 179

علنی 179

42- محبت امیرالمؤمنین علیه السلام معیار 181

سنجش نفاق و ایمان است. 181

ص: 11

53-هیچکس مانند علی فضیلت به دست 182

نیاورد، 182

3-روایاتی از عبدالله بن عمر 183

1-به تعداد موهای بدن دوستانان علی شهری 183

در بهشت به آنها داده می شود. 184

2-چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند 184

که مقامش مانند مقام من است بجز نبوت. 184

3-هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید 188

اهل بیت مرا دوست داشته باشد. 188

4-سخنان و مرویات عثمان بن عفان 189

نگاه کردن به علی عبادت است. 189

2-...خلیفه سوم عثمان، سه مرتبه از علی علیه 190

السلام دعوت کرد که با وی همکاری نماید، 190

3-در ایامی که عثمان به کشته شدن نزدیک 191

می شد 191

4-سخن عثمان در خطابش به علی علیه السلام: 191

فضائل امیرالمومنین علی(علیه السلام) از زبان عایشه 192

یاد کردن علی عبادت است 195

خدا علی را رحمت کند که حقیقتاً بر حق بود 196

ص:12



محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم که بود 197

خداوند نیافرید کسی را نزد رسول اکرم 197

محبوبتر از علی باشد 197

خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج 198

کند، کافر و در آتش دوزخ است (عایشه). 198

دانشمند ترین مردم بر سنت علیست. 199

حبیب مرا بخوانید 200

رسول خدا علی را بوسید و دوبار گفت: پدرم 202

فدای شهید تنها. 202

از من درباره کسی می پرسى که من، کسی را که از 202

او و زنش نزد پیامبر خدا محبوب تر باشد نمیدانم، 203

من دوست داشتم هر آنچه که روی زمین است، 204

به آن کارم فدیة بدهم! 205

آنچه که بین من و علی اتفاق افتاد، مانع از آن 206

نمی شود که حق را بگویم. 206

عایشه وقتی که فهمید علی ذو نُدیه را کشته است، 207

حدیث دق الباب 208

أُم السَّلمه چه می گوید 209

2- کامروایان رستاخیز 211

لعن آن دو نفر 212

روایات عبدالرحمن بن عوف 213

روایت انس بن مالک 215

روایت یکی از اولاد ابی لهب 219

معاذ بن جبل: 221

روایتی از تفسیر ثعلبی 222

روایات ابو هريره 223

روایات از ابن عباس 224

علی روشنی تاریکی و چراغ هدایت و حجت بر 231

مردم دنیا است. 231

آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را. 235

گفتار و اظهار نظرهای تعدادی از بزرگان 238

اهل سنت 238

5- عبدالله بن مسعود: 243

اعمال قبول نمی شود مگر با ولایت 254

بخدا قسم اگر کسی هزار سال عبادت کند قبول 256

نیست مگر با ولایت ما اهل بیت 256

وجوب محبت اهل بیت و پرهیز از بغض آنها 276

روایت از ابی هريره در باره محبت علی علیه السلام 283

منظور از آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ ... چیست ؟ 297

کمال دین ولایت ماست 303

خداوند مردم را به پنج کار مأمور نموده 304

سوال از چهار چیز 306

علی حجت من است بر مخلوقاتم 307

جواز عبور از صراط، ولایت علیست 308

دوستان و دشمنان خدا کیانند. 314

علی چراغ هدایت و روشنی تاریکیهاست 316

در میان امت جانشین پیامبر کیست؟ 317

طرفداران ولایت از گردنه گذشتند. 319

از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟ 320

هرکس با ولایت بمیرد شهید است. 322

امتیازاتی بر ولایتمداران 322

آنها حجت خدایند به تمام عالمیان و جمیع 323

مخلوقات 324

اسماء امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) 335

منظور از معرفت اهل بیت امامت آنهاست 344

اعمال کسانی قبول است که معتقد 353

به امامت آنها باشد. 353

امسال حاجی چقدر زیاد است؟! 356

آنچه لازم است مراعاتش از نظر حفظ احترام 365

و عذاب هرکس که با آنها بجنگد . 365

ابدال همان ائمه علیهم السّلام هستند 370

صاحب این امر محفوظ است و او به پیشگاه 371

پروردگار می آید با مؤمنین هر عصر 371

گناهانشان بخشیده می شود اگرچه به تعداد 373

ریگ های بیابان باشد. 373

لزوم دوستی با دوستان ائمه علیهم السّلام 374

و دشمنی با دشمنان آنها 374

ثواب دوست داشتن و یاری و ولایت ائمه علیهم 382

السّلام امان از آتش جهنم است 382

تفسیر العیاشی 233: 2. 384

چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم 389

محب و دوستدار ما منتظر رحمت است 393

این از شیعیان آنهاست 399

ای علی تو مانند قل هو الله اُحدی 403

نه بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه 411

میکنید. 411

یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت 411

یک سال 412

پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان. 412

آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را. 413

از شاهراه هدایت خارج نمیکنند 414

بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین 414

این روایت را بخوانید 416

دست از علی بر ندارید او مولای شما است 418

مصافحه کننده با علی با انبیاء مصافحه کرده است. 420

به حمزه و پسر عمویم جعفر گفتم کدام عمل را در 421

آخرت بهترین اعمال یافتید؟ 421

هر که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد 422

من از او راضیم 422

عبور فاطمه علیها السلام از محشر 424

خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد 426

از وحشت روز قیامت در امان است 428

اینک برای تو جریانی را میگویم 428

تعهد خدا 430

روایات در شأن شیعیان 432

بخدا قسم ما بدیدار شما انس داریم 437

شما مردان پاک و طیب هستید 445

امام رضا علیه السلام درنیشابور 449

قبول توبه شیعیان تا دم مرگ 451

نهی بد گفتن به شیعیان 451

شیعیان در حکم شهید 453

سرزنش دشمن ائمه علیهم السلام و اینکه او کافر 454

است و خونس حلال و ثواب لعنت بر دشمنان ائمه علیهم 454

دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و 456

زناکار باشد 456

سعادت‌مند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد 456

ای علی این شخص همان ریاح غلام 458

آل نجار است. 458

من و خدا و تمام انبیاء آنها را لعنت کرده اند. 462

دست را در دست من بگذار من و تو از یک 463

درخت آفریده ایم. 463

ما را وادار بر فحش دادن بعلی علیه السلام کرد. 464

مگر نمیدانی خانه من خانه تو است 465

دشمن ما خانواده از بت پرست بدتر است. 466

خداوند مرجئه را کور محشور مینماید 467

اعتقادات صدوق: 472

مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب 479

منابع کتاب 478

### پیشگفتار

در جلد اول این کتاب، در باره ولایت مولای متقیان امیرمؤمنان صلوات الله و سلامه، علیه و علی اولاده الطّیّبین الطّاهرین، قسمتی از آیات و اخبار فریقین شیعه و سنی ولی اکثرا از اهل سنت، تحقیق و بررسی شد و در اختیار عزیزان قرار گرفت.

در جلد دوم تعدادی از آیات و احادیث، در مورد (ولایت) را از فریقین ولی اکثرا از اهل تشیع، به سروران عزیز، ارائه می دهیم و استدعا دارد در تفسیر هر تک تک آیات و تشریح اخبار، مخصوصا روایاتی که از مخالفین (از خلفای ثلاثه ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و عایشه و عبدالله بن عمر و عبدالرحمن بن عوف و انس بن مالک و ابوهیره و همچنین از عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود و سمره بن جندب و تعدادی از بزرگان علما و

ص: 19

دانشمندان اهل سنت و غیرهم) آورده ام با دیده انصاف و دقت خاص، پژوهش و مورد مطالعه قرار داده و خود قضاوت نمایند که، در باره امیر مظلومان علی علیه السلام، چه ستمهائی روا داشته و اعمال نموده اند و راهی را انتخاب نمایند که فردا، در برابر خدای منتقم و روز بیچارگی، بتوانند از خود دفاع نموده و جوابگو باشند.

و ضمنابخاطر داشته باشیم که روایات این کتاب، یک هزارم اخبار و احادیثی نیست که از خدا و رسول خدا، در باره آنحضرت، به دست ما رسیده است، آنهم پس از گذشت یک قرن از ممنوعیت روایت یا نوشتن احادیث وارده از نبی مکرم و سیله خلفای ثلاثه، به وجود آمده بود، که همه اصحاب و همشینیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیشتر تابعین، از دنیا رفته و زیر خاک آرمیده بودند.

و چون اکثر روایات ولایت و خلافت و محبت، در باره مولا و اهل بیت علیهم السلام، قریب المضمون هستند، از تشریح آنها خود داری گردید تا حجم کتاب زیاد نشده و سبب خستگی و کسالت، بزرگواران عزیز نگردد.

اکثر قریب به اتفاق احادیث شیعی را از کتاب وزین بحار الانوار تألیف علامه بزرگوار شیخ محمد باقر مجلسی رحمه



اللّٰهُ عَلَيْهِ أَوْرَدَهُ ام و از خدای توانا برای مؤلّف آن، محشور شدن با اولیاء خدا و قرار گرفتن در بهشت برین را، خواستارم آمین یا رب العالمین.

یا امیرالمؤمنین!

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

یا مولی الموحّدین!

در پس پرده نهان بودی و قومی به ضلالت

حرمت ذات تو نشناخته گفتند خدایی

پس چه گویند گر از طلعت زیبا که تو داری

پرده برداری و آنگونه که هستی بنمایی؟!

ولایت شرط قبولی اعمال

ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط قبولی اعمال است یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَكْرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ مائده 67- ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً ( به مردم ) برسان و اگر نکنی ، رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از ( خطرات احتمالی ) مردم نگاه می دارد ، و خداوند جمعیت کافران ( لجوج ) را هدایت نمی کند . تفسیر نمونه ذیل آیات.

### انتخاب جانشین نقطه پایان رسالت

این آیه لحن خاصی بخود گرفته که آنرا از آیات قبل و بعد ،



مشخص می سازد، در این آیه روی سخن، فقط به پیامبر است، و تنها وظیفه او را بیان می کند، با خطاب ای پیامبر (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ) شروع شده و با صراحت و تاکید دستور می دهد، که آنچه را از طرف پروردگار بر او نازل شده است به مردم برساند (بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ).

سپس برای تاکید بیشتر به او اخطار می کند که اگر از این کار خودداری کنی (که هرگز خودداری نمی کرد) رسالت خدا را تبلیغ نکرده ای! (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ).

سپس به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که گویا از واقعه خاصی اضطراب و نگرانی داشته، دلداری و تامین می دهد و به او می گوید: از مردم در ادای این رسالت وحشتی نداشته باش، زیرا خداوند تو را از خطرات آنها نگاه خواهد داشت (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

و در پایان آیه به عنوان یک تهدید و مجازات، به آنهایی که این رسالت مخصوص را انکار کنند و در برابر آن از روی لجابت کفر بورزند، می گوید: خداوند کافران لجوج را هدایت نمی کند (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ).

جمله بندی های آیه و لحن خاص و تاکیدهای پی در پی آن و همچنین شروع شدن با خطاب یا ایها الرسول که تنها در دو

مورد از قرآن مجید آمده و تهدید پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که منحصر در این آیه از قرآن آمده است، نشان می دهد که سخن از حادثه مهمی در میان بوده است که عدم تبلیغ آن مساوی بوده است با عدم تبلیغ رسالت.

بعلاوه این موضوع مخالفان سرسختی داشته که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از مخالفت آنها که ممکن بوده است مشکلاتی برای اسلام و مسلمین داشته باشد، نگران بوده و به همین جهت خداوند به او تأمین میدهد.

اکنون این سؤال پیش می آید که با توجه به تاریخ نزول سوره که مسلماً در اواخر عمر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است، چه مطلب مهمی بوده که خداوند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را با این تأکید مأمور ابلاغ آن می کند.

آیا مسائل مربوط به توحید و شرک و بت شکنی بوده که از سالها قبل برای پیامبر و مسلمانان حل شده بود؟

آیا مربوط به احکام و قوانین اسلامی بوده با اینکه مهمترین آنها تا آن زمان بیان شده بود؟ و آیا مربوط به مبارزه با اهل کتاب و یهود و نصاری بوده با اینکه می دانیم مساله اهل کتاب بعد از ماجرای بنی النضیر و بنی قریظه و بنی

قینقاع و خیبر و فدک و نجران مشکلی برای مسلمانان محسوب نمی شد .

و آیا مربوط به منافقان بوده در حالی که می دانیم پس از فتح مکه و سیطره و نفوذ اسلام در سراسر جزیره عربستان منافقان از صحنه اجتماع طرد شدند ، و نیروهای آنها در هم شکسته شد ، و هر چه داشتند در باطن بود .

راستی چه مساله مهمی در این آخرین ماههای عمر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مطرح بوده که آیه فوق این چنین در باره آن تاکید می کند ؟ ! این نیز جای تردید نیست که وحشت و نگرانی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای شخص خود و جان خود نبوده بلکه برای کارشکنیها و مخالفتهای احتمالی منافقان بوده که نتیجه آن برای مسلمانان خطرات یا زیانهای به بار می آورد .

یا مساله ای جز تعیین جانشین برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و سرنوشت آینده اسلام و مسلمین می تواند واجد این صفات بوده باشد .

اکنون به روایات مختلفی که در کتابهای متعدد اهل تسنن و شیعه در زمینه آیه فوق وارد شده باز می گردیم تا ببینیم از آنها در زمینه اثبات احتمال فوق چه استفاده می شود ؟ سپس

ص:25

اشکالات و ایرادهائی را که در زمینه این تفسیر از طرف جمعی از مفسران اهل تسنن اظهار شده است مورد بررسی قرار می دهیم :

## شان نزول آیه تبلیغ

گرچه متاسفانه پیشداوریها و تعصبهای مذهبی مانع از آن شده است که حقایق مربوط به این آیه بدون پرده پوشی در اختیار همه مسلمین قرار گیرد، ولی در عین حال در کتابهای مختلفی که دانشمندان اهل تسنن، اعم از تفسیر و حدیث و تاریخ نوشته اند، روایات زیادی دیده می شود که با صراحت می گوید: آیه فوق درباره علی (علیه السلام) نازل شده است.

این روایات را جمع زیادی از صحابه از جمله زید بن ارقم و ابو سعید خدری و ابن عباس و جابر بن عبد الله انصاری و ابو هریره و براء بن عازب و حذیفه و عامر بن لیلی بن ضمیره و ابن مسعود نقل کرده اند و گفته اند که آیه فوق درباره علی (علیه السلام) و داستان روز غدیر نازل گردید.

بعضی از احادیث فوق مانند حدیث زید بن ارقم به یک طریق.

و بعضی از احادیث مانند حدیث ابو سعید خدری به یازده طریق! و بعضی از این احادیث مانند حدیث ابن عباس نیز به یازده طریق! و بعضی دیگر مانند حدیث براء بن عازب به سه طریق نقل شده است .

دانشمندانی که به این احادیث در کتب خود تصریح کرده اند ، عده کثیری هستند که به عنوان نمونه از جمعی از آنها نام می بریم : حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی ( بنقل از خصائص صفحه 29 ) .

و ابو الحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول صفحه 150 .

و حافظ ابو سعید سجستانی در کتاب الولاية ( بنقل از کتاب طرائف ) .

و ابن عساکر شافعی ( بنا بنقل در المنثور جلد 2 صفحه 298 ) و فخر رازی در تفسیر کبیر خود جلد 3 صفحه 636 .

و ابو اسحاق حموی در فرائد المسطین .

و ابن صباغ مالکی در فصول المهمه صفحه 27 .

و جلال الدین سیوطی در در المنثور جلد 2 صفحه 298 .

و قاضی شوکانی در فتح القدیر جلد سوم صفحه 57 .

و شهاب الدین آلوسی شافعی در روح المعانی جلد 6

ص: 27

و شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه 120 .

و بدر الدین حنفی در عمدہ القاری فی شرح صحیح البخاری جلد 8 صفحه 584 .

و شیخ محمد عبده مصری در تفسیر المنار جلد 6 صفحه 463 .

و حافظ ابن مردویه ( متوفای 416 ) ( بنا به نقل سیوطی در در المنثور ) و جمع کثیری دیگر این شان نزول را برای آیه فوق نقل کرده اند .

اشتباه نشود منظور این نیست که دانشمندان و مفسران فوق نزول این آیه را درباره علی (علیه السلام) پذیرفته اند بلکه منظور این است که روایات مربوط به این مطلب را در کتب خود نقل کرده اند ، اگر چه پس از نقل این روایت معروف آنها به خاطر ترس از شرائط خاص محیط خود ، و یا به خاطر پیشداوریهای نادرستی که جلو قضاوت صحیح را در اینگونه مباحث می گیرد ، از پذیرفتن آن خودداری کرده اند ، بلکه گاهی کوشیده اند تا آنجا که ممکن است آن را کم رنگ و کم اهمیت جلوه دهند ، مثلاً فخر رازی که تعصب او در مسائل



خاص مذهبی معروف و مشهور است برای کم اهمیت دادن این شان نزول آن را دهمین احتمال آیه قرار داده و 9 احتمال دیگر که غالباً بسیار سست و واهی و بی ارزش است قبل از آن آورده است! .

از فخر رازی زیاد تعجب نمی کنیم، زیرا روش او در همه جا چنین است، تعجب از نویسندگان روشن فکری همچون سید قطب در تفسیر فی ظلال و محمد رشید رضا در تفسیر المنار داریم که یا اصلاً سخنی از این شان نزول که انواع کتابها را پر کرده است به میان نیاورده اند، یا بسیار کم اهمیت جلوه داده اند به طوری که بهیچوجه جلب توجه نکند، آیا محیط آنها اجازه بیان حقیقت را نمی داده و یا پوششهای فکری تعصب آمیز بیش از آن بوده است که برق روشنفکری در اعماق آن نفوذ کند و پرده ها را کنار زند؟! نمی دانیم .

ولی جمعی دیگر نزول آیه را در مورد علی (علیه السلام) مسلم دانسته اند، اما در اینکه دلالت بر مساله ولایت و خلافت دارد تردید نموده اند که اشکال و پاسخ آنها را بزودی بخواست خدا خواهیم شنید .

به هر حال همانطور که در بالا گفتیم روایاتی که در این زمینه در کتب معروف اهل تسنن - تا چه رسد به کتب شیعه

- نقل شده ، بیش از آن است که بتوان آنها را انکار کرد ، و یا به سادگی از آن گذشت نمی دانیم چرا درباره شان نزول سایر آیات قرآن به یک یا دو حدیث قناعت می شود اما درباره شان نزول این آیه اینهمه روایت کافی نیست ، آیا این آیه خصوصیتی دارد که در سایر آیات نیست ؟ و آیا برای اینهمه سختگیری در مورد این آیه دلیل منطقی می توان یافت ؟ موضوع دیگری که در اینجا یادآوری آن ضرورت دارد این است که روایاتی که در بالا ذکر کردیم تنها روایاتی بود که در زمینه نزول آیه درباره علی (علیه السلام) وارد شده است ( یعنی روایاتی مربوط به شان نزول آیه بود ) و گرنه روایاتی که درباره جریان غدیر خم و خطبه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و معرفی علی به عنوان وصی و ولی نقل شده به مراتب بیش از آن است ، تا آنجا که نویسنده محقق علامه امینی در الغدير حدیث غدیر را از 110 نفر از صحابه و یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و با اسناد و مدارک و از 84 نفر از تابعین و از 360 دانشمند و کتاب معروف اسلامی نقل کرده است که نشان می دهد حدیث مزبور یکی از قطعی ترین روایات متواتر است و اگر کسی در تواتر این روایت شک و تردید کند .

باید گفت که او هیچ روایت متواتری را نمی تواند بپذیرد .

چون بحث درباره همه روایاتی که در شان نزول آیه وارد شده و همچنین درباره تمام روایاتی که در مورد حدیث غدیر نقل شده نیاز به نوشتن کتاب قطوری دارد و ما را از طرز نوشتن تفسیر خارج می سازد بهمین اندازه قناعت کرده ، و کسانی را که می خواهند مطالعه بیشتری در این زمینه کنند به کتابهای الدر المنثور سیوطی و الغدير علامه امینی و احقاق الحق قاضی نور الله شوشتری و المراجعات شرف الدین و دلائل الصدق محمد حسن مظفر ارجاع می دهیم .

### خلاصه جریان غدیر

در روایات فراوانی که در این زمینه نقل شده در عین اینکه همه یک حادثه را تعقیب می کند ، تعبیرات گوناگونی وجود دارد ، بعضی از روایات بسیار مفصل و طولانی و بعضی مختصر و فشرده است ، بعضی از روایات گوشه ای از حادثه را نقل می کند و بعضی گوشه دیگر را ولی از مجموع این روایات و همچنین تواریخ اسلامی و ملاحظه قرائن و شرائط و محیط و محل چنین استفاده می شود که : در آخرین سال عمر پیامبر مراسم حجه الوداع ، با شکوه هر چه تمامتر در

حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به پایان رسید ، قلبها در هاله ای از روحانیت فرو رفته بود ، و لذت معنوی این عبادت بزرگ هنوز در ذائقه جانها انعکاس داشت .

یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که عدد آنها فوق العاده زیاد بود ، از خوشحالی درک این فیض و سعادت بزرگ در پوست نمی گنجیدند .

نه تنها مردم به مدینه در این سفر ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را همراهی می کردند بلکه مسلمانان نقاط مختلف جزیره عربستان نیز برای کسب یک افتخار تاریخی بزرگ به همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند .

آفتاب حجاز آتش بر کوهها و دره ها می پاشید ، اما شیرینی این سفر روحانی بی نظیر ، همه چیز را آسان می کرد ، ظهر نزدیک شده بود ، کم کم سرزمین جحفه و سپس بیابانهای خشک و سوزان غدیر خم از دور نمایان می شد .

اینجا در حقیقت چهارراهی است که مردم سرزمین حجاز را از هم جدا می کند ، راهی به سوی مدینه در شمال ، و راهی به سوی عراق در شرق ، و راهی به سوی غرب و سرزمین مصر و راهی به سوی سرزمین یمن در جنوب پیش می رود و در همین جا باید آخرین خاطره و مهمترین فصل این سفر

بزرگ انجام پذیرد ، و مسلمانان با دریافت آخرین دستور که در حقیقت نقطه پایانی در ماموریت‌های موفقیت آمیز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) بود از هم جدا شوند .

روز پنجشنبه سال دهم هجرت بود ، و درست هشت روز از عید قربان می گذشت ، ناگهان دستور توقف از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) به همراهان داده شد ، مسلمانان با صدای بلند ، آلهائی را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند به بازگشت دعوت کردند ، و مهلت دادند تا عقب افتادگان نیز برسند ، خورشید از خط نصف النهار گذشت ، مؤذن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) با صدای الله اکبر مردم را به نماز ظهر دعوت کرد ، مردم به سرعت آماده نماز می شدند ، اما هوا بقدری داغ بود که بعضی مجبور بودند ، قسمتی از عبای خود را به زیر پا و طرف دیگر آن را به روی سر بیفکنند ، در غیر این صورت ریگهای داغ بیابان و اشعه آفتاب ، پا و سر آنها را ناراحت می کرد .

نه سایبانی در صحرا به چشم می خورد و نه سبزه و گیاه و درختی ، جز تعدادی درخت لخت و عریان بیابانی که با گرما ، با سرسختی مبارزه می کردند .

جمعی به همین چند درخت پناه برده بودند ، پارچه ای بر

یکی از این درختان برهنه افکندند و سایبانی برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ترتیب دادند ، ولی بادهای داغ به زیر این سایبان می خزید و گرمای سوزان آفتاب را در زیر آن پخش می کرد نماز ظهر تمام شد، مسلمانان تصمیم داشتند فوراً به خیمه های کوچکی که با خود حمل می کردند پناهنده شوند ، ولی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به آنها اطلاع داد که همه باید برای شنیدن یک پیام تازه الهی که در ضمن خطبه مفصلی بیان می شد خود را آماده کنند .

کسانی که از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فاصله داشتند قیافه ملکوتی او را در لابلای جمعیت نمی توانستند مشاهده کنند .

لذا منبری از جهاز شتران ترتیب داده شد و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بر فراز آن قرار گرفت و نخست حمد و سپاس پروردگار بجا آورد و خود را به خدا سپرد ، سپس مردم را مخاطب ساخت و چنین فرمود : من به همین زودی دعوت خدا را اجابت کرده ، از میان شما می روم .

من مسئول شما هم مسئولید .

شما درباره من چگونه شهادت می دهید ؟ مردم صدا بلند کردند و گفتند : نشهد انک قد بلغت و نصحت و جهدت

فجزاک الله خیرا: ما گواهی می دهیم تو وظیفه رسالت را ابلاغ کردی و شرط خیر خواهی را انجام دادی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی، خداوند ترا جزای خیر دهد.

سپس فرمود: آیا شما گواهی به یگانگی خدا و رسالت من و حقانیت روز رستاخیز و برانگیخته شدن مردگان در آن روز نمی دهید؟! همه گفتند: آری، گواهی می دهیم فرمود:

خداوندا گواه باش!... بار دیگر فرمود: ای مردم! آیا صدای مرا می شنوید؟... گفتند: آری و به دنبال آن، سکوت سراسر بیابان را فرا گرفت و جز صدای زمزمه باد چیزی شنیده نمی شد.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ... اکنون بنگرید با این دو چیز گرانبایه و گرانبه که در میان شما به یادگار می گذارم چه خواهید کرد؟ یکی از میان جمعیت صدا زد، کدام دو چیز گرانبایه یا رسول الله؟!.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بلافاصله گفت: اول ثقل اکبر، کتاب خدا است که یک سوی آن به دست پروردگار و سوی دیگرش در دست شما است، دست از دامن آن برندارید تا گمراه نشوید، و اما دومین یادگار گرانبه در میان خاندان منند و

خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نشوند ، تا در بهشت به من پیوندند ، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهید شد .

ناگهان مردم دیدند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به اطراف خود نگاه کرد گویا کسی را جستجو می کند و همینکه چشمش به علی (علیه السلام) افتاد ، خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد ، آنچنان که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و همه مردم او را دیدند و شناختند که او همان افسر شکست ناپذیر اسلام است ، در اینجا صدای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رساتر و بلندتر شد و فرمود : ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم : چه کسی از همه مردم نسبت به مسلمانان از خود آنها سزاوارتر است ؟ ! .

گفتند : خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داناترند ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت : خدا ، مولی و رهبر من است ، و من مولی و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم ( و اراده من بر اراده آنها مقدم ) سپس فرمود : فمن کنت مولاه فعلی مولاه : هر کس من مولا و رهبر او هستم ، علی ، مولا و رهبر او است - و این سخن را سه بار و به گفته بعضی



از راویان حدیث، چهار بار تکرار کرد و به دنبال آن سر به سوی آسمان برداشت و عرض کرد: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و ادر الحق معه حيث دار: خداوندا! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، محبوب بدار آن کس که او را محبوب دارد، و مبغوض بدار آن کس که او را مبغوض دارد، یارانش را یاری کن، و آنها را که ترک یاریش کنند، از یاری خویش محروم ساز، و حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن.

سپس فرمود: الا فليبلغ الشاهد الغائب: آگاه باشید، همه حاضران وظیفه دارند این خبر را به غائبان برسانند.

خطبه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بپایان رسید، عرق از سر و روی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و علی (علیه السلام) و مردم فرو می ریخت، و هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که امین وحی خدا نازل شد و این آیه را بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خواند: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ...: امروز آئین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: الله اكبر، الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمة و رضی الرب





شک نیست اگر این آیه در غیر مورد خلافت علی (علیه السلام) بود -همانطور که گفتیم- به کمتر از این مقدار از روایات و قرائن موجود در خود آیه قناعت می شد، همانطور که مفسران بزرگ اسلامی در تفسیر سایر آیات قرآن گاهی به یک دهم مدارک موجود در این آیه و یا کمتر قناعت کرده اند، ولی متأسفانه حجاب تعصب در اینجا مانع از قبول بسیاری از واقعیات شده است.

کسانی که پرچم مخالفت در برابر تفسیر این آیه و روایات متعددی که در شان نزول آن و روایات ما فوق تواتری که درباره اصل حادثه غدیر وارد شده برافراشته اند، دو دسته اند: آنهایی که از آغاز با روح عناد و لجاجت و حتی با هتک و توهین و بدگوئی و دشنام به شیعه، وارد این بحث شده اند و دسته دیگری که روح تحقیق و بررسی حقیقت را تا حدودی در خود حفظ کرده و به صورت استدلالی مسأله را تعقیب کرده اند، و به همین دلیل به قسمتی از حقایق اعتراف کرده ولی به دنبال ذکر پاره ای از اشکالات که شاید نتیجه شرائط خاص محیط فکریشان بوده است، از آیه و روایات مربوط به آن گذشته اند.

نمونه بارز دسته اول ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه است که درست مانند کسی است که در روز روشن چشم خود را بر هم گذارد و انگشتها را محکم در گوش کند و فریاد بزند خورشید کجا است؟ نه حاضر است گوشه چشم را بگشاید و کمی از حقایق را ببیند و نه انگشت از گوش بردارد و کمی از غوغای محدثان و مفسران اسلامی را بشنود پی در پی دشنام می دهد و هتاک می کند، عذر این افراد جهل و بی خبری و تعصبات آمیخته با لجاجت و خشونت آنها است که تا

انکار بدیهیات و مسائل واضحی که هر کس آن را درک می کند پیش می رود، لذا ما هرگز زحمت نقل سخنان آنها را بخود و زحمت شنیدن پاسخ آنها به خوانندگان نمی دهیم، کسی که در برابر اینهمه دانشمندان و مفسران بزرگ اسلامی که اکثریت آنها از علمای اهل تسنند و به نزول آیه در شان علی (علیه السلام) تصریح کرده اند، با کمال وقاحت می گوید: احدی از دانشمندان در کتاب خود چنین چیزی را نقل نکرده! در مقابل او چه می توانیم بگوئیم و سخن او چه ارزشی دارد که روی آن بحث کنیم.

جالب اینکه ابن تیمیه برای تبرئه خود در برابر کتابهای معتبر فراوانی که به نزول آیه درباره علی (علیه السلام) تصریح

می کند ، با این جمله مضحک که احدی از دانشمندانی که می دانند چه می گویند ، این آیه را در شان علی (علیه السلام) نمی داند ! اکتفا کرده است .

گویا تنها دانشمندانی می فهمند چه می گویند که با تمایلات افراطی عناد آلود و لجوجانه ابن تیمیه هم صدا باشند و گر نه هر کس هم صدا نشد ، دانشمندی است که نمی فهمد چه می گوید ! این منطق کسی است که خود خواهی و لجاج بر فکر او سایه شوم افکنده است ... از این دسته بگذریم .

ولی از میان ایراداتی که دسته دوم ذکر کرده اند چند موضوع قابل بحث است که ذیلا از نظر می گذرانیم :

1- آیا مولی به معنی اولی به تصرف است ؟

مهمترین ایرادی که در مورد روایت غدیر می شود ، این است که مولی از جمله به معنی دوست و یار و یاور آمده است ، و معلوم نیست در اینجا به این معنی نباشد .

پاسخ این سخن ، پیچیده نیست ، زیرا هر ناظر بی طرفی می داند تذکر و یادآوری دوستی علی (علیه السلام) نیاز به اینهمه مقدمات و تشکیلات و خطبه خوانی در وسط بیابان

ص:42

خشک و سوزان و متوقف ساختن جمعیت و گرفتن اعترافهای پی در پی از جمعیت، ندارد، دوستی مسلمانان با یکدیگر یکی از بدیهی ترین مسائل اسلامی است که از آغاز اسلام وجود داشته است.

و آنگهی این مطلبی نبود که پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تا آن زمان آن را تبلیغ نکرده باشد، بارها آن را تبلیغ کرده بود.

چیزی نبود که از ابراز آن وحشت داشته باشد تا خدا به او دلداری تامین دهد.

مساله ای نبود که خداوند با این لحن که اگر ابلاغ آن را نکنی تبلیغ رسالت نکرده ای با پیامبرش سخن بگوید.

همه اینها گواهی می دهد، مساله مافوق یک دوستی ساده و عادی بوده که جزء الفبای اخوت اسلامی از روز اول اسلام محسوب می شده است.

به علاوه اگر منظور بیان یک دوستی ساده بود، چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) قبلا از مردم اقرار می گیرد (ألست أولى بكم من أنفسكم) آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و صاحب اختیارتر نیستم؟ آیا این جمله هیچ تناسبی با بیان یک دوستی ساده دارد؟ و نیز یک دوستی ساده جای این نداشت که مردم حتی شخص عمر به علی (علیه السلام) با این

جمله اصبحث مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه : ای علی تو مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان شدی تبریک و تهنیت بگویند و آنرا یک موفقیت تازه بشمرند مگر علی (علیه السلام) تا آن روز به عنوان یک مسلمان عادی که دوستیش بر همه لازم است شناخته نشده بود ، مگر دوستی مسلمانان با یکدیگر چیز تازه ای بود که نیاز به تبریک داشته باشد آن هم در سال آخر عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) .

به علاوه رابطه ای میان حدیث ثقلین و تعبیرات آمیخته با وداع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مساله دوستی علی (علیه السلام) می تواند وجود داشته باشد ، دوستی ساده علی (علیه السلام) با مؤمنان ایجاب نمی کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را در ردیف قرآن قرار دهد .

آیا هر ناظر بی طرفی از این تعبیر نمی فهمد که در اینجا مساله رهبری مطرح است ، زیرا قرآن بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نخستین رهبر مسلمانان و بنابر این اهل بیت (علیهم السلام) دومین رهبر بوده اند .

## 2- ارتباط آیات

گاهی گفته می شود آیات قبل و بعد درباره اهل کتاب و



خلافکاریهای آنها است ، مخصوصا نویسنده تفسیر المنار در جلد 6 صفحه 466 روی این مساله ، پا فشاری زیادی کرده است .

ولی همانطور که در تفسیر خود آیه گفتیم این موضوع اهمیت ندارد ، زیرا

اولا لحن آیه و تفاوت آن با آیات قبل و بعد ، کاملا نشان میدهد که موضوع سخن در این آیه ، موضوعی است که با آیات قبل و بعد تفاوت دارد و ثانیا همانطور که بارها گفته ایم ، قرآن یک کتاب کلاسیک نیست که مطالب آن در فصول و ابواب معینی دسته بندی شده باشد ، بلکه طبق نیازها و حوادث مختلف و رویدادها نازل گردیده است ، لذا مشاهده می کنیم قرآن در حالی که درباره یکی از غزوات بحث می کند فی المثل یک حکم فرعی را به میان می آورد ، و در حالی که درباره یهود و نصاری سخن می گوید ، روی سخن را به مسلمانان کرده و یکی از دستورهای اسلامی را برای آنها بازگو می کند ( برای توضیح بیشتر مجددا به بحثی که در آغاز تفسیر آیه داشتیم مراجعه فرمائید )

عجیب اینکه بعضی از متعصبان اسرار دارند که بگویند این آیه در آغاز بحث نازل شده است ، با اینکه سوره مائده در

ص:45

اواخر عمر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده و اگر بگویند: این یک آیه در مکه در آغاز بعثت نازل شده و سپس به تناسب در لابلای آیات این سوره قرار داده شده می گوئیم:

این درست ضد آن است که شما آن را می جوئید و می طلبید، زیرا می دانیم که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آغاز بعثت نه مبارزه با یهود داشت و نه با نصاری، بنابر این پیوند این آیه و آیات قبل و بعد بریده خواهد شد (دقت کنید) اینها همه نشان می دهد که این آیه در معرض وزش طوفان تعصب قرار گرفته و به همین دلیل احتمالاتی در آن مطرح می شود که در آیات مشابه آن به هیچوجه از آن سخنی نیست، هر یک می کوشد با بهانه و یا دستاویز بی اساسی آن را از مسیرش منحرف سازد!

3- آیا این حدیث در همه کتب صحاح نقل شده؟!

بعضی می گویند: چگونه می توانیم این حدیث را بپذیریم، در حالی که بخاری و مسلم آن را در دو کتاب خود نقل نکرده اند.

این ایراد نیز از عجائب است زیرا اولاً بسیار است احادیث معتبری که دانشمندان اهل تسنن آنها را پذیرفته اند و در صحیح بخاری و مسلم نیست و این نخستین حدیثی نیست

که این وضع را بخود گرفته ، ثانياً مگر کتاب معتبر نزد آنها منحصر به این دو کتاب است ، با اینکه در سایر منابع مورد اعتماد آنها حتی بعضی از صحاح سته ( شش کتاب معروف و مورد اعتماد اهل سنت ) مانند سنن ابن ماجه و مسند احمد حنبل این حدیث آمده است و دانشمندانی مانند حاکم و ذهبی و ابن حجر با تمام شهرت و تعصبی که دارند به صحیح بودن بسیاری از طرق این حدیث ، اعتراف کرده اند ، بنابر این هیچ بعید نیست بخاری و مسلم در آن جو خاص و خفقان آلود محیط خود نتوانسته و یا نخواسته اند چیزی را که بر خلاف مذاق زمامداران وقتشان بوده است ، صریحاً در کتاب خود بیاورند .

#### 4- چرا علی (علیه السلام)

و اهل بیت به این حدیث استدلال نکردند ؟ ! بعضی می گویند : اگر حدیث غدیر با این عظمت وجود داشت ، چرا خود علی (علیه السلام) و اهل بیت او و یاران و علاقمندانش در موارد لزوم به آن استدلال نکردند ؟ ! آیا بهتر نبود که آنها به چنین مدرک مهمی برای اثبات حقانیت علی (علیه السلام) استناد بجویند ؟ این ایراد نیز از عدم احاطه به کتب اسلامی ، اعم از حدیث و تاریخ و تفسیر ، سرچشمه گرفته است ، زیرا

در کتب دانشمندان اهل تسنن موارد زیادی نقل شده که خود علی (علیه السلام) و یا ائمه اهل بیت (علیهم السلام) و یا علاقمندان به این مکتب با حدیث غدیر استدلال کرده اند : از جمله خود علی (علیه السلام) در روز شوری طبق نقل خطیب خوارزمی حنفی در

مناقب از عامر بن واصله چنین نقل می کند : در روز شوری با علی (علیه السلام) در آن خانه بودم و شنیدم که با اعضای شوری چنین می گفت : دلیل محکمی برای شما اقامه می کنم که عرب و عجم توانائی تغییر آن را نداشته باشند : شما را بخدا سوگند آیا در میان شما کسی هست که قبل از من خدا را به یگانگی خوانده باشد ( و سپس مفاخر معنوی خاندان رسالت را برشمرد تا رسید به اینجا ) شما را بخدا سوگند آیا در میان شما احدی جز من هست که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در حق او گفته باشد .

من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وانصر من نصره ليلغ الشاهد الغائب همه گفتند : نه این روایت را حموی در فرائد السمطين در باب 58 و همچنین ابن حاتم در دار النظم و دارقطنی و ابن عقده و ابن ابی الحديد در شرح نهج البلاغه نقل کرده اند .

و نیز می خوانیم که علی (علیه السلام) بنا به نقل فراند السمطین در باب 58 در ایام عثمان در مسجد در حضور جمعیت به جریان غدیر استدلال کرد، و همچنین در کوفه در برابر کسانی که نص بر خلافت بلافصل او را از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) انکار میکردند صریحا به این روایت استدلال کرد.

این حدیث را طبق نقل الغدیر چهار نفر از صحابه، و چهارده نفر از تابعین طبق نقل منابع معروف اهل تسنن روایت کرده اند.

و نیز در روز جنگ جمل طبق نقل حاکم در کتاب مستدرک جلد سوم صفحه 371 در برابر طلحه با آن استدلال فرمود.

و نیز در روز جنگ صفین طبق نقل سلیم بن قیس هلالی علی (علیه السلام) در لشکرگاه خود در برابر جمعی از مهاجرین و انصار و مردمی که از اطراف گرد آمده بودند، به این حدیث استدلال کرد، و دوازده نفر از بدریین (کسانی که

جنگ بدر را در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درک کرده بودند) برخاستند و گواهی دادند که این حدیث را از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیده اند! بعد از علی (علیه السلام) بانوی اسلام فاطمه زهرا س و امام حسن و امام حسین و عبد

الله بن جعفر و عمار یاسر و قیس بن سعد و عمر بن عبد العزیز و مامون خلیفه عباسی به آن استناد جستند و حتی عمرو بن عاص در نامه ای که به معاویه نوشت برای اینکه به او اثبات کند بخوبی از حقایق مربوط به موقعیت علی (علیه السلام) و وضع معاویه آگاه است صریحا مساله غدیر را یادآوری کرده و خطیب خوارزمی حنفی در کتاب مناقب صفحه 124 آن را نقل کرده است ( کسانی که مایل به توضیحات بیشتر و آگاهی از منابع مختلف این روایات در زمینه استدلال علی (علیه السلام) و اهل بیت و جمعی از صحابه و غیر صحابه به حدیث غدیر هستند می توانند به کتاب الغدیر جلد اول صفحات 159 تا 213 مراجعه کنند ، مرحوم علامه امینی استدلال به این حدیث را از 22 تن از صحابه و غیر صحابه در موارد مختلف نقل کرده است ) .

5- جمله آخر آیه چه مفهومی دارد ؟

میگویند : اگر این آیه مربوط به نصب علی (علیه السلام) به خلافت و ولایت و داستان غدیر خم است پس این جمله آخر که می گوید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ : خداوند قوم کافر را هدایت نمی کند چه ارتباطی با این مساله می تواند

ص:50

داشته باشد؟ برای پاسخ به این ایراد کافی است بدانیم که کفر در لغت و همچنین در لسان قرآن به معنی انکار و مخالفت و ترک است، گاهی به انکار خدا و یا نبوت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اطلاق می شود و گاهی به انکار و یا مخالفت در برابر دستورات دیگر، در سوره آل عمران آیه 97 در مورد حج می خوانیم: وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ: کسانی که دستور حج را زیر پا بگذارند و با آن مخالفت نمایند به خدا زیانی نمی رسانند خداوند از همه جهانیان بی نیاز است و در سوره بقره آیه 102 درباره

تفسیر نمونه ج: 5 ص: 22

ساحران و آنها که آلوده به سحر شدند اطلاق کلمه کفر شده است (و ما يعلمان من احد حتی یقولا انما نحن فتنه فلا تکفر) و نیز در آیه 22 سوره ابراهیم می بینیم که شیطان در برابر کسانی که از او پیروی و اطاعت کردند در روز رستاخیز صریحا اظهار تنفر کرده و به آنها می گوید: شما در اطاعت او امر الهی مرا شریک او ساختید و من امروز نسبت به این کار شما کفر می ورزم (إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ) بنابر این اطلاق کفر بر مخالفان مساله ولایت و رهبری جای تعجب نیست.

ص: 51

بهبانه دیگری که برای سرباز زدن از این حدیث متواتر و همچنین آیه مورد بحث ذکر کرده اند این است که اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) علی (علیه السلام) را در غدیر خم به ولایت و رهبری و خلافت نصب کرده باشد ، لازمه اش وجود دو رهبر و دو پیشوا در زمان واحد خواهد بود ! ولی توجه به شرائط و اوضاع خاص زمان نزول آیه و ورود حدیث و همچنین قرائنی که در گفتار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وجود دارد این بهانه را به کلی برطرف می کند ، زیرا می دانیم که این جریان در ماههای آخر عمر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) واقع شد ، در حالی که او آخرین دستورات را به مردم ابلاغ می کرد به خصوص اینکه صریحا فرمود : من بزودی از میان شما می روم و دو چیز گرانمایه را در میان شما می گذارم .

کسی که این سخن را می گوید پیدا است در صدد تعیین جانشین خویش است و برای آینده برنامه ریزی می کند نه برای زمان حاضر ، بنابر این روشن است که منظورش وجود دو رهبر و دو پیشوا در زمان واحد نیست .

موضوع جالب توجه اینکه در حالی که بعضی از دانشمندان اهل تسنن این ایراد را مطرح می کنند بعضی دیگر



ایرادی درست در نقطه مقابل آن مطرح کرده اند و آن اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ولایت و خلافت علی (علیه السلام) را تعیین کرد ولی

تاریخ آن را روشن نساخت چه مانعی دارد که این ولایت و خلافت بعد از سه خلیفه دیگر باشد؟! راستی حیرت آور است، بعضی از این طرف بام می افتند و بعضی از آن طرف، و تعصبها مانع می شود که روی متن قضیه تکیه کنند، باید کسی از آنها سؤال کند که اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می خواست چهارمین خلیفه خود را تعیین کند و در فکر آینده مسلمانان بود پس چرا خلیفه اول و دوم و سوم خود را که مقدم بر او بودند و تعیین آن لازمتر بود در مراسم غدیر بیان نکرد؟! بار دیگر گفته سابق خود را تکرار می کنیم و این بحث را پایان می دهیم که اگر نظره‌های خاصی در کار نبود این همه اشکال تراشی در زمینه این آیه و این حدیث نمی شد، همانطور که در موارد دیگر نشده است.

تفسیر نمونه ج: 5 از ص: 2 ببعده.

تفسیر نمونه ج: 4 ص: 263 ببعده.

( الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ) .

ص: 53

در اینجا بحث مهمی پیش می آید که منظور از الیوم (امروز) که در دو جمله بالا تکرار شده چیست ؟ یعنی کدام روز است که این چهار جهت در آن جمع شده هم کافران در آن مایوس شده اند ، و هم دین کامل شده ، و هم نعمت خدا تکامل یافته ، و هم خداوند آئین اسلام را به عنوان آئین نهائی مردم جهان پذیرفته است .

در میان مفسران در اینجا سخن بسیار است ولی آنچه جای شک نیست این است که چنین روزی باید روز بسیار مهمی در تاریخ زندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد ، نه یک روز ساده و عادی و معمولی ، زیرا اینهمه اهمیت برای یک روز عادی معنی ندارد ، و لذا در پاره ای از روایات آمده است که بعضی از یهود و نصاری با شنیدن این آیه گفتند اگر چنین آیه ای در کتب آسمانی ما نقل شده بود ، ما آن روز را روز عید قرار می دادیم .

اکنون باید از روی قرائن و نشانه ها و تاریخ نزول این آیه و این سوره و تاریخ زندگانی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و روایاتی که از منابع مختلف اسلامی بدست ما رسیده این روز

مهم را پیدا کنیم .

آیا منظور روزی است که احکام بالا در باره گوشت‌های حلال و حرام نازل شده ؟ قطعاً چنین نیست ، زیرا نزول این احکام واجد این همه اهمیت نیست نه باعث تکمیل دین است زیرا آخرین احکامی نبوده که بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده ، بدلیل اینکه در دنباله این سوره به احکام دیگری نیز برخورد میکنیم ، و تازه یاس کفار می شود ، فراهم ساختن پشتوانه محکمی برای آینده اسلام است ، و به عبارت دیگر نزول این احکام و مانند آن تاثیر چندانی در روحیه کافران ندارد و اینکه گوشت‌هایی حلال یا حرام باشد آنها حساسیتی روی آن ندارند .

آیا منظور از آن روز عرفه در آخرین حج پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است ؟ ! ( همانطور که جمعی از مفسران احتمال داده اند ) .

پاسخ این سؤال نیز منفی است ، زیرا نشانه های فوق بر آن روز نیز تطبیق نمیکند ، چون حادثه خاصی که باعث یاس کفار بشود در آن روز واقع نشد ، اگر منظور انبوه اجتماع مسلمانان است که قبل از روز عرفه نیز در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مکه بودند و اگر منظور نزول احکام

ص:55

فوق در آن روز است که آن نیز همانطور که گفتیم چیز وحشتناکی برای کفار نبود .

و آیا مراد روز فتح مکه است ( چنانکه بعضی احتمال داده اند ) با اینکه تاریخ نزول این سوره مدتها بعد از فتح مکه بوده است ؟ ! و یا منظور روز نزول آیات سوره براءت است که آنهم مدتها قبل از نزول این سوره بوده است ؟ ! و از همه عجیبتتر احتمالی است که بعضی داده اند که این روز ، روز ظهور اسلام و یا بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد با اینکه آنها هیچگونه ارتباطی با روز نزول این آیه ندارند و سالهای متمادی در میان آنها فاصله بوده است .

بنا بر این هیچیک از احتمالات ششگانه فوق با محتویات آیه سازگار نیست .

در اینجا احتمال دیگری هست که تمام مفسران شیعه آن را در کتب خود آورده اند و روایات متعددی آن را تایید می کند و با محتویات آیه کاملاً سازگار است و آن اینکه : منظور روز (غدیر خم) است ، روزی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را رسماً برای جانشینی خود تعیین کرد ، آن روز بود که کفار در میان امواج یاس فرو رفتند ، زیرا انتظار داشتند که آئین اسلام قائم به شخص باشد ، و با از

میان رفتن پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اوضاع به حال سابق برگردد ، و اسلام تدریجا برچیده شود ، اما هنگامی که مشاهده کردند مردی که از نظر علم و تقوا و قدرت و عدالت بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در میان مسلمانان بی نظیر بود بعنوان جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) انتخاب شد و از مردم برای او بیعت گرفت یاس و نومیدی نسبت به آینده اسلام آنها را فرا گرفت و فهمیدند که آئینی است ریشه دار و پایدار .

در این روز بود که آئین اسلام به تکامل نهائی خود رسید ، زیرا بدون تعیین جانشین برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان ، این آئین به تکامل نهائی نمی رسید .

آن روز بود که نعمت خدا با تعیین رهبر لایقی همچون علی (علیه السلام) برای آینده مردم تکامل یافت .

و نیز آن روز بود که اسلام با تکمیل برنامه هایش بعنوان آئین نهائی از طرف خداوند پذیرفته شد ( بنابراین جهات چهارگانه در آن جمع بوده ) .

علاوه بر این ، قرائن زیر نیز این تفسیر را تایید می کند :

الف - جالب توجه اینکه در تفسیر فخر رازی و تفسیر روح

المعانی و تفسیر المنار در ذیل این آیه نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از نزول این آیه بیش از هشتاد و یک روز عمر نکرد .

و با توجه به اینکه وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در روایات اهل تسنن و حتی در بعضی از روایات شیعه (مانند آنچه کلینی در کتاب معروف کافی نقل کرده است) روز دوازدهم ماه ربیع الاول بوده چنین نتیجه می گیریم که روز نزول آیه درست روز هیجدهم ذی الحجه بوده است .

ب- در روایات فراوانی که از طرق معروف اهل تسنن و شیعه نقل شده صریحا این مطلب آمده است که آیه شریفه فوق در روز غدیر خم و به دنبال ابلاغ ولایت علی (علیه السلام) نازل گردید ، از جمله اینکه :

1- دانشمند معروف سنی ابن جریر طبری در کتاب ولایت از زید بن ارقم صحابی معروف نقل می کند که این آیه در روز غدیر خم در باره علی (علیه السلام) نازل گردید .

2- حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی (علیه السلام) از ابو سعید خدری (صحابی معروف) نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در غدیر خم ، علی (علیه السلام) را به عنوان ولایت به مردم معرفی کرد و مردم

متفرق نشده بودند تا اینکه آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ ... نازل شد ، در این موقع پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتی و بالولایه لعلى (علیه السلام) من بعدی ، ثم قال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله : الله اكبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی (علیه السلام) بعد از من ، سپس فرمود : هر کس من مولای اویم علی (علیه السلام) مولای او است ، خداوندا ! آن کس که او را دوست بدارد دوست بدار ، و آن کس که او را دشمن دارد ، دشمن بدار ، هر کس او را یاری کند یاری کن و هر کس دست از یاریش بردارد دست از او بردار .

3 - خطیب بغدادی در تاریخ خود از ابو هریره از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین نقل کرده که بعد از جریان غدیر خم و پیمان ولایت علی (علیه السلام) و گفتار عمر بن خطاب .

بخ یا بن ابی طالب اصبحت مولای و مولا کل مسلم .

آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ نازل گردید .

در کتاب نفیس الغدير علاوه بر روایات سه گانه فوق سیزده روایت دیگر نیز در این زمینه نقل شده است .

در کتاب احقاق الحق از جلد دوم تفسیر ابن کثیر صفحه 14 و از مقتل خوارزمی صفحه 47 نزول این آیه را در باره داستان غدیر از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده است .

در تفسیر برهان و نور الثقلین نیز ده روایت از طرق مختلف نقل شده که این آیه در باره علی (علیه السلام) یا روز غدیر خم نازل گردیده ، که نقل همه آنها نیازمند به رساله جداگانه است .

مرحوم علامه سید شرف الدین در کتاب المراجعات چنین می گوید : که نزول این آیه را در روز غدیر در روایات صحیحی که از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده ذکر گردیده و اهل سنت ، شش حدیث با اسناد مختلف از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه نقل کرده اند که صراحت در نزول آیه در این جریان دارد .

از آنچه در بالا- گفتیم روشن می شود که : اخباری که نزول آیه فوق را در جریان غدیر بیان کرده در ردیف خبر واحد نیست که بتوان با تضعیف بعضی اسناد آن ، آنها را نادیده گرفت بلکه اخباری است که اگر متواتر نباشد لااقل مستفیض است ، و در منابع معروف اسلامی نقل شده ، اگر چه بعضی



از دانشمندان متعصب اهل تسنن، مانند آلوسی در تفسیر روح المعانی تنها با تضعیف سند یکی از این اخبار کوشیده اند بقیه را به دست فراموشی بسپارند و چون روایت را بر خلاف مذاق خویش دیده اند مجعول و نادرست قلمداد کنند، و یا مانند نویسندگان تفسیر المنار با تفسیر ساده ای از آیه گذشته، بدون اینکه کمترین اشاره ای به این روایات کند، شاید خود را در بن بست دیده که اگر بخواهد روایات را ذکر کرده و تضعیف کند بر خلاف انصاف است و اگر بخواهد قبول کند بر خلاف مذاق او است! نکته جالبی که باید در اینجا به آن توجه کرد این است که قرآن در سوره نور آیه 55 چنین می گوید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَ اللَّهُ لَهُمْ الْأَرْضَ كَمَا اسَّيَّسَ لَهُمُ الْأَرْضَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... خداوند به آنهایی که از شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است که آنها را خلیفه در روی زمین قرار دهد همانطور که پیشینیان آنانرا چنین کرد، و نیز وعده داده آئینی را که برای آن پسندیده است مستقر و مستحکم گرداند و بعد از ترس به آنها آرامش بخشد.

در این آیه خداوند می فرماید: آئینی را که برای آنها

پسندیده در روی زمین مستقر می سازد ، با توجه به اینکه سوره نور قبل از سوره مائده نازل شده است و با توجه به جمله رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِيناً که در آیه مورد بحث ، در باره ولایت علی (علیه السلام) نازل شده ، چنین نتیجه می گیریم که اسلام در صورتی در روی زمین مستحکم و ریشه دار خواهد شد که با ولایت توأم باشد ، زیرا این همان اسلامی است که خدا پسندیده و وعده استقرار و استحکامش را داده است ، و به عبارت روشنتر اسلام در صورتی عالمگیر می شود که از مساله ولایت اهل بیت جدا نگردد .

مطلب دیگری که از ضمیمه کردن آیه سوره نور با آیه مورد بحث استفاده می شود این است که در آیه سوره نور سه وعده به افراد با ایمان داده شده است نخست خلافت در روی زمین ، و دیگر امنیت و آرامش برای پرستش پروردگار ، و سوم استقرار آئینی که مورد رضایت خدا است .

این سه وعده در روز غدیر خم با نزول آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... جامه عمل بخود پوشید زیرا نمونه کامل فرد با ایمان و عمل صالح ، یعنی علی (علیه السلام) به جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نصب شد و به مضمون جمله الْيَوْمَ يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ مسلمانان در آرامش و امنیت نسبی قرار

گرفتند و نیز به مضمون وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِيناً آئین مورد رضایت پروردگار در میان مسلمانان استقرار یافت .

البته این تفسیر منافات با روایاتی که می گوید آیه سوره نور در شأن مهدی (علیه السلام) نازل شده ندارد زیرا آمنا منکم ...

دارای معنی وسیعی است که یک نمونه آن در روز غدیر خم انجام یافت و سپس در یک مقیاس وسیعتر و عمومی تر در زمان قیام مهدی (علیه السلام) انجام خواهد یافت ( بنابراین کلمه الارض در آیه به معنی همه کره زمین نیست بلکه معنی وسیعی دارد که هم ممکن است بر تمام کره زمین گفته شود ، و هم به قسمتی از آن ، چنانکه از موارد استعمال آن در قرآن نیز استفاده می شود که گاهی بر قسمتی از زمین اطلاق شده و گاهی بر تمام زمین ) ( دقت کنید ) .

یک سؤال لازم

تنها سؤالی که در مورد آیه باقی می ماند این است که اولاً طبق اسناد فوق و اسنادی که در ذیل آیه یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ خواهد آمد هر دو مربوط به جریان غدیر است ، پس چرا در قرآن میان آن دو فاصله افتاده ؟ ! یکی آیه 3 سوره مائده و دیگری آیه 67 همین سوره است .

ثانیا این قسمت از آیه که مربوط به جریان غدیر است

ص: 63

ضمیمه به مطالبی شده که در باره گوشت‌های حلال و حرام است و در میان این دو تناسب چندانی به نظر نمی‌رسد .

در پاسخ باید گفت :

اولا می‌دانیم آیات قرآن ، و همچنین سوره‌های آن ، بر طبق تاریخ نزول جمع‌آوری نشده است بلکه بسیاری از سوره‌هایی که در مدینه نازل شده مشتمل بر آیاتی است که در مکه نازل گردیده و بعکس آیات مدنی را در لابلائی سوره‌های مکی مشاهده می‌کنیم .

با توجه به این حقیقت جدا شدن این دو آیه از یکدیگر در قرآن جای تعجب نخواهد بود ( البته طرز قرار گرفتن آیات هر سوره تنها به فرمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است ) آری ، اگر آیات بر طبق تاریخ نزول جمع‌آوری شده بود جای این ایراد بود .

ثانیا ممکن است قرار دادن آیه مربوط به غدیر در لابلائی احکام مربوط به غذا‌های حلال و حرام برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد ، زیرا بسیار می‌شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس آن را با مطالب ساده ای می‌آمیزند تا کمتر جلب توجه کند ( دقت کنید ) .

حوادثی که در آخرین ساعات عمر پیامبر

ص: 64

(صلی الله علیه وآله وسلم) واقع شد ، و مخالفت صریحی که از طرف بعضی افراد برای نوشتن وصیتنامه از طرف پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به عمل آمد تا آنجا که حتی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را (العیاذ بالله ) متهم به هذیان و بیماری ! و گفتن سخنان ناموزون کردند ، و شرح آن در کتب معروف اسلامی اعم از کتب اهل تسنن و شیعه نقل شده شاهد گویائی است بر اینکه بعضی از افراد حساسیت خاصی در مساله خلافت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داشتند و برای انکار آن حد و مرزی قائل نبودند ! .

آیا چنین شرائطی ایجاب نمی کرد که برای حفظ اسناد مربوط به خلافت و رساندن آن به دست آیندگان چنین پیش بینی هائی بشود و با مطالب ساده ای آمیخته گردد که کمتر جلب توجه مخالفان سر سخت را کند ؟ ! .

از این گذشته - همانطور که دانستیم - اسناد مربوط به نزول آیه اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ در باره غدیر و مساله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تنها در کتب شیعه نقل نشده است که چنین ایرادی متوجه شیعه شود ، بلکه در بسیاری از کتب اهل تسنن نیز آمده است ، و به طرق متعددی این حدیث از سه نفر از صحابه معروف (خلفای سه گانه) نقل شده است .

## فضائل امام علی (علیه السلام) در کلام خلفا

### اشاره

همه صاحبان عقل و دانش می دانند فضیلت و کمال بی انتهای علی علیه السلام و خاندان پاک آن حضرت به اندازه ای درخشنده است که هیچ کس و هیچ چیز قادر به جلوگیری از پرتو افکنی آن نیست.

در طول تاریخ اسلام، گروههای زیاد با ترفندهای گوناگون خواستند، از انتشار فضایل و مناقب آنحضرت و از رسیدن روایات بشمار، درباره آن مظلوم تاریخ، به دست نسل های بعدی، (باتحریم سردمداران باطل از نوشتن و روایت آنها، حد اقل یک قرن و تا دوران زمامداری عمر بن عبدالعزیز اموی)، جلوگیری نمایند، اما موفق نشدند.

جالب اینکه از زبانهای همین سردمداران، کلمات و عباراتی، بیرون آمده و قسمتی از آنها را، تاریخ ثبت و ضبط نموده که واقعا، جای شگفتی و برحق و با حق بودن آن بزرگوار، دلالت می نماید.

مانند کلمات و مرویات خلفای سه گانه و اتباعش می باشد

که دانستن این مطالب از چند جهت مورد توجه و اهمیت است:

اولاً مقام رفیع امیر المؤمنین علی علیه السلام را از زبان کسانی که به عنوان بعضی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح بودند، و سخنان آن حضرت را شنیدند، می شناسیم. ثانیاً: به طور قطع، میزان شناخت پیروان مذاهب مختلف عامه با مطالعه این مطالب، نسبت به آن حضرت بیشتر و کاملتر خواهد شد. و تحولی نو در آنان پدید خواهد آمد. (مانند، فؤاد فاروقی، یکی از نویسندگان اهل سنت که در مورد عظمت و مقام رفیع علی علیه السلام کتب متعددی تألیف کرده، در صفحه 260 از کتاب «بیست و پنج سال سکوت علی علیه السلام» در مورد آغاز شناخت وسیعتر خود نسبت به شخصیت برجسته اسلام یعنی علی علیه السلام چنین می نویسد: «به یاد آوردن این که چه زمانی با نام مبارک علی علیه السلام آشنا شده ام برایم ممکن نیست، اما خوب به خاطر می آورم که چه زمانی شیفته اش شدم: زمانی که اقدام به جمع آوری سخنان» (عمر بن خطاب) درباره این شخصیت ممتاز عالم اسلام، کردم. جملات سپاسمندان و ستایشگران عمر، سردار بزرگ سده نخستین برقراری اسلام، مرا مجذوب علی علیه السلام کرد...

ثالثاً: از این طریق، ماهیت کسانی که بعد از پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم، سفارشها و وصایای آن حضرت را در مورد خلافت و ولایت علی علیه السلام نادیده گرفته و با ایجاد شورای انحصاری، اقدام به تعیین خلیفه برای مسلمین کردند، کاملاً روشن می شود. در ادامه همین مباحث، سخنان و روایاتی که عایشه در زمینه عظمت علی علیه السلام بیان کرده است نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت و نیز گفتارها و اظهار نظرهای گروهی از بزرگان و علمای اهل سنت را در دیدگاه عزیزان قرار می دهیم تا خود به حقیقت، پی برده و منصفانه، قضاوت نمایند.

اکنون به ترتیب و به صورت جداگانه قسمتی از سخنان و مرویات آنان را مورد دقت و توجه قرار می دهیم :

## 1- سخنان و مرویات ابوبکر بن ابی قحافه

### اشاره

#### 1- جواز عبور از صراط

عن قیس بن حازم قال: التقی ابو بکر الصدیق و علی بن ابی طالب، فتبسّم ابو بکرفی وجه علیّ فقال له ما لک تبسّمت؟ قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: لا یجوز احد الصّراط الا من کتب له علیّ الجواز. نقل از سید جواد مهری در

ص: 68



مقدمه کتاب «آنگاه هدایت شدم» تألیف دکتر سید محمد تیجانی سماوی ص 2 به نقل از: ابان السمان در الموافقه، ص 137، و ابن حجر در الصواعق المحرقة، ص 126 و ابن مغازلی شافعی در مناقب علی علیه السلام ص 119

از قیس بن حازم روایت شد که: ابوبکر با علی بن ابی طالب ملاقات کرد، پس ابوبکر به چهره علی علیه السلام نگاه کرده و تبسم می نمود، علی علیه السلام به او فرمود: چرا تبسم می کنی؟ گفت: شنیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هیچ کس بر صراط نمی گذرد، مگر کسی که علی برایش گذرنامه صادر کرده باشد.

2- ابوبکر:

هرکس دوست دارد به مردی بنگرد که نزد رسول خدا «ص» عظیم ترین منزلت را داشت و قرابتش نیز به آن جناب نزدیک تر و دخالتش در رفع حوائج آن جناب و بی نیازی خودش از دیگران بیشتر بود به این مرد یعنی علی نگاه کند.

کنز العمال، ج 13، ص 115

3- دست من و علی در عدالت، مساویست

... فقال ابوبکر: صدق الله و رسوله، قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ليله الهجرة، ونحن خارجان من الغار نريد المدينة: كفى و كف علی فی العدل سواء.

ص: 69

...ابوبکر گفت: خدا و رسولش راست گفتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شب هجرت در حالی که بیرون از غار بودیم و اراده رفتن (به مدینه را داشتیم به من فرمود: دست من و دست علی در عدل و داد برابر است.

(ابن مغزلی در مناقب، حدیث 170، ص 129، و ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 438، اواخر حدیث 953) شرح محمودی (شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب مناقب السبعون، ص 277، حدیث 17 و ص 300، متقی هندی در کنز العمال، ج 11، ص 604) مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم)، و دیگران).

### نگاه کردن به روی علی عبادت است

جمله (النظر إلى وجه عليّ عباده) در روایات از خلفای سه گانه و عایشه آمده است که در فصل مربوط به هر کدام، خواهد آمد.

4 - عن عائشه قالت: رأيت أبا بكر الصديق يكثر النظر إلى وجه عليّ بن أبي طالب فقلت: يا أباه إنك لتكثر النظر إلى عليّ بن أبي طالب فقال لي: يا بنيّه سمعت رسول الله يقول: النظر إلى وجه عليّ عباده. از عائشه نقل شده است که گفت: دیدم که ابوبکر زیاد به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می کند، پس

ص: 70

گفتم: ای پدر! شما زیاد به چهره علی بن ابی طالب نگاه می کنی! پس به من گفت: ای دخترم! از رسول خدا شنیدیم که می گفت: نگاه کردن به چهره علی عبادت است.

(الصواعق المحرقة علی أهل الرضى والضلال والزندقه، ج 2، ص 517، مؤسسه الرساله؛ المعجم الكبير، ج 10، ص 76، ح 10006، مکتبه الزهراء؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 152، ح 4682، دار الکتب العلمیه؛ تاریخ الخلفاء سیوطی، ج 1، ص 172 مطبعه السعاده. ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 358؛ مناقب ابن مغازلی، ص 210، حدیث 252 ط 1؛ ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 391، حدیث 895) به شرح محمودی (، و دیگران.

نکاتی چند پیرامون این حدیث.

الف - عبادت امر مشترکی بین تمامی ادیان است:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا (آل عمران 64)

بگو ای اهل کتاب بیائید به سوی امری که بین ما و شما مشترک است و آن اینکه غیر از خدا را عبادت نکنیم و چیزی را با خدا شریک قرار ندهیم.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ (نحل 36)

و همانا در هر امتی ما رسول قرار دادیم تا عبادت خدا

ص: 71

ب- حقیقت عبادت یعنی آنچه که با آن بندگی خدا انجام و رضایت خدا با آن وسیله جلب شود، مگر نگاه کردن به شخصی چه فعل عبادی است که با آن نگاه کردن رضای خدا به دست می آید و عبادت محسوب می شود.

معلوم می شود تمام وجود چنین شخصی تجلیگاه صفات الهی و مورد توجه خود ذات احدیت می باشد.

ج- از طرفی طبق دو آیه مبارکه بالا و آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: 56) هدف از خلقت «عبادت» است و ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای اینکه عبادت کنند.

و این عبادت به نگاه کردن به امیرالمؤمنین حاصل می شود. پس آیا جز این است که نظر و نگاه محبت آمیز به امیرالمؤمنین هدف و غایت خلقت است؟! زیرا اینها اول ما خلق الله و علت غائی آفرینشند.

پس بنا به گفته عاشقان مولای متقیان علی علیه السلام (یعنی ابوبکر و دخترش عایشه و عمر و عثمان!!! که حدیث هر دو در فصل خودش خواهد آمد) در روایت بالا «النظر الی وجهه علی عباد» نگاه کردن به چهره این شخصیت دوم جهان آفرینش، عین عبادت

البته معنای نظر تنها دیدن با چشم نیست بلکه دیدن با قلب را نیز نظر می گویند. (لسان العرب، ج 5، ص 215).

پس اینکه نظر قلب دائم بر امیرالمؤمنین باشد و در برابر او خاضع و ذلیل باشد و در دفاع از مظلومیت او بتپد این همان عبادت واقعی حق تعالی است.

د- در روایت فوق گفته نشده: نگاه به امیرالمؤمنین صلاه است، یا حج، بلکه گفته شده عبادت است. و از طریق مصدر از آن تعبیر کرد: «عباده». اگر امری از طریق مصدر از آن تعبیر شود یعنی مطلق و محض آن چیز است پس نگاه به امیرالمؤمنین علیه السلام مطلق و محض عبادت و عبادت مطلق است.

به عبارت دیگر هر عبادتی تأثیر خاصی بر روح و روان انسان و سیر و سلوک او به سوی حق تعالی دارد اما نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام مطلق این عبادات است و تمامی این تأثیرات را یکجا برای انسان به ارمغان می آورد.

با این عبادت است که انسان به درجه یقین می رسد:

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (حجر 99) پس پروردگارت را عبادت کن تا تو را به یقینت برساند.

از همین روست که در روایت آمده است که حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم "يقول" یعنی دائماً و مستمراً می فرمودند: نظر کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام معبادت است.

ه - این روایت عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام را هم ثابت می کند. زیرا اگر کسی که نگاه کردن به او عبادت باشد یعنی خدا بایک نگاه کردن به او به خدایی ستایش و پرستش می شود.

چنین شخصی باید معصوم باشد زیرا اگر یک لحظه از لحظات از خدا جدا باشد و از ذکر خدا غافل باشد و خدا از او راضی نباشد دیگر شامل اطلاق روایت نمی گردد.

و - این روایت افضل بودن امیرالمؤمنین علیه السلام بر انبیاء دیگر را نیز ثابت می کند. زیرا خداوند وقتی ذکر انبیاء پیشین را می کند تمام شرف و افتخار آنها را این می داند که عبد و بنده او هستند مثلاً در مورد نوح، ابراهیم، موسی و هارون، داوود و ایوب و اسحاق چنین می فرماید: سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (81-79 صفات)

سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ( صفات:

(111-109)

ص: 74

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ ... إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (صافات 122-120) وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ (ص 17). وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ (ص 41)  
وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ (ص 45).

اما در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چنین است که نه تنها او عبد الهی باشد بلکه نگاه کردن به او هم عبادت است یعنی عبادت از وجود او بوجود می آید. و این بسیار مافوق مقام عبد بودن است.

ز- جای تحیر است که این روایت، یعنی آن فضیلتی که سرسخت ترین دشمن بآن اقرار دارد و نتوانسته آن را انکار کند پس چرا در برابرش سرتعظیم فروود نیاوردند بلکه سعی در مخفی کردن فضائل و مناقب او بودند و کردند و. و. و. و.؟!.

6- رعایت کنید محمد (صلی الله علیه و آله) را در اهل بیتش.

عن ابن عمر قال: قال ابو بكر الصديق: ارقبوا محمدا صلى الله عليه و آله و سلم في أهل بيته، اي احفظوه فيهم فلا تؤذوهم . از ابن عمر روایت شده که ابو بکر گفته است: رعایت کنید محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در (مورد) اهل بیت او. یعنی حفظ کنید (حرمت) او را در میان اهل بیتش، پس اهل بیت آن

ص: 75

حضرت را اذیت نکنید. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب 54، ص 194 و 356 و متقی هندی در کنز العمال، ج 13 ص 638 مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم.

7- به به مثل تو کجا خواهد بود ای ابو الحسن.

از حارث ابن اعور روایت شد که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در میان جمعی از یاران خود حاضر بود، پس فرمود: به شما نشان می دهم آدم علیه السلام را از جنبه علمش و نوح را از جنبه فهمش و ابراهیم را از جنبه حکمتش، پس چیزی نگذشت که علی علیه السلام آمد. ابو بکر عرضه داشت:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اقتست رجلا بثلاثه من الرسل، بخ بخ لهذا الرجل، من هو یا رسول الله؟ قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: أولا تعرفه یا ابا بکر؟ قال: الله و رسوله اعلم. قال صلی الله علیه و آله و سلم: هو ابو الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام فقال ابو بکر: بخ بخ لک یا ابا الحسن و این مثلک یا ابا الحسن. بوستان معرفت تألیف سید هاشم حسینی تهرانی، ص 447 به نقل از: مناقب خوارزمی، فصل 7، ص 45.

ابو بکر عرضه داشت: (یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلممردی را با سه نفر از پیامبران برابر کردی، به به به این مرد، او کیست، ای رسول خدا؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

ص: 76



فرمود: آیا او را نمی شناسی ای ابا بکر؟ ابو بکر عرض کرد: خدا و رسولش داناترند. حضرت فرمود: او ابو الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام است. پس ابو بکر گفت: به به تو ای ابو الحسن، مثل تو کجا خواهد بود ای ابو الحسن.

8- نزدیک ترین مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قال الشعبي: بينا ابو بكر جالس اذ طلع على بن ابی طالب من بعيد فلما رآه ابو بكر قال: من سرّ ان ينظر الى اعظم الناس منزله و اقربهم قرابه و افضلهم داله و اعظمهم غناء عن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، فلينظر الى هذا الطالع.

شعبي گوید: «روزی ابوبکر در جایی نشسته بود، علی بن ابی طالب (علیه السلام) از دور نمایان شد. چون ابوبکر او را دید گفت: هر کس خوش دارد بنگرد به کسی که بزرگ ترین مردم در مقام و منزلت و نزدیک ترین مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برترین مردم به نام و نشان و بزرگ ترین مردم در بی نیازی از مردم که از جهت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به دست آورده، بنگرد به این کس که از دور نمایان شد».

بوستان معرفت «ص 650 به نقل از: ابن عساکر در تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام، ج 3، ص 70، حدیث 1100 و از مناقب خوارزمی فصل 14، ص 98، کنز العمال»، ج 12، ص 489 - مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم، مناقب

ص: 77

9- علی (علیه السلام) پیشگام ترین مسلمان

همچنین وی نقل می کند: روزی علی علیه السلام ابوبکر و همراهان او را دید و بر آنان سلام کرد و به راه خود ادامه داد.

ابوبکر گفت: «هر کس مایل است به نخستین و پیشگام ترین مسلمان و نزدیک ترین خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آله بگردد، باید علی بن ابی طالب را نگاه کند». مناقب خوارزمی، فصل 14، ص 161.

10- عن زید بن علی بن الحسین قال: سمعت ابا علی بن الحسین يقول: سمعت ابا الحسین بن علی يقول: قلت لأبی بکر، یا ابا بکر، من خیر الناس بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ فقال لی: ابوک،... از زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت شد که گفت: از پدرم علی بن الحسین علیه السلام، شنیدم که می فرمود: از پدرم حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: به ابوبکر گفتم، ای ابو بکر، بهترین مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسی است؟ به من گفت: پدر تو،...

11- عن معقل بن یسار المزنی قال: سمعت أبا بکر الصديق

يقول: علي بن ابي طالب عتره رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم آثار الصادقين، ج 13، ص 115

از معقل بن يسار مزنی روايت شد كه گفت: از ابوبكر شنيدم كه مي گفت: علي بن ابي طالب از اهل بيت و خاندان رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم است.

12 -الرياض النضره ج 2، ص 163) قال: جاء ابو بكر و علي عليه السلام يزوران قبر النبي «صلى الله عليه وآله وسلم» بعد وفاته بسته أيام، قال علي عليه السلام لأبي بكر: تقدم فقال ابو بكر: ما كنت لأتقدم رجلا سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: علي مني بمنزلة من ربي.

(در كتاب رياض النضره ج 2، ص 163) گوید: ابوبكر و علي عليه السلام برای زیارت قبر مطهر رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم روز پس از رحلت حضرت مشرف شدند، علي عليه السلام به ابوبكر فرمود: پیش برو) و جلو حرکت کن (ابوبكر گفت: من هرگز بر مردی تقدم نمی جویم كه خود شنيدم رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در باره او) می فرمود: علي نزد من منزلة را دارد كه من آن منزلة را در پیشگاه پروردگارم دارم.

( آثار الصادقين، ج 14، ص 277، به نقل از فضائل الخمسه، ج 1، ص 2979. رهبر، محمد تقی، علي عليه السلام ابر مرد مظلوم، ص 114).

ص: 79

سمعت ابا بكر الصديق يقول لعلي بن ابي طالب، عقده رسول الله، صلى الله عليه وآله وسلم. ابن عساكر در شرح حال امام علي عليه السلام از تاريخ دمشق، ج 3، حديث 1092، ص 54. (العقده: كحرمه، والجمع عقد كحرم، الولاية. البيعه المعقوده.

از معقل ابن يسار مزني روايت شد كه مي گفت:

شنيدم كه ابو بكر به علي بن ابي طالب عليه السلامي گفت: «عقده رسول الله» (يعني كسي كه عقد بيعتش را با مسلمين پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم منعقد كرد)

14 - ابو بكر در موارد متعدد، بالاي منبر و در حضور تعداد زيادي از مسلمانان گفت:

اقيلوني، اقيلوني و لست بخير منكم و علي فيكم .

مرا رها كنيد، مرا رها كنيد، كه من بهترين شما نيستم در حالي كه علي در ميان شماست «.. چرا شيعه شدم» تأليف جناب محمد رازي، ص 332 به نقلش از: فخر رازي در نهايه العقول، طبري در تاريخ خود، بلاذري در انساب الاشراف، سمعاني در فضائل، غزالي در سر العالمين، سبط ابن جوزي در تذكرة، قاضي فضل بن روزبهان و ابن ابي الحديد و ديگران.

- قابل ذكر است كه صحت اين گفتار ابو بكر در كلمات علي عليه

السلام در نهج البلاغه كاملا روشن است، آنجا كه فرمود: فيا عجباً بينا هو يستقيلها في حياته اذ عقدها لآخر بعد مماته «يعني» پس چقدر جاي تعجب و شگفت است كه ابو بكر استقاله مي كرد (و امتناع مي نمود) از خلافت در حال حيات خود در حالي كه گره مي زد خلافت را براي ديگري (يعني عمر) بعد از مرگش.

روزي ابوبكر درباره ي خلافت خود و بيعت مردم با او بر فراز منبر گفت: « اقبلوني و لست بخيركم و علي فيكم؛ مرا رهايي كنيد، در حالي كه علي عليه السلام در بين شماست من بهترين شما نيستم. فقيه ايماني، مهدي، الامام امير المؤمنين علي عليه السلام ازديدگاه خلفا، ص 58. »

15- بعد از آن كه امير المؤمنين عليه السلام در غدير خم جانشين پيامبر صلي الله عليه و آله شد ابوبكر و عمر در هنگام بيعت با امام علي عليه السلام با تعبيرات مختلفي به آن حضرت تبريك گفتند كه بعضي از آن تعبيرات عبارتند از:

« بخ بخ لك يا ابن ابي طالب؛ بخ بخ لك يا ابالحسن و ... »

« هنيئاً لك يا بن ابي طالب اصبحت مولى كل مؤمن و مؤمنه... »

« و يا امسيت يا بن ابي طالب، مولى كل مؤمن و مؤمنه ... »

مبارك، مبارك باد بر تو اي پسر ابوطالب، مبارك باد،

مبارک باد بر تو ای ابالحسن! گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب! صبح کردی در حالی که مولی و سرپرست هر مرد و زن با ایمان گشتی .  
گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب! ای که روز را به شب رساندی در حالی که سرپرست و پیشوای همه ی مؤمنان گردیدی. فقیه ایمانی ،  
مهدی ، الإمام المومنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا ص 99-97

16- اظهار پشیمانی ابوبکر هنگام مرگ

ابوبکر هنگام مرگ می گفت : « به خدا قسم جز از سه کار متأسف نیستم و ای کاش مرتکب آن نمی شدم از جمله : ای کاش دست از خانه ی علی علیه السلام می کشیدم اگرچه او علیه من اعلان جنگ می داد. ابن قتیبه ، الإمامه و السیاسه ، ص 24 .

## 2- سخنان و مرویات از عمر بن خطاب درباره علی

### اشاره

علیه السلام

در آغاز به این مطلب توجه نموده و بخاطر بسپارید.

یکی از خصائص تمامی حجت‌های الهی و رسول خدا صلی الله علیه و آله، اخلاق حسنه و رأفت و مهربانیست.

بنا براین در آیات مکرر قرآن به این صفات مدح شده است:

ص:82

اِنَّكَ لَعَلٰى خَلْقٍ عَظِيْمٍ (قلم 4) همانا تو بر خلق عظیم مبعوث شده ای.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران 159) به مرحمت خدا با خلق مهربان گشته ای و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (توبه 128) همانا رسولی از جنس شما برای هدایت شما آمد که فقر و پریشانی و جهل شما بر او سخت است و بر هدایت شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و رحیم است.

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم 3-4) و هیچ گاه از روی هوی و هوس صحبت نمی کند هیچ نمی گوید مگر آنکه وحیی است که بر او وحی شده است.

حال سؤالی پیش می آید: آیا امیرالمؤمنین علی علیه السلام، که از خود پیامبر است و در تمامی خصال با پیامبر مشترک است و دارای کمالات بی انتها و صاحب عفو و بخش حتی نسبت به قاتل خودش بود، لایق جانشینی اوست یا کسی که بهره ای از این خصال نبرده است بلکه عکس آن در وجود

در منابع متعددی از مخالفین ذکر شده است که عمر بن الخطاب فظ و غلیظ القلب بوده است:

عن زبید قال: لما حضرت ابابکر الوفاء بعث الی عمر یستخلفه فقال الناس: استخلف علینا فظاً غلیظاً لو قد ملکنا کان أظفّ و أغلظ. زبید نقل می کند: هنگامی که مرگ ابوبکر نزدیک شد، فرستاد نزد عمر تا او را خلیفه خود کند، مردم گفتند: بر ما تند خوئی بد اخلاق را خلیفه کرده است؛ اگر حاکم ما شود، تندخوتر و بد اخلاق تر می شود. (اسد الغابه: 4/69؛ تاریخ المدینه المنوره: 2/671؛ التمهید: 197؛ مناقب عمر: 53 و 54)

حتی خود عمر نیز به این خصلت خود معترف است:

قال عمر: ... بلغنی ان الناس قد هابوا شدّتی و خافوا غلظتی و قالوا: قد کان عمر یشتدّ علینا و رسول الله بین اظهرنا ثم اشتد علینا و ابوبکر والینا دونه فکیف الان و قد صارت الامور الیه و لعمری من قال ذلک فقد صدق، عمر (بر فراز منبر) چنین گفت: به من خبر رسیده است که مردم از شدت و تندی من واهمه و ترس دارند و از خشونت و درشتی من در بیم و هراس می باشند؛ آنها می گویند: عمر بر ما سخت می گرفت در حالی که رسول خدا میان ما بود و در زمان خلافت ابوبکر



هم همانطور رفتار می کرد، پس چگونه است که الان امور به دست اوست. به خدا قسم هرکس چنین بگوید تحقیقا راست گفته است.  
(حیوه الحيوان الكبرى: 1/71)

ابن ابی الحديد می گوید: «استدعی عمر امرأه ليسألها عن أمر و كانت حاملاً فلشده هييته ألقت ما في بطنها فأجهضت به جنيناً ميتاً» عمر زن بارداری را احضار کرد و تا از او در موردی سؤال کند. آن زن از بیم، کودک خویش را سقط کرد و جنین او مرده به دنیا آمد. (شرح نهج البلاغه: 1/174)

همچنین نقل شده است:

(كان عمر) اول من ضرب بالدّره، اولین کسی که با تازیانه مردم را زد، عمر بود. (حیوه الحيوان: 1/494؛ صفه الصفوه: 1/277؛ نورالابصار: 67؛ تاریخ الخلفاء: 137)

ابن ابی الحديد چنین می نویسد:

كان يقال درّه عمر أهيب من سيف الحجاج، تازیانه عمر بیم انگیزتر از شمشیر حجاج است. (شرح نهج البلاغه: 1/181؛ حیوه الحيوان: 1/74)

عمر نسبت به جبله بن الایهم که بزرگ طائفه غسان بود، و تازه اسلام آورده بود، چنان خشونت می کرد که او را وادار به هجرت از مدینه و سپس هجرت از تمام سرزمین اسلام کرد و

او از آئین اسلام برگشت و مسیحی شد و پانصد نفر از طائفه اش مرتد شدند و به پادشاه روم پناه بردند. و این به مناسبت سیلی ای بود که عمر به جبله زد. (شرح نهج البلاغه: 7069 و 81 و 79؛ مروج الذهب: 2/85)

سختگیری وی تا آنجا رسید که ابی بن ابی کعب روزی به وی گفت: «لا تکن عذاباً علی اصحاب رسول الله» برای اصحاب رسول خدا عذاب نباش. (صحیح مسلم: 6/179 و 180)

ابن عباس می گوید: «من برای پرسیدن یک سؤال از عمر دو سال صبر کردم. مانع من از پرسش، ترس از عمر بود. (ابن جوزی تاریخ عمر ابن خطاب: 126)

خشونت وی به حدی رسید که اگر شخصی از معنای آیه قرآن سؤال می کرد او را شکنجه می نمود چنانچه ضبیع بن تمیمی را هنگامی که از معنای «والذاریات ذروا» را سؤال کرد به زندان انداخت و بارها او را به صد ضربه شلاق محکوم کرد و سرانجام نیز وی را به بصره تبعید نموده و مردم را از گفتگو با وی برحذر داشت. (شرح نهج البلاغه: 102/ 12)

آیا این است خصلت «بالمؤمنین رئوف رحیم» نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم است؟!!

همچنین رفتارهای بسیار زشتی که ابی بکر و عثمان با

اصحاب رسول خدا داشته اند بیش از آن است که در این مختصر بیان شود. به عنوان نمونه در مورد عثمان نقل شده است که:

گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جمع شدند و نامه ای خطاب به عثمان نوشتند و به برخی از اعمال ناشایست او اعتراض کردند از قبیل: بخشش خمس آفریقا به مروان، اسراف در ساختمان سازی و ساختن هفت منزل برای خود و همسر، دختران و اقوامش و قصرهای مروان که از ناحیه خمس واجب ساخته شده بود، سپردن کارهای دولتی و استانداریها به خویشان و پسرعموهای خود که جوان و خام بودند و بهره ای از لیاقت و مصاحبت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نداشتند و نسپردن مسئولیت ها به مهاجرین و انصار و نیز اجرا ننمودن حد بر ولید زناکار. دادن جوایز به اطرافیان خود و شکنجه مردم و چیزهای فراوان دیگر. بعد از نوشتن نامه بحث پیش آمد که چه کسی حاضر است نامه را نزد عثمان ببرد. عمار یاسر آمادگی خود را اعلام نمود. هنگامی که عمار بر عثمان وارد شد، بنی امیه در اطراف عثمان حاضر بودند و به دستور او عمار را به باد کتک گرفتند، خود عثمان نیز در زدن عمار شرکت نمود. سپس وی را از منزل عثمان بیرون

ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم گفت: عمار را برای مداوا به منزل او ببرند.

(ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسة: 1/33؛ بلاذری، انساب الاشراف:

5/49؛ ابن عبدربه، العقد الفرید: 2/287)

هر چه فضائل و مناقب مولایمان امیرالمؤمنین بی حد و حساب است، فضائل و مطاعن و رذائل این سه بی حد و حساب است.

حال باید پرسید: «هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ»؟! آیا ظلمت با نور یکسان است؟!

روی این اصل و شایستگی های بی حد و حصر، علی علیه السلام شخصیتی یگانه در تمام زمان هاست و به این نکته نه تنها دوستان ، بلکه مخالفانشان نیز اذعان کرده اند به روایات آتی توجه و دقت نمائید.

عمر بن خطاب در روز اول خلافتش به منبر رفت و گفت:

بخدا قسم دوازده فضیلت به علی بن ابیطالب (علیه السلام) داده شد که یکی از آنها برای من نیست و نه از برای احدی از مردم.

و آن دوازده تا این است:

اولین فضیلت: بدنیا آمدن آن بزرگوار در کعبه.

دومین فضیلت: عقد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در آسمان برای علی (علیه السلام).

سومین فضیلت: زهرا (علیها السلام) همسر علی (علیه السلام) است و این بهترین فضیلت هاست.

چهارمین فضیلت: آقا حسن و حسین (علیهما السلام) فرزندان او هستند.

پنجمین فضیلت: فرمایشات پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در حضور من، کسی که من مولای او هستم پس علی مولای اوست خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که علی را دشمن بدارد.

ششمین فضیلت: روز عید غدیر خم که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود و من حاضر بودم، یا علی منزلت تو به من مثل منزلت هارون به موسی علی نبینا و آله و علیه السّلام است یعنی تو برادر و وصی بلافصل من هستی.

هفتمین فضیلت: بسته شدن تمام درهای خانه اصحاب که به مسجد باز می شد. مگر در خانه علی (علیه السلام) که بسته نشد.

هشتمین فضیلت: قول پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله): کسی که عبادت کند در مثل مکه و مدینه نهصد و پنجاه سال مثل نوح (علیه السلام) که در ما بین قومش عبادت کرد و صبر کند بر گرمای مکه و

گرسنگی مدینه و انفاق کند مالش را که بقدر کوه احد باشد و جهاد کند مابین کوه صفا و مروه در راه خدا با اختیار خودش برای رضای خدا و نیاید روز قیامت با ولای تو یا علی پس عمل او و زهد و انفاق او قبول نمی شود.

نهمین فضیلت: فرود آمدن ستاره در خانه علی (علیه السلام).

دهمین فضیلت برگشتن خورشید برای علی (علیه السلام) دو مرتبه.

یازدهمین فضیلت: حرف زدن علی (علیه السلام) با مردگان به اذن خدای تعالی و صحبت کردن با شیر و گرگ و آهو و اژدها و ماهی و سایر حیوانات.

دوازدهمین فضیلت: علی قادر است که پنجاه هزار نفر مثل مرا با دست چپش به قتل برساند

و آقا علی (علیه السلام) در این جلسه حضور داشتند سر مبارک بلند نمود و فرمود اعتراف کرد به حق قبل از آنکه شهادت بر او بدهند...

## 1- در قبال ولایت امیرالمومنین علیه السلام از همه

سؤال خواهد شد.

تعدادی از آیات نازله و روایات گوناگون، درباره علی علیه السلام را در جلد اول این کتاب از جمله آیه ذیل را آورده ام ولی اینجا کمی مشروح ترمی آورم.

ص: 90

خداوند متعال در کتاب آسمانی خویش می فرماید:

وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (صافات: 24)

در روز قیامت خداوند به ملائکه فرمان می دهد که آنها یعنی مردمان کفر پیشه و گمراه را متوقف سازید که در کارشان سخت مسؤل هستند و باید مورد بازپرسی قرار بگیرند.

خاصه و عامه اتفاق نظر دارد که این آیه در مورد ولایت امیرالمومنین علیه السلام است.

1- شیخ طوسی در امالی از انس بن مالک از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

إذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على جهنم لم يجز عليه الا من معه جواز فيه ولايه علي بن ابيطالب، و ذلك قوله تعالى:

وقفّوهم انهم مسئولون یعنی عن ولايه علي بن ابيطالب عليه السلام هنگامی که روز قیامت می شود و صراط بر روی جهنم نصب می گردد. هیچ کس نمی تواند از روی آن عبور کند مگر اینکه جوازی در دست داشته باشد که در آن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد و این همان است که خداوند می گوید: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» این روایت را در کتاب ینابیع المودّه از ثمامه بن عبدالله بن انس از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است (دلایل الصدق ج 2 ص 151. در بسیاری از

ص: 91

کتاب اهل سنت، در تفسیر این آیه به سؤال شدن از ولایت امیرالمومنین علیه السلام بیان شده است.

از جمله بزرگان عامه که این حدیث را نقل کرده اند عبارتند از: ابن حجر هیثمی در صواعق المحرقة ص 147؛ عبد الرزاق حنبلی (طبق نقل کشف الغمه ص 92)؛ علامه سبط ابن جوزی در تذکره ص 21؛ آلوسی در روح المعانی ذیل آیه مورد بحث؛ ابو نعیم اصفهانی (طبق نقل کفایه الخصال ص 360) و حاکم نیشابوری با اسناد متعدد این روایت را نقل می کند:

2- عبید الله بن محمد العائشی قال حدثنا مسلم بن إبراهيم الفراهیدی و قیس بن حفص الدارمی قال حدثنا عیسی بن میمون عن أبي هارون العبدی عن أبي سعيد الخدری فی قوله: وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، قال: عن إمامه علی بن أبي طالب.

شواهد التنزیل حاکم حسانی ج 2 ص 162-161

حاکم روایت فوق را به چهار طریق ذکر می کند. همچنین روایت می کند:

3- حدثني أبو الحسن الفارسی حدثنا أبو الفوارس الفضل بن محمد الكاتب حدثنا محمد بن بحر الرهني بكرمان حدثنا أبو كعب الأنصاري حدثنا عبد الله بن عبد الرحمن حدثنا إسماعيل بن موسى حدثنا محمد بن فضيل حدثنا عطاء بن السائب عن سعيد بن جبير عن ابن عباس قال قال رسول الله:

ص: 92



إذا كان يوم القيامة أوقف أنا وعلّي على الصراط فما يمرّ بنا أحد إلّا سألناه عن ولايه على، فمن كانت معه وإلّا ألقيناه في النار وذلك قوله: وقفوهم إنهم مسئولون. حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمودند: هنگامی که روز قیامت شود من و علی بر صراط می ایستیم و احدی از صراط عبور نمی کند الا اینکه از او در مورد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می پرسیم.

پس هر کس با او باشد نجات یافته و هر کس با او نباشد او را در آتش جهنم می اندازیم. و این است قول خداوند متعال که فرمود: آن ها را نگه دارید که آنها مسئولند. (شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج 2 ص 163).

در منابع معتبر دیگری از علمای اهل سنت نیز این قضیه ذکر شده است:

4- أخبرنا أبو الحسن الأهوازي أخبرنا أبو بكر البيضاوي حدثنا علي بن العباس حدثنا إسماعيل بن إسحاق حدثنا محمد بن أبي مره عن عبد الله بن الزبير عن سليمان بن داود بن حسن بن حسن عن أبيه عن أبي جعفر في قوله: وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ قال: عن ولايه على بن أبي طالب

نظم درر السمطين، الزرندي الحنفی ص 109

و روی فی قوله تعالى: وقفوهم إنهم مسئولون (أی) عن ولايه على والمعنى: إنهم يستلون هل والوه حق الموالاه كما

ص: 93

أوصاهم النبي أم أضعوها وأهملوها. وروایت شده در مورد قول خداوند که فرمود: ایشان را نگه دارید که اینها مسئولند.

یعنی از ولایت امیرالمومنین علیه السلامو معنای آن این است که: همانا ایشان مسئولند که آیا ولایت او را پذیرفتند آنگونه که حق موالات او بود همانگونه که پیامبر به ایشان وصیت کرده بود؟ یا اینکه آن را ضایع ساختند و در مورد آن اهمال و سستی کردند؟!

كشف الغمه عز الدين عبدالرزاق الحنبلي ص 92؛ خصائص الوحي المبين، الحافظ ابن البطريق ص 142.

5- حتی سبط ابن جوزی نیز این روایت را در تذکره نقل کرده است: قوله تعالى: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، قال أبو سعيد الخدري صاحب رسول الله: مسئولون عن ولاية علي بن أبي طالب. التذكرة سبط ابن الجوزي ص 22. همچنین منابع دیگر:

الصواعق المحرقة ابن حجر ص 89؛ ما نزل من القرآن في علي عليه السلام حافظ أبي نعيم اصبهاني، ذيل آية شريفة؛ خطيب بغدادی در ترجمه اسماعيل بن محمد بن عبدالرحمن در شماره 3275 از تاريخ بغداد، ج 6، ص 221؛ أرجح المطالب الأمر تسري ص 63؛ كفايه الخصام أبو نعيم الإصبهاني ص 360؛ آل محمد العلامة المردی الحنفی ص 282؛ الإمام المهاجر العلامة عبدالله الجيابخوری ص 216؛ بحر المناقب العلامة درویش برهان ص 155،

مخطوط؛ فردوس الأخبار، شیرویه، طبعه طهران؛ مناقب علی، علامه العینی الحیدر آبادی ص 57، طبعه بریش چهار منار؛ ینابیع الموده، القندوزی الحنفی ص 270 طبعه اسلامبول؛

6- آلوسی در تفسیر خود همین مطلب را ذکر کرده است اما به جای ولایت امیرالمومنین ولایت اهل بیت علیهم السلام را ذکر می کند: قال: ومنها قوله تعالى: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، قال الواحدی: مسئولون، عن ولاية أهل البيت.

تفسیر آلوسی ص 74

7- همچنین حموینی نیز آیه را به ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده است: روی، عن أبي معاوية ضرير عن الأعمش عن مسلم البطين عن سعيد بن جبير عن ابن عباس روايه مفصله وفيها يقول الله تعالى يوم القيامة: قفوهم إنهم مسئولون، عن ولاية علي وحب أهل البيت. (الحموینی -فرائد السمطين -مخطوط).

8- و نیز از بزرگان اهل سنت این آیه را به ولایت اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده اند: قال الحافظ جمال الدين الزرندی عقیب حدیث من كنت مولاة فعلى مولاة: قال الإمام الواحدی: هذه الولاية التي أثبتها النبي وهي مسئول عنها كما في قوله تعالى: وقفوهم إنهم مسئولون، عن ولاية علي وأهل

ص: 95

البیت. حافظ جمال الدین زرنندی بعد از ذکر حدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» می گوید امام واحدی گفته است: این ولایتی است که آن را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم آن را ثابت کرده است و اینکه مسئولند از آن همانگونه که در قول خداوند متعال هم هست که در قرآن فرمودند: ایشان را نگه دارید که ایشان مسئولند از ولایت امیرالمومنین و اهل بیت علیهم السلام.

الحافظ محمد بن مؤمن الشیرازی - المستخرج من تفاسیر الإثنی عشر - مخطوط

9 - علامه شهاب الدین شافعی روایت مفصل دیگری را دال بر همین مطلب ذکر کرده اند:

روی عن أبي معاوية الضرير عن الأعمش عن مسلم البطين عن سعيد بن جبيرة عن ابن عباس قال: إذا كان يوم القيامة أمر الله مالكا أن يسعر النيران السبع وأمر رضوان أن يزخرف الجنان الثمان ويقول: يا ميكائيل مد الصراط على متن جهنم ويقول: يا جبرائيل أنصب ميزان العدل تحت العرش وينادي يا محمد قرب أمتك للحساب ثم يأمر الله تعالى: إن يقعد على الصراط سبع قناطر طول كل قنطره سبعة عشر ألف فرسخ وعلى كل قنطره سبعون ألف ملك قيام فيسألون هذه الأمة نساؤهم ورجالهم على القنطره

ص: 96

الأولى عن ولاية أمير المؤمنين وحب أهل بيت محمد فمن أتى به جاز على القنطره الأولى كالبرق الخاطف ومن لم يحب أهل بيت نبيه سقط على أم رأسه في قعر جهنم ولو كان معه من أعمال البر عمل سبعين صديقاً وعلى القنطره الثانيه فيسألون عن الصلاه وعلى الثالثه يسألون عن الزكاه وعلى الرابعه عن الصيام وعلى الخامسه عن الحج وعلى السادسه عن الجهاد وعلى السابعه عن العدل فمن أتى بشيء من ذلك جاز على الصراط كالبرق الخاطف ومن لم يأت عذب وذلك قوله تعالى:

وقفوهم إنهم مسئولون يعني معاشر الملائكه قفوهم يعني العباد على القنطره الأولى عن ولاية على وحب أهل البيت.

هنگامی که روز قیامت می شود خدا امر می کند به مالک جهنم که آتش هفتگانه را شعله ور سازد و به رضوان بهشت امر می کند که بهشت های هشتگانه را زینت دهد و می گوید:

ای میکائیل! صراط را به روی جهنم پهن کن و می گوید: ای جبرائیل! میزان عدل را زیر عرش نصب کن و ندا می دهد: ای محمد! امت را برای حساب بیاور. سپس خداوند امر می کند: که بر صراط هفت پل نصب کنند که طول هر پلی هفده هزار فرسخ است. و هر پلی هفتاد هزار ملک دارد که از زن و مرد این امت سوال می پرسند. بر پل اول از ولایت

امیرالمؤمنین علیه السلام و حب اهل بیت پیامبر می پرسند پس هر کس ولایت ایشان را داشت از پل اول عبور می کند مثل رعد و کسی که محبت اهل بیت را ندارد از سر در قعر آتش جهنم سقوط می کند اگر چه از اعمال نیک عمل هفتاد صدیق را داشته باشد. و بر پل دوم از نماز از او می پرسند و بر پل سوم از زکات و بر پل چهارم از روزه و بر پل پنجم از حج و بر پل ششم از جهاد و بر پل هفتم از عدل، پس هر کس که اینها را آورده باشد مانند برق از صراط می گذرد و کسی که اینها را نیاورده باشد عذاب می شود. و این قول خداوند متعال است که فرمود: آنها را نگه دارید که ایشان مسئولند یعنی ای گروه ملائکه! آنها را نگه دارید یعنی بندگان را بر پل اول از ولایت امیرالمؤمنین و محبت اهل البیت سوال کنید.

کتاب توضیح الدلائل، علامه شهاب الدین الشافعی ص 165، النسخه المصوره من مخطوطه مکتبه الملی بفارس.

پس این روایت را اجلاء و بزرگان اهل سنت در معتبرترین کتب خود، ذکر کرده اند. و در وضوح و صراحت این روایت بر ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ خدشه ای نیست.

## 2- آفرینش یک میلیون فرشته از نور علی (علیه السلام)

ص: 98

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ مِنْ نُورٍ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفٍ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَهُ وَيُقَدِّسُونَهُ وَيَكْتُبُونَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَ مُحِبِّي وَلَدِهِ . إيضاح دفائن النواصب: 48. عمر بن خطاب گفت شنیدم از پیامبر اکرم میفرمود: خداوند تبارک و تعالی از نور صورت علی بن ابی طالب هفتاد هزار هزار (یک میلیون) ملک آفریده که خدا را تسبیح و تقدیس میکنند و ثوابش را برای دوستان او و دوستان فرزندان او مینویسند.

### 3- عمر بن خطاب پرسید علامت دوستدار اهل

بیت شما چیست؟!

بشاره المصطفی سَلَمَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ حَتَّى يُحِبَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَ هُوَ مُحِقٌّ فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مَا عَلامَةُ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِكَ قَالَ هَذَا وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ ع . بشاره المصطفی: 188.

بشاره: سلمان گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ایمان ندارد کسی که اهل بیت مرا دوست نداشته باشد و تا وقتی که بحث و جدال را رها کند گر چه حق با او باشد عمر بن خطاب گفت علامت دوستدار اهل بیت شما چیست فرمود این، و با دست خود بر شانه علی بن ابی طالب زد.

ص: 99

#### 4- نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام

عبادت است

در فصل ابوبکر از مدارک معتبر اهل سنت گذشت النظر إلى وجه عليّ عبادته. ودر فصل عثمان و عایشه هم خواهد آمد.

توجه کنید از زبان هر سه خلیفه و عایشه این عبارت آمده است.

عن... وعمر بن الخطاب و...، ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: النظر الى وجه عليّ عبادته. (ابن كثير در البدايه و النهايه، ج 7، ص 358. جمعی از راویان که از جمله آنها عمر بن خطاب است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کنند که فرمود: نگاه کردن به چهره علی (علیه السلام) عبادت است. (التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج 1، ص 168)

#### 5- حق با امیرالمؤمنین علیه السلام و او با حق است

1- قرآن ملازم همیشگی امیرالمؤمنین علیه السلام است

على مع القرآن و القرآن مع على لا يفترقان حتى يردا علىّ الحوض. على باقرآن و قرآن با على است و هرگز از هم جدا

ص: 100



نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

علمای اهل سنت تصریح کرده اند که «هذا حديث صحيح الاسناد» این حدیث صحیح السندی است، چنانکه حاکم در مستدرک نقل کرده است.

2 - فَقَالَ سَعْدٌ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لِعَلِيٍّ: أَنْتَ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَكَ حَيْثُ مَا دَارَ. سَعْدٌ كَفَّتْ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْمَعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ شَيْئًا فَلْيَسْمَعْ مِنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَدَةَ بْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ. عَلِيٌّ مَيَّ كَفَّتْ: «تَوْبًا بِحَقِّ هَسْتِي وَحَقِّ تَوَّاسْتِ؛ هَرَّ كَجَا كَهَ بَاشِي. بِدِينِ مَضْمُونِ نَقْلٍ شَدِيدٍ اسْتَكْفَى»:

3 - الْحَقُّ لَنْ يَزَالَ مَعَ عَلِيٍّ وَوَعْدٌ مَعَ الْحَقِّ لَنْ يَخْتَلِفَا وَلَنْ يَفْتَرَقَا

حق هرگز از علی جدا نمی شود و پیوسته حق با علی و علی با حق بوده و هرگز از هم جدا نخواهند شد.

برخی از دانشمندان سنی روایات دیگری در این مورد نقل کرده اند از جمله: تاریخ بغداد، ج 14، ص 312؛ فردوس دیلمی، ج 3، ص 230؛ مجمع الزوائد، ج 2، ص 212؛ الامامه و السياسه، ج 1، ص 73؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 124؛ معجم الاوسط، ج 5، ص 135؛ مناقب خوارزمی، ص 177؛ جامع الصغیر، ج 2، ص 177؛ الصواعق المحرقة، ص 126؛ تاریخ مدینه دمشق ج 20، ص 361؛ یبایع الموده، ج 1، ص 124 و 269؛ فرائد السمطين، ج 1، ص 177؛ مناقب خوارزمی، ص 177؛

ص: 101

تاریخ الخلفاء، ص 173؛ فیض القدیر، ج 4، ص 470؛ کفایه الطالب، ص 265).

4- در بعضی از منابع نیز دعای حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است که فرمودند:

رحم الله علیاً اللهم أدر الحق معه حيث دار

خداوند علی علیه السلام را رحمت کند، خدایا! حق را بر مدار علی بچرخان، هر طرف که او برود.

حاکم در المستدرک علی الصحیحین ج 3، ص 134 می گوید: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم»، «این حدیث صحیح است بر شرط مسلم»

این احادیث بسیار قابل تأمل است زیرا حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: خدایا امیرالمؤمنین علیه السلام را به دور حق بگردان بلکه فرمودند خدایا حق را بر مدار امیرالمؤمنین بگردان. گویا اگر بنا باشد علی الظاهر تراحمی بین حق و امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گیرد باید امیرالمؤمنین را اختیار کرد زیرا حق حقیقی نیز بر گرد او در طواف است.

فخر الدین رازی، تصریح می کند که به صورت متواتر نقل شده است هرکس در دینش به علی بن ابی طالب اقتدا کند، هدایت خواهد شد و سپس برای اثبات به همین روایت استناد می کند:

ص: 102

قد ثبت بالتواتر ومن اقتدى في دينه بعلي بن أبي طالب فقد اهتدى والدليل عليه قوله عليه السلام: اللهم أدر الحق مع علي حيث دار به درستی که با روایات متواتر ثابت شده است که هرکس در دینش به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند، به راستی که هدایت شده است. دلیل بر این مطلب این سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله است که فرمود: خدایا حق را بر مدار علی بگردان، هر جا که او باشد. (التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج 1، ص 168)

عن عمر بن الخطاب قال: كنت أنا وأبو بكر وأبو عبيدة وجماعه اذ ضرب النبي صلى الله عليه وآله وسلم منكب عليّ فقال: يا عليّ أنت أول المؤمنين إيماناً وأولهم اسلاماً وأنت متي بمنزلة هارون من موسى از عمر بن خطاب روایت شد که گفت: من و ابو بکر و ابو عبیده و عده ای دیگر بودیم وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی زد، پس فرمود: ای علی تو اولین مؤمنین از نظر ایمان و اولین آنها از جهت اسلام آوردن می باشی. و تو برای من به منزله هارونی نسبت به موسی علیه السلام. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، ص 239 چاپ قم، س 3711 و متقی هندی در کنز العمال ج 13، ص 122 و ص 123 (مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم).

عن عمر بن الخطاب قال: نصب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عليًا علما فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، واخذل من خذله وانصر من نصره اللهم انت شهيدى عليهم. قال عمر: و كان فى جنبى شاب حسن الوجه، طيب الريح، فقال: يا عمر، لقد عقد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عقدا لا يحلّ الا منافق فاحذر ان تحلّه.

قال عمر: فقلت يا رسول الله انك حيث قلت فى عليّ (ما قلت) كان فى جنبى شاب حسن الوجه، طيب الريح قال كذا وكذا.

قال صلى الله عليه وآله وسلم: نعم يا عمر، انه ليس من ولد آدم، لكنّه جبرئيل أراد أن يؤكّد عليكم ما قلته فى عليّ. -شيخ سليمان قندوزى حنفى در ينابيع الموده) باب موده الخامسة (ص. 297)

ابن عساکر در شرح حال امام على عليه السلام از تاريخ دمشق ج 2، ص 80) شرح محمودى (بنقل از بخارى در تاريخ كبير، ج 1، ص 375 و ديگران.

از عمر بن خطاب روايت شد كه گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، على را مهتر و بزرگ (مسلمين) قرار داد، پس فرمود: هر كس من مولای او هستم پس على مولای اوست، پروردگارا دوست بدار دوست او را و دشمن بدار

دشمن او را، و ذلیل نما کسی را که او را ذلیل می کند و یاری فرما کسی را که یاور اوست. خدایا تو گواه من بر آنان می باشی. عمر گفت: در کنار من جوان خوش سیما و خوش بویی بود، پس گفت: ای عمر به درستی که رسول خدا پیمان و بیعتی انجام داد که جز منافق آن را نقض نمی کند پس بر حذر باش که مبادا آن را نقض کنی. عمر گفت: پس عرض کردم یا رسول الله، وقتی که شما در مورد علی سخن می گفتی در کنارم جوان خوش چهره و خوش بویی بود که به من چنین و چنان گفت. حضرت فرمود: بله ای عمر، او از فرزندان آدم نبود، بلکه جبرئیل بود و خواست تا بر شما در مورد آنچه که من در مورد علی گفتم تأکید کند.

عن عمرو بن میمون قال: لما ولی عمر الستة فقاموا أتبعهم بصره ثم قال: لئن ولّوها الأجلح لیرکبن بهم الطريق. (43) 43- بلاذری در انساب الاشراف، ج 2، ص 103، حدیث 35) چاپ بیروت، ط 1. از عمرو بن میمون روایت شد که گفت: وقتی که عمر آن شش نفر را برای خلافت معرفی کرد، آنان برخاستند (که بروند) عمر چشم به آنها دوخت، سپس گفت: هر آئینه اگر ولایت را به اَجَلِح واگذار کنید مسلمین را رهبری می کند.

توضیح آنکه اَجَلِح به معنای اصلع است یعنی کسی که موی جلوی سرش

ریخته که از مشخصات ظاهری علی علیه السلام بوده است.

## 7- امتیازهای سه گانه علی علیه السلام از زبان عمر.

اخبرنا محمد بن بشار قال حدثنا محمد بن جعفر قال حدثنا عوف بن میمون ابی عبدالله عن زید بن ارقم قال:

1- کان لنفر من اصحاب رسول الله ابواب شارعہ لمسجد فقال رسول الله سدّوا هذه الابواب إلا باب علیّ

فتکلم فی ذلک اناس فقام رسول الله فحمد الله و اثنی علیہ ثم قال: اما بعد فإنی امرت بسد هذه الابواب غیر باب علیّ فقال فقه قائلکم واللہ ما سدّدتہ ولا فتحتہ و لکنی امرت بشئ فاتّبعہ

زید بن ارقم می گوید: درهای خانه گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به مسجد گشوده می شد پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «تمام این درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید.»

برخی از مردم در این باره به بحث و جدال پرداختند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به پاخواست و حمد و ستایش خدا را به جای آورد و سپس فرمود: اما بعد، من دستور دارم تمام این درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندم.

برخی از شما زبان اعتراض گشوده اند، به خدا سوگند من از پیش خود دری را نبستم و نگشودم. بلکه از ناحیه خدا دستور گرفتم و پیروی کردم.

(مسند احمد حنبل، ج 3، ص 41، ح 19287؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 125؛ مناقب خوارزمی، ص 327، ح 328؛ القول المسدد، ص 28)

2- قال عمر بن الخطاب: لقد أعطى عليّ ثلاث خصال لأن تكون لي خصله منها أحبّ إليّ من أن أعطى حمر النعم، فسئل و ما هي؟ قال: تزويج النبي صلى الله عليه وآله وسلم ابنته و سكناه المسجد لا يحل لأحد فيه ما يحل لعلي و الزّاه يوم خيبر.

عمر بن خطاب گفت، به علی سه خصلت کرامت شده که اگر یک خصلت از آن به من داده می شد برای من محبوبتر از داشتن شتران سرخ (مو) که دارای قیمت بسیار هستند) بود، پرسیده شد آن خصائل کدام است؟ گفت: به ازدواج در آوردن پیامبر دخترش را (برای علی علیه السلام و جای گرفتن او در مسجد که حلال نبود بر هیچ کس در مسجد آنچه که برای علی حلال بود و گرفتن پرچم در جنگ خیبر. (شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینایع الموده، فصل سوم، ص. 343)

و حاکم در المستدرک ج 3، ص 125 - هیثمی در مجمع الزوائد، ج 9، ص 120. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 1، ص

ص: 107

3- عن عبد الله بن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: كفوا عن ذكر علي بن ابي طالب عليه السلام فلقد رأيت من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فيه خصالا لان تكون لي واحده منهن في آل الخطاب احب الي مما طلعت عليه الشمس.

عبد الله بن عباس گوید: از عمر بن خطاب شنیدم می گفت: از بدگویی علی بن ابی طالب علیه السلام خودداری کنید که من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره فضیلت او خصلت هایی دیدم که اگر یکی از آن خصلتها در خاندان خطاب می بود در نزد من از هر جا و هر چه که آفتاب بر آن می تابد محبوبتر می بود. (آثار الصادقین، ج 14، ص 211 به نقل از فضائل الخمسه، ج 2، ص 239. عن كنز العمال، ج 6، ص 393).

## 8- اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده شود

و ایمان علی در کفه دیگر، ایمان علی برتر خواهد بود.

1- عن عبد الله بن ضبيعه العبدی، عن ابيه، عن جده قال: أتى عمر بن الخطاب رجلا ن سألاه عن طلاق الأمه، فقام معهما فمشى حتى أتى حلقه في المسجد، فيها رجل أصلع، فقال: أيها الأصلع ما ترى



فی طلاق الأُمّه؟ فرفع رأسه إليه ثم أوماً إليه بالسبابة و الوسطى، فقال له عمر: تطليقتان. فقال أحدهما: سبحان الله، جئناك و أنت امير المؤمنين فمشيت معنا حتى وقفت على هذه الرجل فسألته، فرضيت منه أن أوماً اليك؟! فقال لهما -عمر- ما تدريان من هذا؟ قالوا: لا. قال: هذا على بن ابي طالب. أشهد على رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم لسمعته و هو يقول: ان السماوات السبع و الأرضين السبع لو وضعتا في كفه -میزان- ثم وضع ايمان على في كفه میزان لرّجح ايمان على. عبد الله بن ضبيعه عبدی از پدرش، از جدش روایت کرد که گفت: دو مرد نزد عمر بن خطاب آمدند و از او در مورد طلاق کنیز سؤال کردند؟ پس عمر به اتفاق آنها به طرف مسجد آمد، جمعی در مسجد بودند که در میان آنان مردی اصلع (اصلع: به کسی گویند که موی جلوی سرش ریخته باشد که یکی از مشخصات ظاهری علی علیه السلام است. حضور داشت. پس عمر از او پرسید نظر تو در طلاق کنیز چیست؟ پس او سرش را بلند کرد و بعد با انگشت سبابة و وسطی اشاره کرد) و پاسخ گفت (پس عمر سائل را) به مقصود متوجه کرد و (گفت: دو طلاق است. پس یکی از آن دو مرد گفت: سبحان الله، ما نزد تو آمدیم و تو امیر المؤمنین) و خلیفه ما (هستی. پس تو با ما نزد این مرد آمدی و

از او می پرسى؟! او از پاسخ او كه با اشاره انجام داد راضى شدى؟! پس عمر در خطاب به آنان گفت: نمى دانيد كه او كيست؟ گفتند: نه، عمر گفت: او على بن ابى طالب عليه السلامست و من شهادت مى دهم كه از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم شنيدم كه مى فرمود: اگر آسمانها و زمينها در كفه ترازوى نهاده شود و ايمان على در كفه ديگر، ايمان على برتر خواهد بود. (ابن عساکر در شرح حال امام على عليه السلام از تاريخ دمشق، ج 2، ص 365، حديث 872) شرح محمودى. (ابن مغازلى در مناقب ص 289، شماره 330، ط 1 و خوارزمى در فضل 13 از مناقب، ص 78، ط تبريز، گنجى شافعى در كفایه الطالب اواخر باب 62، ص 258 و ديگران.

## 2- برترى ايمان على (عليه السلام)

عمر هنگام مرگ شش نفر را حاضر كرد و براى هر يك عيى يادآور شد . اما درباره ي على ( عليه السلام) در خطاب به وي چنين گفت: اى على ، اگر ايمان همه ي خلایق را با ايمان تو مقايسه كنيم ، ايمان تو بر ايمان آنان برترى دارد . مظاهرى ، حسين ، چهارده معصوم ، ص 43 .

3 - عن ابن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: يا على انت اول

ص: 110

المسلمين اسلاما و اول المؤمنين ايماناً. (آثار الصادقين، ج 14، ص 43) به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 6. و نیز متقی هندی در كنز العمال، در قسمت آخر يك روايت، ج 6، ص 395 و ابن عباس رحمه الله گفت: از عمر بن الخطاب شنيدم می گفت: رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم فرمود: يا علی، تو نخستين مسلمان و اولين مؤمن می باشی.

4- عمر گفت: اگر آسمان های هفت گانه را در يك كفۀ ترازو بگذارند و ايمان علی عليه السلام را در كفۀ دیگر، ايمان علی عليه السلام از آن سنگين تر است. انصاری، عذرا، جلوه ی ولایت، ص 284.

## 9- زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی طالب به

دنیا آورند

1-... فقال عمر -بن الخطاب-: عجزت النساء ان یلدن مثل علی. عمر بن خطاب گفت: زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی طالب به دنیا آورند. (شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب 65، ص 448 رهبر، محمد تقی، علی علیه السلام ابر مرد مظلوم، ص 155.

2- عجزت النساء ان تلدن مثل علی بن ابی طالب و لولا علی لهلك عمر؛ همانا که زن ها از زائیدن همانند علی علیه

ص: 111

السلامتوان باشند و چنان چه علی علیه السلام نبود عمر هلاک شده بود». فقیه ایمانی، مهدی، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص 125.

3- عن عمر بن الخطاب، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ما اكتسب مكتسب مثل فضل علي، يهدي صاحبه الى الهدى و يرد عن الردى. عمر بن خطاب گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ کس مانند علی علیه السلام فضیلتی به دست نیاورد که صاحب و هم نشین خود را به هدایت، ارشاد می کند و از گمراهی باز می دارد. (آثار الصادقین، ج 14، ص 212 به نقل از الغدير، ج 5، ص 363 و فضائل الخمسه، ج 1، ص 167 عن مستدرک الصحيحین).

## 10- نام امیرالمومنین در عرش...!!!

نام امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از نام خدا و پیامبر در عرش اعلا ثبت گردیده است

1- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مکتوب علی ساق العرش لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمد عبدي و رسولی ایدته بعلي بن ابی طالب

بر ساق عرش این کلمات مقدسه نوشته شده است: نیست

ص: 112

خدایی مگر ذات ذو الجلال یگانه ایست که شریکی ندارد و محمد بنده و رسول من است که تأیید نمودم او را به علی بن ابی طالب علیه السلام. (تاریخ ابن عساکر، ج 2، ص 280؛ کفایه الطالب، ص 234؛ حلیه الاولیاء، ج 7، ص 256؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 247). مانند همین مضمون در: (خصائص الکبری، ج 1، ص 10؛ الدر المنثور، ج 3، ص 199)

2- و نیز از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: مکتوب علی باب الجنه لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله اخو رسول الله قبل ان یخلق السموات والارض بألفی عام. بر در بهشت نوشته شده است لا اله الا الله محمدرسول خدا و علی ولی خدا و برادر رسول خدا بوده پیش از آن که خلق شود آسمانها و زمین به دو هزار سال. (ینابیع الموده، ج 2، ص 237؛ موده القریبی ابن مغازلی شافعی، ص 20؛ مناقب خوارزمی، ص 144؛ مناقب شافعی، ص 290)

## 11- نور خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام چهارده

هزار سال قبل از آفرینش آدم.

كنت أنا و علی بن ابی طالب نوراً بین یدی الله من قبل ان

ص: 113

يخلق آدم باريعة عشر الف عام فلمّا خلق الله تعالى آدم ركب ذلك النور في صلبه فلم يزل في نور واحد حتى افترقنا في صلب عبدالمطلب  
ففي النبوه وفي عليّ الخلفه. من وعلى بن ابي طالب (عليه السلام) نوري بوديم در اختيار قدرت خدای تعالی، چهارده هزار سال قبل از  
این که خدا آدم را خلق کند.

پس وقتی آدم را خلق فرمود خدای متعال ما را که آن نور بودیم در صلب آدم قرار داد و از صلب او پیوسته با هم بودیم تا در صلب  
عبدالمطلب از هم جدا شدیم پس در من نبوت و در امیرالمؤمنین خلافت را ظاهر ساخت.

(فضائل احمد حنبل، ج 2، ص 662؛ موده القری، ص 26؛ مناقب ابن مغازلی، ص 91؛ مطالب السؤال، ص 320)

و همچنین در همین مضمون در کتب ذیل روایت آمده است: (شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 117؛ ینابیع الموده ج 1، ص 307؛ مناقب ابن  
مغازلی، ص 91؛ فردوس الاخبار، ج 2، ص 191؛ فرائد السمطین، ج 1، ص 43؛ مناقب خوارزمی، ص 144، ح 168)

## 12- ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از

خودشان نیستم؟

1- اخبرنا ابوداود (سلیمان بن سیف) قال: حدثنا ابونعیم قال: حدثنا عبدالملک بن ابی غنیة قال: حدثنا الحکم (بن عتیبه) عن سعید بن  
جبیر عن ابن

ص: 114

عباس عن بریده قال: خرجت مع علیّ إلى الیمن فرأیت منه جفوه فقدمت علی النبی فذکرت علیاً فتتقصته فجعل رسول الله یتغیر وجهه قال: یا بریده! أأست أولى بالمؤمنین من انفسهم؟! قلت: بلی یا رسول الله قال: «من كنت مولاه فعلیّ مولاه». بریده می گوید با علی (علیه السلام) به سوی یمن رفتیم من از او (به خیال خودم) ستمی دیدم نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که آمدیم از علی علیه السلام یاد کردم و بر او خرده گرفتم، پس چهره رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دگرگون شد و فرمود:

«ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از خودشان نیستم؟ گفتم آری ای رسول خدا! فرمود: هر کس من مولای اویم پس علی هم مولای اوست. مصنف ابن ابی شیبہ: ج 6، ص 376، ح 32123؛ مسند احمد حنبل: ج 5، ص 347؛ فضائل احمد: ص 76، ح 113؛ سنن کبری نسائی:

ج 5، ص 45، ح 8145؛ مناقب کوفی: ج 2، ص 425، ح 917 و ص 442، ح 937 و ص 454، ح 956؛ مستدرک حاکم: ج 3، ص 110؛ اخبار اصبهان: ج 2، ص 219؛ مناقب ابن مغازلی: ص 24، ح 36؛ مناقب خوارزمی: ص 134، ح 150.

2- همین حدیث به الفاظ دیگر:

اخبرنا قتیبه بن سعید قال: اخبرنا (محمد بن ابراهیم بن) (أبی عدیّ عن عوف) (الاعرابی) (عن میمون أبی عبدالله قال) قال: (زید بن ارقم: قام رسول

الله فحمدالله و اثنی علیه ثم قال: الستم تعلمون انی بکلّ مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلی نشهد لأنت أولى بکلّ مؤمن من نفسه قال: فإنّی من کنت مولا فهذا مولا و أخذ بيد علیّ

زید بن ارقم می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم برخاستند و سپاس و ستایش خدا را به جای آوردند و سپس فرمودند: آیا شما نمی دانید من از هر مؤمنی از خودش به او سزاوارترم؟ گفتیم: آری، گواهی می دهیم که شما از هر مؤمنی از خودش سزاوارترید، آنگاه حضرت دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: پس هر کس من مولای اویم پس این (علی) مولای اوست. مسند احمد حنبل: ج 4، ص 372، ح 65؛ فضائل احمد: ص 93، ح 139؛ کتاب السنه: ص 591، ح 1362؛ سنن ترمذی، ج 6، ص 633، ح 3713؛ کشف الاستار: ج 3، ص 189؛ مناقب کوفی: ج 2، ص 398، ح 883 و ص 404، ح 893 و ص 404، ح 883 و ص 423، ح 915؛ کامل ابن عدی: ج 6، ص 413، رقم 1895؛ معجم کبیر طبرانی: ج 5، ص 202، ح 5092؛ کنز العمال: ج 13، ص 104، ح 36342؛ الکنی و الاسماء: ج 2، ص 61.

در روایت فوق آمده است حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند: هرکس من برای او مولا هستم علی علیه السلام مولای اوست. حال این سؤال را باید پرسید که مولویت



حضرت رسالت مآب تا کجاست. حضرت رسول خدا مولای ما سوی الله است. مولای جبرئیل و ملائکه مقرب و مولای انبیاء مرسل، مولای ابراهیم خلیل و موسای کلیم و .. چنانکه در آیات قرآن آمده است لیکن للعالمین نذیرا، برای عالمیان منذر است.

3- پس من کنت مولاه فعلی مولاه سروری امیرالمؤمنین بر تمامی پیامبران غیر از خاتم الانبیاء را نیز می رساند.

### **13- انکار علی (علیه السلام) انکار رسول خداست (صلی الله علیه و آله).**

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مواضع متعددی فرمودند: من اطاع علیا فقد اطاعنی و من اطاعنی فقد اطاع الله و من انکر علیا فقد انکرنی و من انکرنی فقد انکر الله

هر کس از امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هر کس از من اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کند مرا انکار کرده است و کسی که مرا انکار کند خدا را انکار کرده است. صحیح مسلم، ج 3، ص 1466؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 307؛ ذخائر العقبی، ص 16؛ کنز العمال، ج 11، ص 614؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 313؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 121.

ص: 117

1- احمد حنبل در مسند و ابن ابی الحدید و سلیمان بلخی نقل کرده اند که: امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای منبر می فرمودند: سلونی قبل ان تقعدونی سلونی عن طرق السموات فإتی أعلم بها من طرق الارض. از من پرسید قبل از این که مرا نیاید سؤال کنید از من از راههای آسمانها! پس به درستی که من عالم ترم به راه های آسمانها از راههای زمین.

(مسند احمد حنبل، ج 1، ص 83؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 2، ص 286 و ج 6، ص 136 و ج 7، ص 46 و 57)

2- همچنین محمد بن طلحه شافعی و خطیب خوارزمی روایت کرده اند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: «سلونی عن اسرار الغیوب فأتی وارث علوم الانبیاء والمرسلین». «از من پرسید از اسرار غیبیه پس بدرستیکه من وارث علوم انبیاء و مرسلینم.»

(مطالب السؤل محمد بن طلحه، ص 26؛ مناقب خوارزمی، ص 90، ح 80؛ ینایع الموده، ج 1، ص 213 و ج 3، ص 211)

3- همچنین قریب به همین مضمون در کتب زیر نقل شده است. (تفسیر ابن کثیر، ج 2، ص 108؛ الاستیعاب ابن عبدالبر، ج 3،

ص 889؛ فراند السمطين، ج 1، ص 355؛ موده القربى مسير سيد على شافعى، ص 38؛ حليه الاولياء حافظ ابونعيم اصفهاني، ج 1، ص 65؛ صحيح بخارى، ج 1، ص 32؛ تاريخ الخلفاء، ص 185؛ عمدہ القارى، ج 19، ص 190؛ رياض النضره، ج 2، ص 188؛ تفسير الاتقان، ج 2، ص 319؛ فتح البارى، ج 10، ص 221؛ تهذيب التهذيب، ج 7، ص 337)

## 15- اعتراف عمر به برترى هاى علمى و قضايى امير

مؤمنان على عليه السلام.

1- عمر: على اعلم الناس بما انزل الله على محمد (صلى الله عليه و آله)؛ على عليه السلام آگاه ترين مردم است بدان چه خدا بر محمد صلى الله عليه و آله نازل فرموده، يعنى قرآن و اسرارش. فقيه ايمانى، مهدى، الأمام امير المومنين على عليها السلام از دیدگاه خلفا، ص 125.

2- يا اباالحسن انت لكل معضله و شده تدعى؛ اى ابوالحسن تو، يگانه كسى هستى، كه براى حل و فصل هر مشكلى و سختى، آماده اى، و دعوت مى شوى. « . فقيه ايمانى مهدى، الأمام امير المومنين على عليها السلام از دیدگاه خلفا، ص 134.

3- يا بن ابى طالب، فمازلت كاشف كل شبهه و موضح كل حكم (علم)؛ اى پسر ابوطالب، (على) همانا كه پيوسته پرده

ص: 119

بردار از هر شبهه ای و توضیح دهنده هر حکمی ( علمی هستی فقیه ایمانی مهدی، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص 134.

4- انت (یا علی) خیر هم فتوی ؛ تو ای علی بهترین صحابه در امر فتوی هستی. فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص 123 .

5- عن عمیر بن بشر الخثعمی قال: قال عمر: علیّ أعلم الناس بما انزل الله علی محمد. (بوستان معرفت)، ص 677، به نقل از حسانی در شواهد التنزیل، جزء اول، ص 30، حدیث 29. عمیر بن بشر گفت، عمر (بن خطاب) گفت: علی (علیه السلام) داناترین مردم است به آنچه که خداوند بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرده است.

## 16- این به پیغمبر و کتابش داناتر است!

1- هذا أعلم بنینا و بکتاب نبینا ؛ این ، علیعلیه السلام، اعلم و آگاه تر ( از صحابه ) است به پیامبر ما و به کتاب پیامبر ما. فقیه ایمانی مهدی الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص 133.

2- عن سعید بن المسیب قال: قال عمر ابن الخطاب: اعوذ بالله من معضله لیس لها أبو الحسن، علی بن ابی طالب. (بلاذری

ص: 120

در انساب الاشراف، ج 2، ص 99، حدیث 29 از شرح حال علی علیه السلام - و گنجی شافعی در کفایه الطالب باب 57، ص 217 - و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص 171 - و حاکم در المستدرک (کتاب المناسک)، ج 1، ص 457 - و ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 36 و دیگران. (سعید ابن مسیب گوید، از عمر شنیدم که گفت: به خدا پناه می برم از مشکلی که برای حل آن ابو الحسن (علی علیه السلام) نباشد.

3 - قال عمر ابن الخطاب: اللهم لا تنزل بی شدیده الا و ابو الحسن الی جنبی. - آثار الصادقین، ج 14، ص 492، به نقل از «امام الصادق» ج 2، ص 825. عمر ابن خطاب گفت: بار خدایا کار سختی بر من نازل مفرما مگر آنکه ابو الحسن (علی علیه السلام) در کنار من باشد.

## 17 - برتری علی (علیه السلام) در قضاوت

1 - قال عمر بن الخطاب: علی أفضنا. (حافظ ابی نعیم در حلیه الاولیاء، ج 1، ص 65، و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص 170

ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 360

بلاذری در انساب الاشراف، ج 2، ص 97، حدیث 21، ط 1، و دیگران.

حلیه الاولیاء 1 ر 65 طبقات ابن سعد 459، 460، استیعاب 4 ر 38، 39 حاشیه اصابه ریاض النضره 2 ر 198، 244، تاریخ ابن کثیر 7 ر 359 و گفته است این کلام از عمر به ثبوت رسیده است، اسنی المطالب جزری 14، تاریخ

ص: 121

2- عمر بن خطاب گفت: بیناترین ما در داوری و قضاوت، علی بن ابی طالب علیه السلام است. علی اقضانا، و اقضانا علی؛ علی علیه السلام در قضاوت از همه برتر است.»

فقیه ایمانی، مهدی، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص 142.

3- نیروی داوری علی از همه ما بیشتر است. اقضانا علی

طبقات ابن سعد 860 استیعاب 3 ر 41، تاریخ ابن عساکر 2 ر 325 مطالب- السؤل 30

4- قال عمر بن الخطاب: لا- یفتین أحد فی المسجد وعلی حاضر. (آثار الصادقین، ج 14، ص 492 به نقل از «الامام الصادق علیه السلام، ج 2، ص 825. عمر بن خطاب گفت: تا وقتی که علی علیه السلام در مسجد حضور دارد کسی نباید فتوی دهد.

5- قال عمر بن الخطاب: یابن ابیطالب، فما زلت کاشف کل شبهه، و موضع کل علم. (آثار الصادقین، ج 14، ص 493، به نقل از «الامام الصادق علیه السلام، ج 2، ص 825). عمر بن ابن خطاب (در سخن خود به علی علیه السلام گفت: ای پسر ابو طالب همیشه تو موارد شبهه را بر طرف ساخته ای و موضع و جایگاه علم بوده ای.

1 - قال عمر: لا - أبقاني الله بعد ابن أبي طالب. (آثار الصادقين، ج 14، ص 493. به نقل از الغدير ج 6، ص 126. عمر) بن خطاب) گفت: خداوند پس از علی بن ابی طالب علیه السلام مرا باقی نگذارد.

2 - لا أبقایی الله بعدک یا علی ؛ باقی نگذارد خدا مرا بعد از تو ای علی « ریاض النضره 2 ر 197، مناقب خوارزمی 60، تذکره سبط 88، فیض القدیر 4 ر 357. فقیه ایمانی، مهدی، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ص 128 .

3 - عمر: لا أبقانی الله لمعضله لیس لها ابوالحسن ؛ باقی نگذارد خدا مرا در برابر مشکلی که ابوالحسن، علی (علیه السلام) برای حل و فصلش نباشد. تذکره سبط 87، مناقب خوارزمی 58، مقتل خوارزمی 1 ر 45. سرزمینی که تو ای ابو الحسن نباشی، خدا مرا باقی نگذارد»

4 - لا أبقانی الله بأرض لستَ فیها أبا الحسن

ارشاد ساری 3 ر 195.

5 - أعوذ بالله من معضله و لا أبو حسن لها. به خدا پناه می برم از مشکلی که ابو الحسن برای گشودنش نباشد. تاریخ ابن کثیر 7 ر 359، فتوحات الاسلامیه 2 ر 302. به خدا پناه می برم که در

ص: 123

قومی زندگی کنم و تو ای ابو الحسن در میان آنها نباشی.

6- أعوذ بالله أن أعيش في قوم لست فيهم يا أبا الحسن.

ریاض النضره 197، منتخب كنز العمال حاشیه مسند احمد 2 ر 352. فیض القدیر 4 ر 357 گوید دار قطنی از ابی سعید نقل کرده که

عمر وقتی پاسخ سؤالی را از علی علیه السلام می شنید می گفت . خدایا مشگلی بر من وارد مساز مگر علی در کنارم باشد.

7- اللهم لا تنزل بی شدیده إلا و أبو الحسن إلى جنبی

ابن بختری بقول ریاض 2 ر 194 آن را آورده.

امید است در مشگلی که ابو الحسن گشاینده آن نباشد واقع نشوم

8- لا بقیت لمعضله لیس لها أبو الحسن خدا مرا آنقدر باقی نگذارد تا در میان مردمی قرار گیرم که ابو الحسن در میان آنها نباشد» ترجمه علی بن ابیطالب 79.

9- لا أبقانی الله إلى أن أدرك قوماً لیس فیهم أبو الحسن

حاشیه شرح عزیزی 2 ر 417 مصباح الظلام 2 ر 56.

سعید بن مسیب گوید: عمر به خدا پناه می برد از مشگلی که برای گشودنش ابو الحسن نباشد.

10- وقال سعید بن المسيّب: كان عمر يتعوّذ بالله من معضله



لیس لها أبو الحسن. این حدیث را احمد در مناقب نقل کرده و در استیعاب حاشیه اصابه 3 ر 39، صفه الصفوه 1 ر 121، ریاض النضره 2 ر 194، تذکره السبط 85، طبقات شافعیه شیرازی 10 اصابه 2 ر 509، صواعق 76، فیض القدیر 4 ر 357، الف باء 1 ر 222 یافت میشود.

11 - معاویه گوید: وقتی عمر در امری به مشکلی بر می خورد پاسخش را از او (علی) میگرفت و قال معاویه: کان عمر إذا أشکل علیه شیء أخذ منه مناقب احمد، ریاض النضره 2 ر 195.

### 19 - اگر علی نبود عمر هلاک می شد!

در جلد اول این کتاب در این باره روایاتی از عمر آوردیم و در اینجا مقداری مشروح تر می آوریم.

عمر بن خطاب، که تاریخ حکایت های فراوان از او و علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده، بیش از هفتاد بار گفته است که اگر علی نبود عمر هلاک می شد.

1 - قال عمر بن الخطاب فی عده موطن: لو لا علی لهلك عمر.

شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینایع الموده، باب 14، ص 80 و نیز ص 249. و نیز گنجی شافعی در کفایه الطالب، باب 59 ص 227. عمر بن خطاب در مواضع متعدد (گفت: اگر وجود علی علیه السلام نمی بود عمر

ص: 125

هلاک می شد.

2- کاد یهلک ابن الخطاب لولا- علی بن ابی طالب ؛ نزدیک بود پسر خطاب (عمر) هلاک شود اگر علی بن ابی طالب علیه السلام نبود. فقیه ایمانی مهدی الامام امیرالمومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ص 126.

3- لولا علی لضلّ عمر ؛ اگر علی علیه السلام نبود عمر گمراه شده بود « فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ص 129.

4- لولا علی لهلک عمر ؛ اگر علی علیه السلام نبود عمر هلاک شده بود». فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص 128. این حدیث را احمد و عقیلی و ابن السمان نقل کرده اند، در استیعاب 3 ر 39، ریاض 2 ر 194، تفسیر نیشابوری در سوره احقاف، مناقب خوارزمی 48، شرح جامع صغیر شیخ محمد حنفی 417 در حاشیه سراج المنیر، تذکره سبط 87. مطالب السؤل 13 فیض القدیر 4 ر 357.

5- لولاک لا فتضحنا ؛ ) یا علی ( اگر تو نبودی هر آینه ما مفتضح و رسوا می شدیم « . فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص 132 .

حافظ بخاری ، بزرگ محدث اهل تسنن از عمر بن خطاب نقل می کند که عمر گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا

ص:126

رفت در حالی که از علی علیه السلام راضی و خوشنود بود .

صحیح بخاری ، ج 1 ، ص 181. علامه خطیب خوارزمی با ذکر سند نقل می کند که عمر گفت : برای اصحاب محمد صلی الله علیه و آله هیجده سابقه (یعنی مایه امتیاز و برتری بر دیگران) بود که سیزده عدد آن به علی علیه السلام اختصاص داشت و در پنج امتیاز دیگر هم علی علیه السلام با ما شریک و همسان بود. فقیه ایمانی ، مهدی ، الأمام امیر المومنین معلی علیه السلام زا دیرگاه خلفا ، ص 154- 155 .

## 20- استواری اسلام با شمشیر علی ( علیه السلام)

اگر شمشیر علی علیه السلام نبود اسلام استوار نمی گشت انصاری ، عذرا ، جلوه ی ولایت ، ص 285 .

به خدا سوگند اگر شمشیر او نبود، اساس اسلام استوار نمی شد. و علاوه بر آن او داناترین فرد این امت در امر قضاست و با سابقه ترین و شریف ترین آنان است. طبقات ابن سعد، ج 2، ص 337

## 21- هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع می شود

مگر سبب و نسب من.

عن عمر بن الخطاب، عن النبی صلی الله علیه و آله و

ص: 127

سلم: كل سبب و نسب ينقطع يوم القيامة الا سببي و نسبي و كل ولد آدم فان عصبتهم لأبيهم ما خلا ولد فاطمه، فإنني أنا أبوهم و عصبتهم.  
شيخ سليمان قندوزي حنفي در ينابيع الموده، باب 57، ص 320

عمر بن خطاب از نبي گرامی اسلام صلی الله عليه و آله و سلم روايت کرد (که فرمود): هر سبب و نسبي در روز قيامت قطع می شود مگر سبب و نسب من. و همه فرزندان آدم پس همانا نسبت آنها به پدرشان است بجز فرزندی فاطمه عليها السلام پس به درستی که من پدر و عصبه آنان هستم.

## 22- تمام اسرار قرآن در وجود از امير المؤمنين

عليه السلام است

در ينابيع الموده نقل می کند که صاحب در المنظم ابن طلحه می گوید: اعلم ان جميع اسرار الكتبي السماويه في القرآن و جميع ما في القرآن في الفاتحه و جميع ما في الفاتحه في البسملة و جميع ما في البسملة في باء البسملة و جميع ما في الباء البسملة في النقطة التي هي تحت الباء قال الامام على كرم الله وجهه انا النقطة التي تحت الباء. بدان که اسرار جميع كتب آسمانی در قرآن است و تمام اسرار و رموز قرآن در سور هفاته است و جميع حقايق که در سوره فاتحه است در بسملة

ص: 128

(بسم الله الرحمن الرحيم) است و هرچه در بسمله است در باء بسمله است و تمام اسرار باء بسمله در نقطه زیر باء است و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: من آن نقطه زیر باء هستم. (ینابیع الموده قندوزی، ج 1، ص 213)

### 23- فضائی که کسی طاقت درک آن را ندارد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: والذي نفسى بيده لولا ان تقول طوائف من امتى فيك ما قالت النصارى فى ابن مريم لقلت اليوم فيك مقالاً لا تمر بملاً المسلمين إلا اخذوا التراب من تحت قدميك للبركه. قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر طایفه هایی از امت من درباره تو نمی گفتند آنچه نصاری درباره عیسی گفتند هر آینه امروز در شأن تو سخنانی می گفتم که عبور نکنی بر جماعتی از مسلمین مگر این که خاک زیر پای تو را برای تبرک بگیرند. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 9، ص 168 و ج 18، ص 282؛ مجمع الزوائد هیشمی، ج 9، ص 131؛ المعج الكبير طبرانی، ج 1، ص 320

### 24- خدا با او مناجات می کرد

قام النبی مع علیّ ملیّا من النهار فقال له ابوبکر: یا رسول الله! لقد طالت مناجاتک علیّا منذ الیوم فقال رسول الله ما أنا

ص: 129

ناجیته و لكن الله انتجاه» «پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با امیرالمؤمنین علیه السلام مدت مدیدی از روز را مناجات می کرد پس ابوبکر عرض کرد: ای رسول خدا! امروز چقدر طولانی شد مناجات شما با علی! پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: من با علی مناجات نمی کردم بلکه خدا با او مناجات می کرد.»

(معجم الکبیر طبرانی، ج 1، ص 159، ح 1756؛ سنن ترمذی، باب 20، ص 1065، ح 3734؛ مسند ابویعلی موصلی، ج 2، ص 434، ح 2160)

## 25- مباحث خدای متعال به امیرالمؤمنین

علیه السلام

شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خوابیدند جبرئیل امین وحی خدا نزد ایشان آمد و میکائیل امین خزائن ارزاق خدای متعال پائین پای امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و جبرئیل ندا داد:

«بخ بخ من مثلك یابن ابی طالب یباهی الله بك الملائكة»

آفرین آفرین کیست مثل شما ای امیرالمؤمنین! خداوند متعال به تو بر ملائکه مباحث و افتخار می کند.

اسد الغابه، ج 4، ص 25؛ ینابیع الموده، ج 1، ص 274؛ شواهد

ص: 130

## 26- امیر المؤمنین علیه السلام مولای کل

عالم است.

1- عن ابی هریره، عن عمر بن الخطاب قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من كنت مولاه فعلي مولاه. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق ج 2، ص 79، حدیث 581. شرح محمودی. و نیز ابن مغازلی در مناقب، ص 22، شماره 31، ط 1

از ابو هریره روایت شد که عمر بن خطاب گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس را که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست.

2- عن عمار الدھنی عن ابی فاخته، قال: أقبل علیّ و عمر جالس فی مجلسه فلما رآه عمر تضعضع و تواضع وتوسّع له فی المجلس، فلما قام علیّ، قال بعض القوم: یا امیر المؤمنین انک تصنع بعلی صنیعا ما تصنعه باحد من أصحاب محمد صلی الله علیه وآله وسلم قال عمر: و ما رأیتنی اصنع به؟ قال: رأیتک کلما رأیته تضعضعت و تواضعت و اوسعت حتی یجلس. قال: و ما یمنعنی، و الله انّه مولای و مولی کل مؤمن. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 82 حدیث 585. شرح

ص: 131

عمار دهنی از ابی فاخته روایت کند که گفت: علی علیه السلام آمد در حالی که عمر در جایگاه خود نشسته بود چون عمر آن حضرت را دید لرزید و تواضع کرد و برای نشستن علی علیه السلام جائی باز کرد، وقتی که علی علیه السلام برخاست: شخصی به عمر گفت: ای امیر، تو با علی علیه السلام روشی به کار بردی که با هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن رفتار را انجام نداده ای عمر گفت: من چه رفتاری با او داشتم که تو دیدی؟ گفت: دیدم که چون به او نظر افکندی، لرزیدی و تواضع کردی و جای نشستن برای او گشودی تا بنشیند، عمر گفت: چه چیزی مرا از این رفتار باز می دارد قسم به خدا که او مولای من و مولای همه مؤمنین است.

3 - عن عمار الدهنی، عن سالم بن ابی الجعد، قال: قيل لعمر: انک تصنع بعلیّ شیئا لا تصنعه بأحد من اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: انّه مولای ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 82، حدیث 584. شرح محمودی، فقیه ایمانی، مهدی، الأمام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص ص 146.



عمار دهنی، از سالم بن ابی جعد روایت کرد که گفت: به عمر (بن خطاب) گفته شد که همانا تو به گونه ای با علی رفتار (نیکو و شایسته) داری که با کسی از اصحاب پیامبر چنین رفتاری را نداری؟ عمر گفت: به درستی که علی مولای من است.

## 27- وای بر تو نمی دانی این مولای من است!

1- عن الحافظ الدار القطنی عن عمر، وقد جاءه اعرابیان یختصمان فقال لعلی: اقض بینهما. فقال احدهما: هذا یقضی بیننا؟! فوثب الیه عمر و اخذ بتلبیبه، وقال: ویحک ما تدری من هذا؟ هذا مولای و من لم یکن مولاه فلیس بمؤمن. ( مأخوذ از پاورقی کتاب شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ابن عساکر ج 2، ص 82 شرح محمودی. حافظ دارقطنی از عمر (بن خطاب) روایت می کند که دو تن اعرابی جهت مخاصمه و دعوا نزد او (یعنی نزد عمر بن خطاب) آمدند. پس عمر به علی علیه السلام عرض کرد: بین آنها قضاوت کن. یکی از آن دو اعرابی گفت: آیا این مرد میان ما قضاوت کند؟ پس عمر به طرف آن مرد پرید و یقه او را گرفت و گفت: وای بر تو، چه می دانی که این کیست؟! او مولای من است، و هر کس که او مولایش نباشد پس مؤمن نیست.

ص: 133

2- عمر بن خطاب: او (علیه السلام) مولای من است. زیرا پیامبر شرف را در ولایت علی می دید. لذا می گفت: نسبت به افراد شریف و با شخصیت محبت و دوستی از خود نشان دهید و در رابطه با حفظ آبروی خود از افراد پست و بی شخصیت پرهیزید و بر حذر باشید و دانسته باشید که هیچگونه شرفی به درجه تمامیت نرسید مگر به ولایت علی. «المناقب الخوارزمی، ص 97

3-...قال عمر بن الخطاب يوم غدیر خم: هنیئاً لک یابن ابی طالب أصبحت مولی کل مؤمن و مؤمنه. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 48 تا 51) شرح محمودی (ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 350 گنجی شافعی در کفایه الطالب، باب اول، ص 62) تبریک ابوبکر و عمر به علی علیه السلام. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینایع الموده، باب مناقب السبعون، ص 283، حدیث 56 و باب 4، ص 33 و 34. و دیگران.

4- عمر ابن خطاب) در روز غدیر خم، بعد از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی را به ولایت منصوب فرمود، خطاب به علی علیه السلام گفت: گوارا باد بر تو ای پسر ابی طالب که مولا و صاحب اختیار همه مردان و زنان مؤمن شدی.

ص: 134

آفریده نمی شد.

1- عمر بن الخطاب رفعه: لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب لما خلق الله النار. ( شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب الموده السادسة، ص 299. عمر بن خطاب به حدیث مرفوع روایت کرد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که: اگر مردم بر دوستی علی بن ابی طالب اتفاق و اجتماع می کردند خدا آتش را خلق نمی کرد.

2- عن عمر بن خطاب: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ؛ محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است.

3- عمر بن خطاب گفت -: الحمد لله که خداوند در این امت کسی - یعنی علی علیه السلام - را قرار داد که هر گاه ما راه

کج برویم ما را به راه راست هدایت می کند. (بیست و پنج سال سکوت علی علیه السلام) تألیف فؤاد فاروقی، ص 114

**29- تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده**

عمر بن خطاب در زمان خلافت خود برای حج به مکه مشرف شده در اثنای طواف نظرش به جوانی افتاد که یک

ص: 135

طرف صورتش سیاه و چشمش قرمز و خون آلود است. عمر او را صدا زد و گفت: یا فتی من فعل بک هذا؟ ای جوان چه کسی با تو چنین کرده و چه کسی تو را زده است؟ جوان گفت: ضربنی ابو الحسن علی بن ابی طالب. علی علیه السلام مرا زده است. عمر گفت: تأمل کن تا علی بیاید. در همین حال علی بن ابی طالب رسید. عمر گفت: یا علی ءانت ضربت هذا الشاب؟ یا علی آیا تو این جوان را زدی؟ علی علیه السلام فرمود: آری من او را زدم. عمر گفت: چه چیز سبب شد که او را بزنی؟ علی علیه السلام فرمود: رأیته ينظر حرم المسلمین. دیدم او را که نظر به زنان مسلمان و ناموس مردم می کرد (به دنبال ناموس مردم بود). عمر گفت: ای جوان، لعنت بر تو، بر خیز و برو. فقد رآک عین الله و ضربک ید الله. به درستی که تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده است.

چرا شیعه شدم» تألیف محمد رازی، ص 218، به نقل از شهرستانی در ملل و نحل و طبری در) ریاض النضره و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه.

### 30- همراه با پیامبر در بهشت

عن عمر، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول

ص: 136

لعلی: یا علی یدک فی یدی تدخل معی الجنّه حیث أدخل؛ ای علی! روز قیامت در حالی که دست تو در دست من باشد وارد بهشت می شوی و من هر کجا که داخل شدم، وارد خواهی شد.

### 31- علی برگزیده و امین پیامبر صلی الله علیه وآله

واخبرنی عن زکریا بن یحیی قال حدثنا محمد بن یحیی بن ابی عمر و ابومروان محمد بن عثمان بن خالد قالا حدثنا عبدالعزیز بن محمد الدارودی عن یزید بن عبدالله بن اسامه بن الھاد عن محمد بن نافع بن عجیر عن ابیه عن امیرالمؤمنین علیہ السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه واله وسلم: أما أنت یا علی فصفیّی و آمینی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: اما تو ای علی، برگزیده و امین من هستی. تاریخ کبیر بخاری، ج 1، ص 249؛ سنن ابن ابی داوود، ج 2، ص 284؛ کتاب السنه، ص 585 ح 1330؛ مناقب ابن کوفی، 245

ج 1، ص 497 ح 413؛ سنن کبری بیهقی، ج 8، ص 6؛ مشکل الآثار، ج 4، ص 120، ح 3354

### 32- آزدن علی علیه السلام آزدن رسول

خداست

علامه عینی حنفی به نقل از احمد بن حنبل می نویسد :

ص: 137

عمر بن خطاب گفته است : هر کسی که علی علیه السلام را آزرده و اذیت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزرده و اذیت کرده است. فقیه ایمانی مهدی الامام امیر المومنین علی علیه السلام از دیرگاه خلفا ص 157. عروه بن زیبر گفته است : مردی در حضور عمر از علی علیه السلام بدگفت : عمر به او گفت : « آیا صاحب این قبر را می شناسی ؟ او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و علی پسر ابوطالب پسر عبدالمطلب است ؛ پس جز به نیکی از علی یاد مکن که اگر او را دشمن بداری ، این را که در قبر خفته است ، آزرده کرده ای رشاد علی اکبر دانشنامه ی امام علی علیه السلام ج 10 ، ص 323.

### 33- پدر و مادرم فدای تو

خطاب عمر به علی علیه السلام پدر و مادرم فدای تو، زمخشری و دیگر علمای مخالفین با ذکر سند نقل کرده اند و همچنین عبدالله بن عباس گفته: در زمان حکومت عمر وقتی که عمر در مسجد بود و امیرالمومنین نیز در آنجا حاضر بود.

شخصی از امیرالمومنین علیه السلام نزد عمر شکایت کرد.

عمر نیز برای تشکیل محکمه و قضاوت بین ایشان با اشاره به امیرالمومنین علیه السلام گفت: ای ابالحسن! بر خیز و در کنار

ص:138

خصمت بنشین. امیرالمومنین علیه السلام بر خاست پهلوی آن مرد نشست و پس از گفتگو و قضاوت عمر و پایان قضیه و رفتن آن شخص حضرت به جای خود بازگشت. اما عمر در چهره حضرت ناراحتی و در همی را مشاهده کرد. پس گفت: ابوالحسن! از چه رو چهره ات را متغیر می بینم. مگر از آنچه گذشت ناخشنودی؟ امیرالمومنین فرمودند: آری. عمر گفت: چرا؟ امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: برای اینکه مرا در برابر شاکیم به کنیه (ابوالحسن) - که احترام آمیزتر از اسم است و مایه تبعیض بین طرفین دعوا در محکمه می تواند باشد. ج صدازدی. چرا نگفتی: یا علی برخیز پهلوی خصمت بنشین؟! عمر که از این خرده گیری حضرت علیه خود به شگفت آمده بود. سر آن حضرت را گرفت و چشمانش را بوسید و گفت: بایی انتم و امی بکم هداانا الله و بکم اخرجنا من الظلمات الی النور پدرم و مادرم به فدای شما باد. به وسیله شما خداوند ما را هدایت فرمود و به وسیله شما ما را از تیرگی و تاریکی به نور مشرف ساخت. ربیع الابرار ج 3، ص 595؛ مناقب خوارزمی: ج 7، ص 51؛ شرح ابن ابی الحدید: ج 4، ص 133؛ نزهة المجالس صفوری ج 2 ص 211؛ فرائد السمطين حموینی: ج 1، ص 349؛ المستطرف ابشیهمی ج 1 ص 9

عن ابن عباس: مشیت و عمر بن الخطاب فی بعض ازقه المدینه فقال لی: ...یا ابن عباس... والله لسمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول لعلی بن ابی طالب: من احبک احبّنی و من احبّنی احبّ الله، و من احبّ الله ادخله الجنه مدلا. (پاورقی کتاب در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 388) شرح محمودی

از ابن عباس روایت شد که (گفت): من و عمر بن خطاب در یکی از کوچه های مدینه می رفتیم پس عمر به من گفت: ...ای فرزند عباس... به خدا سوگند همانا شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که به علی بن ابی طالب می فرمود: کسی که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و کسی که خدا را دوست بدارد خداوند او را وارد بهشت می کند.

در تاریخ آمده است که عمر همراه عباس، عموی پیامبر به شام رفت. به هنگام ورود عمر به شام مردم به او تواضع می کردند و وی را امیرالمؤمنین می خواندند...

عمر رو کرد به عباس و گفت: می خواهی به تو خبر دهم



که چه کسی از من و تو افضل و بالاتر است و او امیرالمؤمنین می باشد . عباس گفت : بلی ، عمر گفت : « آن مردی است که او را در مدینه گذاشتیم ، یعنی علی علیه السلام عباس گفت : اگر چنین است پس چرا تو و رفیق تو ( ابوبکر ) با او چنین کردید ، عمر گفت : « او را افضل می شناسیم و به آن هم اعتراف می کنیم و لیکن او را به این جهت مقدم نساختم ، که قریش کینه او را در دل داشتند و ترسیدیم که اعراب با او بیعت نکنند و این کار از دست ما بیرون رود » . مقدس اردبیلی ، حذیقه الشیعه ، ص 314 .

### 35- علی از من و ابوبکر به خلافت سزاوارتر بود

- عن ابن عباس قال: كنت أسير مع عمر بن الخطاب في ليلة، وعمر على بغل وانا على فرس، فقرأ آية فيها ذكر علي بن ابي طالب فقال: أما والله يا بني عبد المطلب لقد كان عليّ فيكم أولى بهذا الأمر منّي و من أبي بكر،... -إلى ان قال -والله ما نقطع امرًا دونه، ولا نعمل شيئًا حتى نستأذنه. ( راغب در محاضرات، ج 7، ص 213. از ابن عباس روایت شد که گفت: در یکی از شبها من و عمر بن خطاب سیر می کردیم ) همسفر بودیم ( و عمر بر قاطر و من بر اسب بودم، پس آیه ای قرائت شد که در آن آیه نام

ص: 141

علی بن ابی طالب یاد آوری می شد. پس) عمر بن خطاب (گفت: آگاه باشید به خدا سوگند ای فرزندان عبدالمطلب، به تحقیق که علی در میان شما سزاوارترین است به این امر) خلافت (از من و ابوبکر... ) تا آنکه گفت: (به خدا سوگند هیچ کاری را بدون او تمام نمی کنم. و عملی بدون اجازه او انجام نمی دهم.

ابن ابی الحدید جریان مفصلی از یک ملاقات و گفتگویی که میان ابن عباس و عمر (بن خطاب) واقع گردیده است نقل می کند که در ضمن آن گفتگو و مصاحبه، خود عمر بدین حقیقت اعتراف کرده و می گوید: «آری رسول خدا خواست که در حال بیماری، به نام علی تصریح کند (و بنویسد) ولی من از این کار مانع گردیدم».

«و لقد أَرَادَ أَنْ يَصْرِّحَ بِاسْمِهِ فَمَنْعَتُ مِنْ ذَلِكَ»

ابن ابی الحدید سپس می گوید: این جریان را احمد بن ابی طاهر، مؤلف تاریخ بغداد در کتاب خود با اسنادش نقل نموده است. (سیری در صحیحین) (تألیف محمد صادق نجمی، ج 2، ص 273،) به نقل از شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 21 و مشابه آن در ص 78)

البته حدیث منع عمر، از این وصیت از مسلمات بین شیعه و سنی است که بخاری در صحیح خود و احمد در مسند و

### 36- سلام عمر به علی علیه السلام با عنوان

امیرالمومنین

1- ابن مردویه از سالم ، غلام علی علیه السلام نقل می کند ، که با علی علیه السلام در زمینی زراعتی که ملک حضرت بود کار می کردیم . ابوبکر و عمر به آنجا آمدند و گفتند : «السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمه الله و برکاته » بعضی از همراهانشان از آن دو نفر سؤال کردند : آیا شما این سلام را در حیات رسول الله صلی الله علیه و آله نیز گفتید ، عمر گفت : « پیامبر صلی الله علیه و آله ما را به این موضوع امر کرده است » فقیه ایمانی ، مهدی ، الأمام امیر المومنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا ، ص 612- همچنین نقل شده است که روزی عمر در مسجد نشسته بود و جمعی از مردم هم دور از جمع شده بودند ، حرفی از علی (علیه السلام) به میان آمد ، یکی از آنها برای این که عمر خوشش آید گفت : علی انسان مغروری است . عمر سریعاً واکنش نشان داد و او را منع کرد از تکرار چنین حرف هایی ، سپس عمر گفت : « به خدا قسم اگر شمشیر علی (علیه السلام) نبود ، عمود اسلام استحکام نمی یافت . او

ص:143

حاکم ترین امت است و در دین بر همگان سبقت دارد ، و دارای شرف و بزرگی در دین است » .

وقتی که آن شخص این جملات را از عمر شنید گفت :

پس چرا او را مقدم نداشتید. عمر در پاسخ آن شخص گفت :

به دو جهت « یکی به جهت کمی سن او . و دیگر آن که بنی عبدالمطلب او را دوست می داشتند » . ابن ابی الحدید ، شرح البلاغه ، ج 12 ، ص 82 .

### 37- امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تمام پیامبران جز خاتم

الانبياء (صلی الله علیه و آله) افضل است

فخر رازی، می گوید: و يؤيد الاستدلال بهذه الآية الحديث المقبول عند الموافق والمخالف، و هو قوله عليه السلام: من أراد أن يرى آدم في علمه ونوحاً في طاعته وإبراهيم في خلته وموسى في هيئته وعيسى في صفوته فلينظر إلى علي بن أبي طالب در تأييد این استدلال به آیه شریفه حدیثی است که مورد قبول موافق و مخالف است و آن سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: «هر که می خواهد به علم آدم، طاعت نوح، محبویّت ابراهیم، هیبت موسی و برگزیدگی عیسی بنگرد باید به علی بن ابی طالب بنگرد. التفسیر الکبیر فخر رازی ج 8 ص 72 دارالکتب العلمیه. نکات این

ص: 144

الف - اعتراف فخر رازی به برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر پیامبران. فالحديث دلّ علی أنّه اجتمع فيه ما كان متفرقاً فيهم، وذلك يدل علی أن علیاً رضی الله عنه أفضل من جميع الأنبياء سوى محمد صلی الله علیه و آله (و سلم... زیرا این حدیث دلالت دارد که همه این صفاتی که در این پیامبران به طور پراکنده موجود است یکجا در علی علیه السلام گرد آمده است، و همین دلیل است که علی علیه السلام از همه پیامبران جز محمد صلی الله علیه و آله و سلم افضل است. التفسير الكبير فخر رازی، ج 8، ص 72 دار الکتب العلمیه.

پس فردی که از همه پیامبران غیر از خاتم الانبیاء افضل است، و صاحب برتری و فضل همه پیامبران می باشد؛ چنین فردی لایق جانشینی سرور رسل می باشد.

ب - دلالت روایت به ضمیمه آیات قرآن

1. حدیث فرمود: «من أراد أن یری آدم فی علمه» «هر کس می خواهد آدم را در علم ببیند، به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کند. علم آدم چیست؟ برای اینکه اندکی از این فراز را متوجه شویم این آیات را باید متذکر شد:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ \* وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* ... قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ \* وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره 34-30) و هنگامی که پروردگار تو به ملائکه گفت: همانا من در زمین خلیفه قرار می دهم، گفتند: آیا قرار می دهی کسی را در زمین فساد کند و خون بریزد در حالی که ما برای تو تسبیح و تقدیس می کنیم. پروردگار گفت: همانا من چیزی می دانم که شما نمی دانید! به آدم، علم تمامی اسماء را دادیم.

آنچه که از این روایات به دست می آید خدا آدم را خلیفه قرار داد. اما ممیزه و مشخصه آدم که سبب شد خلیفه شود علم الهی بود، چنانکه خداوند متعال در جواب به اعتراض ملائکه می گوید: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.

از طرفی این علم را به آدم تعلیم داد: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا، و وقتی آدم در مقام معلّمی ملائکه قرار گرفت، و ملائکه آن علمی را که سبب شد آدم خلیفه خدا باشد را دانستند و

بعد از آنکه حکمت و علم را یافتند خدا به آنها گفت سجده کنند. آدم به خاطر علم الهی، مسجود ملائکه قرار گرفت. و این همان علمی بود که به آدم داده شد.

طبق روایت فوق امیرالمؤمنین علیه السلام علم آدم را دارد.

همان علمی که آدم را خلیفه ساخت و سپس مسجود ملائکه قرار داد. پس خلافت امیرالمؤمنین از این روایت به ضمیمه آیه قرآن ثابت شد.

2. فراز دیگر حدیث این بود که «من أراد أن يرى... إبراهيم في خلّته... فلينظر إلى علي بن أبي طالب» کسی که می خواهد ابراهیم را در مقام خلّتش ببیند پس نگاه کند به علی بن ابی طالب علیه السلام. مقام خلّت چیست؟ خداوند در قرآن می فرماید:

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (نساء 125)

دین چه کسی بهتر از آن کسی است که خود را تسلیم خدا نموده و هم نیکوکار است و پیروی از آیین ابراهیم حنیف نموده است آن ابراهیمی که خدا او را به مقام دوستی خود برگزیده است؟. آیه فوق می فرماید: خدا ابراهیم را به عنوان دوست خود برگزید. آن وصفی که ابراهیم دارد و از او تبعیت

می شود، خلّت و مقام دوستی با خداست. و باتبعیت از ابراهیم خلیل، بهترین دین نصیب انسان می شود.

در فراز مورد بحث، امیرالمؤمنین دارای مقام خلّت و دوستی ویژه با خداست. پس به حکم قرآن تبعیت از او بهترین دین و آئین است. مقام خلّت مقامی است که خداوند دوستی فرد را بر می گزیند.

### 38- اطاعت و عصیان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) همان

اطاعت و عصیان از رسول الله (صلی الله علیه و آله) است.

أخبرنا أبو أحمد محمد بن محمد الشيباني من أصل كتابه ، ثنا- علي بن سعيد بن بشير الرازي بمصر ، ثنا الحسن بن حماد الحضرمي ، ثنا يحيى بن يعلى ، ثنا بسام الصيرفي عن الحسن بن عمرو الفقيمي ، عن معاوية بن ثعلبه ، عن أبي ذر قال

قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاكَ فَقَدْ عَصَانِي

ابوذر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

هرکس از من اطاعت کند، به راستی که از خداوند اطاعت



کرده است، و هر کس از من سرپیچی کند، به راستی که از خداوند سرپیچی کرده است، هر کس از تو اطاعت کند به راستی که از من اطاعت کرده، هر کس تو سرپیچی کند، از من سرپیچی کرده است.

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه

این حدیثی است که اسناد آن صحیح می باشد ولی بخاری و مسلم تخریج نکرده است. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 131، ح 4641؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ج 1، ص 66؛ با الفاظ مشابه در: صحیح مسلم، ج 3، ص 1266؛ من حدیث خیثمه بن سلیمان، ج 1، ص 72، الریاض النضره فی مناقب العشره طبری، باب 4 فصل 6 ذکر اختصاصه أن من آذاه؛ ذخائر العقبی، ج 11، ص 614؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 313؛ تاریخ دمشق، ج 22، ص 307. ذهبی نیز در تلخیص مستدرک در مورد این روایت چنین می گوید: صحیح است. المستدرک علی الصحیحین و بذیلہ التلخیص للحافظ الذهبی، ج 3، ص 121 - کتاب معرفه الصحابه، باب ذکر اسلام امیر المؤمنین.

تصحیح ذهبی بر این روایت بسیار حائز اهمیت است زیرا ذهبی فردی است بسیار متعصب که بسیاری از احادیث فضایل امیرالمومنین علیه السلام را به راحتی رد می کند تا جایی که احمد بن صدیق مغربی در (فتح الملک العلی) ص 50 چنین می

ص: 149

گوید:

ولكن الذهبي اذا رأى حديثاً في فضل علي عليه السلام بادر الى انكاره بحق و بباطل حتى كانه لا يدري ما يخرج من رأسه

ولی ذہبی زمانی کہ حدیثی در فضیلت علی علیہ السلام می بیند ، مبادرت به انکار آن می کند (چه صحیح و چه غلط) تا جایی کہ نمی داند کہ از سرش چه می گذرد .

شوکانی در (درّ السحابه) نیز این روایت را به نقل از حاکم نیشابوری بیان می کند و تصحیح حاکم را نیز آورده و در مورد آن سکوت می کند . درّ السحابه فی مناقب القرابه و الصحابه، ص 227.

### 39- ای علی! تو برادر منی در دنیا و آخرت

حدیث مؤاخاه یا همان برادری بین حضرت رسول صلی الله علیه واله و امیرالمؤمنین به صورت متواتر نقل شده است از جمله از عبدالله بن عمر روایت شده است که: لما ورد رسول الله المدينه آخی بین الصحابه فجاء علیّ تدمع عیناه، فقال: یا رسول الله آخیت بین اصحابک و لم تواخ بینی و بین أحد؟ فقال رسول الله: یا علی أنت أخی فی الدنيا و الآخرة

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه واله وسلم وارد مدینه شدند بین صحابه برادری و اخوت ایجاد کردند پس

ص: 150

امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند در حالیکه چشمانشان پر از اشک بود و عرض کردند: ای رسول خدا! بین اصحاب خود برادری ایجاد کردی و بین من و هیچ کس دیگر برادری برنگزیدی؟ حضرت فرمودند: ای علی! تو برادر من در دنیا و آخرت هستی. (المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 14؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 300؛ اسد الغابه، ج 4، ص 29؛ البدایه و النهایه، ج 7؛ ص 371؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 112؛ فتح الباری، ج 7، ص 211؛ تاریخ بغداد، ج 12، ص 263؛ نظم درالسمطین، ص 94-95؛ کنز العمال، ج 13، ص 140؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 18 و 53 و 61؛ انساب الاشراف، ص 145؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 392؛ تحفه الاحوذی، ج 10، ص 152)

این اخوت دلالت بر رفعت مقام امیرالمؤمنین علیه السلام می کند. زیرا خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» «تنها مؤمنین برادر یکدیگر هستند.» زیرا برادری و اخوت به قدر منزلت و مقام آنهاست همانگونه که ابی بکر و عمر برادر یکدیگر بودند و عثمان و عبدالرحمن بن عوف برادر یکدیگر شدند. حال کسی که برادر اشرف ولد آدم و خاتم الانبیاء هست اوست که در تمامی مراتب و مقامات با رسول خدا شریک است چنانکه خداوند متعال در آیه مباحله حضرت امیرالمؤمنین را نفس پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم

معرفی می کند.

از طرفی حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: أنت أخی فی الدنیا و الآخره

ای علی تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.

باید دید مقامات حضرت رسول در دنیا و آخرت چیست تا بتوان مقام امیرالمؤمنین علیه السلام که برادر و هم‌رتبه ایشان در مقامات هستند مشخص شود.

مقام «أخوت» و برادری امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت صریحی بر خلافت و جانشینی ایشان بعد از حضرت رسول خدا را دارد چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام در روز شوری فرمود:

أفیکم من أخی رسول الله غیری؟!

آیا در بین شما کسی غیر من هست که با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم برادر شده باشد؟! لسان المیزان، ج 2، ص 157؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 52؛ کنز العمال، ج 5، ص 725

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عمار فرمود:

یا عمار! ان رأیت علیاً قد سلك وادياً و سلك الناس وادياً غیره فاسلك مع علی و دع الناس. ای عمار! اگر دیدی علی (علیه السلام) به راهی می رود، و همه مردم به راهی دیگر، تو

ص: 152

با علی علیه السلام حرکت کن، و همه مردم را رها کن. تاریخ بغداد خطیب بغدادی، ج 4، ص 410؛ حلیه الاولیاء ابونعیم، ج 1، ص 86

#### 40- علی از پیامبر و پیامبر صلی الله علیه وآله از علی

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به مولی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی! أنت منی و أنا منکای علی تواز منی و من از تو. صحیح بخاری، ج 3، ص 168، کتاب الصلح و ج 4، ص 207، باب مناقب علی بن ابی طالب و ج 5، ص 85، باب عمره القضاء؛ مسند احمد حنبل، ج 1، ص 98 و 115، ج 5، ص 204؛ صحیح ابن حیان، ج 11، ص 229 و 230؛ السنن الکبری بیهقی، ج 8، ص 5؛ مجمع الزوائد هیثمی، ج 9، ص 275، المصنف عبدالرزاق، ج 11، ص 227؛ مصنف ابن ابی شیبہ ج 7، ص 499؛ السنن الکبری نسائی، ج 5، ص 127 و 148 و 168 و 169؛ خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، ص 88 و 89 و 122 و 151؛ کنز العمال، ج 5، ص 579 و ج 11، ص 599 و 639 و 755 و ج 13، ص 255؛ معانی القرآن، ج 5، ص 40؛ شواهد التنزیل، ج 2، ص 143؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 13، ص 60 و ج 15، ص 215؛ تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 475 و ج 4، ص 218؛ تاریخ بغداد، ج 4، ص 364؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 19، ص 362 و ج 42، ص 53، 63 و 179؛ تهذیب الکمال، ج 5، ص 54؛ البدایه و النهایه، ج 4، ص 267.

طبق این روایت امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر و پیامبر از

ص: 153

ایشان است. پس در تمامی صفات و مراتبی که خاتم الانبیاء دارند امیرالمؤمنین نیز با ایشان شریکند.

جای آن دارد که در درک این حدیث، تمام فضائل و اوصافی که خداوند در قرآن برای پیامبرش می شمارد بررسی شود زیرا در همه آنها امیرالمؤمنین از ایشان است. و آن اوصاف را دارند.

اما اگر اشکال شود «من» در کلامی که فرمود: «علیّ منّی» شاید بعضی از خصال حضرت را برساند، پاسخ می دهیم:

بله، اگر تنها می فرمود «علیّ منّی» شاید اشکال موجه می بود اما در ادامه فرمود «و أنا منک» من از توأم و این خود این را می رساند که هر چه خصلت پسندیده در وجود خاتم الانبیائی است در وجود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است.

#### **41- علی محبوب ترین شخص نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله)**

1- اخبرنی عن زکریا بن یحیی قال حدثنا ابراهیم بن سعید قال: حدثنا اسود بن عامر (شاذان عن جعفر بن زیاد الاحمر عن عبدالله بن عطاء عن ابن بريدة قال: جاء رجل إلى أبي فسأله أيّ الناس كان أحبّ إلى رسول الله؟ فقال: كان أحبّ الناس إلى رسول الله من النساء فاطمه و من الرجال علیّ. ابن بريدة می گوید: مردی از پدرم پرسید: چه

ص: 154

کسی محبوبترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود؟ گفت: محبوبترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و محبوبترین مردان نزد ایشان، امیرالمؤمنین علیه السلام بود. سنن ترمذی، ج 5، ص 698، ح 3868؛ مسند روایانی، ص 26، ح 41؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 155؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1879؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج 2، ص 162، ح 649.

سؤال اینست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم با چه معیاری امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست دارند؟! آیا پناه بر خدا، از روی هوای نفس و امور مادی و دنیوی است؟

یا دوستی حضرت و اینکه محبوبترین فرد نزد خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم است از روی حکمت و به معیار قرب پروردگار و مراتب ایمانی و ارزشهای معنوی و اسلامی است. اینگونه است که چون امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام مراتب ایمان و در تمامی آنچه که در لسان قرآن به عنوان ارزش حساب می شود سرآمد همه است. افضل الناس در جمیع فضائل می باشد. از این روست که وقتی احببیت ثابت شد، افضلیت نیز ثابت می شود.

به برادران اهل تسنن باید گفت وقتی امر دایر شود بین

ص: 155

امیرالمؤمنین و عمر و ابی بکر و عثمان در امر خلافت چه کسی مقدم است؟! آیا او که احب است یا کسی که رسول خدا او را دوست نداشته؟!

و این اعتراف خود عایشه است که می گوید رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم امیرالمؤمنین را بیش از پدر او دوست می داشته است: والله لقد علمتُ أنَّ علیاً أحبُّ إلیک من أبی، به خدا قسم بدون تردید می می دانم که علی علیه السلام نزد تو از پدر من محبوب تر است. (مسند احمد، ج 30، ص 341، ح 18394 و ص 372، ح 18421؛ سنن ابی داود، ج 4، ص 300، ح 4999؛ سنن کبری نسائی، ج 5، ص 365، ح 9155؛ مسند بزار، ج 8، ص 223، ح 3275؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 127؛ کشف الاستار، ج 3، ص 194). آیا در جنگ جمل که امر دایر می شود بین امیرالمؤمنین و عایشه چه کسی را باید انتخاب کرد؟ آیا امیرالمؤمنین علیه السلام را یا عایشه ای که پیامبر انتظار مرگ او را می کشید؟

عایشه می گوید: رسول خدا آرزومند مرگ من بود و میگفت: دوست داشتم تا زنده هستم پیش بیاید که بر تو نماز بخوانم و تو را دفن کنم. (الطبقات ابن سعد ج 2 ص 206).

در روایتی دیگر عایشه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله بر من وارد شد در حالی که سر درد داشت و من نیز از سر



درد شکایت کردم و گفتم: ای وای سرم. پیامبر اکرم فرمودند:

بلکه به خدا این من هستم که باید بگویم ای وای سرم. سپس فرمود: چه می شد ای عایشه اگر قبل از من می مردی و من کارهای تو را به عهده می گرفتم و بر تو نماز می گذاشتم و تو را دفن می کردم. (السیره النبویه ابن کثیر دمشقی 4/446 و البدایه و النهایه ابن کثیر 5/244)

امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس تأویل قرآن می جنگد همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس تنزیل قرآن می جنگید.

2- اخبرنا اسحاق بن ابراهیم ابن راهویه و محمد بن قدامه و اللفظ له عن جریر ابن عبد الحمید عن الاعمش عن اسماعیل بن رجاء بن ربيعة الزبیدی، عن ابیه عن ابی سعید الخدری، قال: كنّا جلوساً ننتظر رسول الله فخرج إلینا قد انقطع شسع نعلیه فرمى بها إلى علی فقال إنّ منكم من یقاتل علی تأویل القرآن كما قاتلت علی تنزیله فقال ابوبکر: أنا، قال: لا، قال عمر: أنا قال لا ولكن صاحب النعل. ابوسعید خدری می گوید: ما به انتظار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودیم.

حضرت که بند نعلینشان پاره شده بود به نزد ما آمدند نعل را به امیرالمؤمنین علیه السلام دادند تا وصله بزنند سپس فرمودند:

از شما کسی است که بر اساس تأویل قرآن می جنگد

همانگونه که من بر اساس تنزیل قرآن می جنگم. ابوبکر گفت:

آن کس منم؟ فرمود: نه. عمر گفت: منم؟ فرمود: نه، او کسی است که هم اکنون نعل را وصله می زند. مسند احمد؛ ج 17، ص 360، ح 11258 و ص 30، ح 11289 و ج 18، ص 296، ح 11773؛ فضائل احمد، ص 130، ح 193 و ص 205؛ مسند ابویعلی، ج 2، ص 341، ح 1086؛ صحیح ابن حبان، ج 15، ص 385، ح 6937؛ کامل ابن عدی، ج 3، ص 327؛ مناقب کوفی، ج 2، ص 552-554، ح 1064-1065؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 122؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 67؛ دلائل النبوه بیهقی، ج 6، ص 435-436؛ مناقب خوارزمی، ص 260، ح 243؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج 3، ص 164، ح 1180-1179 و ص 169-167، ح 1182-1187 و ص 170، ح 1190-1189؛ شرح السنه بغوی، ج 10، ص 233، ح 2557.

از این روایت به دست می آید که امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس تأویل قرآن می جنگید. آنگونه که پیامبر با تنزیل قرآن جنگیدند. پس به نص روایت فوق، جنگیدن با عایشه و معاویه و خوارج بر اساس تأویل قرآن است.

3- نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله و سلم به منزل عایشه اشاره کردند و فرمودند: فتنه اینجاست فتنه اینجاست. از اینجا شاخ شیطان بیرون می آید. صحیح بخاری، ج 2، ص 125، باب ما جاء فی بیوت ازواج النبی من کتاب الجهاد و السیر.

ص: 158

4- همچنین در صحیح مسلم آمده است خرج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من بيت عائشه فقال رأس الكفر من هاهنا حيث يطلع قرن الشيطان پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله واله از منزل عائشه خارج شدند و فرمودند: رأس کفر اینجا است. از اینجا شاخ شیطان بیرون می آید. صحیح مسلم ج 2 ص 503، کتاب الفتن و اشرار الساعه.

#### 42- امیر المؤمنین علیه السلام، ولی و سرپرست هر

مؤمن

اخبرنا قتيبة بن سعيد قال حدثني جعفر بن سليمان عن يزيد عن مطرف بن عبد الله عن عمران بن حصين، قال: بعث رسول الله جيشاً فاستعمل عليهم علي بن أبي طالب فمضى في السريّة فأصاب جاريه فأنكروا عليه و تعاهدوا اربعة من اصحاب رسول الله إذا لقينا رسول الله اخبرناه بما صنع و كان المسلمون إذا رجعوا من السفر بدؤا برسول الله فسلموا عليه ثم انصرفوا إلى رحالهم فلما قدمت السريه سلموا على النبي فقام احد الاربعة فقال يا رسول الله ألم تر إلى علي بن أبي طالب صنع كذا و كذا؟ فأعرض عنه رسول الله ثم قام يعنى الثانى فقال مثل ذلك ثم قام الثالث فقال مثل مقالته ثم قام الرابع فقال مثل ما قالوا. فأقبل إليهم رسول الله والغضب (يبصر) في وجهه فقال: ما تريدون

ص: 159

من علی؟! إن علیاً منی و أنا منه و هو ولیّ کل مؤمن من بعدی. عمران بن حصین می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم، سپاهی را با فرماندهی علی بن ابی طالب فرستادند پس وی (امیرالمؤمنین) وارد نبرد شد و (اسیرانی گرفت) در این میان کنیزکی را برای خود برداشت پس (برخی) کار او را نپسندیدند و بر آن ایراد گرفتند و چهار نفر از اصحاب، پیمان بستند که همین که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را ملاقات کنند، حضرت را از کار ایشان آگاه کنند. عادت مسلمانان این بود که هرگاه از سفر برمی گشتند در آغاز خدمت رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم شرفیاب می شدند و بر ایشان سلام می کردند سپس به سوی بار و بنه خود می رفتند.

پس چون سپاه از راه رسید خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رسیدند و سلام کردند آنگاه یکی از آن چهار نفر برخاست و گفت: یا رسول الله! آیا علی بن ابی طالب را نمی نگرید که چه کرده است؟ رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم از آن شخص روی برگرداند آنگاه نفر دوم برخاست و همان را گفت سپس سوم برخاست و همان سخن را تکرار کرد و همین طور نفر چهارم برخاست و همان که دیگران گفتند، گفت. رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم روی به آنان کردند و در حالی که خشم در

چهره مبارکشان نمودار بود فرمودند: از علی چه می خواهید؟! علی علیه السلام از من و من از علی ام و او ولی هر مؤمنی پس از من است. مصنف ابن ابی شیبہ، ج 6، ص 375، ح 32112؛ مسند احمد حنبل، ج 4، ص 437 و ج 33، ص 154، ح 19928؛ فضائل احمد، ص 104، ح 157 و ص 123، ح 182؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 632، ح 3712؛ کتاب السنه، ص 550، ح 1187؛ سنن کبری نسائی، ج 5، ص 45، ح 8146؛ امالی عبدالرزاق، ص 79، ح 109؛ مسند طیالسی، ص 111، ح 829؛ مسند رویانی، ج 1، ص 62، ح 119؛ مناقب کوفی، ج 1، ص 449، ح 351 و 354 و ص 490، ح 397؛ کامل ابن عدی، ج 2، ص 145؛ معجم کبیر طبرانی، ج 18، ص 128، ح 265؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 110؛ حلیه الاولیاء، ج 6، ص 294؛ مناقب خوارزمی، ص 153، ح 180.

مانند این جریان در روایت دیگر در کتب اهل تسنن روایت شده است:

### 43- ای بریده علی از من و من از علی

اخبرنا واصل بن عبدالاعلی عن محمد بن فضیل عن الاجلح عن عبدالله بن بریده عن ایبه قال: بعثنا رسول الله إلى الیمن مع خالد بن الولید و بعث علیاً علی جیش آخر و قال: ان التقیتما فعلی علی الناس و ان تفرقتما فکل واحد منكما علی حدته فلقینا بنی زبید من اهل الیمن و ظهر المسلمون علی المشرکین فقتلنا المقاتله و سبینا

ص: 161

الذريه فاصطفى على جاريته لنفسه من السبي فكتب بذلك خالد بن الوليد إلى النبي وأمرني أن أنال منه فقال: فدفع الكتاب إليه ونلت من علي فتغيّر وجه رسول الله فقلت: هذا مكان العائد بعثني مع رجل وأمرتني بطاعته فبلغت ما أرسلت به فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا تقعنّ يا بريده في عليّ فإن عليّاً مني وأنا منه وهذا وليكم بعديريده ميّ گوید:

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم ما را با فرماندهی خالد بن ولید و سپاهی دیگر را با فرماندهی امیرالمؤمنین به یمن فرستاد و فرمود: اگر دو سپاه هم دیگر را ملاقات کردید، علی (علیه السلام) فرمانده همه است و اگر جدا بودید هر کدام با فرماندهی خود. ما با طایفه بنی زبید از یمن روبه رو شدیم و پس از نبرد، مسلمانان بر مشرکان چیره شدند، افراد جنگجو را کشتیم و فرزندانشان را به اسارت گرفتیم. امیرالمؤمنین علیه السلام کنیزکی را از میان اسیران برای خود برداشت. خالد بن ولید (از سر شکایت) این ماجرا را برای پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نوشت و به من مأموریت داد درباره امیرالمؤمنین علیه السلام گلایه کنم.

من نامه را به حضرت پیامبر دادم و درباره امیرالمؤمنین علیه السلام گلایه کردم در این هنگام رنگ چهره رسول خدا صلى

الله علیه وآله وسلم دگرگون شد پس گفتیم: این مکان پناه آورنده است (کنایه از اینکه من بی تقصیرم) شما من را با خالد بن ولید فرستادید و دستور دادید اطاعتش کنم من تنها مأموریتم را می رسانم، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ای بریده! درباره علی عیب جوئی مکن. علی علیه السلام از من است و من از علی ام و این علی ولیّ شما پس از من است.

مصنف ابن ابی شیبہ، ج 6، ص 375، ح 32110؛ مسند احمد، ج 38، ص 118، ح 23012؛ فضائل احمد، ص 219، ح 298؛ مناقب کوفی، ج 1، ص 479، ح 388 و ص 487، ح 397 و ج 2، ص 388، ح 863، ص 390، ح 903؛ مناقب ابن مغازلی، ص 225، ح 271؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج 1، ص 401-400، ح 466-468 و ص 406-402، ح 478-470.

#### 44-امیرالمؤمنین علیه السلام، فاروق اعظم و

صدیق اکبر

روایات زیادی در منابع اهل سنت موجود است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امیرالمؤمنین علیه السلام را ملقب به لقب فاروق و صدیق فرموده بودند از جمله:

1-أخذ رسول الله بيد علي فقال إن هذا أول من آمن بي و هو أول من يصفحني يوم القيامة و هذا الصديق الأكبر و هذا

ص:163

فاروق هذه الأمه، يفرق بين الحق و الباطل و هذا يعسوب المؤمنين و المال يعسوب الظالمين. حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم دست اميرالمؤمنين عليه السلام را گرفته و فرمودند: اين اولين فردى است كه به من ايمان آورد و اولين كسى است كه در روز قيامت با من مصافحه خواهد كرد و اين صديق اكبر و فاروق (جدا كننده حق از باطل) اين امت مى باشد و جدا مى كند بين حق و باطل را و اين ثروت مؤمنين است و مال ثروت ظالمين مى باشد. (معجم كبير طبرانى، ج 6، ص 269؛ اسد الغابه لابن اثير جزرى، ج 5، ص 287؛ كنز العمال متقى هندی، ج 11، ص 616؛ مجمع الزوائد للهيثمى، ج 9، ص 102؛ تاريخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج 42، ص 41).

2- رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: پس از من فتنه اى خواهد بود. وقتى آن فتنه اتفاق افتاد همراه على بن ابى طالب باشيد؛ زيرا او اولين كسى است كه فرداى قيامت مرا مى بيند و اولين كسى است كه با من مصافحه مى كند. او صديق اكبر و فاروق اين امت است كه حق را از باطل جدا مى سازد. و او سرور مؤمنين است. تاريخ مدینه دمشق ابن عساکر، ج 42، ص 450؛ المناقب خوارزمى، ص 105؛ اسد الغابه ابن اثير، ج 6، ص 265؛ الاستيعاب ابن عبدالبر، ج 4، ص 307؛ الاصابه، ج 7، ص 294.

ص: 164



3- ابن عباس و ابوذر نقل کرده اند که ما از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شنیدیم که خطاب به علی علیه السلام می فرمود:

انت الصديق الاكبر، و انت الفاروق الذي يفرق بين الحق و الباطل. تویی صدیق اکبر و تویی فاروق که حق و باطل را از هم جدا خواهی کرد. المواقف قاضی ایجی، ص 409؛ الرياض النضرة محب الدین طبری، ج 3، ص 96؛ الاربعین المنتقى احمد بن اسماعیل طالقانی، ح 28، باب 21؛ مسند شمس الاخبار قرشی، ج 1، ص 94؛ فرائد السمطين شیخ الاسلام حمونی، ج 1، ص 140، ح 102 و 103؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 228، خطبه 238؛ نزهة المجالس صفوری، ج 2، ص 205.

4- ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده که فرمود: الصّدّيقون ثلاثة: حزقیل مؤمن آل فرعون، و حبیب النّجار صاحب آل یاسین، و علی بن ابی طالب راستگویان سه نفرند: حزقیل، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار صاحب آل یاسین، و امیرالمؤمنین علیه السلام (مناقب علی علیه السلام از احمد حنبل، ص 131، ح 194؛ الرياض النضرة محب الدین طبری، ج 3، ص 94؛ کفایه الطالب گنجی شافعی، ص 124، باب 24؛ کنز العمال متقی هندی، ج 11، ص 601، ح 32897؛ صواعق المحرقة ابن حجر هیثمی، ص 125).

ص: 165

از جمله کارهای ناشایست اهل سنت، اطلاق لقب صدیق را به ابی بکر و لقب فاروق را نیز به عمر است.

البته از کسانی که غصب خلافت خلیفه الهی امیرالمؤمنین علیه السلام را می کنند توقع بیش از این نیز نمی توان داشت که القاب ایشان را نیز غصب کرده و به خود بدهند.

لذا کتب اینان پر است از روایات جعلی در مورد فضائل دشمنان امیرالمؤمنین از جمله این دو لقب. اما جالب این جاست که برخی از علمای خودشان به کذب و جعل این حدیث معترفند از جمله: ابن جوزی از علمای نامدار مخالفین، حدیث صدیق نامیدن ابوبکر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را می آورد، می گوید: این روایت ضعیف و باطل و جعلی است. الموضوعات لابن جوزی، ج 1، ص 327 تاریخ بغداد للخطیب البغدادی، ج 7، ص 437

نقل می کنند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم گفته است که من در معراج، رفته بودم به عرش و دیدم که نوشته اند: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، ابوبکر الصدیق، عمر الفاروق. نیست

خدایی جز الله و محمد صلی الله علیه وآله وسلم فرستاده خدا و ابوبکر صدیق و عمر فاروق است. ابن حبان می گوید: هذان خبران باطلان موضوعان لا شک فیه. این دو روایت، باطل است و جعلی و هیچ شکی هم نیست. المجروحین لابن حبان، ج 2، ص 116

جالب این است که بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: أنا عبدالله و اخو رسوله و انا الصديق الاكبر لا يقولها بعدى الا كذاب مفتر، لقد صليت قبل الناس سبع سنين. من بنده خدا و برادر رسول خدايم، و من صديق اكبرم، کسی بعد از من این ادعا را به جز بسیار دروغگو و افترازننده نمی کند. به تحقیق من هفت سال قبل از مردم نماز به جای آوردم. (المصنّف ابن ابی شیبہ، ج 12، ص 65، ح 12133؛ خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ص 25، ح 7؛ السنن الکبری نسائی، ج 5، ص 107، ح 8395؛ السنه ابن ابی عاصم، ص 584، ح 1324؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، ج 3، ص 121، ح 4584؛ معرفه الصحابه ابونعیم، ج 1، ص 301؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 44، ح 120؛ تاریخ الامم و الملوک طبری، ج 2، ص 310؛ الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ج 1، ص 484؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 200، خطبه 238؛ الرياض النضرة محب الدین طبری، ج 3، ص 96 و 100 و 111؛

ص: 167

فراند السمطين حموئی، ج 1، ص 248، ح 192؛ كنزالعمال متقی هندی، ج 13، ص 122، ح 36389؛ الطبقات الكبرى ابن سعد، ج 2، ص 60، رقم 315؛ الطبقات الشعرانی، ج 2، ص 55).

همچنین معاذه می گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که بر منبر بصره خطبه می خواند شنیدم که می فرمود:

انا الصديق الاكبر، آمنت قبل ان يؤمن ابوبكر، و أسلمت قبل أن يسلم ابوبكر. من صديق اكبرم، قبل از آن که ابوبكر ايمان آورد ايمان آوردم و قبل از آن که ابوبكر اسلام آورد اسلام آوردم. المعارف ابن قتيبه، ص 169؛ الرياض النضره محب الدين طبري، ج 3، ص 95 و 99؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحددی، ج 13، ص 200 و 228، خطبه 238؛ كنزالعمال متقی هندی، ج 13، ص 164.

از طرفی دیگر، جماعت زیادی از علمای مَثَنیان به این مطلب تصریح کرده اند که: یهودیان کلمه فاروق را برای عمر انتخاب کردند. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج 3، ص 270 تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج 44، ص 51 تاریخ مدینه لابن شبه النُمیری، ج 2، ص 662 تاریخ طبری، ج 3، ص 267.

جالب اینکه ابن کثیر دمشقی که مورد تائید تمام فرق مخالفین است می گوید: الملقب بالفاروق قيل لقبه بذلك اهل الكتاب. گفته اند که عمر را اهل کتاب، ملقب به فاروق کرده اند.

ص: 168

البدايه و النهايه لابن كثير الدمشقي، ج7، ص150 أسد الغابه لابن أثير، ج4، ص57.

پس روشن شد که لقب فاروق و صدیق اکبر، جز بر نور وجود مولی الموحدين امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلینا طلاق نمی شود و هر که ادعا کند که برای فرد دیگری است جز کذاب و افترا گو، نیست.

#### 46- امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او،

رستگاران در قیامت.

وأخرج ابن عساكر عن جابر بن عبد الله قال كنا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأقبل على فقال النبي صلى الله عليه وسلم: والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة ونزلت «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ» فكان أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم إذا أقبل على قالوا: جاء خير البرية ابن عساكر از جابر بن عبد الله روایت کرده است که گفت: ما نزد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم بودیم که علی از راه رسید، پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

سوگند به آن که جانم به دست او است، این و شیعیان اویند که در روز قیامت رستگارند. و این آیه نازل شد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا...» و یاران رسول خدا هر گاه امیرالمؤمنین از راه می

ص:169

رسید می گفتند: بهترین رستگاران آمد.

(الدر المنثور، ج 8، ص 589) همچنین این روایت و مضمون آن در (تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 371؛ تفسیر آلوسی، ج 30، ص 207؛ شواهد التنزیل حاکم الحسکانی، ج 2، ص 460 461 و ص 271 272؛ فتح القدیر شوکانی، ج 5، ص 477؛ کنز العمال متقی الهندی، ج 13، ص 156 157؛ نظم درر السمطین الزرندی الحنفی، ص 92). لغت نامه نویسان از اهل سنت نیز در توضیحاتشان در مورد کلمه «شیعه» همین شان نزول را در کتاب هایشان ذکر نموده اند. (لسان العرب، ابن منظور، ج 2، ص 566؛ تاج العروس زبیدی، ج 4، ص 176)

#### 48- دوستان علی (علیه السلام) سعاد و دشمنانش اشقیامی

باشند.

از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شده است که فرمودند: در شام عرفه پدرم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نزد ما بیرون آمد و فرمودند: ان الله عزوجل باهی بکم الملائکه عامه و غفر لکم عامه و لعلی خاصه و انی رسول الله غیر محابّ لقرباتی ان السعید کل السعید من احبّ علیاً فی حیاتہ و بعد موتہ و ان الشقی من ابغش علیاً فی حیاتہ و بعد مماتہ. خدای عزوجل مباحات می کند به شماها بر ملائکه عموما و شما را آمرزیده عموماً و امیرالمؤمنین علیه السلام را

ص: 170

خصوصاً و من که رسول خدایم بدون اینکه نظر محبت و دوستی به خویشانم داشته باشم به درستی که سعید با تمام سعادت کسی است که دوست بدارد علی علیه السلام را در حیات و بعد از وفاتش و شقی با تمام شقاوت کسی است که دشمن بدارد علی علیه السلام را در حیات و بعد از مماتش. (المعجم الکبیر طبرانی، ج 2، ص 415؛ مطالب السؤل، 83-95؛ مسند احمد، ج 4، ص 107؛ فضائل احمد، ج 2، ص 658؛ موده القریبی میر سید علی همدانی، ص 28؛ مناقب خوارزمی، ص 79؛ شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 154؛ فصول المهمه ابن صباغ، ج 1، ص 585؛ معالم العترة النبویه، ص 53)

#### 49- وصایت علی (علیه السلام)

1- انس بن مالک گفت به سلمان گفتم: از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم سؤال کن که وصی او کیست؟

فقال سلمان: یا رسول الله من وصیک؟ فقال یا سلمان من کان وصیّ موسی؟ فقال: یوشع بن نون قال: ان وصیّی و وارثی دینی و ینجز موعدی علی بن ابی طالب. سلمان گفت: ای رسول خدا! چه کسی وصی شماست؟ پس حضرت فرمودند: ای سلمان وصی موسی چه کسی بود؟ عرض کرد:

یوشع بن نون حضرت فرمودند: همانا وصی من و وارث دین

ص: 171

من و کسی که وعده های مرا منجز می کند، علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. (ینایع الموده، ج 1، ص 235؛ تذکره الخواص، ص 48)

2- همچنین موفق بن احمد اخطب الخطباء خوارزم از بریده نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

ل کل نبی وصی و وارث و ان علیاً وصیی و وارثی

برای هر پیامبری وصی و وارثی هست و بدون هیچ تردیدی علی علیه السلام وصی و وارث من می باشد

کفایه الطالب، ص 260، باب 62؛ مناقب خوارزمی، ص 147، ح 171)

3- شیخ الاسلام حموینی از ابی ذر غفاری نقل می کند که: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم:

أنا خاتم النبیین و أنت یا علی خاتم الوصیین إلى یوم الدین

من خاتم الانبیاء هستم و تو یا علی خاتم اوصیا هستی تا روز قیامت. (فرائد السمطین، ج 1، ص 147)

## 50- حدیث منزلت

1- منزلت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم.

عن سوید بن غفله، قال: رأی عمر رجلاً یخاصم علیاً، فقال له

ص: 172



عمر: انی لأظنک من المنافقین! سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یقول: علیّ منّی بمنزله هارون من موسی إلا أنّه لا نبی بعدی.  
(آثار الصادقین، ج 14، ص 286 به نقل از شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق ابن عساکر ج 1، ص 360)

از سوید بن غفله روایت شد که گفت، عمر مردی را دید که با علی علیه السلام خصومت می کند عمر به وی گفت: گمان دارم که تو از منافقان باشی! زیرا من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: علی در نزد من منزلت و جایگاه هارون در نزد موسی علیه السلام را دارد جز آنکه پیغمبری پس از من نباشد

2- اخبرنا بشر بن هلال قال حدثنا جعفر و هو ابن سلیمان قال حدثنا حرب بن شداد عن قتاده عن سعید بن مسیب عن سعد بن ابی وقاص قال:

لما غزا رسول الله غزوه تبوک خلّف علیّاً بالمدينه فقالوا فيه: ملّه و کره صحبته فتبع (علیّ) النبی حتی لحقه فی الطريق فقال یا رسول الله! خلّفتی فی المدينه مع الذراری و النساء حتی قالوا: ملّه و کره صحبته. فقال له النبی: یا علی إنما خلّفتک علی أهلی أما ترضی أن تكون منّی بمنزله هارون من موسی غیر أنه لا نبی بعدی. سعد بن ابی وقاص گفت: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عازم جنگ تبوک شدند، امیرالمؤمنین

ص: 173

علیه السلام را در مدینه جانشین خود کرد مردم در این باره می گفتند: پیامبر از امیرالمؤمنین به ستوه آمده و همراهی اش را نمی پسندد. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال پیامبر روانه شد و در راه به ایشان رسید و فرمود: ای رسول خدا! آیا من را در مدینه با کودکان و زنان وامی گذارید تا بگویند: از او به ستوه آمده، همراهی اش را نمی پسندد! پس پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به ایشان فرمودند: ای علی من تو را بر اهل خود جانشین کردم. آیا تو خشنود نیستی برای من بمنزله هارون برای موسی باشی جز آنکه پیغمبری پس از من نخواهد بود؟. کتاب السنه، ص 587، ح 1342 و 1343؛ مسند بزار، ج 3، ص 284، ح 1076؛ مناقب کوفی، ج 1، ص 520، ح 422 و 442 و 463 و 522، ح 458 و 466 و 523، ح 467 و 468؛ سنن کبری، ج 5، ص 44، ح 8138؛ مسند ابی یعلی، ج 2، ص 136 ح 738؛ کامل ابن عدی، ج 2، ص 416، ح 164؛ معجم اوسط طبرانی، ج 5، ص 136، ح 4260؛ تاریخ بغداد، ج 1، ص 324، ح 227؛ مناقب ابن مغازلی، ص 35، ح 53.

3- در برخی دیگر از منابع اهل سنت تنها این کلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را نقل کرده اند: أن النبی قال لعلی «اما ترضی منی بمنزله هارون من موسی آیا خشنود نیستی که تو برای من بمنزله هارون برای موسی هستی؟!». سنن ترمذی، ج 5،

ص 641، ح 3731؛ معج صغیر طبرانی، ج 2، ص 22، ح 824؛ طبقات المحدثین، ج 4، ص 264، ح 1020؛ حلیه الاولیاء، ج 7، ص 196؛ مسند طیالسی، ج 1، ص 28، ح 205؛ صحیح بخاری، ج 6، ص 3، ح 6؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 1871؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 42، ح 115.

4- در مصادر دیگر از سعید بن مسیب روایت را اینگونه ذکر کرده اند: قال النبی لعلی: أما ترضی أن تكون منی بمنزله هارون من موسی إلا أنه لا نبوه قال سعید: فلم ارض حتی أتیت سعدا فقلت شیئا حدّثنی به ابنک عنک؟ قال و ماهو؟ وانتھرنی، فقلت: شیئا حدّثنی: أما علی هذا فلا. فقال: ما هو یابن اخی؟ فقلت:

هل سمعت النبی یقول لعلی کذا وکذا؟ قال: نعم، و اشار إلى اذنیه و إلا فاسکتا لقد سمعته یقول ذلک. سعید بن مسیب می گوید از ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص شنیدم که از پدرش چنین شنیده است، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

آیا تو خشنود نیستی برای من بمنزله هارون برای موسی باشی جز پیغمبری. سعید بن مسیب می گوید: به این خبر اکتفا نکردم تا به نزد سعد بن ابی وقاص آمدم و گفتم: فرزندت از تو چیزی برای من گفته است. گفت: چه چیزی؟ آیا مرا سرزنش کرد؟ گفتم: نه در این مورد نیست. گفت پس چه گفته

ص: 175

ای برادرزاده ام؟ گفتم: آیا تو از پیامبر شنیده ای که درباره امیرالمؤمنین چنین و چنان گفته است؟ گفت: آری و به دو گوش خود اشاره کرد و گفت: و إلاّ این دو گوش کر شود من خودم شنیده ام. فضائل احمد، ص 136، ح 201؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 1870، ح 2404؛ کتاب السنه، ص 578، ح 1335؛ مسند بزار، ج 2، ص 316، ح 744؛ مناقب کوفی، ج 1، ص 512، ح 435 و ص 522 و 523، ح 466 و 467 و ص 534-535، ح 483-484؛ سنن کبری نسائی، ج 5، ص 44، ح 8140؛ مسند ابی یعلی، ج 2، ص 86، ح 739 و ص 99، ح 755؛ معج شیوخ ابویعلی، ص 230، ح 188؛ الکنی و الاسماء دولابی، ج 1، ص 192؛ صحیح ابن حبان، ج 15، ص 369، ح 6926؛ مناقب ابن مغزلی، ص 27، ح 42-40 و ص 34، ح 51؛ مناقب خوارزمی، ص 133، ح 148؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج 1، ص 327، ح 350 و ص 318، ح 351-353.

حال سؤال اینست که: منازل هارون نسبت به موسی چه بوده است؟ آیات زیادی در مورد حضرت موسی و هارون علی نبینا و آله و علیهما السلام در قرآن آمده است از جمله این آیات:

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي \* هَارُونَ أَخِي \* اُتِّدُّ بِهِ اَزْرِي \* وَ اَشَدُّ رِكْهَةً فِي اَمْرِي (طه: 32-29) موسی گفت: خدایا برای من وزیری از اهل من قرار بده \* برادرم هارون را \* پشت مرا به او محکم کن \* و او را در امر من، شریک ساز .

ص: 176

وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (اعراف: 142)

و موسی به برادرش هارون گفت: خلیفه من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو راه اهل فساد نباش.

در دو آیه فوق چند مقام هارون نسبت به موسی بیان شده است که عبارتند از:

الف - مقام وزارت

آنچه که نص آیه است اینکه حضرت موسی فرمود:

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا» «خدایا برای من وزیری قرار بده.

در آیات قرآن «وزر» به معنای پناه آمده است:

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ \* كَلَّا لَا وَزَرَ (قیامه 11-7)

در آن روز انسان گوید کجا مفرّ و پناهگاهی است \* هرگز مفرّ و پناهگاهی نیست.

در کتاب لغت چنین معنا شده است: الوزر: الملجأ، و اصل الوزر الجبل المنيع... قال ابواسحاق: الوزر فی کلام العرب الجبل الذی يلتجأ إليه. و کل ما التجأت إليه و تحصنت به فهو وزر. وزر به معنای ملجأ و پناهگاه است و اصل وزر، کوه بلند است و هر پناهگاهی است ابواسحاق گفته است: وزر در کلام عرب کوهی است که بدان پناه می برند. و هر آنچه که به سوی آن پناهنده می شوند و

ص: 177

توسط آن محافظت می شوند وزیر است. (لسان العرب، ج 5، ص 282، ماده وزر).

پس وقتی کسی ملجأ و پناهگاه حضرت سرور انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم باشد عظمت آن روشن می شود.

حضرت رسولی که خود پشت و پناه دین خدا و پشت و پناه مسلمین است، ملجأ او امیرالمؤمنین می شود، این واضح و روشن است که تنها این وجود مقدس می تواند جانشین و رهبر امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

البته باید تأکید کرد که تنها این روایت نیست که مقام وزارت را برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت کرده است، بلکه در منابع ذیل نیز روایاتی وارد شده است که صراحتاً مقام وزارت را برای ایشان بیان کرده است: تفسیر کبیر فخر رازی، ج 12، ص 26، الطبقات الکبری، ج 3 ف

ص 23؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 52 و 57؛ ینابیع الموده، ج 1، ص 258 و ج 2، ص 153 و 288.

ب - مقام اهل بیت بودن (من اهلی)

همانگونه که هارون از اهل بیت موسی بود، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی برادر و داماد و پسر عم ایشان است. در منابع زیاد اهل سنت

ص: 178

آمده است. دعا رسول الله عليا وفاطمه و الحسن و الحسين فقال اللهم هؤلاء اهلي. پیامبر اکرم حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیه السلام را طلبیدند پس فرمودند: خداوند این ها اهل من هستند.

صحیح مسلم، ص 1198، ح 6114، باب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام.

ج - مقام اخوت (هارون اخی).

غیر از اینکه حدیث منزلت مقام برادری حضرت رسول را برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت می کند. در بسیاری از منابع اهل سنت ذکر شده است که: اخی رسول الله بین اصحابه فجاء علی تدمع عیناه فقال: یا رسول الله! اخیت بین اصحابک و لم تواخ بنی و بین احد فقال رسول الله أنت اخی فی الدنیا و الآخرة رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین اصحاب خود عقد اخوت و برادری بست. پس امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که چشمانشان گریان بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و فرمودند: ای رسول خدا! بین اصحابتان عقد اخوت بستید و بین من و احدی دیگر عقد برادری بستید.

پس حضرت رسول خدا فرمودند: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.

سنن ترمذی، باب مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ص 1063، ح 4741)

ص: 179

#### د- پشت و پناه بودن (أشدد به أزرى)

در این هیچ تردیدی نیست که رسالت خاتم، اعظم مسئولیاتی است که خداوند آن را به دوش هیچ کسی غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم قرار نداده است. آن هم بر دوش و بر کمر کسی که خود ظهر و پشت و پناه انبیاء بوده است.

وقتی موسی دعا می کند و خداوند اجابت می کند، این دلیلی است بر اینکه انجام وعده رسولش متحقق نمی شود مگر اینکه هارون ظهیر و پشت و پناه او باشد، همینطور در مورد حضرت رسالت مآب چنین است. یعنی انجام عهد و رسالت ختم الانبیائی در گرو پشت و پناه بودن امیرالمؤمنین علیه السلام برای رسول خداست.

#### ه- مقام شرکت در امر (و أشرکه فی أمری)

طبق این فراز از کلام حضرت موسی در مورد هارون، هر چه در مورد حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم بتوان تصور نمود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام در آن با رسول خدا شریک می باشند. چه مشارکت در صناعات نفسانیه و چه مشارکت در مراتب ایمانیه و همچنین مشارکت در قرب پروردگار عالم، و مشارکت در تمام صفات پسندیده و اخلاق



حمیده و .. است.

#### و- مقام اصلاح (وَأَصْلَح)

همانگونه که هارون مصلح و نائب مناب حضرت موسی در اصلاح امت بود، همینگونه این منزلت برای امیرالمؤمنین علیه السلام در امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

#### ز- مقام خلافت (أَخْلَفَنِي)

در مورد خلافت به حدیث منزلت به ضمیمه آیه قرآن که موسی به هارون فرمود: (أَخْلَفَنِي فِي قَوْمِي) می توان استناد کرد. نصوص صریح تری نیز موجود است که صریحا لفظ خلافت را در مورد امیرالمؤمنین به کار برده شده است.

#### ح- مقام أَحَبِّيَّت

یکی از وجوهی که در حدیث منزلت غالبا از آن غفلت می شود این است که هارون برای موسی از همه محبوبتر است.

وقتی حضرت موسی دعا می کند. نه برای بنی اسرائیل و نه برای پدر و مادر و نه برای اهل و عیال و نه حتی برای شعیب پیغمبر پدر زن خود، برای احدی از آنها دعا نمی کند بلکه تنها و تنها برای حضرت هارون دعا می کند. و این نشان می دهد که هارون در نزد موسی محبوبترین افراد بوده است. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین

## 51- امیر المؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر صلی

الله علیه و آله و سلم در اولین دعوت علنی

هنگامی که آیه « و انذر عشیرتک الاقربین » نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور یافت تا اولین دعوت علنی خود را از خویشان شروع فرماید. حضرت در آن مجلس فرمودند: ای فرزندان عبدالمطلب سوگند به خداوند من جوانی در عرب سراغ ندارم که چیزی برای قوم خود آورده باشد، بهتر از آنچه من برای شما به ارمغان آورده ام. من برای شما خیر دنیا و آخرت را آورده ام. خداوند تعالی به من امر فرموده است که شما را به سوی او دعوت کنم. سپس فرمودند: فأتیکم یأزرنی هذا الامر و أن یکون أخی و وصیی و خلیفتی فیکم. کدام یک از شما شریک رنج های من و کمک کار در ادای رسالت من می شود تا او برادر و وصی و خلیفه من در میان شما باشد. همه سکوت کردند و تنها امیر المؤمنین علیه السلام که کم سن تر از همه آنها بود ایستاده و فرمودند: أنا یا نبی الله اکون وزیرک علیه؛ من ای پیامبر خدا! وزیر و مددکار تو می شوم در تحمل بار رسالت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم،

امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُمُ فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا. این برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست از او فرمان برید و به گفته و دستورش گوش دهید. پیرمردان بنی هاشم و بزرگان قوم از جای برخاستند در حالی که از سر تمسخر و استهزاء می خندیدند؛ به ابوطالب گفتند: این برادرزاده ات امر می کند که از کودک خردسالت فرمان بری! با این که تو شیخ و رئیس قریش هستی)

(تاریخ الرسل و الملوك طبری، ج 2، ص 321-319؛ تفسیر طبری، ج 19، ص 75-74؛ الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ج 2، ص 42-41)

خداوند متعال امیرالمؤمنین علیه السلام را بر محضر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وارد می کند

## 42- محبت امیرالمؤمنین علیه السلام معیار سنجش

نفاق و ایمان است.

أخبرنا أبوکریب (محمد بن العلاء) الکوفی (قال: حدثنا ابو معاویه عن الاعمش عن عدی بن ثابت عن زر بن حبیش، عن امیرالمؤمنین علیه السلام: والذی فلق الحبه وبرأ النسمه لعهد النبی الأُمی إلی أن لا یحبنی إلا مؤمن ولا یبغضنی إلا المنافق. سوگند به خدایی که

ص: 183

دانه را می شکافد و هستی را می آفریند، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با من چنین در میان گذاشت و سفارش فرمود:

جز مؤمن من را دوست ندارد و جز منافق به من کینه نمی ورزد. (مصنف ابن ابی شیبہ، ج 6، ص 368 ح 32055؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 86 ح 131؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 114؛ کتاب السنه، ص 548، ح 1325؛ سنن کبری نسائی، ج 5، ص 47 ح 8153؛ صحیح ابن حبان، ج 15، ص 376 ح 6924؛ مناقب کوفی، ج 2، ص 479 ح 978؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج 2، ص 195 ح 689 و 690) مانند آن در مسند احمد حنبل، ج 2، ص 136؛ فضائل احمد، ص 45، ح 71؛ کنزالفوائد، ج 2، ص 83؛ مناقب ابن مغزلی، ص 193 ح 228 و ص 195، ح 231.

### 53-هیچکس مانند علی فضیلت به دست نیاورد

محب الدین طبرانی و دیگران به روایت از طبرانی صاحب معجم های سه گانه از عمر بن خطاب نقل کرده اند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ما اکتسب مکتسب مثل فضل علی یهدی صاحبه الی الهدی و

یرده علی الردهیچ به دست آورنده ای همانند علی فضیلت به دست نیاورد، او همراهش را به راه راست هدایت

ص: 184

کند و از گمراهی برگرداند. ذخائر العقبی: ص 61؛ ریاض النضره: ج 2، ص 214؛ ینایع الموده: ص 203؛ ارجح المطالب: ص 98؛ وسیله الم آل باکثیر حضر می: ص 110 مخطوط (ملحقات احقاق الحق: ج 17، ص 29)؛ مناقب سیدنا علی، عینی حیدرآبادی: ص 40-41؛

قابل توجه است که بر خلاف نقل و نوشته های قاطعانه نامبردگان که بدون شک از روی یک یا چند نسخه خطی معجم این حدیث را عینا نقل کرده اند متصدی چاپ معجم صغیر طبرانی ص 286 شماره 677 با استفاده از متن تحریفی مجمع الزوائد: ج 1، ص 121 به جای کلمه علی کلمه علم را جایگزین و ثبت نموده است. وجود مقدسی که خود ایشان برای هدایت نیازمند احدی نیست؛ و اگر کسی بخواهد هدایت شود باید مصاحب ایشان باشد؛ تنها چنین فردی می تواند خلیفه بعد از پیامبر باشد. و تنها از چنین فردی باید تبعیت شود طبق آیه: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (یونس: 35) آیا کسی که به حق هدایت می کند، به پیروی کردن از او سزاوارتر است یا کسی که خود از هدایت بی بهره است مگر آن که (توسط دیگری) هدایت شود؛ پس چگونه داوری می کنید؟

عمرگوید: توسط امیرالمومنین، خدا ما را هدایت می کند و

ص: 185

### 3- روایاتی از عبدالله بن عمر

#### 1- به تعداد موهای بدن دوستان علی شهری

در بهشت به آنها داده می شود.

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبْلَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتُهُ وَصِيَّتُهُ وَقِيَامُهُ وَاسْتِجَابَ دُعَاءَهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أُعْطِيَ اللَّهُ بِكُلِّ عَرْقٍ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصَّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوباً بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ .

ایضاح دفائن النواصب: 56. ابن عمر گفت پیامبر اکرم فرمود: هر که علی را دوست بدارد خداوند نماز و روزه و قیام و دعایش را می پذیرد. هر کس علی را دوست بدارد خداوند بتعداد هر رگی که در بدن دارد شهری در بهشت باو می دهد. بدانید هر کس دوست بدارد آل محمد را از حساب و میزان و صراط در امان است و هر که بمیرد با حب آل محمد من ضامن بهشت برای او هستم با انبیاء بدانید هر کس دشمن بدارد آل محمد را روز قیامت می آید در حالی که در پیشانیش نوشته است

## 2- چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند که

مقامش مانند مقام من است بجز نبوت.

این روایت ایضاح دفائن النواصب: 26-24 را مطالعه کنید مهم است از پسر عمر نقل میکنند که گفت: ما از پیامبر اکرم سؤال کردیم راجع بعلی بن ابی طالب علیه السلام آن جناب خشمگین شده فرمود: چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند که مقامش مانند مقام من است بجز نبوت.

آگاه باشید هر کسی علی را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست داشته باشد خدا از او خشنود است و هر که خدا از او خشنود باشد او را پاداش بهشت میدهد آگاه باشید هر که علی را دوست داشته باشد ملائکه برای او استغفار میکنند و درب های بهشت برای او باز می شود که از هر درب خواست وارد شود بدون حساب.

آگاه باشید هر که علی را دوست داشته باشد خداوند نامه عملش را بدست راستش میدهد و حساب او را مانند انبیاء میکشد بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد از دنیا خارج نمیشود مگر اینکه از کوثر می آشامد و از درخت طوبی میل میکند و مقام خود را در بهشت می بیند بدانید هر کس

علی را دوست داشته باشد خداوند سكرات مرگ را بر او آسان میکند و قبرش را باغی از باغهای بهشت قرار میدهد.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد خداوند باو عنایت خواهد کرد در مقابل هر رگی که در بدن دارد حوریه ای در بهشت و او را شفیع قرار میدهد در باره هشتاد نفر از خانواده اش و مقدار موی های بدنش باو باغ در بهشت میدهند بدانید هر کس علی را بشناسد و او را دوست بدارد خداوند ملک الموت را پیش او می فرستد همان طوری که بسوی انبیاء میفرستد و وحشت نکیر و منکر را از او برطرف مینماید و قبرش را نورانی مینماید و آن را وسعت میدهد باندازه هفتاد سال و صورتش را در قیامت سفید میکند.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد خدا او را در سایه عرش خود با صدیقین و شهداء و صالحین قرار میدهد و او را از وحشت بزرگتر و وحشتهای روز قیامت در امان خواهد نمود بدانید هر کس علی را دوست داشته باشد خداوند حسنات او را قبول میکند و از گناهانش میگذرد و در بهشت رفیق حمزه سید الشهداء خواهد بود بدانید هر کس علی را دوست داشته باشد خداوند حکمت را در دلش قرار میدهد و بر زبان او واقعیت را اجرا میکند و درهای رحمت را برویش



میگشاید بدانید هر کس علی را دوست بدارد مطیع خدا نامیده می شود در زمین و خدا با ملائکه و حاملین عرش بواسطه او مباحثات میکند.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش او را صدا میزند: ای بنده ی خدا کار خود را از سر بگیر خداوند تمام گناهانت را آمرزیده بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که صورتش چون ماه میدرخشد بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد

این حدیث از طریق اهل سنت نقل شده.

خداوند بر سر او تاج کرامت و بر پیکرش لباس عزت می پوشاند آگاه باشید هر کسی علی را دوست داشته باشد از صراط رد می شود مانند برق جهنده و هیچ مشکلی را نخواهد دید. بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد برای او برات آزادی از جهنم و آزادی از نفاق و عبور از صراط و امان از عذاب مینویسند. بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد نامه عملش باز نمیشود و برایش ترازوی حساب نمیگذارند باو گفته می شود داخل بهشت بشو بدون حساب.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد از حساب و

میزان و صراط در امان است بدانید هر کسی بمیرد با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله ملائکه باو دست میدهند و ارواح انبیاء بدیدار او می آیند و هر حاجتی که در نزد خدا داشته باشد خداوند برایش برآورده میکند بدانید هر کس بمیرد با دشمنی آل محمد کافر از دنیا می رود بدانید هر کسی بمیرد با دوستی آل محمد بر ایمان مرده و من کفیل او خواهم بود به بهشت.

### 3- هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید اهل

بیت مرا دوست داشته باشد.

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُو مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي فَوَاللَّهِ مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رُبِحَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. إِيضاح دفائن النواصب: 35.

ابن عمر گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کسی میخواهد توکل بر خدا کند باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و هر که جویای حکمت باشد اهل - بیت مرا دوست بدارد و هر که مایل است داخل بهشت

ص: 190

بدون حساب شود اهل بیت مرا دوست داشته باشد بخدا قسم دوست ندارد آنها را کسی مگر اینکه سود برده در دنیا و آخرت.

4- عبدالله بن عمر:

از دنیا هیچ اندوه و تاسفی ندارم جز اینکه چرا به همراه علی با فئه باغیه (گروه سرکش) نجاتم. (7)7. المستدرک، جلد 3، ص 115

5- ابو هارون عبدی گفت من پیش عبد الله بن عمر نشسته بودم که نافع بن ازرق آمد. گفت بخدا قسم من علی را دشمن میدارم. عبد الله بن عمر سر بلند کرده گفت خدا ترا دشمن بدارد. دشمنی میکنی با کسی که یکی از سوابق او بهتر از تمام دنیا و آنچه در دنیا است میباشد. (المسندالجامع، جلد 10، ص 771)

#### 4- سخنان و مرویات عثمان بن عفان: نگاه کردن به

#### اشاره

علی عبادت است.

1 -

... رجع عثمان الی علی فسأله المصیر الیه، فصار الیه فجعل یحد النظر الیه، فقال له علی: مالک یا عثمان؟ مالک تحد

ص: 191

النظر الی؟ قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم يقول: النظر الی علیّ عباده.... عثمان به سوی علی بازگشت و از آن حضرت درخواست کرد که به سوی او برگردد. حضرت به طرف او آمد. پس (در این وقت عثمان شروع کرد به نگاه کردن) و تماشای آن حضرت. علی علیه السلام فرمود: تو را چه شده است ای عثمان؟ چه شده تو را که اینگونه به من خیره شده و نگاهم می کنی؟ عثمان گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: نگاه کردن به علی عبادت است.

(ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 358، باب فضائل علی علیه السلام.

ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 393، شرح محمودی. سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص 172

## 2 - ... خلیفه سوم عثمان، سه مرتبه از علی علیه

السلام دعوت کرد که با وی همکاری نماید

مرتبه اول در سال 22 هجرت، یعنی در همان سالی که خلیفه شد آن دعوت به عمل آمد، و مرتبه دیگر در سال 27 هجری، و سومین مرتبه در سال 32 بعد از هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، (اما علی علیه السلام هیچ

ص: 192



#### 4- سخن عثمان در خطابش به علی علیه السلام:

«...به خدا اگر بمیری، دوست ندارم بعد از تو زنده بمانم، زیرا جانشینی پس از تو نمی بینم. و اگر باقی بمانی هیچ سرکشی را نمی بینم که تو را به عنوان نردبان و وسیله یاوری انتخاب کرده باشد و تو را پناهگاه و ملجأ شمرده باشد...نسبت من به تو مانند فرزندی است که از طرف پدرش عاق شده...» (امام علی بن ابی طالب علیه السلام) روزگار عثمان (تألیف: عبد الفتاح عبد المقصود، ص 202

محمد ابراهیم سراج- امام علی (علیه السلام) خورشید بی غروب- ص 227 اندیشه قم

سراج ، محمد ابراهیم ، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب ، ص 254 ، نقل از عبد الفتاح عبد المقصود ، امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، 202 .

#### فضائل امیرالمومنین علی (علیه السلام) از زبان عایشه

##### اشاره

عایشه دختر ابی بکر بن ابی قحانه ، یکی از همسران پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بر اساس تواریخ معتبر ، میانه ی خوبی با علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و فرزندان ارجمند آنان داشت . و این بغض ، کینه و خصومت

ص: 194

در جنگ جمل کاملاً ظاهر شد . و او همه سفارش هایی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد لزوم پیروی و اطاعت از علی (علیه السلام) بیان فرموده بود ، نادیده گرفت و آشکارا با هم دستی طلحه و زبیر در مقابل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اقدام به مبارزه کرد .

اما کمال بی پایان علی (علیه السلام) و خاندان پاک آن حضرت به اندازه ای درخشندگی و نورافشانی دارد ، که بسان خورشید تابان ، هیچ کس و هیچ چیز قادر به جلوگیری از پرتو افکنی آن نیست . به طوری که حتی عایشه با چنین تفکری هرگز نتوانست فضایل و کمالات آن ها را کتمان کند .

مانند: عبادت بودن یاد علی، وارد بودن حدیث کساء و آیه تطهیر در حق علی و اهل بیتش، بر مدار حق بودن علی و محبوب ترین بودن علی و فاطمه نزد پیامبر و... را در حق آن حضرت بیان نمود.

اکنون به چند مورد از مواردی که وی بر زبان آورده است اشاره می کنیم .

1- علی علیه السلام داناترین شخص به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله.

2- حاکم حسکانی به نقل از عایشه می نویسد : « از میان

اصحاب پیامبر علی علیه السلام نسبت به آن چه بر پیامبر نازل شده داناترین اصحاب است». حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 47.

3- بزرگواری علی علیه السلام از قول عایشه «ما ازددت مع ابن ابی طالب الا کرامه؛ در برخورد با علی بن ابی طالب علیه السلام چیزی جز بزرگواری نیافتم». احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، ج 3، ص 300.

4- علی علیه السلام بهترین انسان.

5- عطا پسر ابی رباح گفت: از عایشه در مورد علی علیه السلام سؤال کردم، عایشه گفت: «او علی علیه السلام بهترین انسان است، و در این مطلب شک و تردید نمی کند مگر کافر.

سراج، محمد ابراهیم، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب، ص 258.

6- عطا از عایشه روایت کرد که گفت: عالم ترین شما به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام است». سراج، محمد ابراهیم، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب، ص 259.

7- داناترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

همچنین از عطا روایت شد که عایشه گفت: «داناترین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله علی علیه السلام است». سراج،



محمد ابراهیم ، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب.

8- محبوب ترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از عایشه روایت شده است که از او پرسیدند که محبوب ترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله که بود ؛ گفت : « علی علیه السلام و پرسید از زنان چه کسی گفت : فاطمه ( علیها السلام .

مقدس اردبیلی ، حدیقه الشیعه ، ص 208 .

9- عایشه می گوید : « خداوند کسی را خلق نکرد که محبوب تر از علی علیه السلام پیش رسول خدا باشد. ابن عساکر ، ترجمه الأمام علی بن ابی طالب ، ج 2 ، ص 162 .

### **یاد کردن علی عبادت است**

10- عن عایشه و ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ذکر علیّ عبادہ؛ یاد کردن از علی عبادت است.

12- عن هشام بن عروه، عن ابيه، عن عائشه قالت: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): (ذكر علي عبادته هشام بن عروه عن والده، عن عایشه روایت می کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یاد کردن علی عبادت است.

(ابن مغازلی در حدیث 243 از مناقب، ص 206، ط. 1 ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 408، حدیث 914 شرح

ص: 197

محمودی. ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 358، و متقی هندی در کنز العمال، ج 11، ص 601 سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص 172. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب مناقب السبعون، ص 281، حدیث 46 و نیز ص 312.

13 - عن عائشه أنَّ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خرج و علیه مرط مرجل من شعر أسود، فجاء الحسن فأدخله، ثم جاء الحسين فأدخله، ثم فاطمه، ثم علي، ثم قال:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» (زمخشری در تفسیر کشاف، ج 1، ص 369، ذیل آیه 61 از سوره آل عمران، فمن حاجک...،

(از عایشه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد در حالی که عبای منقوش را که از موی سیاه بود، بر تن خود داشت. پس حسن علیه السلام آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را داخل آن کساء کرد. سپس حسین علیه السلام آمد و آن حضرت او را نیز داخل کساء نمود، آنگاه فاطمه علیها السلام (و بعد علی علیه السلام آمدند و داخل کساء شدند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این جملات قرآن کریم را بیان فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»؛) خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

ص: 198

## خدا علی را رحمت کند که حقیقتاً بر حق بود

14 - عن عائشه... قالت: رحم الله علياً لقد كان عليّ الحق...

( ابن كثير در البدايه و النهايه، ج 7، ص 305، حديث. 14.

(عائشه گفت: خدا علی را رحمت کند که حقیقتاً بر حق بود...)

## محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم که بود

15 - عن جميع بن عمير قال دخلت على عائشه، فقلت لها:

من كان احب الناس الى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، قالت: أما من الرجال فعليّ، وأما من النساء ففاطمه (حاکم در المستدرک، ج 3، ص 154 و 157 شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده باب 55، ص 202 و 241. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 2، ص 167، شرح محمودی. ابن کثیر در البدايه و النهايه، ج 7، ص 355 و دیگران.

(جميع بن عمير گوید که بر عائشه وارد شدم، پس به او گفتم: محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چه کسی است؟ گفت: از مردان علی و از زنان فاطمه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محبوبترند).

## خداوند نیافرید کسی را نزد رسول اکرم محبوبتر از

علی باشد

ص: 199

16 - عن شريح بن هاني، عن ابيه، عن عائشه، قالت: ما خلق الله خلقا كان أحب الى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) من علي (ابن عساكر در شرح حال امام علي عليه السلام از تاريخ دمشق، ج 2، ص 162، حديث 648، شرح محمودي).

شريح بن هاني از پدرش روايت مي کند که عايشه گفت:

خلق نکرد خداوند آفریده ای را که نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محبوبتر از علی علیه السلام باشد.

17 -) عن عطاء، قال: سألت عائشه عن علي (عليه السلام)، فقالت: ذاك خير البشر لا يشك فيه الا كافر (ابن عساكر در شرح حال امام علي عليه السلام از تاريخ دمشق، ج 2، ص 448، حديث 972، شيخ سليمان قندوزي حنفي در ينييع الموده باب موده، الثالثه، ص 293).

(عطا گفت از عايشه در مورد علي (عليه السلام) سؤال کردم، عايشه گفت: او بهترين انسان است، و در اين مطلب شک و ترديد نمی کند مگر کافر).

18 -) حدثنا جعفر بن برقان قال: بلغني ان عائشه كانت تقول: زَيَّنُوا مجالسكم بذكر علي (عليه السلام)»؛

(جعفر بن برقان روايت کرد که با خبر شدم که عايشه می گفت: مجالس و محافل خود را با ياد علي (عليه السلام) زيبايی ببخشيد).

ص: 200

## خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج کند،

کافر و در آتش دوزخ است (عایشه).

19 - (عائشه رفعته: ان الله قد عهد إلي من خرج على علي فهو كافر في النار، قيل: لم خرجت عليه؟! قالت: أنا نسيت هذا الحديث يوم الجمل حتى ذكرته بالبصره و أنا استغفر الله) شيخ سليمان قندوزي حنفی در ینابیع الموده، باب موده الثالثه، ص. 294.

(عایشه به حدیث مرفوع) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (روایت کرد که: همانا خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج کند، کافر و در آتش دوزخ است. (وقتی عایشه این حدیث را بیان کرد به او) گفته شد: چرا تو بر علی خروج کردی؟ عایشه گفت: من این حدیث را در جمل فراموش کرده بودم تا آنکه در بصره به یادم آمد و توبه کردم).

## دانشمند ترین مردم بر سنت علیست.

20. در التاریخ الکبیر بخاری (به نقل از عایشه) آمده است:

«أَعْلَمُ النَّاسِ بِالسُّنَنِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)»؛ (آگاه ترین مردم به سنت، علی بن ابی طالب علیه السلام است. التاریخ الکبیر، ج 3، ص 228، الرقم 768؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 408؛ الاستیعاب، ج 3، ص 206، الرقم 1875؛ مناقب خوارزمی، ص 91، ح 84.

ص: 201

21 - شواهد التنزیل از عایشه نقل می کند که: «عَلِیٌّ (علیه السلام) أَعْلَمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه وآله)»؛ عایشه: علی علیه السلام آگاهترین یاران محمد صلی الله علیه وآله (است بر آنچه که بر محمد صلی الله علیه وآله نازل شد. شواهد التنزیل، ج 1، ص 47، ح 40.

22 - (عن عطاء بن ابی رباح، عن عائشه، قالت: علی بن ابی طالب اعلمکم بالسنة (سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص 171، و شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، فصل سوم ص 343، و ابن عبد البر در استیعاب، اواسط شرح حال علی علیه السلام ج 3، ص 1104، روایت 1855) به همین مضمون (و ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 3، حدیث 1079، ص 48) شرح محمودی (و بلاذری در حدیث 86 از شرح حال علی علیه السلام از انساب الاشراف، ج 2، ص 124 ط 1 بیروت و دیگران.

عطا پسر ابی رباح، از عایشه روایت کرد که گفت:

عالمترین شما به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابی طالب است.

23) عن عطاء عن عائشه قالت: علیّ اعلم اصحاب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حسانی در شواهد التنزیل جزء اول، ص 35، حدیث 40. (از عطا روایت شد که عایشه

ص: 202

گفت: داناترین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام است.

### حبیب مرا بخوانید

24 - عن عائشه، قالت: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، و هو فی بیتها لما حضره الموت: ادعوا لی حبیبی (قالت) فدعوت له ابو بکر فنظر الیه ثم وضع رأسه ثم قال:

ادعوا لی حبیبی، فدعوا له عمر، فلما نظر الیه وضع رأسه، ثم قال: ادعوا لی حبیبی، فقلت: ویلکم ادعوا له علی بن ابی طالب، فوالله ما یرید غیره (فدعوا علیا فأناه) فلما أناه أفرد الثوب الذی کان علیه ثم أدخله فیه فلم یزل یحتضنه حتی قبض و یده علیه («ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج 7، ص 360) عن عبد الله بن عمر(. نیز ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 3، ص 14، حدیث 1027) شرح محمودی (عین روایت. حاکم در المستدرک، ج 3، ص 138 و 139) اشارتی به این موضوع(. ذهبی در میزان الاعتدال، ج 2، ص 482، در شماره 4530 سیوطی در اللئالی المصنوعه، ج 1، ص 193، ط 1، و مناقب خوارزمی، ج 1، ص 38، فصل 4.

از عایشه روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام رحلت و احتضار در خانه او بود و فرمود:

حبیب مرا نزد من فرا خوانید پس ابو بکر را فرا خواندیم،

حضرت نگاهی به او کرد و سپس سر خود را برگرداند آنگاه فرمود: حبیب مرا نزد من فراخوانید، پس عمر را فراخواندیم، وقتی حضرت به او نگاه کرد سر خود را برگرداند آنگاه فرمود:

حبیب مرا نزد من فراخوانید، پس من گفتم: وای بر شما، علی بن ابی طالب را برای او فراخوانید، به خدا سوگند غیر از علی را اراده نفرموده است، پس علی را فراخواندند وقتی آن حضرت آمد، رسول خداصلی الله علیه و آله و سلم پارچه ای را که روی خود داشت، کنار زد و علی علیه السلام را داخل آن پارچه نمود، و او را از خود جدا نکرد تا رحلت نمود، در حالی که دست پیامبر بر بدن علی علیه السلام بود.

### **رسول خدا علی را بوسید و دوبار گفت: پدرم فدای**

شهید تنها.

25- عن عائشه قالت: رأيت النبي (صلی الله علیه و آله و سلم) التزم علياً وقبّله و (هو) يقول: بابی الوحيد الشهيد، بأبی الوحيد الشهيد («هیشمی در مجمع الزوائد، ج 9، ص 138، و ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 3، ص 285، حدیث 1376) شرح محمودی. و نیز قندوزی در ینابیع الموده، باب 59، ص 339) ... يقول: یا ابا الوحيد الشهيد، ... (متقی هندی در کنز العمال، ج 11، ص 617) بیروت، چاپ پنجم ( «یأتی الوحيد الشهيد» . عایشه گوید که پیامبر

ص: 204



اکرمصلی الله علیه و آله و سلم را دیدم ملتزم و همراه علی بود و او را بوسید و می فرمود: پدرم فدای شهید تنها، پدرم فدای شهید تنها.

### از من درباره کسی می پرسی که من، کسی را که از او

و زنش نزد پیامبر خدا محبوب تر باشد نمیدانم،

26 -تاریخ دمشق از جمیع بن عمیر نقل می کند که:

«دَخَلْتُ مَعَ أُمِّی عَلَی عَائِشَةَ، فَسَأَلْتُهَا تَسْأَلُهَا مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام)، فَقَالَتْ: تَسْأَلُنِي عَنْ رَجُلٍ مَا أَعْلَمُ أَحَدًا كَانَ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْهُ وَلَا أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ امْرَأَتِهِ؟!؛ (جمیع بن عمیر: همراه مادرم به خانه عایشه رفتیم. از پشت پرده شنیدم که مادرم درباره علی علیه السلام از وی می پرسد. گفت: از من درباره کسی می پرسی که من، کسی را که از او و زنش نزد پیامبر خداصلی الله علیه و آله محبوب تر باشد، نمی شناسم؟! (خصائص امیرالمؤمنین للنسائی، ص 211، ح 111 و 112؛ مناقب خوارزمی، ص 79، ح 63.

27 -اخبرنی محمد بن آدم بن سلیمان المصیصی قال حدثنا (یحیی بن عبدالملک بن حمید) بن ابی غنیه عن ابیه عن ابی اسحاق الشیبانی عن جُمیع و هو ابن عمیر قال: دخلت مع أُمِّی عَلَی عَائِشَةَ وَأَنَا غَلَامٌ فَذَكَرْتُ لَهَا عَلِيًّا فَقَالَتْ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْهُ وَلَا امْرَأَةً أَحَبَّ

ص:205

الی رسول الله من امرأته. جمیع بن عمیر می گوید: نوجوان بودم با مادرم نزد عایشه رفتیم مادرم نزد وی سخن از امیرالمؤمنین علیه السلام به میان آورد، عایشه گفت: هیچ مردی را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم محبوب تر از او و هیچ زنی را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم محبوبتر از همسر او (حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها) ندیدم. مسند احمد، ج 43، ص 170، ح 25046؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 701، ح 3874؛ مسند ابویعلی، ج 8، ص 270، ح 4857؛ مناقب کوفی، ج 2، ص 11، ح 577 و ص 132، ح 617 و ص 94، ح 666 و 470، ح 964؛ معجم کبیر طبرانی، ج 22، ص 403، ح 1008؛ تاریخ جرجان، ص 213، رقم 329؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1897؛ شواهد التنزیل، ج 2، ص 62، ح 684؛ مناقب خوارزمی، ص 70، ح 63؛ فرائد السمطین، ج 1، ص 367، ح 296. همچنین در برخی دیگر از منابع اهل تسنن با سندی دیگر، اینگونه روایت شده است که جمیع بن عمیر گفت: دَخَلْتُ مَعَ أُمِّ عَلِيٍّ عَائِشَةَ تَسْأَلُهَا مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ عَى عَلِيٍّ؟ فَقَالَتْ: تَسْأَلِنِي عَنْ رَجُلٍ مَا أَعْلَمُ أَحَدًا كَانَ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْهُ وَلَا أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرَأَتِهِ. با مادرم نزد عایشه رفتیم از پشت پرده شنیدم مادرم درباره امیرالمؤمنین از عایشه پرسید، عایشه گفت: از مردی می پرسی که هیچ کسی را محبوبتر از او و همسرش (حضرت

فاطمه زهرا سلام الله علیها (نزد رسول خدا) صلی الله علیه و آله وسلم (نمی شناسم. شرح الاخبار، ج 1، ص 140، ح 70 و 72؛ مسترشد طبری، ص 449، ح 146؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 154.

### من دوست داشتم هر آنچه که روی زمین است، به

آن کارم فدیة بدهم!

28- تاریخ دمشق عن صدقه بن سعید عن جمیع بن عمیر : «إِنَّ أُمَّهُ وَخَالَتَهُ دَخَلَتَا عَلَى عَائِشَةَ، فَقَالَتَا: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرِينَا عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام). قَالَتْ: أَيُّ شَيْءٍ تَسْأَلْنَ؟! عَنْ رَجُلٍ وَضَعَ يَدَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَوْضِعًا فَسَأَلَتْ نَفْسُهُ فِي يَدِهِ فَمَسَحَ بِهَا وَجْهَهُ، وَاخْتَلَفُوا فِي دَفْنِهِ، فَقَالَ: إِنَّ أَحَبَّ الْبِقَاعِ إِلَى اللَّهِ مَكَانٌ قُبِضَ فِيهِ نَبِيُّهُ؟! قَالَتَا: فَلِمَ خَرَجْتَ عَلَيْهِ؟ قَالَتْ: أَمْرٌ قُضِيَ؛ لَوَدِدْتُ أَنْ أَفْدِيَهُ بِمَا عَلَى الْأَرْضِ!؛ (صدقه بن سعید به نقل از عمیر: مادر و خاله عمیر وارد خانه عایشه شدند و گفتند: ای مادر! از علی (علیه السلام) به ما خبر بده عایشه گفت: از چه چیزی می پرسید؟! از مردی که دستش را در جایی از بدن رسول خدا (صلى الله عليه وآله) گذاشت که جان پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) از دست او گذشت و آن را به صورتش کشید. در محل دفن پیامبر (صلى الله عليه وآله)، اختلاف کردند. فرمود: محبوب ترین مکان برای خدا،

ص: 207

جایی است که در آن جا پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) قبض روح شده است. گفتند: پس چرا بر وی علیعلیه السلام خروج کردی؟ گفت: حادثه ای بود که روی داد و من دوست داشتم همه آنچه را که روی زمین است، به عنوان تاوان آن کار، می پرداختم! (تاریخ دمشق، ج 42، ص 394؛ مسند ابی یعلی، ج 4، ص 422، ح 4845).

### آنچه که بین من و علی اتفاق افتاد، مانع از آن

نمی شود که حق را بگویم.

29- نبیط بن شریط اشجعی می گوید: هنگامی که علی بن ابی طالب(علیه السلام) از جنگ با نهروانیان فارغ شد، ابو قتاده انصاری با شصت یا هفتاد نفر از انصار برگشتند. نخست به دیدار عایشه رفت.

ابو قتاده می گوید: وارد خانه عایشه شدم، پرسید: چه خبر؟

به وی گفتم: هنگامی که حکمیت خواهان از لشکر امیر مؤمنان جدا شدند، با آنان رویه رو شدیم و آنان را کشتیم... .

عایشه گفت: آنچه که بین من و علی(علیه السلام) اتفاق افتاد، مانع از آن نمی شود که حق را بگویم. از پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: «اَمْتُ مِنْ، دو

ص:208

گروه می شوند و بین آن دو، گروهی (از دین) جدا می شوند که سر هایشان را می تراشند، سیل هایشان را می چینند، دامن هایشان تا نیمه ساقشان است، قرآن می خوانند؛ اما قرآن از گلویشان تجاوز نمی کند، محبوب ترین مرد امت نزد من و خدای متعال، آنان را می کشد». گفتم: ای مادر مؤمنان! با این که موضوع را می دانی، چرا آن کارها از تو سرزد؟ گفت:

ای ابو قتاده! تقدیر الهی بود و سرنوشت، اسبابی دارد. (تاریخ بغداد، ج 1، ص 160).

### **عایشه وقتی که فهمید علی ذو ثدیّه را کشته است**

30- مسروق می گوید: عایشه وقتی که فهمید علی (علیه السلام) ذو ثدیّه را کشته است، به وی گفت: خدا عمرو بن عاص را لعنت کند! وی به من نوشت و خبر داد که ذو ثدیّه را در اسکندریه کشته است. آنچه در دل دارم مانع از آن نمی شود که چیزی را که از پیامبر خدا شنیدم، بگویم. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «او را بهترین امت من پس از من، خواهد کشت». (شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 268؛ و رجوع شود به مناقب ابن مغازلی، ص 56، ح 79 و کشف الغمّه، ج 1، ص 147 و شرح الأخبار، ج 1، ص 142، ح 74).

(از کتاب: دانش نامه امیرالمومنین (علیه السلام)، محمد محمدی ری شهری، ناشر:

31 -جناب عایشه:

به خدا قسم بین من و علی در قدیم مطلبی جز آنچه که بین زن و خویشان شوهرش می باشد وجود نداشته است... و در نظر من او از نیکان است... (کامل ابن اثیر، ج 3، ص 197

### حدیث دق الباب

32 -عایشه میگوید روزی با رسول الله (صلی الله علیه و آله) در منزل نشسته بودیم که صدای دق الباب آمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) به من اشاره کرد فرمود برخیز و ببین چه کسی پشت در است.

عایشه میگوید رفتم و پدرم ابوبکر بود و وارد شد، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همان جای که نشسته بود جواب سلامش را داد و گوشه خانه را اشاره کرد و فرمود آنجا بنشین. دومین بار صدای دق الباب آمد پیغمبر فرمود عایشه برخیز و در را باز کن. رفتم و دیدم عمر پشت در است،

وارد شد و به پیغمبر سلام کرد و جواب شنید و پیغمبر فرمود کنار ابوبکر بنشین. عایشه میگوید سومین بار صدای دق الباب آمد. خودم برخاستم که در را باز کنم رسول الله (صلی الله علیه و آله)

فرمود بنشین خودم در را باز میکنم، پیغمبر در را باز کرد و

ص:210

علی (علیه السلام) وارد شد پیغمبر لب او، چشم او و گردن او را بوسید و جایی را که خودش نشسته بود به او داد نشست.

تعجب مرا فرا گرفت پیغمبر فرمود تعجب نکن من خودم ارحم الراحمینم و نمی گذارم زخم در را باز کند. اولین بار که در زده شد جبرئیل نازل شد و فرمود بنشین دوم بار هم همین طور. سوم بار که در زده شد برادرم جبرئیل آمد و فرمود برخیز صد و بیست و دو هزار ملک پشت در درگیرند و دعوا میکنند که چه کسی در را به روی علی باز کند. خودم رفتم و آنها را آرام کردم و در را به روی علی باز کردم.

صحیح بخاری ج 2 ص 621

صحیح مسلم ج 3 ص 452

ابن حجر عسقلانی ج 1 ص 198

نویسنده : سیدحسین طباطبائی.

## أم السلمه چه می گوید

### اشاره

1- اخبرنا محمد بن قدامه قال حدثنا جریر بن عبدالحمید عن مغیره بن مقسم عن ام موسی قالت: قالت ام موسی قالت ام سلمه: والذی تحلف به ام سلمه ان كان اقرب الناس عهداً برسول الله علیّ قالت: لَمَّا كان غداة قبض رسول الله فأرسل إليه رسول الله و كان أرى في

ص: 211

حاجه اَظَنَّهُ بَعَثَهُ فَجَعَلَ يَقُولُ: جَاءَ عَلِيٌّ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَتْ: فَجَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ عَرَفْنَا أَنْ لَهُ إِلِيهِ حَاجَةٌ فَخَرَجْنَا مِنَ الْبَيْتِ وَ كُنَّا عِدْنَا رَسُولَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ فِي بَيْتٍ عَائِشَةُ فَكَنْتُ فِي آخِرٍ مِنْ خُرُوجٍ مِنَ الْبَيْتِ ثُمَّ جَلَسْتُ أَدْنَاهُنَّ مِنَ الْبَابِ فَأَكْبَّ عَلَيْهِ عَلِيٌّ فَكَانَ آخِرَ النَّاسِ بِهِ عَهْدًا جَعَلَ يَسَازِرُهُ وَيُنَاجِيهِ. ام سلمه می گوید: سوگند به آن که ام سلمه به او سوگند می خورد نزدیکترین مردم به رسول خدا، امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

می گوید: در صبحگاهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا رفتند به دنبال امیرالمؤمنین علیه السلام فرستادند به گمانم برای حاجتی بود. ما آن روز در اتاق عایشه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را عیادت کردم حضرت سه بار می فرمودند:

علی بیاید.

پس چون آمد و پیش از طلوع آفتاب بود دانستیم با ایشان سخنی دارند. از اتاق بیرون آمدم، من پشت در کنار دیگر همسران حضرت نشستم. امیرالمؤمنین علیه السلام به خدمت حضرت شتافت و بر ایشان گوش سپرد. حضرت با ایشان راز می گفت و نجوا می کرد و ایشان آخرین کسی بود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود. طبقات ابن سعد، ج 2، ص 263-262؛ مصنف ابن ابی شیبه، ج 6، ص 368، ح 32057؛ مسند احمد، ج 44، ص 190،

ص: 212



ح 26565؛ فضائل احمد، ص 215، ح 293؛ مسند ابویعلی، ج 12، ص 364، ح 6934؛ مناقب کوفی، ج 1، ص 456، ح 358 و ج 2، ص 87، ح 573؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 138؛ اخبار اصبهان، ج 1، ص 250؛ مقتل الحسین خوراسمی، ج 1، ص 38؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 10، ص 179.

در این هیچ تردیدی نیست که اقرب الناس به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم، اقرب الناس به خدای تبارک و تعالی است. احمد حنبل به سند خود از ابن عباس آورده است که گفت: وقتی آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» نازل شد، گفتند: ای رسول خدا! نزدیکان تو کیانند که مودتشان بر ما واجب گردیده است؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند ایشان.

فضائل صحابه لابن حنبل: 2/644/1141؛ المعجم الکبیر: 3/47/2641؛ الکشاف: 3/402؛ المستدرک علی الصحیحین: 3/172؛ صواعق المحرقة: 170؛ المناقب ابن مغازلی: 112؛ ذخائر العقبی: 1/25؛ الدر المنثور: 7/48؛ نقلا- عن علی بن المنذر وابن ابی حاتم والطبرانی وابن مردویه.

## 2- کامروایان رستاخیز

وَإِسْنَادِهِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا وَشِبَعَةَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

ام سلمه گفت شنیدم پیامبر اکرم می فرمود علی و

ص: 213

### 3- علی علیه السلام وقرآن

عن أم سلمه، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليٌّ مع القرآن، والقرآن مع عليٍّ، لا يفترقان حتّى يردا على الحوض؛ علي باقرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

### لعن آن دو نفر

1- سعید بن عبدالله عن فلفله (قُلُقَلَّة) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ جَبَلًا مُحِيطًا بِالدُّنْيَا مِنْ زَبَرَجَدِهِ خَصَدَ رَاءَ وَ إِنَّمَا خُصِدَ رَهَ السَّمَاءِ مِنْ خُصْرِهِ ذَلِكَ الْجَبَلِ وَ خَلَقَ خَلْفَهُ خَلْقًا لَمْ يَفْتَرِضْ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِمَّا افْتَرَضَهُ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ كُلٌّ يَلْعَنُ رَجُلَيْنِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَمَّاهُمَا. مختصر البصائر: 11 و 12. و يوجد أيضا في المحتضر: 160 از کتاب بصائر: سعید بن عبد الله از قلقله از حضرت باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود:

خداوند کوهی محیط بر دنیا آفریده از زبرجد سبز و سبزی آسمان نیز از سبزی همین کوه است و گروهی را در پشت آن کوه آفریده که هیچ یک از چیزهایی که بر مردم واجب نموده از قبیل نماز و زکات بر آنها واجب نکرده همه آنها دو نفر از این امت را لعنت میکنند نام آن دو را برد.

2- ... لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمْ لَمْ يَخْلُقْهُ يَتَّبِعُونَ مِنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ قِيلَ لَهُ كَيْفَ هَذَا يَتَّبِعُونَ مِنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَهُمْ لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمْ لَمْ يَخْلُقْهُ فَقَالَ لِلْسَّائِلِ أَتَعْرِفُ إِبْلِيسَ قَالَ لَا إِلَّا بِالْخَبَرِ قَالَ فَأَمَرْتُ بِاللَّعْنَةِ وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَكَذَلِكَ أُمِرَ هَؤُلَاءِ .

عجلان ابی صالح گفت از حضرت صادق علیه السلام

... نمیدانند خدا آدم را هم آفریده یا نه از فلانی و فلانی بیزاری میجویند. عرضکردند چگونه ممکن است از فلان و فلان تبری بجویند با اینکه آنها نمیدانند خدا آدم را خلق کرده یا نه. در جواب آنها فرمود: تو شیطان را می شناسی جوابداد نه، جز از راه خبر فرمود دستور داده اند بتو او را لعنت کن و از او بیزاری جو گفت آری. فرمود همین طور بآنها نیز دستور داده اند به تبری.

### روایات عبدالرحمن بن عوف

1- المجالس للمفید عبد الرزاق بن همام بن نافع عن أبيه قال: أخبرني مينا مولى عبد الرحمن بن عوف قال قال لي عبد الرحمن يا مينا أحكذك بحديث سمعته من رسول الله ص قلت بلى قال سمعته يقول أنا شجرة وفاطمة ع فرعها وعلي ع لقاحها والحسن والحسين ع ثمرتها و

ص: 215

مُحِبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَقَّهَا. مجالس المفید: 144 و 145. مجالس مفید:

عبد الرزاق بن همام بن نافع از پدر خود نقل کرد که مینا غلام عبد الرحمن بن عوف بمن گفت: عبد الرحمن بمن گفت نمیخواهی حدیثی را که از پیامبر اکرم شنیده ام برای نقل کنم گفتم چرا. گفت شنیدم که میفرمود من درخت هستم و فاطمه علیها السلام شاخه آن است و علی شکوفه آن و حسن و حسین میوه آن درخت و دوستان آنها از امتم برگ آن درخت هستند.

2-المجالس للمفید بِهِذَا الْإِسْمِ نَادِيَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ عُمُرِكَ فِيمَا أَفْنَيْتَهُ وَجَسَدِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَهُ وَمَالِكَ مِنْ أَثْنِ اكْتَسَبَتْهُ وَأَيْنَ وَضَعْتَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ وَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَحَبَّةُ هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. مجالس المفید: 209 و 210.

مجالس مفید: با همین اسناد گفت پیامبر اکرم فرمود بنده در پیشگاه پروردگار روز قیامت قدم برنمیدارد مگر اینکه از او راجع بچهار چیز سؤال میکنند. عمرت را در چه راه از بین برده ای و پیکرت را در چه راه فرسوده نموده ای. و مالت را از کجا بدست آورده ای و کجا خرج کرده ای و از محبت ما اهل

ص: 216

بیت. مردی از حاضرین گفت علامت دوستی شما چیست؟.

فرمود: دوستی با این، دست خود را گذاشت بر سر علی بن ابی طالب علیه السلام.

3- بشاره المصطفی عبد الرحمن بن عوف<sup>۱</sup> قَالَ: أَلَا أُحَدِّثُكَ حَدِيثًا قَبْلَ أَنْ تُشَابَ الْأَحَادِيثُ بِأَطْيَلٍ إِنَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا شَجَرَةٌ وَفَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ ثَمَرُهَا وَمُحِبُّهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَفَقَهَا وَحَيْثُ نَبَتَ أَصْلُ الشَّجَرِ نَبَتَ فَرْعُهَا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ . بشاره المصطفی: 183 و 184. بشاره المصطفی: عبد الرحمن بن عوف گفت مایلی حدیثی را برایت نقل کنم قبل از اینکه احادیث در هم مخلوط شود با گفتارهای باطل. آن حدیث این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من درختی هستم و فاطمه و علی شاخه آن و حسن و حسین میوه درخت و دوستان آنها از امتم برگ درخت هر جا ریشه درخت بروید شاخه اش نیز میروید در بهشت عدن. قسم بکسی که مرا به پیامبری برانگیخت.

توضیح: شاید منظور از روئیدن درخت در جنت عدن گرفتن طینت و سرشت آنها از آنجا بوده تا کنایه از رسیدن ایشان به جنت عدن باشد یا اشاره بارزش زیبایی و طراوت و بلندی مرتبه آنها باشد یا تشبیه بدرخت بهشت عدن ممکن است نیز در بهشت عدن درختی باشد که در آن مبتداء آنها شاخه و برگ

باشد چنانچه بعضی از اخبار شاهد آنست.

## روایت انس بن مالک

1- ایضاح دفائن النواصب: 47 و 48.

ایوب سجستانی گفت من مشغول طواف بودم که انس بن مالک با من روبرو شد گفت: ترا مژده ای ندهم که خوشحال شوی. گفتم چرا گفت در مسجد مدینه خدمت پیامبر اکرم بودم او در صحن مسجد نشسته بود بمن فرمود برو و علی بن ابی طالب را بیاور رفتم علی و فاطمه علیها السلام را دیدم باو گفتم پیامبر اکرم شما را صدا میزند. علی علیه السلام آمد پیامبر فرمود: یا علی بجبرئیل سلام کن علی علیه السلام گفت سلام علیک جبرئیل! جبرئیل جواب سلامش را داد پیامبر اکرم فرمود جبرئیل میگوید خداوند بتو سلام میرساند و میگوید خوشا بحال تو و شیعیان و محبینت وای وای بر دشمنانت.

وقتی روز قیامت شد یک منادی از دل عرش فریاد میزند کجا هستند محمد و علی شما را با آسمان میبرند تا در پیشگاه پروردگار میایستید به پیامبر میفرماید علی را ببر بر لب حوض و این جامی است باو بده تا دوستان و شیعیان خود را سیر آب

ص: 218

کند مبادا بدشمنان خود بدهد و امر میکند از دوستان علی حساب ساده و آسانی بکشند و آنها را روانه بهشت میکند.

2- وَبَسَّ نَدِيَّ آخَرَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْخُلُ مِنْ أُمَّتِي الْجَنَّةَ سَبْعُونَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ هُمْ مِنْ شِيعَتِكَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ . العمدہ: 193.

و با سند دیگر از انس نقل میکند که گفت پیامبر اکرم فرمود:

داخل بهشت میشوند از امت من هفتاد هزار نفر که حسابی بر آنها نیست سپس متوجه علی بن ابی طالب علیه السلام شده فرمود: آنها از شیعیان تو هستند و تو امام آنهائی.

3- أنس بن مالك قال : رجعنا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) قلقين من تبوك فقال لي في بعض الطريق ألقوا لي الاحلاس والاقتاب ، ففعلوا فصعد رسول الله (صلى الله عليه وآله) فخطب فحمد الله وأثنى عليه بما هو أهله. ثم قال : معاشر الناس مالي إذا ذكر آل إبراهيم عليه السلام تهللتم وجوهكم وإذا ذكر آل محمد كأنما يفتأ في وجوهكم حب الرمان؟ فوالذي بعثني بالحق نبيا لوجاء أحدكم يوم القيامة بأعمال كأمثال الجبال ولم يجئ بولايه على بن أبي طالب عليه السلام لا كتبه الله عز وجل في النار. (امالی ابن الشیخ : 17). انس بن مالک گفت در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از تبوک بر میگشتیم نگران و

ص: 219

ناراحت، در بین راه بمن فرمود: پالان های شتر و پلاس ها را ببندازید. این عمل را انجام دادند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز آنها رفت و سخن رانی کرد. حمد و سپاس خدا را نمود و چنانچه شایسته اوست ثنا گفت سپس فرمود: مردم! چه شد وقتی سخن از آل ابراهیم علیه السلام می شود چهره های شما گشاده و خندان است ولی وقتی صحبت از آل محمد می شود چنان ناراحت میشوید و از خشم بر افروخته می گردید مثل اینکه دانه انار بر صورت شما پاشیده اند. قسم ب آن کسی که مرا به پیامبری برانگیخته اگر هر یک از شما روز قیامت بیاید با اعمالی بمقدار کوهها ولی بدون ولایت علی بن ابی طالب برو او را در جهنم می افکنند.

بیان : الفقأ : الشق ، وهو کنایه عن شده احمرار الوجه للغضب.

4- وَ مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَغَازِلِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ كِتَابٌ وَلَا يَهِيَ عَلَيْهِ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع. از مناقب ابن مغازلی باسناد خود از انس نقل میکند که گفت پیامبر اکرم فرمود روز قیامت صراط را بر کنار جهنم نصب میکنند از روی آن رد نمیشود مگر کسی که با خود نوشته ی ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشد.

ص: 220



5- وَبَسَدَ نَدِ آخَرَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عَنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. العمده: 193.

با سند دیگری از زهری نقل کرد که گفت از انس بن مالک شنیدم می فرمود قسم بخدائی که جز او خدائی نیست از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام است.

#### 6- حجت خدا بر بندگان

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا وعلى حجة الله على عباده؛ من وعلى حجت خدا بر بندگان می باشیم.

7- عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة تشاق إليهم الجنة: عليّ وعمار و سلمان؛ بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می برد: علی، عمار و سلمان.

8- عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: علي بن أبي طالب يزهر في الجنة ككوكب الصبح لأهل الدنيا؛ علی بن ابی طالب در بهشت می درخشد چنان که ستاره صبحگاهی بر اهل دنیا می درخشد.

9- امالی: انس گفت پیامبر اکرم فرمود هر که با علی دشمنی ورزد با خدا بجنگ پرداخته و هر که در باره علی شک

کند کافر است.

## روایت یکی از اولاد ابی لهب

الأمالی للشیخ الطوسی أمالی الشیخ: 53 و 54.

مجالس مفید: حنان بن سدید گفت من و پدرم بمردی از اولاد ابی لهب گذشتیم که عبد الله بن ابراهیم نام داشت مرا صدا زد و گفت ابو الفضل! این مرد ترا حدیث میکند- اسم مرد حدیث گور که سدید نام داشت و در آخر حدیث نقل کرده ولی اینجا نگفته از حضرت باقر علیه السلام. ما نزدیک آنها شدیم و سلام کردیم باو گفت حدیث را برایش نقل کن. او چنین نقل کرد:

حضرت باقر علیه السلام که از اولاد پیامبر شخصی را نظیر او ندیده بودم فرمود: جابر بن عبد الله انصاری گفت پیامبر اکرم تشریف آورد و بر منبر رفت مهاجر و انصار با سلاح اجتماع کردند فرمود: مردم هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی محشور میکند جابر گفت من حرکت کرده گفتم یا رسول الله گر چه شهادت بلا اله الا الله و رسالت شما بدهد فرمود آری.

این شهادت موجب حفظ خون او و ندادن جزیه (مالیات اهل کتاب) با کمال خواری می شود.

ص: 222

سپس فرمود: مردم!! هر که ما خانواده را دشمن بدارد روز قیامت یهودی محشور می شود و اگر دجال را درک کند باو ایمان می آورد و اگر درک نکند در زمان دجال از قبر خارج می شود تا بدجال ایمان آورد خداوند عزیر امت مرا برایم بصورت گل نشان داد، اسمای آنها را بمن آموخت همان طوری که بآدم اسماء را آموخت از جلو من رد شدند صاحب پرچم ها، برای علی و شعیاناش استغفار کردم.

حنان گفت پدرم بمن گفت این حدیث را بنویس من نوشتم. فردا بجانب مدینه رفتیم وارد مدینه شدیم و خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدیم من گفتم فدایت شوم مردی از اهالی مکه بنام سدیف از پدرتان حدیثی نقل کرد فرمود:

حدیث را حفظ داری گفتم آن را نوشته ام فرمود بمن بده.

تقدیم کردم همین که رسید باین جمله که پیامبر اکرم فرمود امتم برای من مجسم شدند بصورت گل و اسم آنها را بمن آموخت همان طور که بآدم تمام اسماء را آموخت. حضرت صادق علیه السلام فرمود: چه وقت این حدیث را آن مرد از پدرم برای تو نقل کرد. گفتم امروز هفت روز است که از پدرتان نقل کرد فرمود من گمان داشتم این حدیث از پدرم بهیچ کس

## معاذ بن جبل:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئُهُ، وَبُغْضُهُ سَيِّئُهُ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ؛ مُحِبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ أَيْ اسْتِ كَهْ بَا وَجُودِ أَنْ، كُنَاهُ زِيَانِ نَمِي رِسَانْد، وَ دَشْمَنِي اَو كُنَاهِي اسْتِ كَهْ بَا وَجُودِ أَنْ، هِيْچِ عَمَلِ نِيْكي سُوْدِي نَمِي بَخْشْد.

## روایتی از تفسیر ثعلبی

1- ابْنُ بَطْرِيْقٍ رَحِمَهُ اللّٰهُ فِي الْعُمْدَةِ مِنْ تَفْسِيْرِ الثَّعْلَبِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَ حَسَدَ النَّاسِ لِي فَقَالَ أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ رَابِعَ أَرْبَعَةٍ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَأَزْوَاجُنَا عَنْ أَيْمَانِنَا وَشِمَائِلِنَا وَذُرِّيَّتِنَا خَلْفَ أَزْوَاجِنَا وَشِيعَتِنَا خَلْفَ ذُرِّيَّتِنَا. العمدہ: 25 فیہ: من خلف ذریتنا.

ابن بطریق در عمدہ از تفسیر ثعلبی باسناد خود از عمر بن موسی از زید بن علی بن الحسین از پدرش از جد خود از علی بن ابی طالب صلوات اللہ علیہ نقل کرد کہ فرمود من بہ پیامبر

اکرم شکایت کردم از حسادت مردم نسبت بخودم فرمود راضی نیستی چهارمی چهار نفر باشی اول کسی که داخل بهشت می شود من و تو و حسن و حسین هستیم همسران ما در طرف راست و چپ ما هستند و ذریه ما پشت سر همسران مایند و شیعیان ما پشت سر ذریه ما.

## روایات ابو هریره

1- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى إِلَى عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَ سَلَامٌ لِمَنْ سَلَّمْتُمْ. العمدہ: 25 و 26 و فیہ: الی علی و فاطمہ و الحسن و الحسین.

ابو هریره گفت پیامبر اکرم نگاه بعلی و حسن و حسین صلوات الله علیهم کرده فرمود: من جنگ دارم با کسی که با تو جنگ کند و با کسی که راه مسالمت با تو پیش گیرد مسالمت پیشه ام.

2- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق ج 2، ص 79، حدیث 581 شرح محمودی. و نیز ابن مغازلی در مناقب، ص 22، شماره 31، ط

1

از ابو هریره روایت شد که عمر بن خطاب گفت: رسول

ص: 225

خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس را که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست.

3- سند را بایی هریره می‌رساند که گفت خدمت پیامبر اکرم بودم که علی علیه السلام وارد شد پیامبر اکرم فرمود میدانم این شخص کیست؟ عرض کردم علی بن ابی طالب فرمود دریای خروشان، خورشید درخشان، بخشنده تر از نهر- فرات و گشاده دلتر از دنیا هر که با او دشمنی ورزد لعنت خدا بر او باد.

4- ابن شاذان از ابی هریره نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود بهترین ای امت پس از من علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین است هر کسی جز این سخن را بگوید بر او باد لعنت خدا.

## روایات از ابن عباس

### اشاره

چند روایت از روایات فراوان درباره امیر مؤمنان علیه السلام از ابن عباس که در کتابهای حدیثی فریقین آمده است را در اینجا جدا گانه می آوریم تا مطالعه آنها در دسترس و مشخص باشد و تعدادی نیز در متون ج 1 و ج 2 این کتاب گذشت.

1- عن ابن عباس قال: كنت أسير مع عمر بن الخطاب في

ص: 226

لیلہ، و عمر علی بغل و انا علی فرس، فقرأ آیه فیہا ذکر علی بن ابی طالب فقال: أما و اللہ یا بنی عبد المطلب لقد کان علی فیکم أولى بهذا الأمر منی و من أبی بکر، ... -الی ان قال -و اللہ ما نقطع امرا دونه، ولا نعمل شیئا حتی نستأذنه. (راغب در محاضرات، ج 7، ص 213 از ابن عباس روایت شد کہ گفت: در یکی از شبہا من و عمر بن خطاب سیر می کردیم) همسفر بودیم (و عمر بر قاطر و من بر اسب بودم، پس آیه ای قرائت شد کہ در آن آیه نام علی بن ابی طالب یاد آوری می شد. پس) عمر بن خطاب (گفت: آگاہ باشید بہ خدا سوگند ای فرزندان عبد المطلب، بہ تحقیق کہ علی در میان شما سزاوارترین است بہ این امر) خلافت (از من و ابو بکر... ) تا آنکہ گفت (بہ خدا سوگند هیچ کاری را بدون او تمام نمی کنم. و عملی بدون اجازه او انجام نمی دهم).

## 2- علی علیہ السلام در آمرزش الہی

عن ابن عباس: قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ: علی بن ابی طالب باب خطہ، من دخل منہ کان مؤمناً، و من خرج منہ کان کافراً؛ علی بن ابی طالب باب خطہ بنی اسرائیل است کسی کہ از آن در وارد شود مؤمن است و کسی کہ از او خارج گردد کافر است.

ص: 227

3- عن عبد الله بن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: كفوا عن ذكر علي بن أبي طالب عليه السلام فلقد رأيت من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فيه خصالا لأن تكون لي واحده منهن في آل الخطاب أحب الي مما طلعت عليه الشمس.

(آثار الصادقين، ج 14، ص 211 به نقل از فضائل الخمسه، ج 2، ص 239. عن كنز العمال، ج 6، ص 393. عبد الله بن عباس گوید: از عمر بن خطاب شنیدم می گفت: از بدگویی علی بن ابی طالب علیه السلام خودداری کنید که من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره فضیلت او خصلت هایی دیدم که اگر یکی از آن خصلتها در خاندان خطاب می بود در نزد من از هر جا و هر چه که آفتاب بر آن می تابد محبوبتر می بود.

4- عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لو اجتمع الناس على حبّ علي بن أبي طالب لما خلق الله عزّوجلّ النَّارَ؛ اگر مردم بر محبت علی بن ابی طالب اتفاق داشتند خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی آفرید.

5- عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبّ عليّ بن أبي طالب يأكل الذنوب كما تأكل النار الحطب؛ دوستی علی بن ابی طالب گناهان را می خورد چنانچه آتش، هیزم را.

دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش



عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا المنذر وعلى هادی وأشار بيده إلى علي وقال: بك يهتدى المهتدون؛ من بیم دهنده ام و علی هدایت کننده و با دستش به علی علیه السلام اشاره کرده، فرمودند: به واسطه تو هدایت شوندگان راه می یابند و هدایت می شوند.

#### 7- ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علیّ علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبد الله: قال صلی الله علیه و آله: أنا مدینه العلم و علیّ بأبها، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ؛ من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هر کس طالب علم باشد از دروازه آن وارد شود.

8- عن ابن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: يا علي انت اول المسلمين اسلا ما و اول المؤمنين ايمانا. (آثار الصادقين، ج 14، ص 43) به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 6. و نیز متقی هندی در كنز العمال، در قسمت آخر يك روايت، ج 6، ص 395. ابن عباس رحمه الله گفت: از عمر بن الخطاب شنيدم می گفت: رسول خدا صلى الله علیه و آله و سلم فرمود: يا علي، تو نخستين مسلمان و اولين مؤمن می باشی.

9- ابن عباس قال : قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله : أيها الناس أَلْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَانْهَ مِنْ لِقَى اللَّهِ بِوَدِّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا ، فَوَ الَّذِي نَفْسَ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَوَلَايَتِنَا . اِمَالِي الْمَفِيد : 82.

ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود: در راه محبت و علاقه بما اهل بیت پایدار باشید زیرا هر کس بملاقات خدا برود با محبت ما بشفاعت ما داخل بهشت می شود قسم ب آن کسی که جان محمد صَلَّى الله عليه و آله در دست اوست هیچ بنده ای را عملش سود نمی بخشد مگر با معرفت و ولایت ما.

10- وَبِسَ نَدَيْنِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْحَوْضِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ . العَمَدَة: 157.

و با دو سند از ابن عباس پیامبر اکرم فرمود: علی علیه السلام روز قیامت کنار حوض کوثر است داخل بهشت نخواهد شد احدی مگر با اجازه عبور از علی بن ابی طالب علیه السلام.

11- وَبِسَ نَادِيهِ إِلَى سَدْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعَمِهِ وَ لِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي ابْنِ

عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدا را دوست بدارید بواسطه نعمتهائی که بشما عنایت کرده و چون شایسته ی دوست داشتن است و مرا دوست بدارید برای دوستی خدا و اهل بیتم را دوست بدارید بواسطه دوستی من.

بیان: قوله أن يسایل و فی بعض النسخ يسال لعله من السیلان فإن لین الوجه کنایه عن طلاقته و غلظته عن عبوسه قوله نجت بالجیم المشدده من قولهم نج إذا أسرع أو المخففه من نجا إذا أسرع أو خلص أي خلصت من العیوب.

12 - کِتَابُ فَضَائِلِ الشَّيْعَةِ، لِلصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ تَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ . فضائل الشیعه: 11.

کتاب فضیلت الشیعه صدوق از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود حُبَّ علی علیه السلام گناهان را از بین می برد چنانچه آتش هیزم را نابود می کند.

13 - ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَلَا يَتَى وَلَا يَهُ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ . أمالی الصدوق: 283 و 284.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ولایت من و اهل بیتم امان از آتش جهنم است.

ص: 231

14- کنز جامع الفوائد و تأویل الآيات الظاهره ابن عباس قال قال رسول الله ص إذا كان يوم القيامة أمر الله مالكا أن يسد عر النيران السبع و أمر رضوان أن يزخرف الجنان الثمان و يقول يا ميكائيل مد الصراط على متن جهنم و يقول يا جبرئيل انصب ميزان العدل تحت العرش و يقول يا محمد قرب أمتك للحساب ثم يأمر الله تعالى أن يعقد على الصراط سبع قناطر طول كل قنطره سبعه عشر ألف فرسخ و على كل قنطره سبع بعون ألف ملك يسألون هذه الأمة نساءهم و رجالهم على القنطره الأولى عن ولایه أمير المؤمنين و حب أهل بیت محمد فممن أتى به جاز القنطره الأولى كالبريق الخاطف و من لا يحب أهل بيته سقط على رأسه في قعر جهنم و لو كان معه من أعمال البر عمل سبعين صديقا. كنز جامع الفوائد: 276 و 277 من النسخه الرضويه.

(3) الشوری: 22. كنز الفوائد: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت خداوند بمالک دستور میدهد که جهنم هفتگانه را بیافروزد و برضوان امر میکند بهشت هشت گانه را بیاراید و بمیکائیل دستور میدهد که صراط را بر روی جهنم بکشد و بجبرئیل می فرماید که ترازوی عدل را برقرار نماید در زیر عرش و میفرماید ای محمد امتت را برای حساب بیاور.

بعد دستور میدهد خدا که بر صراط هفت پل قرار دهند طول هر پل هفده هزار فرسخ است و بر روی هر پل هفتاد هزار ملک از مرد و زن این امت بر پل اولی میرسند از ولایت علی بن ابی طالب و حب اهل بیت محمد. هر کس ولایت و حب او درست باشد از پل اولی چون برق جهنده میگذرد و هر که اهل بیت پیامبر را دوست نداشته باشد بسر در قعر جهنم می افتد اگر چه اعمال نیکوی او برابر با هفتاد صدیق باشد.

### علی روشنی تاریکی و چراغ هدایت و حجت بر

مردم دنیاست.

15- ابن عباس قال قال رسول الله ص يا علي إن جبرئيل أخبرني عنك بأمر قرت به عيني وفرح به قلبي قال يا محمد قال الله عز وجل أقرئ محمداً مني السلام وأعلمه أن علياً إمام الهدى ومصد باح الدجى والحججه على أهل الدنيا وأنه الصديق الأكبر والفاروق الأعظم وأنني آليت وعزتي وجلالي أن لا أدخل النار أحداً توالاه وسلم له ولأوصيائه من بعده حق القول مني لأملأن جهنم وأطباقها من أعدائه ولأملأن الجنة من أوليائه وشيعته

ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود یا

ص: 233

علی جبرئیل در مورد تو برایم خبری آورد که چشمم روشن شد و دلم شاد گشت گفت یا محمد خداوند سلامت رساننده و فرموده است باو بگو علی امام هدی و چراغ تاریکی ها و حجت بر اهل دنیا و

صدیق اکبر و فاروق اعظم است من سوگند بعزت و جلالم یاد کرده ام که داخل آتش نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و جانشینان بعدش باشد این یک واقعیت است که جهنم و طبقه های آن را پر از دشمنان او خواهیم کرد و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش می کنم.

16 - كِتَابُ الْمَنَاقِبِ، لِابْنِ شَاذَانَ أَسْتَاذِ الْكَرَّاجِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَخْبَرَنِي فِيكَ بِأَمْرِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي أَقْرَأُ مُحَمَّدًا مِنِّْي السَّلَامَ وَأَعْلِمُهُ أَنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْهُدَى وَمِصْبَاحُ الدُّجَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَإِنِّي آلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا أُدْخِلَ النَّارَ أَحَدًا تَوَلَّاهُ وَسَلَّمْتُ لَهُ وَلِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَلَا أُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وَلَا يَتَّهَ وَالتَّسْلِيمَ لَهُ وَلِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَحَقَّ الْقَوْلُ مِنِّْي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ وَأَطْبَقُهَا مِنْ أَعْدَائِهِ وَلَا أَمْلَأَنَّ الْجَنَّةَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ. إِيضاح دَفَائِنِ النُّوَاصِبِ: 20.

کتاب مناقب ابن شاذان: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی جبرئیل مرا خبر داد با منی در باره تو که موجب روشنی چشم و شادی قلبم شد. بمن گفت یا محمد خداوند بمن فرمود محمد را از جانب من سلام برسان و باو اعلام کن که علی پیشوای هدایت و چراغ تاریکی و حجت بر اهل دنیا است او صدیق اکبر و فاروق اعظم است من بذات خود سوگند خورده ام داخل جهنم نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و اوصیای بعد از او باشد و داخل بهشت نمیکنم کسی را که ولایت او را رها نماید و تسلیم او و اوصیای پس از او نشود، این یک واقعیت است که میگویم جهنم و طبقات آن را پر خواهیم کرد از دشمنان او و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش میکنم.

17- ابن عباس أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال : يا بني عبدالمطلب إني سألت الله عزوجل ثلاثا : أن يثبت قائلكم ، وأن يهدي ضالككم ، وأن يعلم جاهلكم ، وسألت الله تعالى أن يجعلكم جوداء نجباء رحماء ، فلو أن امرء صف بين الركن والمقام فصلى وصام ثم لقي الله عزوجل وهو لاهل بيت محمد صلى الله عليه وآله مبغض دخل النار .امالی ابن الشیخ : 14. ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ای فرزندان عبد

المطلب من از خدا سه چیز خواسته ام شخص معتقد شما را ثابت قدم بدارد و گمراه شما را هدایت کند و نادان شما را تعلیم نماید و از خداوند خواسته ام که شما را شخصیت برجسته و نجیب و مهربان قرار دهد اگر شخصی بپا ایستد بین رکن و مقام نماز بخواند و روزه بگیرد ولی دشمن اهل بیت محمد باشد داخل آتش می گردد.

ابن عباس مثله کشف الغمه.

18- ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا بني عبدالمطلب إني سألت الله لكم أن يعلم جاهلكم وأن يثبت قائمكم وأن يهدي ضالكم وأن يجعلكم نجداً جوداء رحماء، ولو أن رجلاً صلى وصف قدميه بين الركن والمقام ولقى الله ببغضكم أهل البيت دخل النار. امالی ابن الشیخ :

73. واملی ابن الشیخ: 13 واملی المفید: 148

19- ابن عباس گفت: زعموا أنهم على الرشيد من غيهم، وإلى من يفرع خلف هذه الائمة وقد درست أعلام المله ودانت الامه بالفرقه والاختلاف، يكفر بعضهم بعضاً؟! والله تعالى يقول: « ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءتهم البينات آل عمران: 101. فمن الموثوق به على إبلاغ الحجة وتأويل الحكمه إلا أهل الكتاب وأبناء أئمة الهدى ومصابيح الدجى الذين

ص: 236



احتج الله بهم على عباده ، ولم يدع الخلق سدى من غير حجه؟ هل تعرفونهم أو تجدونهم إلا من فروع الشجره المباركه ، وبقايا الصفوه الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وبرأهم من الآفات وافترض مودتهم فى الكتاب؟ هم العروه الوثقى وهم معدن التقى وخير جبال العالمين ونيقها (كشف الغمه : 205).

20- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشِدَّاءُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ.

ابن عباس در تفسیر این آیه میگوید: سبیل الله در این آیه علی بن ابی - طالب است.

## آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را

21- بشاره المصطفی ابن عباس قال: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَ وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ هَذَا عَلَى عَاتِقٍ وَ هَذَا عَلَى عَاتِقٍ وَ هُوَ يَلْتَمِسُ هَذَا مَرَّةً وَ هَذَا مَرَّةً فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ إِنَّكَ تُحِبُّهُمَا قَالَ إِنِّي أُحِبُّهُمَا وَ أَحَبُّ مَنْ يُحِبُّهُمَا فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي . بشاره المصطفی: 63. بشاره المصطفی: ابن عباس گفت پیامبر اکرم از خانه خارج شد با حسن و حسین یکی را روی شانه و دیگری را روی شانه دیگر یک مرتبه او را

می‌بوسید و یک مرتبه این را جبرئیل باو گفت آیا این دورا دوست دارید فرمود دوست دارم این دورا و کسی که آنها را دوست داشته باشد هر که آنها را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که با آنها دشمن باشد با من دشمن است.

22 -عن عائشه و ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ذكر عليّ عباده؛ یادکردن از علی عبادت است.

23 -امالی شیخ: ابن عباس گفت بحضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم مرا سفارشی فرما.

فرمود بتو سفارش میکنم دوستی با علی را از دست ندهی قسم بآن کسی که مرا بحق برانگیخت خداوند از بنده ای کار نیک نمی پذیرد مگر اینکه از او سؤال میکند راجع بحبّ علی بن ابی طالب علیه السلام با اینکه خداوند خود بهتر میداند اگر دارای ولایت بود عملش را می پذیرد بهر طور که باشد. و اگر دارای ولایت نباشد دیگر از چیزی پرسش نمیکند دستور میدهد او را در آتش اندازند. ای پسر عباس! قسم بآن کس که مرا به نبوت مبعوث کرد آتش خشمش بر دشمن علی بیشتر است از کسی که معتقد است خدا دارای فرزند است. ای پسر عباس! اگر ملائکه مقربین و تمام انبیای مرسل اجتماع بر

ص: 238

دشمنی علی نمایند و حال اینکه چنین کاری را نمی کنند همه را خداوند ب آتش جهنم می افکند. عرض کردم یا رسول الله آیا کسی با او دشمنی میورزد. فرمود آری پسر عباس! گروهی که مدعی هستند از امت منند با او دشمنی میورزند با اینکه از اسلام بهره ای نبرده اند.

ای پسر عباس از علامت دشمنی با آنها مقدم داشتن کسانی است که از آنها پائین ترند قسم بخدائی که مرا بحق مبعوث کرده پیامبری از من گرامی تر نفرستاده و نه وصی از علی وصی من گرامی تر ابن عباس گفت پیوسته دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در مورد محبت علی بجا می آوردم و این بزرگترین عمل من است ....

24- بررسی در مشارق الانوار از کتاب واحده از ابن عباس نقل میکند که گفت دشمن علی از قبر خارج می شود در گردش طوقی از آتش است و بر گرد سرش شیطانهای هستند که او را لعنت میکنند تا وارد صحرای محشر شود.

25- کتاب بصائر از ابن جبیر از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم فرمود مخالف علی بعد از من کافر است و شک کننده در باره او مشرک و حيله گر است و دوست دار او مؤمن صادق و دشمن او منافق و جنگ کننده با او از دین

برگشته و ردکننده او نابود و منحرف و پیرو او به هدف رسیده است.

26- در کتاب فضائل الصحابه سمعانی باسناد خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل میکند از ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود هر که علی راسب و ناسزا گوید مرا سب نموده و هر که مرا سب کند خدا را ناسزا گفته و هر که خدا را ناسزا گوید داخل جهنم می شود و بعدایی شدید گرفتار می گردد.

27- کنز الفوائد: از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود:

خداوند باران را از بنی اسرائیل جلوگیری کرد بواسطه اعتقاد بدی که در باره پیامبران خود داشتند و باران را از این امت حبس میکند بواسطه دشمنی آنها با علی بن ابی طالب علیه السلام.

### **گفتار و اظهار نظرهای تعدادی از بزرگان اهل سنت**

1- سعد بن ابی وقاص:

عامر پسر سعد بن ابی وقاص نقل می کند: معاویه پس از

ص: 240

طواف کعبه در دارالندوه پدرم را پهلوی خود بر تخت نشاند و به پدرم گفت چه چیز تو را باز می دارد که به پسر ابوطالب ناسزا نمی گویی؟ پدرم از معاویه ناراحت شد و گفت: به خدا قسم مادام که من سه جمله از رسول خدا درباره او به یاد دارم او را ناسزا نمی گویم. برای اینکه اگر یکی از آن سه را درباره من فرموده بود از تمامی نعمتهای ارزنده بیشترش ارج می نهادم.

اول اینکه شنیدم درباره علی که در بعضی از جنگ ها که او را جانشین خود کرد و به جنگ نبرد، علی غمناک شد و گفت:

آیا مرا از فیض جهاد محروم می فرمایی؟ پیامبر فرمود: آیا راضی نیستی که نسبت به من به منزله هارون باشی نسبت به موسی، با این تفاوت که دیگر بعد از من نبوتی نیست؟

دوم اینکه شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود: فردا بیرق جنگ را به دست کسی می دهم که رسول خدا را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند. و چون فردا شد همه گردن کشیدیم شاید ما را صدا بزند و نزد خود بخواند ولی ناگهان فرمود: علی را نزد من بخوانید و چون او را خواندند درد چشم داشت. پس آب دهان در دیدگان او انداخت و رایت جنگ به به دست او داده و در نتیجه خدا

قلعه را به دستش گشود.

سوم اینکه وقتی آیه «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ...» نازل شد علی و فاطمه و حسنین را نزد خود خواند و گفت: بارال ها اینان اهل بیت منند. (صحیح مسلم، جلد 7، ص 120)

2- اخیرنا بشرین هلال قال حدثنا جعفر و هو ابن سلیمان قال حدثنا حرب بن شداد عن قتاده عن سعید بن مسیب عن سعد بن ابی وقاص قال: لما غزا رسول الله غزوه تبوك خلف علياً بالمدينة فقالوا فيه: مله و كره صحبتته فتبع (علي) النبي حتى لحقه في الطريق فقال يا رسول الله! خلّفتي في المدينة مع الذراري و النساء حتى قالوا:

مله و كره صحبتته. فقال له النبي: يا علي إنما خلّفتك على أهلي أما ترضى أن تكون منّي بمنزله هارون من موسى غير أنه لا نبيّ بعدي. سعد بن ابی وقاص گفت: چون رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم عازم جنگ تبوک شدند، امیرالمؤمنین علیه السلام را در مدینه جانشین خود کرد مردم در این باره می گفتند:

پیامبر از امیرالمؤمنین به ستوه آمده و همراهی اش را نمی پسندد. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال پیامبر روانه شد و در راه به ایشان رسید و فرمود: ای رسول خدا! آیا من را در مدینه با کودکان و زنان و امی گذارید تا بگویند: از او به ستوه آمده، همراهی اش را نمی پسندد! پس پیامبر صلی الله

ص: 242

علیه وآله وسلم به ایشان فرمودند: ای علی من تو را بر اهل خود جانشین کردم. آیا تو خشنود نیستی برای من بمنزله هارون برای موسی باشی جز آنکه پیغمبری پس از من نخواهد بود؟.

کتاب السنه، ص 587، ح 1342 و 1343؛ مسند بزار، ج 3، ص 284، ح 1076؛ مناقب کوفی، ج 1، ص 520، ح 422 و 442 و 463 و 522، ح 458 و 466 و 523، ح 467 و 468؛ سنن کبری، ج 5، ص 44، ح 8138؛ مسند ابی یعلی، ج 2، ص 136 ح 738؛ کامل ابن عدی، ج 2، ص 416، ح 164؛ معجم اوسط طبرانی، ج 5، ص 136، ح 4260؛ تاریخ بغداد، ج 1، ص 324، ح 227؛ مناقب ابن مغازلی، ص 35، ح 53.

3- در برخی دیگر از منابع اهل تسنن تنها این کلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را نقل کرده اند: أن النبی قال لعلی «اما ترضی منی بمنزله هارون من موسی» آیا خشنود نیستی که تو برای من بمنزله هارون برای موسی هستی؟! سنن ترمذی، ج 5، ص 641، ح 3731؛ معجم صغیر طبرانی، ج 2، ص 22، ح 824؛ طبقات المحدثین، ج 4، ص 264، ح 1020؛ حلیه الاولیاء، ج 7، ص 196؛ مسند طیالسی، ج 1، ص 28، ح 205؛ صحیح بخاری، ج 6، ص 3، ح 6؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 1871؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 42، ح 115.

4- خدای متعال، امیرالمؤمنین علیه السلام را بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم وارد و از نزد ایشان خارج می کند

ص: 243

قرأت علی محمد بن سلیمان لوین عن ابن عتیبه عن عمرو بن دینار عن ابی جعفر محمد بن علی عن ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص عن ابیه و لم یقل مرّه عن ابیه قال: کنا عند النبی و عنده قوم جلوس فدخل علی فلما دخل خرجوا فلما خرجوا تلاوموا فقالوا: والله ما أخرجنا و أدخله فرجعوا فدخلوا فقال: والله ما أنا أدخلته و أخرجتکم بل الله أدخله و أخرجکم

سعد بن ابی وقاص می گوید: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلّم با گروهی نشسته بودیم چون امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد دیگران بیرون رفتند (یا حضرت رسول به دیگران فرمود بیرون شوید) چون بیرون آمدند یکدیگر را سرزنش کردند و گفتند به خدا قسم روا نیست ما را بیرون کند و وی را بپذیرد. پس برگشتند و داخل شدند. پس رسول خدا فرمودند:

به خدا سوگند من از پیش خود، او را وارد و شما را بیرون نکردم، بلکه خدا او را وارد و شما را بیرون کرد.

مسند بزار، ج 4، ص 34، ح 1195؛ علل دارقطنی، ج 4، ص 263، ح 629؛ طبقات محدثین، ج 2، ص 145 ح 165؛ تاریخ ابونعیم، ج 2، ص 147 ح 1328؛ تاریخ بغداد، ج 5، ص 293 و 294؛ سنن کبری نسائی، ج 5، ص 46؛ تاریخ مدین؟ دمشق، ج 2، ص 312 ح 823 و 824

ص: 244



علامه خوارزمی از ابی عامر انصاری روایت می کند که در لحظات آخر جان کندن طلحه در جنگ جمل نزد او رسیدم.

او گفت: تو که هستی؟ گفتم از یاران امیرالمومنین علی. گفت دستت را بده تا با تو با امیرالمومنین بیعت کنم. من دست دراز کرده و او بیعت کرد. (المناقب للخوارزمی، 112)

ما منافقین انصار را با دشمنی آنان با علی می شناختیم.

(فضائل الصحابه، ج 2، ص 579)

1- او بهترین انسان است. ( فضائل الصحابه، ج 2، ص 564)

2- ما منافقین را به نشانی دشمنی با علی می شناختیم.

فضائل الصحابه، ج 2، ص 639

3- زاهدتر از علی بن ابیطالب در دنیا ندیده ام (مناقب للخوارزمی، ص 71)

## 5- عبدالله بن مسعود:

1- افضل اهالی مدینه علی بن ابی طالب است. (فضائل

ص: 245

2- ردّ عمر بن الخطاب و ابابكر و تعيين امير المؤمنين عليه السلام به عنوان جانشين توسط پيامبر صلى الله عليه و آله

عبدالله بن مسعود، قال: كنت مع رسول الله «صلى الله عليه و آله» وقد اصحر فتتنفس السعداء، فقلت: يا رسول الله ما لك تتنفس؟ قال: يا ابن مسعود نعت الى نفسى. قلت: استخلف يا رسول الله. قال: «من؟» قلت: ابابكر. فسكت، ثم تنفس، فقلت: ما لك تتنفس فدتك نفسى يا رسول الله؟ قال: «نعت الى نفسى» قلت: استخلف يا رسول الله؟ قال: «من؟» قلت: عمر بن الخطاب.

فسكت، ثم تنفس ثالثا، فقلت: فداك أبى و أمى ما لى أراك تتنفس يا رسول الله؟ قال: «نعت الى نفسى». قلت: استخلف يا رسول الله؟ قال: «من؟» قلت: على ابن أبى طالب، فبكى وقال: «أوه و لن تفعلوا، فوالله لو أطعمتوه ليدخلنكم الجنة، و ان خالفتموه ليحبطن أعمالكم.

عبدالله بن مسعود گوید: روزی در خدمت پيامبر اکرم «صلى الله عليه و آله» به صحرا رفته بودم، دیدم ان حضرت به تندى نفس مى زند، عرض کردم: ای رسول خدا! شما را چه مى شود که به تندى نفس مى زنى فرمود:

ای ابن مسعود! انفسم به من خبر مرگ مى دهد، عرض

کردم: ای رسول خدا، جانشینی برای خود معلوم نما، فرمود:

چه کسی را؟ عرض کردم: ابابکر را، پیامبر اکرم «صلی الله علیه و اله» ساکت شد.

دوباره دیدم ان حضرت به تندی نفس می زند، عرض کردم: فدایت شوم شما را چه میشود؟ فرمود: نفسم به من خبر مرگ می دهد، عرض کردم رسول خدا جانشینی برای خود قرار بده، فرمود: چه کسی را؟ عرض کردم عمر بن الخطاب را، بار دیگر ان حضرت ساکت شد دوباره دیدم به تندی نفس می زند، باز عرض کردم پدر و مادرم به فدای تو باد چرا نفس میزنی؟ فرمود: نفسم به من خبر مرگ می دهد، عرض کردم: علی بن ابی طالب. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و اله گریست و آهی کشید و فرمود: چنین نمی کنید (یعنی نمی گذارید او به خلافت برسد) به خدا قسم اگر از او اطاعت کنید، خداوند همه شما را داخل بهشت می نماید و اگر با او مخالفت کنید همه اعمالتان نابود می شود. (خوارزمی، مناقب ص 114، فرائد السمطین ج 1 ص 276) حموی

6- حسن بصری:

خدا علی را رحمت کند. به خدا سوگند که او برای دشمنانش همچون تیری صائب و به هدف خورده از جمله

ص: 247

تیره‌ای الهی بود و از همه داناتر و از همه به پیامبر نزدیک تر و درویش این امت بود. چنانکه به مال دنیا رغبتی نداشت و در فرمان پذیری امر الهی نیز سستی به خرج نداد و از ملامت نکوهش گران باک نداشت و قرآن محور هدف و دانش و عمل او بود و از این راه بر بهشتی زیبا دست یافت. (البدایه و النهایه، جلد 8، ص 6)

7- امام ابوحنیفه:

در جنگ میان علی و مخالفان او حق به جانب علی بود. (الاصابه ابن حجر، ج 2، ص 50)

8- امام شافعی:

ایشان در جواب فردی که به او گفت: در این مساله با علی بن ابی طالب مخالفت نموده اید، گفت: این مسئله را از علی با سند و دلیل ارائه کن تا پیشانی بر خاک بگذارم و اظهار خطا کنم و از رایم برگردم و به رای علی تمسک جویم. (الائمه الاربعه، ج 4، ص 114)

9- امام احمد بن حنبل:

عبدالله فرزند احمد بن حنبل از ایشان نقل می کند: «علی بن ابی طالب از اهل بیت است و کسی با آن ها قابل مقایسه نیست.» عبدالله همچنین نقل می کند: در حق علی باید

ص: 248

بگویم که خلافت علی را مقام و منزلت نداد، بلکه علی به خلافت منزلت بخشید.» (الائمه الاربعه، ج 4، ص 117

امام حنبله به این موضوع اعتراف کرده و می گوید: «ما لأحد من الصحابه من الفضائل بالأسانید الصحاح مثل ما لعلی رضی الله عنه. مناقب احمد، احمد بن حنبل، محقق: عبد الله بن سلمان، ناشر: دار طيبة للنشر و التوزيع، مکه مکرمه، ص 162

آن فضائلی که با سندهای صحیح برای علی است، برای هیچ یک از صحابه چنین فضائلی نیست.» اگر دنبال افضلیت می گردند، چطور این گفته احمد بن حنبل را به عنوان افضلیت نمی گیرند؟

10 - امام بخاری:

ایشان در کتاب صحیح بخاری به نقل مناقب حضرت علی «ع» پرداخته که از آن جمله روایات مربوط به کنیه ابوتراب، دادن پرچم پیروزی در روز خیبر به علی و حدیث منزلت است. او از خلیفه دوم نقل می کند: پیامبر رحلت فرمود در حالی که از علی راضی بود. (صحیح بخاری، ج 5، ص 22 ج 24

11 - امام مسلم بن حجاج:

ایشان در کتاب مناقب صحیح مسلم به نقل روایاتی در

ص: 249

منقبت علی «ع» از پیامبر «ص» می پردازد. او روایاتی همچون دادن پرچم پیروزی را در روز خیبر به علی با اسناد مختلف، ابوتراب خواندن علی «ع» از جانب پیامبر «ص»، و سفارش پیامبر در رعایت حرمت اهل بیت و همچنین سخنان سعد بن ابی وقاص را در مقابل معاویه نقل می کند. (صحیح مسلم، ج 7، ص 120 ج 124

12 - امام نسائی:

ایشان با نوشتن کتاب خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه، حدود 178 روایت در مناقب آن حضرت ذکر می کند. خوارزمی نقل می کند که امام نسائی گفته است در فضیلت هیچ یک از یاران پیامبر «ص» به اندازه فضیلت علی «ع» روایت وجود ندارد. (المناقب للخوارزمی، ص 6

13 - ابن عبد البر:

1 - ابن عبد البر - از استوانه های علمی اهل سنت - می گوید: «لم یرو فی فضائل أحد من الصحابة بالأسانید الحسان ما روی فی فضائل علی بن أبی طالب. الإستیعاب، ابن عبد البر، ناشر: دارالجمیل، بیروت، لبنان، ج 3، ص 1115 / تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار صادر، بیروت، لبنان، ج 7، ص 298 / الإصابه، ابن حجر

ص: 250

العسقلانی، محقق: معوض، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، ج 4، ص 464

روایاتی که با بهترین سند، در فضیلت علی بن ابی طالب آمده است، در فضیلت اُحدی از صحابه نیامده است.

«طبق ادبیات عرب افعّل تفضیل، برترینی است که باید از همه بالاتر و بهتر باشد شامل یک نفر می شود. و طبق روایات بالا و نظر علمایی چون احمد بن حنبل و ابن عبد البر افضلیت فقط شامل علی (علیه السلام) می شود و لاغیر.

2- فضائل علی در میان برگ ها نمی گنجد... بنی امیه علی را به باد ناسزا می گرفتند و از او بدگویی می کردند اما این حرکات جز بلندی مرتبه و شان و محبت در نزد علما چیز دیگری بر علی نمی افزود (استیعاب در حاشیه اصابه، ج 3، ص 26

14- امام فخر رازی:

هرکه علی «رض» را پیشوای دینی خود قرار دهد حقا به دستاویز محکمی در دین و دنیای خود چنگ زده است.

(تفسیر کبیر، ج 1، ص 205

هرکه در دین خود به علی بن ابی طالب اقتدا کند حقا هدایت یافته است به دلیل آنکه پیامبر «ص» فرمود: خداوندا حق را بر همان محوری بگردان که علی می گردد. (تفسیر کبیر، ج 1، ص 207

ص: 251

نزد اکثر اهل علم علی «رض» اولین کسی است که اسلام آورد و در دامان پیامبر اکرم «ص» پرورش یافت و هیچگاه از او جدا نشد. در تمام جنگ ها یار و همراه پیامبر «ص» بود مگر در تبوک. در این جنگ پیامبر «ص» به خاطر تاخیر علی «رض» به او فرمود: آیا نمی خواهی نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی باشی. (الاصابه، ج 2، ص 507)

ایشان در کتاب حدیثی معروف خود «جامع الاحادیث» حدود 3158 روایت در مسند علی «ع» نقل می کنند. (جامع الاحادیث، ج 15 و 16)

مناقب علی «رض» بسیارند و خارج از حد و حصر و احصا مذکور است. (مناقب علی بن ابی طالب «رض»، ص 354)

در میان دانشمندان و سخن شناسان زبان و ادبیات عرب کسی نیست که به عظمت علی «رض» اعتراف نکند. کلام امام علی بن ابی طالب پس از کلام خدا و پیغمبرش، شریف ترین و برترین سخن و محتوا را دارد. هنگامی که



پاره ای از عبارات نهج البلاغه را با دقت می خواندم صحنه هایی در نظرم مجسم می گشت که شاهد زنده ای برای پیروزی نیروی سخن و بلاغت بود. آنجا که دل ها با برهان حقایق آمیخته می گشت، و سپاه سخنان محکم و نیرومند، چنان به درهم شکستن باطل و یاری حق به پا می خواست که هر شک و باطلی را نابود می کرد. قهرمان میدان که پرچم پیروزی را به اهتزاز در آورده بود، امیرالمومنین علی بن ابی طالب بود. (شرح نهج البلاغه عبده، ص 3)

19 - ابراهیم نظام معتزلی:

علی «رض» در جنگ های خود بر حق بود و کسانی که با او جنگیدند بر خطا رفتند. (تاریخ اندیشه های کلامی، ج 1، ص 229 به نقل از مقالات الاسلامیین، ج 2، ص 130)

20 - ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی معتزلی:

نادانی و کوردلی بزرگ تر این است که معاویه را قابل سنجش با علی بدانند و این همان چیزی است که پاره ای از عوام سرگردان و فرومایگان از حشویه که با حقیقت فاصله دارند به آن معتقد شده اند. (المعیار و الموازنه، ص 37)

21 - عزالدین ابوحامد ابن ابی الحدید معتزلی:

اگر علی را در مورد خصائص اخلاقی و فضائل نفسانی و

ص: 253

دینی بنگری، او را سخت درخشان و بر اوج شرف خواهی دید. اما در مورد شجاعت چنان است که نام همه شجاعان پیش از خود را از یاد مردم برده است و نام همه کسانی را که پس از او آمده اند را محو کرده است... اما از نظر جود و سخاوت، حال علی «رض» در آن آشکار است. روزه می گرفت و با آنکه از گرسنگی سست می شد، باز خوراک و توشه خود را ایثار می فرمود و آیات نهم و دهم سوره انسان درباره او نازل شده است که می فرماید: «و خوراک را با آنکه دوست دارندش به درویش و یتیم و اسیر می خوراند، جز این نیست که می خورانیم شما را برای رضای خدا و از شما پاداش و سپاسگذاری نمی خواهیم» (مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 3، ص 5)

22- ابن میثم بحرانی:

پیشوای بزرگ ما امیرالمومنین صاحب نشانه های آشکار و نورهای درخشان علی بن ابی طالب «رض» در تمام آنچه از سخنانش به ما رسیده است و آنچه از کارها و دستورالعمل ها که از آن بزرگوار صادر شده، مقصود و منظورش این است که آنچه شریعت ارزشمند از اغراض و اهداف دربردارد و آنچه قرآن از قوانین و قواعد داراست همه را توضیح و تشریح کند.

ص: 254

به گونه ای که حتی یک جمله در غیر این منظور از آن حضرت یافت نشده است. چون سخنان آن حضرت این ویژگی را دارد، ناگزیر سخن او سخنی است که رنگ و نمودی از کلام خدا دارد. در عین حال دارای بوی خوش کلام پیغمبر «ص» است. ( شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج 1، ص 33

23- صبحی صالح:

هیچ مسلمانی نیست که خویشاوندی نزدیک و منزلت ویژه پسرعموی پیامبر اکرم «ص» حضرت علی کرم الله وجهه را نزد آن حضرت نداند... علی کرم الله وجهه در حمایت از پیامبر «ص» قدمهایی برداشت که پهلوانان از آن عاجزند و قدم ها می لغزند... باارزش ترین مقام ها در تاریخ به نام او ثبت شد. جنگاوری روز بدر، کشتن عمرو بن عبدود در غزوه خندق، پایداری و وفا در غزوه احد و حنین و پرچمداری روز خیبر امتحان خوبی بود. ( مقدمه شرح نهج البلاغه صبحی صالح، ص 2-1

لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

هست عنوانی که از حق خواجه قنبر گرفت

ای خوش آن نیک اختری کز روی ایمان و خلوص

در دو عالم دامن آن مظهر داور گرفت

ص: 255

کی نشیند تا ابد گرد کدورت بر دلی

کز ولایش روشنی چون خسرو خاور گرفت

می شود سیراب از چشمه فیض خدای

هرکسی جامی ز دست ساقی کوثر گرفت

### اعمال قبول نمی شود مگر با ولایت

الایات :

1- مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ.  
(ابراهیم آیه 18).

2- وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى . (طه 82)

3- وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (طه آیه 112).

در آیه اول خداوند حکم نموده به بطلان اعمال کافرین و اخبار زیاد و مستفیضه داریم که کافر را به مخالفین اطلاق کرده چون آنها نص  
های وارده در باره امامان علیهم السلام را، انکار

ص: 256

می نمایند و علی بن ابراهیم در تفسیر آن آیه روایت کرده : من لم یقرّ بولایه أمير المؤمنين بطل عمله ، مثل الرماد الذی تجئ الريح فتحمله . تفسیر القمی : 345.

هرکس به ولایت امیر مؤمنان اقرار نکند، عملش باطل می شود، مانند خاکستر که باد می آید بر میدارد (و به هوا می پاشد).

و اهتداء را در آیه دوم در اخبار زیاد به «ولایت» تفسیر نموده است.

و اما ایمان در آیه سوم شکی نیست که «ولایت» داخل در آن است، پس خداوند شرط بودن ایمان در اعمال صالحه را سبب نترسیدن از منع ثوابی که مستحق آنست می داند.

در تفسیر قمی آمده، واعلم أن الامامیه أجمعوا علی اشتراط صحه الاعمال و قبولها بالایمان الذی من جملته الاقرار بولایه جميع الائمة : وإمامتهم ، والاخبار الداله علیه متواتره بین الخاصه والعامه. بدانکه امامیه (شیعیان) اجماع دارند بر مشروط بودن صحت اعمال و قبوا آن، بر ایمانی که از جمله آن اقرار کردن به ولایت تمام امامان علیهم السلام و امامت آنهاست و اخبار دلالت کننده بر آن متواترست میان شیعه و اهل سنت.

در جلد اول این کتاب، قسمتی از آیات و اخبار مربوط به ولایت راه، از کتابها و بزرگان اهل سنت در اختیار عزیزان قرار دادیم، اینک در جلد دوم کتاب تعدادی از روایات فراوان شیعه، می آوریم و از سروران بزرگوار استدعا دارد به تک تک اخبار آتی و مفاد آن، خود دقت و بررسی دقیق و تأمل کامل و منصفانه نمایند تا در ذیل هر حدیث گفتار و نظر ما تکرار نشود.

1- در روایت اُبی الجارود از اُبی جعفر علیه السلام در تفسیر (آیه 112 طه) خدای تعالی می فرماید: « فلا یخاف ظلما ولا هضما » یعنی از ناقص شدن و از بین رفتن عملش نمی ترسد .

(تفسیر القمی : 425).

### **بخدا قسم اگر کسی هزار سال عبادت کند قبول**

نیست مگر با ولایت ما اهل بیت

1- روی عن الصادق عن اُبيه عن جده : قال : مر أمير المؤمنين عليه السلام فی مسجد الکوفه وقتبر معه فرأی رجلا قائما یصلی فقال : یا أمير المؤمنين مارأیت رجلا أحسن صلاه من هذا ، فقال أمير المؤمنين : یاقنبر فوالله لرجل علی یقین من

ص: 258

ولایتنا اهل البیت خیر ممن له عبادہ ألف سنہ ، ولو أن عبدا عبد الله ألف سنہ لا یقبل الله منه حتی یعرف ولایتنا اهل البیت ، ولو أن عبدا عبد الله ألف سنہ وجاء بعمل اثین وسبعین نبیا ما یقبل الله منه حتی یعرف ولایتنا اهل البیت وإلا أکبه الله علی منخریه فی نار جهنم .  
جامع الاخبار : 207 ، ط نشر الکتاب.

از حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از جد عزیزش نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السلام با قنبر در مسجد کوفه بمردی برخوردند که ایستاده و نماز میخواند قنبر گفت یا امیر المؤمنین شخصی را ندیده ام که بهتر از این مرد نماز بخواند امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ای قنبر کسی که یقین بولایت ما اهل - بیت داشته باشد بهتر است از کسی که هزار سال عبادت کند اگر شخصی هزار سال خدا را عبادت کند و عمل هفتاد و دو پیامبر را انجام دهد خداوند از او نمی پذیرد مگر اینکه عارف بولایت ما باشد و گر نه او را بسر در آتش جهنم می افکند.

2- سلیمان الاعمش از جعفر بن محمد عن آبائه : قال : قال رسول الله صلّی الله علیه وآله : یا علی أنت امیر المؤمنین وإمام المتقین ، یا علی أنت سید الوصیین ووارث علم النبیین وخیر الصدیقین وأفضل السابقین ، یا علی أنت زوج سیده نساء

العالمين وخليفه المرسلين. يا على أنت مولى المؤمنين ، يا على أنت الحجة بعدى على الناس أجمعين استوجب الجنة من تولاك واستحق دخول النار من عاداك ، يا على والذى بعثنى بالنبوه واصطفانى على جميع البريه لو أن عبدا عبد الله ألف عام (ثم ألف عام). ما قبل الله ذلك منه إلا بولايتك وولايه الائمه من ولدك ، وإن ولايتك لا تقبل إلا بالبراءه من أعدائك وأعداء الائمه من ولدك ، بذلك أخبرنى جبرئيل عليه السلام فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر . ايضاح دفائن النواصب : 6 و 7 ، كنز الكراجكى : 185.

سليمان اعمش از حضرت صادق عليه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود يا على تو امير المؤمنين و امام متقين و سرور اوصياء و وارث علم پیامبران و بهترین صدیقان و برتر از همه گذشتگان هستی يا على تو همسر بهترین زنان عالم و جانشین پیامبر خاتمی.

يا على تو مولای مؤمنین و حجت خدا بر مردم پس از منی سزاوار بهشت است هر که ترا دوست بدارد و سزاوار جهنم است هر که با تو دشمن باشد.

يا على قسم ب آن کس که مرا به پیامبری برگزید و از تمام مردم برترم نمود اگر بنده ای خدا را هزار سال عبادت کند از او



نخواهد پذیرفت مگر با ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان تو ولایت تو پذیرفته نمیشود مگر با بیزاری از دشمنان و دشمنان ائمه از فرزندان این خبر را برایم جبرئیل آورد هر که

مایل است ایمان آورد و هر که میخواد کافر شود.

3-أبی سعید الخدری قال : کان رسول الله صلی الله علیه وآله جالسا وعنده نفر من أصحابه وفيهم علی بن أبی طالب علیه السلام فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : من قال : لا إله إلا الله دخل الجنة ، فقال رجلان من أصحابه :

فنحن نقول : لا- إله إلا- الله ، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : إنما تقبل شهادة لا إله إلا الله من هذا وشيعته ، ووضع رسول الله (صلى الله عليه وآله) يده على رأس علی علیه السلام وقال لهما : من علامه ذلك أن لا تجلسا مجلسه ولا تكذبا قوله.

وقال رسول الله صلی الله علیه وآله : من أبغضنا أهل البيت بعثه الله يهوديا ، ولو أن عبدا عبد الله بين الركن والمقام ألف سنه ثم لقي الله بغير ولايتنا أكبه الله على منخريه في النار ، ومن مات لا- يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهليه ، والله ما ترك الله الارض منذ قبض آدم إلا وفيها إمام يهتدى به حجه على العباد من تركه هلك ومن لزمه نجا.

وقال الله تعالى في بعض كتبه : لا عذبنا كل رعيه أطاعت إمام جائرا وإن كانت بره تقيه ، ولا عفون عن كل رعيه أطاعت

إماما هاديا وإن كانت ظالمه مسيئه ومن ادعى الامامه وليس بامام فقد افترى على الله وعلى رسوله . اعلام الدين : مخطوط.

اعلام دين ديلى از ابو سعيد خدرى گفت پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم با چند نفر از اصحاب نشسته بود كه در ميان آنها على بن ابى طالب عليه السلام نيز حضور داشت پيامبر فرمود هر كس بگويد لا اله الا الله

داخل بهشت مى شود دو نفر از اصحاب گفتند پس ما لا اله الا الله را كه ميگوئيم پيامبر اكرم فرمود:

لا اله الا الله قبول مى شود از اين و شيعيانش، دست خود را روى سر على عليه السلام گذاشت و ب آن دو فرمود از نشانه هاى اين مطلب آن است كه جاى او را نگيريد و سخنش را تكذيب ننمائيد.

و پيامبر اكرم فرمود: هر كسى ما اهل بيت را دشمن بدارد خداوند او را يهودى مبعوث ميكند اگر بنده اى خدا را بين ركن و مقام هزار سال پرستش كند بعد بملاقات خدا برود بدون ولايت ما خداوند او را با سر در آتش جهنم مياندازد و هر كه بميرد بى آنكه امام زمانش را بشناسد بنوع مردم جاهليت مرده بخدا قسم خداوند زمين را از موقعى كه آدم قبض روح شد خالى از امام و رهبرى كه مردم بوسيله او

هدایت یابند و حجت بر مردم باشد نگذاشته هر که او را رها کند هلاک است و هر که پیروش باشد رستگار.

و خداوند در یکی از کتابهای خود فرموده البته عذاب خواهیم کرد هر شخصی که پیرو رهبر و امام ستمگری باشد گر چه آدم نیکوکاری و پرهیز- کاری باشد و میبخشم هر که پیرو امام هادی و رهنمای واقعی باشد گر چه خود آن ستمگر و بدکار باشد هر که مدعی امامت شود بدروغ بر خدا و پیامبر تهمت زده.

این روایت در امالی نیز نقل شده.

4- میسر بیاع الزطی قال : دخلت علی اُبی عبدالله علیه السلام فقلت له :

جعلت فداک إن لی جاراً لیست أنتبه إلا بصوته (انتبه الاعلی صوته اما تالیا کتابا).

إما تالیا کتابه یکرره ویبکی ویترضع ، وإما داعیا ، فسألت وسألت عنه.

فقال : یامیسر یعرف شیئا مما أنت علیه؟ قال : قلت : الله أعلم. قال : فحججبت من قابل فسألت عن الرجل فوجدته لا یعرف شیئا من هذا الامر فدخلت علی اُبی عبدالله علیه السلام فأخبرته بخبر الرجل ، فقال لی مثل ما قال فی العام الماضي : یعرف شیئا مما أنت علیه؟ قلت : لا.

قال : یامیسر أی البقاع أعظم حرمة؟ قال : قلت : الله ورسوله

ص: 263

وابن رسولہ أعلم.

قال : ياميسر ما بين الركن والمقام روضه من رياض الجنه وما بين القبر والمنبر روضه من رياض الجنه ، ولو أن عبدا عمره الله فيما بين الركن والمقام وفيما بين القبر والمنبر يعبدہ ألف عام ثم ذبح على فراشه مظلوما كما يذبح الكبش المملح ثم لقي الله عز وجل بغير ولا يتنا لكان حقيقا على الله عز وجل أن يكبه على منخريه في نار جهنم . (ثواب الاعمال : 202 و 203).

بيان : المملح : الذي بياضه أكثر من سواده ، وقيل : هو النقي البياض ، ولعل صرعه كأكبه.

ميسر گفت خدمت حضرت صادق عليه السلام رسیدم.

گفتم فدایت شوم مرا همسایه ای است که پیوسته از صدای او بیدار میشوم قرآن میخواند و مکرر ادا می دهد و مشغول دعا و گریه و زاری است پنهان و آشکارا در

باره او جستجو کردم از تمام کارهای حرام خودداری میکند.

فرمود ميسر بگو بينم چیزی از راهی که تو در آن قدم بر میداری اعتقاد دارد؟. گفتم خدا میداند. گفت سال بعد بحج رفتم از خود او در این مورد سؤال کردم دیدم اعتقادی

ص:264

بامامت ندارد. خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیده گفتم. باز پرسیدند آیا اعتقادی باین راه که بر میداری دارد.

گفتم نه.

فرمود میسر کدام محل احترامش از همه جا در نزد خدا

بیشتر است عرض کردم خدا و پیامبر و پسر پیامبرش میدانند.

فرمود میسر! بین رکن و مقام است که باغی از باغهای بهشت است و ما بین قبر و منبر پیامبر که باغی از باغهای بهشت است اگر بنده ای را خداوند عمر طولانی بدهد و او را عبادت کند بین رکن و مقام و بین قبر و منبر هزار سال و بعد او را د

رختخوابش مظلوم بکشند مثل کشتن گوسفند سفید سپس

بملاقات پروردگار رود بدون ولایت ما بر خدا لازم است او را با سر میان آتش جهنم اندازد.

توضیح: شاید اختصاص بگوسفندی که سفید باشد که بعضی معنی اصلی را چنین گفته اند یا گوسفندی که سفیدی او بیشتر از سیاهش باشد بجهت آن است که زودتر کشته می شود.

ص: 265

5- معلى بن خنيس قال : قال أبو عبد الله عليه السلام : يا معلى لو أن عبدا عبد الله مائه عام مابين الركن والمقام يصوم النهار ويقوم الليل حتى يسقط حاجباه على عينيه وتلتقى تراقيه هرما ، جاهلا لحقنا لم يكن له ثواب . (ثواب الاعمال : 197).

معلى بن خنيس گفت حضرت صادق عليه السلام فرمود ای معلى اگر بنده ای خدا را صد سال عبادت کند بين ركن و مقام روزها روزه بگیرد و شبها شب زنده داری مشغول باشد تا ابروهایش روی چشمش بیفتد و از پیری استخوانهای سینه اش بهم برسد در صورتی که جاهل بحق ما باشد ثوابی برای او نیست. از و شاء مانند آن در المحاسن : 90.

6- از ساباطی از أبی عبد الله عليه السلام فرمود : إن أول ما يسأل عنه العبد إذا وقف بين يدي الله جل جلاله عن الصلوات المفروضات وعن الزكاة المفروضة وعن الصيام المفروض وعن الحج المفروض وعن ولايتنا أهل البيت ، فإن أقرّ بولايتنا ثم مات عليها قبلت منه صلاته وصومه وزكاته وحجّه، وإن لم يقرّ بولايتنا بين يدي الله جلّ جلاله لم يقبل الله عزّ وجلّ منه شيئا من أعماله . (امالى الصدوق : 154 و 155).

بنده وقتی که در پیش خدای جلّ جلاله می ایستد اولین چیزی که از آن سؤال می شود: نمازها و زکات ها و روزه و

حج های واجب و از ولایت ما اهل بیت خواهد شد.

پس اگر به ولایت ما اقرار نماید و با آن عقیده مرده باشد، نماز و روزه و زکات و حش قبول می شود، و اگر در پیشگاه خدا جلّ جلاله، به ولایت ما اقرار نکند خدای عزّ وجلّ هیچ عملی را از او، قبول نخواهد کرد.

7- محمد بن جعفر بن محمد از پدرش از پدرانش فرمود:

نزل جبرئیل علی النبی (صلی الله علیه و آله) فقال : یا محمد السلام یقرئک السلام ویقول : خلقت السماوات السبع و ما فیهن و الارضین السبع و من علیهن و ما خلقت موضعاً أعظم من الرکن و المقام ، ولو أن عبداً دعانی هناک منذ خلقت السماوات و الارضین ثم لقینی جاحداً لولایه علی لا کبیته فی سقر . (امالی الصدوق : 290).

محمد بن جعفر بن محمد از پدرش از آباء گرامش نقل کرد که جبرئیل بر پیامبر اکرم نازل شد گفت یا محمد خداوند سلام می‌رساند و میگوید آسمانهای هفتگانه و آنچه در آنها است و زمین های هفتگانه و هر چه در آنها است آفریدم محلی را عظیم تر از رکن و مقام نیافریده ام اگر بنده ای از اول خلقت آسمانها و زمین ها مرا در آنجا بخواند ولی بملاقات من بیاید با انکار ولایت علی او را برو میاندازم در آتش جهنم.

8- حفص از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود:

ص: 267

إن علياً عليه السلام كان يقول : لا خير في الدنيا إلا لاحد رجلين :

رجل يزداد كل يوم إحسانا ، ورجل يتدارك سيئته (منيته) (المحاسن ، و در خصال : ذنبه). بالتوبه! وأتى له بالتوبه؟ والله لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبل الله منه إلا بولايتنا أهل البيت. (امالی الصدوق : 395 و 396).

علی علیه السلام میگفت بهره ای در دنیا نیست مگر برای یکی از دو نفر. شخصی که هر روز بر کارهای نیکش بیفزاید و کسی که گناهش را با توبه جبران کند کجا میتواند توبه کند.

بخدا قسم اگر سجده کند تا گردش قطع شود خداوند از او نخواهد پذیرفت مگر با ولایت ما اهل بیت.

این روایت در الخصال : ج 1 ص 22. والمحاسن : ص 224 فیه : الا بمعرفه الحق آمده است.

9-مفضل : « یا محمد لو أن عبداً يعبدني حتى ينقطع ويصير كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولايتهم ما اسكنته جنتي ولا أظللته تحت عرشي » ای محمد اگر بنده ای مرا چنان عبادت کنند تا نفس قطع شود و مانند مشک فرسوده شود و سپس پیش من آید با انکار ولایت شما، من او را در بهشت خود ساکن نمی کنم و در سایه عرش خود قرار نمی دهم.

10 -محمد بن یعقوب النہشلی از امام رضا از پدرانش علیهم لسلام

ص:268



«قال الله تعالى : لا أقبل عمل عامل منهم إلا بالاقرار بولايته مع نبوه أحمد رسولی». خداوند فرمود: عمل هیچکدام آنها پذیرفته نخواهد شد مگر با اقرار به ولایت او (علی علیه السلام) و احمد فرستاده من.

11 -عبدالجبار از علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : ما بال أقوام إذا ذکر عندهم آل ابراهیم علیه السلام فرحوا واستبشروا ، وإذا ذکر عندهم آل محمد اشمأزت قلوبهم ، والذي نفس محمد بيده لو أن عبدا جاء يوم القيامة بعمل سبعين نبيا ماقبل الله ذلك منه حتى يلقاه بولایتی وولایه أهل بيتی.(امالی ابن الشیخ : 87).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چشده برای گروههائی وقتی که نزد آنها از آل ابراهیم علیه السلام سخنی می رود خوشحال و شاد می شوند اما اگر از آل محمد صحبتی شود دلهایشان پیچیده (و گرفته) می شود، سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست اگر بنده ای روز قیامت با عمل هفتاد پیغمبر آید، از او پذیرفته نمی شود تا خدا را با ولایت من و اهل بیتم، ملاقات نماید.

بیان : قال الفیروزآبادی : اشمأز : انقبض واقتصر أو ذعر ، والشئ : کرهه.

12 -أبی حمزه الثمالی قال : قال لنا علی بن الحسین زین

العابدين عليه السلام : أى البقاع أفضل؟ فقلنا الله ورسوله وابن رسوله أعلم : فقال : إن أفضل البقاع ما بين الركن والمقام ، ولو أن رجلا عمّر ماعمر نوح فى قومه ألف سنه إلا خمسين عاما يصوم النهار ويقوم الليل فى ذلك الموضع (المقام) ثم لقي الله بغير ولايتنا لم ينفعه ذلك شيئا. (امالى ابن الشيخ : 72). ابو حمزه از على بن الحسين عليه السلام نقل کرد که پرسید از ما کدامیک از سرزمین ما بهتر است. گفتیم خدا و پیامبر و پسر پیامبر بهتر می دانند. فرمود بهترین مکان ها ما بین رکن و مقام است اگر مردی باندازه نوح در میان مردم عمر کند نهصد و پنجاه سال روزها روزه بدارد و شبها شب زنده دار باشد در همین محل بعد خدا را ملاقات کند بدون ولایت ما این اعمال او را ذره ای سود نمی بخشد.

این روایت در کتاب ثواب الاعمال : 197 و المحاسن: ص 91 نیز آمده است.

13- ساباطی قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : إن أبا امیه یوسف بن ثابت حدث عنک أنك قلت : لا یضر مع الایمان عمل ، ولا ینفع مع الکفر عمل؟ فقال : إنه لم یسألنی أبوامیه عن تفسیرها ، إنما عنیت بهذا أنه من عرف الامام من آل محمد ، ویتولاه ثم عمل لنفسه بما شاء من عمل الخیر قبل منه ذلك

ص:270

وضوعف له أضعافا كثيرة فانتفع بأعمال الخير مع المعرفة ، فهذا ماعنيت بذلك وكذلك لا يقبل الله من العباد الاعمال الصالحه التى يعملونها إذا تولوا الامام الجائر الذى ليس من الله تعالى.

فقال له عبدالله ابن أبى يعفور : أليس الله تعالى قال : « من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع يومئذ آمنون » فكيف لا ينفع العمل الصالح ممن تولى أنمه الجور؟ فقال له أبوعبدالله عليه السلام : وهل تدري ما الحسنه التى عنها الله تعالى فى هذه الآية؟ هى والله معرفه بالامام وطاعته ، وقد قال الله عزوجل ومن جاء بالسيئه فكُتِبَتْ وجوههم فى النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون (النمل : 91 و 92). وإنما أراد بالسيئه إنكار الامام الذى هو من الله تعالى ، ثم قال أبوعبدالله عليه السلام : من جاء يوم القيامة بولايه إمام جائر ليس من الله وجاءه منكرا لحقنا جاحدا لولا يتنا أكتبه الله تعالى يوم القيامة فى النار. (امالى ابن الشيخ :

193 و 194).

ساباطى گفت بحضرت صادق عليه السلام عرض کردم ابو امیه یوسف بن ثابت از شما نقل کرد که فرموده ای: با ایمان عمل زیان بخش نیست و با کفر عمل سودی نمی بخشد.

فرمود ابو امیه از تفسیر این مطلب پرسید. همانا مقصودم

ص: 271

این است که هر کس امام از آل محمد را بشناسد و او را دوست بدارد آنگاه برفع خود هر کار نیک انجام دهد از او قبول می شود و چندین چندین برابر می شود از اعمال نیک با معرفت بهره مند می شود مقصودم این بود.

همچنین خداوند از بندگان اعمال صالح را اگر امام ستمگری را که خدا قرار نداده دوست داشته باشند نخواهد پذیرفت.

عبد الله بن ابی یعفور گفت: مگر خداوند نمی فرماید مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمَنُونَ چگونه عمل صالح سودمند نیست از کسی که دوستدار پیشوایان جور باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: میدانی حسنه ای که خداوند در این آیه می فرماید چیست. معرفت امام و اطاعت از اوست خداوند می فرماید وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ منظور از سینه در این آیه انکار امامی است که از جانب خدا تعیین شده سپس فرمود هر کس روز قیامت بیاید با ولایت امام ستمگری که از جانب خدا تعیین نشده و منکر حق و ولایت ما باشد خداوند او را برو در آتش جهنم میافکند.

14 -قال الصادق عليه السلام : أعظم الناس حسره يوم القيامة. رجل جمع مالا عظيما بكد شديد ومباشره الالهوال وتعرض الاخطار ثم أفنى ماله فى صدقات ومبرات وأفنى شبابه وقوته فى عبادات وصلوات وهو مع ذلك لا يرى لعلى بن أبى طالب عليه السلام حقه ولا يعرف له من الاسلام محله ويرى أن من لا- يعشره ولا يعشر عشير معشاره أفضل منه عليه السلاميوافق على الحجج فلا يتأملها ويحتج عليها بالآيات والاخبار فيأبى إلا تماديا فى غيه فذاك أعظم حسره من كل من يأتى يوم القيامة وصدقاته ممثله له فى مثال الافاعى تنهشه وصلواته وعباداته ممثله له فى مثال الزبانيه تتبعه حتى تدعه إلى جنهم دعا ، يقول : ياويلى ألم أك من المصلين؟ ألم أك من المزكين؟ ألم أك عن أموال الناس ونسائهم من المتعففين؟ فلماذا دهيت بما دهيت؟فيقال له : يا شقى مانفعك ماعملت وقد ضيعت أعظم الفروض بعد توحيد الله والايمان بنبوه محمد رسول الله صلى الله عليه وآله وضيعت مالزمك من معرفه حق على ولى الله ، عليك من الايتام بعدو الله ، فلو كان لك بدل أعمالك هذه عباده الدهر من أوله إلى آخره وبدل صدقاتك الصدقه بكل أموال الدنيا بل بملء الارض ذهباً لما زادك ذلك من رحمه الله إلا بعدا ومن سخط الله إلا قربا .التفسير المنسوب إلى الامام العسكرى 14 : 7 و

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اندوهناکترین مردم کسی است که ثروت زیادی را با رنج فراوان و برخورد با هول و هراس های زیاد و خطرهای عظیم جمع کرده باشد بعد این ثروت را در راه صدقه و انفاق در کارهای نیک صرف کند و جوانی و نیروی خود را در عبادت و نماز پایان رساند با این کارها حقی برای علی بن ابی طالب علیه السلام قائل نباشد و موقعیت او را در اسلام نشناسد و چنین به پندارد کسی که یکدهم و یک دهم از یک دهم های او ارزش و مقام ندارد از علی علیه السلام بهتر است برخورد به براهین مینماید ولی دقت نمیکند با آیات و اخبار بر او استدلال می شود ولی بیشتر در گمراهی خود فرو میرود این چنین شخصی از هر کسی در روز قیامت حسرت و اندوهش بیشتر.

انفاق های او بصورت افعی ها برایش مجسم میشوند و او را میگزند و نمازها و عباداتش بصورت شعله های آتش پیکرش را فرا میگیرند و او را به جهنم

میکشند. میگوید ای وای مگر من نمازخوان نبودم مگر من زکات نمیدادم مگر من از مال و ناموس مردم پرهیز نداشتم چرا چنین گرفتار و مبتلا شده ام.

باو میگویند ای بدبخت اعمال هیچ سودی برایت نخواهد داشت در صورتی که بزرگترین واجب را بعد از توحید و ایمان به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ضایع کرده باشی. آنچه بر تو لازم بود از معرفت بحق علی علیه السلام ولی خدا نابود کردی و پیرو دشمن خدا شدی که بر تو حرام بود اگر بجای اعمالی که انجام داده ای از اول دنیا تا آخر آن عبادت میکردی و بجای صدقه هایت تمام روی زمین پر از طلا را انفاق می کردی جز فاصله و دور شدن از رحمت خدا چیزی نصیبت نمیشد و پیوسته بخشم خدا نزدیک تر میشدی.

15- مرآزم از امام صادق علیه السلام قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : ما بال أقوام من امتی إذا ذکر عندهم إبراهيم وآل إبراهيم استبشرت قلوبهم وتهللت وجوههم ، وإذا ذكرت وأهل بيتی اشمأزت قلوبهم وكلحت وجوههم ، والذي بعثنى بالحق نبيا لو أن رجلا لقی الله بعمل سبعین نبيا ثم لم یأت.

بولایه اولی الامر منا أهل البيت ما قبل الله منه صرفا ولا عدلا امالی المفید : 67.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چشده برای گروههایی وقتی که نزد آنها از ابراهیم و آل ابراهیم علیه السلام

سخنی می رود دل‌هایشان خوشحال و رو‌هایشان شاد می شوند اما اگر از من و آل بیتم صحبتی شود دل‌هایشان پیچیده و رو‌هایشان گرفته می شود، سوگند به کسی که مرا به حق به پیغمبری مبعوث نموده است، اگر مردی روز قیامت با عمل هفتاد پیغمبر با خدا ملاقات نماید، از او پذیرفته نمی شود تا سپس با ولایت صاحبان ولایت از ما هل بیت نیاید از او هیچ عملی پذیرفته نخواهد شد.

16- عن يوسف بن ثابت عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قيل له لما دخلنا عليه : إنا أحببناكم لقربائكم من رسول الله صلى الله عليه وآله ولما أوجب الله من حقكم ، ما أحببناكم لدنيا نصيبها منكم إلا لوجه الله والدار الآخرة وليصلح لا مرئ منادينه فقال أبو عبد الله عليه السلام : صدقتم صدقتم ، من أحبنا جاء معنا يوم القيامة هكذا ، ثم جمع بين السبابتين ، وقال : والله لو أن رجلا صام النهار وقام الليل ثم لقي الله بغير ولايتنا للقيه وهو غير راض أو ساخط عليه.

ثم قال : وذلك قول الله : « وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ » إلى قوله : « وَ هُمْ كَافِرُونَ » التوبه : 54 و 55. ثم قال : وكذلك الايمان لا يضر معه عمل كما أن الكفر لا ينفع معه عمل . تفسير العياشي 89 : 2.



یوسف بن ثابت از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد وقتی ما خدمت ایشان رسیدیم یک نفر گفت ما شما را دوست میداریم بواسطه خویشاوندی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارید و بواسطه حقی که خداوند برای شما واجب نموده هرگز برای رسیدن بمنافع دنیوی نیست فقط برای خدا و روز قیامت و اصلاح امر دین مان امام صادق علیه السلام فرمود راست میگوئید هر که ما را دوست بدارد با ما خواهد آمد در روز قیامت مانند این دو انگشت من بین نشانه خود

جمع کرد و فرمود بخدا قسم اگر یک نفر روز را روزه بدارد و شب شب زنده دار باشد و بملاقات خدا برود بدون ولایت ما خدا از او ناراضی خواهد بود یا بر او خشم می گیرد سپس فرمود! این آیه همان مطلب را میفرماید وَ مَا مَنَعُهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ تا اینجا که وَ هُمْ كَافِرُونَ سپس فرمود، همین طور است ایمان که با داشتن عملی زیان نمیرساند و با نداشتن ایمان عملی سود نمی بخشد.

این روایت را دیلمی در کتاب أعلام الدین نیز آورده است.

17 - حبيب السجستاني از أبي جعفر عليه السلام قال : قال الله

ص: 277

عزوجل: لاعذب کل رعیه فی الاسلام دانت بولایه کل امام جائر لیس من الله، وإن كانت الرعیه فی أعمالها بره تقیه، ولا عفون عن کل رعیه فی الاسلام دانت بولایه کل امام عادل من الله، وإن كانت الرعیه فی أعمالها ظالمه مسیئه. غیبه النعمانی: 64 و 65.

حبیب سجستانی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که خداوند بزرگ فرموده واقعا عذاب خواهیم کرد هر جمعیتی را در اسلام که معتقد بولایت امام ستمگری باشد که از جانب خدا تعیین نشده گر چه آن جمعیت از نظر عمل نیکوکار و متقی باشند و بطور قطع میبخشم هر جمعیتی را در اسلام که معتقد بولایت امام عادل باشد که از جانب خدا تعیین شده گر چه آن جمعیت از نظر عمل ستمکار و گنه کار باشند.

18-المجالس للمفید مُحَمَّدُ بْنُ شُرَیْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَلَا يَتَنَا وَأَوْجَبَ مَوَدَّتَنَا وَاللَّهِ مَا نَقُولُ بِأَهْوَانِنَا وَلَا نَعْمَلُ بِأَرَائِنَا وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا عَزَّ وَجَلَّ. مجالس المفید:

37 و 38. مجالس مفید: مُحَمَّدُ بْنُ شُرَیْحٍ از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: خداوند ولایت ما را لازم دانست و محبت ما را واجب نمود بخدا قسم ما از روی هوای نفس حرف نمی زنیم و نه از روی رای و خواست خود کار میکنیم جز آنچه پروردگارمان بگوید نمی گوئیم.

ص: 278

## وجوب محبت اهل بیت و پرهیز از بغض آنها

1- جابر از ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) :

لو أن عبدا عبد الله ألف عام ثم ذبح كما يذبح الكبش ثم أتى الله بیغضنا أهل البيت لرد الله علیه عمله (المحاسن : 168).

جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: اگر بنده ای خدا را عبادت کند هزار سال و بعد او را مثل گوسفند بکشند سپس با بغض و دشمنی ما اهل بیت بیاید، خداوند عملش را بخودش رد میکند.

2- أبی سعید الخدری قال : سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول : لو أن عبدا عبد الله ألف عام مابين الركن والمقام ثم ذبح كما يذبح الكبش مظلوما لبغضه الله مع النفر الذين يقتلهم ويهتدى بهداهم ويسير بسيرتهم إن جنه فجنه وإن نارا فنار المحاسن : 61. ابو سعید خدری گفت از پیامبر اکرم شنیدم اگر بنده ای خدا را هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند آنگاه او را بکشند چنانچه گوسفند را میکشند مظلوم وار خداوند او را مبعوث خواهد کرد با کسانی که ب آنها اقتداء کرده و از هدایت ایشان پیروی می نموده و روش خود آنها را از پیش

ص: 279

گرفته است اگر بهشتی باشند بهشت و اگر جهنمی باشند جهنم:

3- میسر عن أبیه النخعی قال : قال لی

أبو عبد الله علیه السلام : یا میسر ای البلدان أعظم حرمة ، قال :

فما كان منا أحد يجيبه حتى كان الراد على نفسه فقال : مكه ، فقال : أي بقاعها أعظم حرمة؟ قال : بين الركن إلى الحجر ، والله لو أن عبدا  
عبد الله ألف عام حتى ينقطع علباؤه هراما ثم أتى الله ببغضنا أهل البيت. لرد الله عليه عمله (المحاسن : 168).

میسر از پدر خود نخعی. گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود: میسر! کدام یک از شهرها بنظر تو احترام زیادتیر دارد هیچ کس  
نتوانست جواب بدهد. خود امام علیه السلام فرمود مکه. بعد پرسید کدام قسمت مکه حرمت بیشتر دارد کسی جوابش را نداد خود امام  
علیه السلام فرمود: بین رکن تا حجر الاسود بخدا قسم اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند تا عصب گردنش قطع شود از پیری بعد با  
بغض و کینه ما وارد قیامت شود خداوند عمل او را رد میکند.

4- ومن مناقب الخوارزمی عن علی علیه السلام عن النبی (صلی الله علیه و آله) قال : یا علی لو أن عبدا عبد الله مثل ما قام نوح فقومه وکان  
له مثل احد ذهبا فأنفقه فی سبیل الله ومد فی عمره حتی حج ألف

ص: 280

عام علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروه مظلوما ثم لم یوالک یا علی لم یشم رائحه الجنه ولم یدخلها . کشف الغمه : 30.

در مناقب خوارزمی از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود یاعلی اگر بنده ای عبادت کند خدا را باندازه عمر نوح و برای او مانند (کوه) أحد طلا باشد و آن را در راه خدا انفاق نماید و عمرش دراز شود تا هزار سال پیاده به حج رود و سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود و ترا دوست نداشته باشد، بوی بهشت را استشمام نکرده و به آن داخل نخواهد شد.

5- ورو عن النبی صلی الله علیه و آله أنه قال : امتی امتی إذا اختلف الناس بعدی وصاروا فرقه فرقه فاجتهدوا فی طلب الدین الحق حتی تكونوا مع أهل الحق ، فان المعصیه فی دین الحق تغفر ، والطاعه فی دین الباطل لا تقبل . جامع الاخبار : 208 ، ط نشر الکتاب.

از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود امت من. امت من. زمانی که پس از من مردم اختلاف ورزند و گروه گروه شوند. در چنین موقعی سعی کنید در جستجوی راه واقعی دین با اهل حق باشید زیرا گناه با دین حق و واقعی آمرزیده می شود ولی اطاعت در دین باطل پذیرفته نیست.

ص: 281

6- الثمالي قال : خطب أمير المؤمنين عليه السلام فحمد الله وأثنى عليه ثم قال إن الله اصطفى محمدا بالرساله وأنبأه بالوحي فأنال في الناس وأنال ، وفينا أهل البيت معاقل العلم وأبواب الحكمة وضياء الامر ، فمن يحبنا منكم نفعه إيمانه ويقبل منه عمله ، ومن لم يحبنا منكم لم ينفعه إيمانه ولا يتقبل منه عمله بصائر الدرجات : 107. ثمالي گفت امير المؤمنين عليه السلام سخنرانی کرد برای مردم پس از حمد و ثنای خدا فرمود: خداوند محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را برسالت برگزید و او را بوحی مطلع گردانید مردم را از علم بهره مند گردانید ولی در میان ما خانواده گنجینه علم و درب های حکمت و روشنائی و نور واقعی است هر که ما را دوست بدارد از ایمان خود بهره می برد و عملش قبول می شود هر که از شما ما را دوست نداشته باشد ایمان او را سودی نمی بخشد و عملش را نمی پذیرد.

7- حضرت زین العابدین علیه السلام گروهی از این امت پس از جدا شدن از ائمه دین و شجره نبوت مدعی اخلاص دینی شدند و خویشان را طرفدار رهبانیت و کناره گیری از دنیا که بر خلاف سنت پیغمبر است نشان میدهند و پیشرفت و ترقی در علوم کرده ایمان را به نیکوترین صورت توصیف

میکنند و خود را آراسته به بهترین روش و سنت مینمایند تا مدتی میگذرد و سفر بطول میانجامد و آزمایش میشوند با گرفتاریهای رادمردان دینی بعقب بر میگردند و از راه هدایت و رستگاری کناره گیری میکنند چنان شانه از زیر بار دیانت خالی میکنند بمانند بچه شترهائی که طاقت بارهای سنگین را ندارند.

ولا تحرز سبق الروایا وان جرت ولا یبلغ الغایات الا سبقها

مبادا شترهای آبکش را بمیدان مسابقه ببری گر چه تند رو باشند هرگز بههدف و نشانه ای که در انتهای مسابقه هست نخواهند رسید مگر شترهای تیزرو و آماده مسابقه.

و گروهی دیگر در مورد ما کوتاهی میکنند از متشابهات قرآن دلیل می آورند و با نظر خود آن آیات را تاویل میکنند و اخبار را طبق صلاحدید توجیه مینمایند فرو میروند در گردابههای مسائل مبهم و تاریکی های شدید بی آنکه چراغی روشنی بخش از قرآن بهمراه داشته باشند و معلوماتی از خاندان علم فرا گرفته باشند مردم را با این کار خود از پی حق و واقعیت رفتن باز میدارند و سرگرم این شبهات و مبهمات میکنند از گمراهی خود، خیال میکنند واقعیت را آنها کشف کرده اند (و دیگران بر باطلند).

وقد درست أعلام المله ودانت الامه بالفرقه والاختلاف ، يكفر بعضهم بعضاً؟! والله تعالى يقول: (ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءتهم البينات) (آل عمران : 101). فمن الموثوق به على إيلاغ الحجه وتأويل الحكمة إلا- أهل الكتاب وأبناء أئمة الهدى ومصايح الدجى الذين احتج الله بهم على عباده ، ولم يدع الخلق سدى من غير حجه؟ هل تعرفونهم أو تجدونهم إلا من فروع الشجره المباركه ، وبقايا الصفوه الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وبرأهم من الآفات وافترض مودتهم فى الكتاب؟ هم العروه الوثقى وهم معدن التقى وخير جبال العالمين ونيقها (كشف الغمه : 205).

اینک که راهنمایان ملت از بین رفته اند و مردم افتراق و اختلاف را وظیفه خود میدانند و هر دسته دسته دیگر را بکفر نسبت میدهد باید به چه کس پناه برد خداوند تبارک و تعالی می فرماید وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ مبادا چون آن دسته از مردم شوید که باختلاف و جدائی روی آوردند بعد از اینکه دلائل آشکار برای ایشان آمد.

به چه کس میتوان اعتماد کرد که حجت را برساند و حکمت را توجیه و تاویل کند؟ جز باهل کتاب و فرزندان ائمه



هدی و چراغهای روشنی بخش تاریکی. همان کسانی که خداوند بوسیله ایشان حجت را بر مردم تمام کرده و مردم را مهمل وانگذاشته بی آنکه راهنمایی داشته باشند. آیا ایشان را میشناسید و آیا جز شاخه های درخت تناور نبوت و بازماندگان خاندان بر-گزیده رسالت هستند که خداوند ایشان را از هر پلیدی بدور داشته و پاک و پاکیزه شده اند و از آفات دورشان داشته و محبت با آنها را در کتاب خود واجب نموده.

هم العروه الوثقی و هم معدن التقی و خیر جبال العالمین و نیقها

آنها دستاویز محکم و پایگاه تقوی و پرهیزکاریند بهترین افراد جهان و بلندپایه ترین مردم دنیا هستند.

### روایت از ابی هریره در باره محبت علی علیه السلام

8- بالاسناد یرفعه إلی ابی هریره قال : مرّ علی بن ابی طالب علیه السلام بنفر من قریش فی المسجد فتغامزوا علیه فدخل علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) فشکاهم إلیه فخرج علیه السلام وهو مغضب فقال لهم : أیها الناس مالکم إذا ذکر إبراهیم وآل إبراهیم أشرقت وجوهکم ، وإذا ذکر محمد وآل محمد قست قلوبکم ، وعبست

ص: 285

وجوهکم؟ والذی نفسی بیده لو عمل أحدکم عمل سبعین نبیا لم یدخل الجنة حتی یحب هذا أخی علیا وولده ، ثم قال علیه السلام :

إن لله حقا لا یعلمه إلا أنا وعلی ، وإن لی حقا لا یعلمه إلا الله وعلی ، وله حق لا یعلمه إلا الله وأنا(الفضائل. الروضه : 147).

سند را می‌رساند به ابو هریره گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام از کنار چند نفر قریشی رد شد در مسجد الحرام. آنها با چشم بر او خورده گرفتند.

خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و شکایت آنها را خدمت ایشان نمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خارج شد با خشم. بآنها فرمود: مردم شما را چه می شود وقتی اسم ابراهیم و آل ابراهیم را می شنوید چهره تان شاد و خندان است وقتی نام محمد و آل محمد را می شنوید دلهایتان تیره می گردد و چهره تان در هم می شود. قسم بکسی که جانم در دست اوست اگر یکی از شما عمل هفتاد پیامبر را انجام دهد داخل بهشت نمی شود مگر اینکه دوست داشته باشد این برادرم علی و فرزندانش را سپس فرمود خداوند را حقی است که جز من و علی نمی داند و مرا حقی است که نمی داند آن را جز خدا و علی و از برای علی حقی است که نمی داند آن را جز خدا و من.

9- حبيب السجستاني از أبي جعفر الباقر عن آبائه عن علي عليه السلام عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن جبرئيل عن الله عز وجل قال: وعزتي وجلالي لاعذب كل رعيه في الاسلام دانت بولايه امام جائر ليس من الله عز وجل وإن كانت الرعيه في أعمالها بره تقيه، ولا عفون عن كل رعيه دانت بولايه امام عادل من الله تعالى وإن كانت الرعيه في أعمالها طالحه مسيئه امالي الشيخ:

46

حبيب سجستاني از امام باقر از پدرانش از علي عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله از جبرئيل از خداي عز وجل فرمود: قسم به عزت و جلالم البته عذاب خواهم كرد تمام افراد مسلمانها را كه، به ولايت امام ستمگر كه از سوي خداي عز وجل نباشد، نزديك شود اگرچه آن افراد در عملهايشان نيكي كننده و پرهيزكار باشند و البته مي بخشم تمام كساني را كه به ولايت امام عادل (تعيين شده) از جانب خداي تعالى، باشد نزديك شوند اگرچه آنها در اعمالشان بد و طالح باشند.

10- قال عبدالله بن أبي يعفور: سألت أبا عبدالله الصادق عليه السلام: ما العله أن لا دين لهؤلاء وما عتب لهؤلاء قال: لان سيئات الامام الجائر تغمر حسنات أوليائه وحسنات الامام

ص: 287

عبد الله بن ابی یعفور گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم بچه علت اینها دین ندارند و آنها را کسی سرزنش نمیکند فرمود: برای اینکه کارهای بد امام ستمگر نیکی های پیروانش را نابود میکند و حسنات امام عادل موجب چشم پوشی از گناهان پیروانش میگردد.

11- یزید بن فرقہ النهدی قال : قال جعفر ابن محمد علیهما السلام فی قوله تعالی : « یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ » یعنی إذا أطاعوا الله وأطاعوا الرسول ما یبطل أعمالکم ، وقال : عداوتنا تبطل أعمالهم تفسیر فرات : یزید بن فرقہ نهدی گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: در مورد آیه یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ وقتی اطاعت از خدا و پیامبر بکنند اعمالشان باطل نمیشود. و فرمود دشمنی با ما اعمال آنها را باطل میکند.

12- ابی حمزه قال : سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول :

من خالفکم وإن تعبد (عبد). واجتهد منسوب إلى هذه الآية:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ . عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى ناراً حَامِيَةً .

(غاشیه آیات 4-2) (تفسیر القمی : ص 723.

ابو حمزه گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: هر کس مخالف شما باشد گر چه پیوسته عبادت کند و کوشش نماید مشمول این آیه می شود **وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ . عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً** .

غاشیه : 2 چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند،

غاشیه : 3 آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند (و نتیجه ای عایدشان نشده است)، غاشیه : 4 و در آتش سوزان وارد می گردند؛

13 - عبد الرحمن بن کثیر از ابی عبدالله علیه السلام در باره آیه: **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا (الانعام : 160)**. قال :

هی للمسلمین عامه ، والحسنه الولایه ، فمن عمل من حسنه کتبت له عسرافان لم یکن ولایه دفع عنه بما عمل من حسنته فی الدنیا وماله فی الآخره من خلاق . (تفسیر القمی : 480 و 481).

عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام در مورد آیه **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا** فرمود: این آیه مربوط بعموم مسلمین است و حسنه عبارت از ولایت است هر کسی کار نیکی بکند برای او ده برابر نوشته می شود اگر ولایت نداشته باشد پاداش او را در مقابل عمل نیکش در دنیا میدهند و در آخرت او را بهره ای نیست.

ص: 289

اخبار با سندهای زیادی در ابواب تفسیر آیات مربوط به ولایت و امامت در مجلدات امامت و نصوص بر امامت امیر مؤمنان علیه السلام بحار الانوار وجود دارد طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

14- میسر (میسره). قال : كنت عند أبي جعفر عليه السلام وعنده في الفسطاط نحو من خمسين رجلا فجلس بعد سكوت منا طويل، فقال : مالكم (لا تنطقون) لعلكم ترون أني نبي الله؟ والله ما أنا كذلك ، ولكن لي قرابه من رسول الله صلى الله عليه وآله وولاده. فمن وصلنا وصله الله ، ومن أحبنا أحبه الله عز وجل ، ومن حرمنا حرمه الله أفْتَدرون أي البقاع أفضل عند الله منزله؟ فلم يتكلم أحد منا ، فكان هو الراد على نفسه قال :

ذلك مكة الحرام التي رضيها الله لنفسه حرما وجعل بيته فيها. ثم قال : أتدرون أي البقاع أفضل فيها عند الله حرمه فلم يتكلم أحد منا فكان هو الراد على نفسه فقال : ذلك المسجد الحرام ، ثم قال : أتدرون أي بقعه في المسجد الحرام أفضل عند الله حرمه؟ فلم يتكلم أحد منا فكان هو الراد على نفسه فقال :

ذاك بين الركن والمقام وباب الكعبة ، وذلك حطيم إسماعيل عليه السلام ذاك الذي كان يزود فيه غنيماته ويصلى فيه ، والله لو أن عبدا صف قدميه في ذلك المكان قام

اللیل مصلیا حتی یجیئه النهار وصام النهار حتی یجیئه اللیل ولم یعرف حقنا وحرمتنا أهل البيت لم یقبل الله منه شیئا أبدا . ثواب الاعمال : 197 و 198).

میسر گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام در خیمه حدود پنجاه نفر بودند امام علیه السلام در حالی که ما مدتی سکوت کرده بودیم نشسته بود فرمود شما را چه شده شاید خیال میکنید من پیامبرم. بخدا قسم من چنین نیستم.

ولی من با پیغمبر خویشاوندی دارم و از اولاد اویم هر که با ما به پیوندد خدا با او می پیوندد و هر که ما را دوست بدارد خدا او را دوست میدارد و هر که ما را محروم نماید خدا محرومش میکند آیا شما میدانید کدامیک از محل ها در نزد خداوند با ارزشتر است هیچ کدام از ما سخنی در پاسخ نگفت. خود آن جناب فرمود آن محل مکه است که آنجا را برای خود حرم قرار داده و خانه اش را آنجا قرار داده.

سپس فرمود: آیا میدانید چه محلی در نزد خدا احترام بیشتر دارد.

هیچ کدام از ما در جواب سخنی نگفتیم خود آن جناب در جواب خویش فرمود: آن محل بین رکن و مقام و درب کعبه است و این محل همان محلی است که اسماعیل علیه السلام

گوسفندان خود را علوفه میداد و نماز میخواند. قسم بخدا اگر بنده ای بپا بایستد در این محل شب را تا بصبح نماز بخواند و روز را تا شب روزه بدارد ولی عارف بحق و حرمت ما اهل بیت نباشد خداوند هرگز از او چیزی را قبول نخواهد کرد.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از امام باقر علیه السلام همان خبر را نقل کرده و در آخر آن افزوده است پدر ما ابراهیم خلیل از چیزهائی که با خدا قرار گذاشت. این بود که گفت خدایا دلهای مردم را متوجه و علاقمند بخاندان و فرزندان من بگردان. منظور ابراهیم همه مردم نبود. شما اولیا ما و کسانی که شبیه شمايند اولیای او هستيد. شما در میان مردم مانند یک موی سیاه در پیکر گاوی سفید و مانند موی سفیدی در گاو سیاهی هستيد. سزاوار است مردم حج خانه خدا را بجا آورند و ما را احترام و تعظیم کنند بواسطه عظمتی که خدا بما عنایت کرده و با ما برخورد کنند با مقامی که ما داریم ما راهنمایان بسوی خدا هستيم.

در المحاسن : 91 و 92. نیز این روایت آمده است.

15- ابن مسکان أبی عبدالله عن آبائه : قال : مر موسى بن عمران عليه السلام برجل رافع يده إلى السماء يدعوفانطلق موسى في حاجته فغاب عنه سبعة أيام ثم رجع إليه وهو رافع

ص: 292



یدیه یدعو ویتضرع ویسأل حاجته ، فأوحی الله عزوجل إلیه :

یاموسی لو دعانی حتی تسقط لسانه ما استجبت له حتی یأتینی من الباب الذی أمرته به قصص الانبیاء : المخطوط.

ابن مسکان از حضرت صادق از آباء گرامش علیهم السلام نقل کرد که موسی بن عمران بمردی گذشت که دست بسوی آسمان بدعا برداشته بود موسی بدنبال کار خود رفت هفت روز گذشت که ب آن محل نیامد پس از هفت روز برگشت دید دستش را بلند کرده و دعا میکند و زاری و تضرع دارد و حاجت خود را از خدا میخواهد خداوند بموسی وحی کرد که ای موسی اگر آنقدر دعا کند که زبانش قطع شود دعایش را مستجاب نمی کنم مگر اینکه بدر خانه من بیاید از راهی که باو دستور داده ام.

توضیح: یعنی از راه ولایت انبیاء و اوصیای آنها و پیروی از ایشان.

16 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس زکات را به مستحق آن برساند و نماز را طبق شرایطش بجا آورد و کار ناشایستی هم انجام ندهد که موجب بطلان نماز و زکاتش گردد روز قیامت که می آید هر کس در محشر است بر مقام او حسرت میخورد و ببالا ترین غرفه های بهشتی و عالی ترین درجات آن میرسد در حضور خاندان پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم است که آنها را دوست میداشت.

و هر کس در پرداخت زکات بخل ورزد ولی نماز بجای آورد. نماز او را در بین آسمان نگه می دارند تا موقعی که زکاتش را بپردازد اگر پرداخت کرد آن زکات بصورت بهترین مرکب برای نماز می شود و آن را بطرف عرش بالا می برد.

خداوند می فرماید بجانب بهشت برو در میان بهشت بتاز تا روز قیامت بهر کجا که تاختن تو منتهی شد تمام آن ها از کسی است که ترا فرستاده.

آن مرکب در بهشت میدود هر دویدن او باندازه یک سال راه است بمقدار دید چشمش از آن روز تا روز قیامت بالاخره تا روز قیامت بهر کجا خدا بخواهد منتهی می شود تمام این مقامات متعلق باو است برابر همین مقدار از طرف راست و چپ و پیش رو و عقب و بالا و پائین باو می دهند.

اگر نسبت به پرداخت زکات بخل ورزد و نپردازد نمازش را باورد میکنند

و چون جامه کهنه ای درهم می پیچند و بصورتش میزنند باو می گویند ای بنده خدا با این نماز بدون زکات چه میکنی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند چقدر بد- بخت و بیچاره است بخدا قسم این شخص. پیامبر اکرم فرمود

میخواهید بدبخت تر از او را معرفی کنم. گفتند آری .. فرمود مردی که در جهاد و پیکار راه خدا شرکت کند و در این راه کشته شود در حال حمله بدشمن نه فرار. حوران بهشتی و خزینه داران آنجا انتظار آمدن روح او را دارند و فرشته های زمین پیوسته انتظار آمدن حوران بهشتی را دارند که بسوی او بیایند با ملائکه و خزّان بهشت، اما نمی آیند.

فرشته های زمین که اطراف این مقتول هستند میگویند چرا حوران بهشتی پیش این شخص نیامدند و چرا خازنان بهشت نمی آیند. از بالای آسمان هفتم بآن ها می گویند: ای ملائکه بافق آسمان ها و پائین آن تماشا کنید. توحید و ایمان به پیامبر و نماز و زکات و صدقه و اعمال نیکوی او را می بینید در آسمان نگه داشته شده درهای آسمان بروی آنها بسته است همچون قافله ای بزرگ شرق و غرب و شمال و جنوب را فرا گرفته اند ملائکه ای که مأمور حمل این اعمال هستند فریاد میزنند چه شده که درب های آسمان را نمی گشایند تا داخل شویم با اعمال این شهید.

خداوند دستور میدهد درب های آسمان باز می شود.

سپس ندائی میرسد ای ملائکه اگر می توانید داخل شوید بال و پر آنها توان ندارد و نمی توانند با آن اعمال بالا روند.

میگویند خدایا ما نمی توانیم با این اعمال بالا بیائیم منادی پروردگار فریاد میزند ای ملائکه شما نمی توانید این اعمال سنگین را بالا بیاورید باید مرکب های مخصوص آن ها این اعمال را بیاورند و در بهشت قرار دهند.

ملائکه میگویند مرکب مخصوص آن ها چیست؟

فیقول الملائکه : یاربنا مامطایاها؟ فیقول الله تعالى : وما الذی حملتم من عنده؟ فیقولون : توحیده لک وإیمانه بنبیک ، فیقول الله تعالى : فمطایاها موالاه علی أخی نبی ، وموالاه الائمه الطاهرین ، فان أتت فهی الحامله الرافعه الواضعه لها فی الجنان ، فینظرون فاذا الرجل مع ماله من هذه الاشیاء لیس له موالاه علی والطیبین من آله ومعاده أعدائهم ، فیقول الله تبارک وتعالی للاملاک الذین کانوا حاملیها : اعتزلوها والحقوا بمراكزکم من ملکوتی لیأتیها من هو أحق بحملها ووضعها فی موضع استحقاقها ، فتلحق تلک الاملاک بمراكزها المجعوله لها.

ثم ینادی منادی ربنا عزوجل : یا أیتها الزبانیه تناولیها وحطیها إلی سواء الجحیم لان صاحبها لم یجعل لها مطایا من موالاه علی علیه السلام والطیبین من آله ، قال :

کله له ومثله عن یمینه وشماله وأمامه وخلفه وفوقه وتحتہ ، فان بخل بزکاته ولم یؤدها امر بالصلاه فردت إلیه ولفت کما

يلف الثوب الخلق ثم يضرب بها وجهه ويقال له : يا عبد الله مات صنع بهذا دون هذا؟

قال : فقال له أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله : ما أسوأ حال هذا والله قال رسول الله صلى الله عليه وآله : أولا انبئكم بأسوأ

حالا من هذا؟ قالوا : بلى يا رسول الله قال : رجل حضر الجهاد في سبيل الله فقتل مقبلا غير مدبر والحوار العين يطلعن إليه وخزان الجنان يتطلعون ورود روحه عليهم ، أملاك السماء وأملاك الأرض . يتطلعون نزول حور العين إليه ، والملائكة وخزان الجنان لا يردون عليه فلا يأتونه فتقول ملائكة الأرض حوالى ذلك المقتول : ما بال الحور العين لا ينزلن إليه؟ وما بال خزان الجنان لا يردون عليه ، فينادون من فوق السماء السابعة :

يا أيتها الملائكة انظروا إلى آفاق السماء ودوينها ، فينظرون فاذا توحيد هذا العبد وإيمانه برسول الله صلى الله عليه وآله وصلاته وزكاته وصدقته وأعمال بره كلها محبوسات دوين السماء قد طبقت آفاق السماء كلها كالقافلة العظيمة قد ملأت ما بين أقصى المشارق والمغارب ومهاب الشمال والجنوب ، تنادى أملاك تلك الاثقال الحاملون لها الواردون بها : ما بالنا لا تفتح لنا أبواب السماء لندخل إليها بأعمال هذا الشهيد . وهو يشك فينا . أمالى المفيد : 2.

می فرماید: چه عملی از او آورده اید. می گویند اعتقاد بوحدانیت تو و ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خداوند

میفرماید: مرکب این اعتقادهای دوستی علی برادر پیامبر است و دوستی ائمه طاهرین علیهم السلام اگر این موالات را دارد میتواند این اعمال را به بهشت برساند وقتی دقت میکنند می بینند با تمام این اعمالی که دارد موالات با علی و ائمه طاهرین و دشمنی با دشمنان آن ها را ندارد. خداوند بملائکه می فرماید این اعمال را رها کنید و بروید بمحل خود از ملکوت تا آنها که شایسته حمل و بردن این اعمال هستند بیایند و آنها را بجائی که شایسته است ببرند آن فرشته ها میروند بمحلی که مخصوص آنها است.

سپس خداوند به شراره های آتش دستور میدهد آنها را فرا می گیرند و بداخل جهنم می کشانند زیرا صاحب این اعمال دارای مرکب ولایت علی و ائمه طاهرین علیهم السلام نیست.

آن ملائکه این اعمال را بدل بگناه و بلا میکنند بواسطه نداشتن محبت علی امیر المؤمنین علیه السلام خداوند این ملائکه را بر آن اعمال بصورت شیرها مسلط می گرداند و آن اعمال شبیه کلاغ و سوسک هستند از دهان این شیرها شراره هائی خارج می شود و آن اعمال را می سوزاند تمام

اعمالش از بین می‌رود فقط می‌ماند دوستی او با دشمنان علی علیه السلام و انکار ولایت علی علیه السلام این عمل را در وسط جهنم قرار می‌دهند. در این موقع اعمالش نابود شده و گناهانش افزون گردیده این شخص بدتر است از کسی که مانع زکات باشد با انجام دادن نماز.

این روایت در کتابهای کنزالدقائق و جامع الفوائد: عده الداعی نیز از محمدبن مسلم آمده است.

بیان: إنما مثلنا، أي مثل أصحابنا وأهل زماننا، أو المراد بمثل أهل البيت مثل صاحب أهل بیت.

### منظور از آیه **وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ... چیست؟**

1-أبي ذر الغفاری قدّس سرّه فی قول الله تعالی: (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) قال: آمن بما جاء به محمد (صلی الله علیه و آله) وعمل صالحا قال: أداء الفرائض، ثم اهتدى إلى حب آل محمد.

وسمعت رسول الله صلّى الله علیه وآله يقول: والذى بعثنى بالحق نبيا لا ينفع أحدكم الثلاثة حتى يأتى بالرابعه، فمن شاء حققها ومن شاء كفر بها، فانا منازل الهدى (منار الهدى).

وَأَمَّمَهُ التَّقَى وَبَنَّا يَسْتَجَابُ الدُّعَاءَ وَيُدْفَعُ الْبَلَاءَ وَبَنَّا يَنْزِلُ الْغَيْثُ مِنَ السَّمَاءِ وَدُونَ عَلَمِنَا تَكُلُّ أَلْسُنُ الْعُلَمَاءِ وَنَحْنُ بَابُ حَطِّهِ وَسَفِينَةُ نُوحٍ ، وَنَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي يَنَادِي مَنْ فَرَطَ فِينَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ ، وَنَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الْمُتَيْنِ الَّذِي مِنْ اعْتَصَمَ بِهِ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، وَلَا يَزَالُ مُحِبُّنَا مُنْفِيًا مُؤْذِيًا مُنْفَرِدًا مُضْرُوبًا مُطْرُودًا مُكَذَّوبًا مُحْزُونًا بَاكِيًا الْعَيْنَ حَزِينَ الْقَلْبَ حَتَّى يَمُوتَ ، وَذَلِكَ فِي اللَّهِ قَلِيلٌ (تفسير فرات : 94).

تفسير فرات: ابوذر غفاری در آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى گفت: یعنی ایمان ب آنچه پیامبر اکرم آورده بیاورد و عمل صالح یعنی انجام واجبات (ثم اهتدى) یعنی هدایت بحب و علاقه ب آل محمد صلی الله علیه و آله پیدا کند.

گفت از پیامبر اکرم شنیدم میفرمود: قسم ب آن کس که مرا به پیامبری برگزید آن سه قسمت اول برایتان سودی نخواهد بخشید مگر اینکه چهارمی را بجا آورید. هر که مایل است بپذیرد و هر که مایل نیست کفر ورزد ما پایگاه های هدایت و پیشوای پرهیزکاران هستیم دعا بوسیله ما مستجاب می شود و بلا بوسیله ما دفع میگردد باران از آسمان بوسیله ما می بارد در مقابل علم ما زبان دانشمندان لال است ما در ب حطه و



کشتی نوح هستیم ما جنب الله میباشیم که در روز قیامت هر کسی کوتاهی در مورد ما کرده باشد با حسرت و پشیمانی روبرو است. ما ریسمان محکم پروردگاریم که هر کسی ب آن چنگ زند براه مستقیم هدایت یافته پیوسته دوست ما در حال انزوا و آزار و کتک و تبعید و تهمت و حزن و اشک و اندوه بسر می برد تا از دنیا برود و این پیش آمدها در راه خدا چیز اندکی است.

2- جعفر بن موسی معنعنا عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى : (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) قال : إلى ولايتنا . تفسير فرات : 91.

جعفر بن موسی سند را بحضرت باقر میرساند که در باره آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى فرمود هدایت بولایت ما بیابند.

3- کتاب فضائل الشیعه للصدوق ؛ عن داود الرقی قال : دخلت علی

أبي عبد الله عليه السلام فقلت له : جعلت فداك قوله تعالى :

(وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) فما هذا الهدى بعد التوبه والايمان والعمل الصالح؟ قال : فقال : معرفه الائمه والله إمام بعد إمام . فضائل الشیعه : 26 و 27.

کتاب فضائل الشیعه صدوق رحمه الله علیه: داود رقی

گفت خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم عرض کردم فدایت شوم در مورد آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ» این هدایت چیست که بعد از توبه و ایمان و عمل صالح قرار گرفته فرمود معرفت ائمه است بخدا قسم امام ها یکی پس از دیگری.

4- یعقوب بن شعیب قال : سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تبارك وتعالى : « وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ » قال : ومن تاب من ظلم وآمن من كفر وعمل صالحا ثم اهتدى إلى ولايتنا ، وأوماً بيده إلى صدره . (بصائر الدرجات : 23).

یعقوب بن شعیب گفت: از حضرت صادق علیه السلام راجع ب آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ» پرسیدم فرمود هر کس توبه از ظلم کند و ایمان آورد از کفر و عمل صالح انجام دهد سپس هدایت یابد بولایت ما با دست اشاره بسینه خود کرد.

5- عبيد بن كثير معننا عن أبي جعفر محمد بن عليهما السلام قال : قال الله تعالى في كتابه : « وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ » قال : والله لو أنه تاب وآمن وعمل صالحا ولم يهتد إلى ولايتنا ومودتنا ويعرف فضلنا ما

حضرت باقر عليه السلام فرمود: خداوند در قرآن میفرماید وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى فرمود: بخدا قسم اگر توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و هدایت بولایت و محبت ما نیابد و مقام ما را نشناسد این اعمال او را سودی نخواهد بخشید.

6- سعد بن طریف قال : كنت جالسا عند أبي جعفر عليه السلام فجاءه عمرو بن عبيد فقال : أخبرني عن قول الله تعالى :

«وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى \* وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى » قال له أبو جعفر عليه السلام : قد أخبرك أن التوبة والإيمان والعمل الصالح لا يقبل إلا بالاهتداء أما التوبة فمن الشرك بالله ، وأما الإيمان فهو التوحيد لله ، وأما العمل الصالح فهو أداء الفرائض ، وأما الاهتداء فبولاة الامر ونحن هم فإنما على الناس أن يقرأوا القرآن كما انزل ، فاذا احتاجوا إلى تفسيره فالاهتداء بنا وإلينا ياعمرو تفسير فرات : 91 و 92. سعد بن طریف گفت خدمت حضرت باقر عليه السلام بودم که عمرو بن عبید آمده گفت در مورد آیه وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى . وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى

توضیح بفرمائید حضرت باقر فرمود: خداوند میفرماید که توبه و ایمان

و عمل صالح را نمی پذیرد مگر با هدایت یافتن اما توبه یعنی از شرک توبه نمودن اما ایمان یعنی نسبت بیکتائی خدا و توحید اما عمل صالح انجام واجبات است ولی هدایت یافتن یعنی اعتقاد بولایت امر و ما آن اولو الامر هستیم مردم باید قرآن را آن طور که نازل شده بخوانند در هر مورد احتیاج به تفسیر آن پیدا کردند راهنمایی بوسیله ما است و بما بر میگردد ای عمرو!

7- حارث بن یحیی از ابی جعفر علیه السلام فی قول الله:

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى « طه :

84. قال : ألا- ترى كيف اشترط ولم تنفعه التوبه أو الايمان والعمل الصالح حتى اهتدى ، والله لو جهد أن يعمل بعمل ما قبل منه حتى يهتدى قال : قلت : إلى من؟ جعلني الله فداك ، قال : إلينا.

(تفسير القمی : ص 420).

حارث بن یحیی از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى فرمود دقت میکنید چگونه شرط شده، توبه و ایمان و عمل صالح برایش سودی ندارد مگر وقتی که هدایت یابد.

ص:304

قسم بخدا اگر کوشش خود را بکار برد که عمل کند از او نمی پذیرند مگر وقتی هدایت یابد. گفتیم هدایت بسوی چه کس؟ فرمود بسوی ما.

این روایت با سندهای دیگر نیز آمده است .

### کمال دین ولایت ماست

1- وَرَوَى عَنِ الرَّضَاءِ أَنَّهُ قَالَ: كَمَالُ الدِّينِ وَلَا يَتَنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا ثُمَّ قَالَ الصَّفْوَانِيُّ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَتِمُّ الْوَلَايَةُ وَلَا تَخْلُصُ الْمَحَبَّةُ وَلَا تَتَّبِتُ الْمَوَدَّةُ إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ قَرِيبًا كَانَ أَوْ بَعِيدًا فَلَا تَأْخُذُكَ بِهِ رَأْفَةٌ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ الْآيَةُ. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: کمال دین با ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما است.

سپس صفوانی مینویسد باید توجه داشت که ولایت تکمیل نمیشود و همچنین محبت و مودت خاندان نبوت خالص نیست مگر با بیزاری از دشمنانشان چه خویشاوند او

ص: 305

باشد یا غیر خویشاوند مبادا دلسوزی در این مورد موجب ضعف برائت و بیزاری شود، زیرا خداوند در این آیه میفرماید: لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ .

نخواهی یافت گروهی را که ایمان بخدا و پیامبر و روز قیامت دارند دوست داشته باشند دشمنان خدا و پیامبر را گر چه پدر یا فرزند یا برادر یا خویشاوند آن ها باشد.

### خداوند مردم را به پنج کار مأمور نموده

1-المجالس للمفید أبی هارون العبدی قال: کُنتُ أَرَى رَأَى الْخَوَارِجِ لَا رَأَى لِي غَيْرُهُ حَتَّى جَلَسْتُ إِلَى أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ أُمِرَ النَّاسُ بِخَمْسٍ فَعَمِلُوا بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا وَاحِدَةً فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا بَا سَعِيدٍ مَا هَذِهِ الْأَرْبَعُ الَّتِي عَمِلُوا بِهَا قَالَ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْحَجُّ وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ فَمَا الْوَاحِدَةُ الَّتِي تَرَكُوهَا قَالَ وَلَا يَهْ عَلَيَّ بَنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ الرَّجُلُ وَإِنَّهَا الْمُفْتَرَضَةُ مَعَهَا قَالَ أَبُو سَعِيدٍ نَعَمْ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ قَالَ الرَّجُلُ فَقَدْ كَفَرَ النَّاسُ إِذَنْ قَالَ أَبُو سَعِيدٍ فَمَا ذَنْبِي . مجالس المفید: 82.

مجالس مفید: ابو هارون عبدی گفت من عقیده ی خوارج

را داشتم جز این رای را نمی پسندیدم تا با ابوسعید خدری رحمه الله علیه برخورد کردم شنیدم میگفت مردم را خداوند به پنج کار مأمور نموده که چهار عمل را انجام میدهند و یکی را رها کرده اند. شخصی گفت آن چهار چیز که انجام میدهند چیست؟

گفت نماز زکات حج، و روزه ماه رمضان و آنچه ترک کرده اند چیست؟ گفت: ولایت علی بن ابی طالب. آن مرد گفت ولایت نیز مثل آن چهار چیز واجب است. ابوسعید گفت آری قسم پیروردگار کعبه. آن مرد گفت پس در این صورت مردم کافر شده اند. ابوسعید جواب داد مرا چه گناهی است.

2-المجالس المفید للثُمَّ الیَّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ دَعَائِمٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحِجِّ الْبَيْتِ وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .

مجالس المفید: 209.

مجالس مفید: ثمالی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود اسلام بر پنج پایه نهاده شده. نماز خواندن و زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و ولایت ما اهل بیت.

3-المحاسن علیَّ بنِ عُثْمَانَ بنِ رَزِينٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَمِيرِ

ص: 307

الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: سِتُّ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَعَنْ يَمِينِهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ الَّذِي يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَيَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَيُنَاصِحُهُ الْوَلَايَةَ وَيَعْرِفُ فَضْلِي وَيَطْأُ عَقْبِي وَيَنْتَظِرُ عَاقِبَتِي. المحاسن: 9 و 10.

محاسن: علی بن عثمان بن زرین از دیگری روایت کرد که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود شش امتیاز است هر که دارای آن باشد در پیشگاه پروردگار است و در طرف راست او است (یعنی خیلی مورد توجه خدا است).

: خداوند دوست دارد مسلمانی را که برای برادر خود دوست بدارد آنچه را برای خود دوست میدارد و ناپسند شمارد برای او آنچه برای خود ناپسند میشمارد و ولایت را به او سفارش دهد و آشنا بمقام من باشد و پیروی از من کند و منتظر عاقبت من باشد.

شاید منظور حضرت از عاقبتی انتظار دولت خود و فرزندانیش در رجعت و یا منتظر ظهور امام غائب روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء باشد.

### سوال از چهار چیز

1- الأمالی للشیخ الطوسی أبی بُرْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ

ص: 308



اللَّهِ ص يَقُولُ لَا يُزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِمَّا اكْتَسَبَ بِهِ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . أمالی الشيخ: 25 و 26.

مجالس مفید: ابو برده اسلمی گفت از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: قدم بر نمی دارد بنده در روز قیامت مگر اینکه از چهار چیز از او بازخواست میکنند. از بدن و پیکرش که در چه راه آن را فرسوده کرده و از عمرش که در چه راه فانی کرده و از مالش که از چه راه بدست آورده و در چه راه خرج کرده و از حبّ ما اهل بیت.

### علی حجت من است بر مخلوقاتم

1- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاعَ يُحَدِّثُ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي وَ نُورِي فِي بِلَادِي وَ أَمِينِي عَلَى عِلْمِي لَا أُدْخِلُ النَّارَ مَنْ عَرَفَهُ وَ إِنْ عَصَانِي وَ لَا أُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ إِنْ أَطَاعَنِي . إيضاح دفتن النواصب: 32.

با همان سند از ابا صلت هروی نقل میکند که گفت از حضرت رضا شنیدم که از آباء گرام خود از امیر المؤمنین

صلوات الله علیه از پیامبر اکرم نقل میکرد که میفرمود از خداوند تبارک و تعالی شنیدم میفرمود علی بن ابی طالب حجت من بر مردم و نور من در بلاد من و امین من در علم من است. داخل آتش نمیکنم کسی که او را بشناسد گر چه معصیت مرا کرده باشد و داخل بهشت نمیکنم کسی را که منکر او باشد گر چه اطاعت مرا نموده باشد.

### جواز عبور از صراط، ولایت علیست

در فصل عمر بن خطاب روایاتی در تفسیر آیه مبارکه «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» روایاتی از خلفاء و بزرگان اهل سنت گذشت منظور سؤال از ولایت علی علیه السلام و هرکس از آنحضرت جواز عبور نداشته باشد، با سر به قعر جهنم خواهد افتاد، برای مزید اطلاع به روایات ذیل توجه نمائید.

1- وَبَسَّ نَذِيرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْحَوْضِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. العمدة: 157.

و با دو سند از ابن عباس پیامبر اکرم فرمود: علی علیه السلام روز قیامت کنار حوض کوثر است داخل بهشت نخواهد شد احدی مگر با اجازه عبور از علی بن ابی طالب

2- وَ مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَغَازِلِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ كِتَابٌ وَلَا يَهْ عَلَيْهِ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع. از مناقب ابن مغازلی باسناد خود از انس نقل میکند که گفت پیامبر اکرم فرمود روز قیامت صراط را بر کنار جهنم نصب میکنند از روی آن رد نمیشود مگر کسی که با خود نوشته ی ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشد.

3- عبدالله بن عمر از رسول خداصلی الله علیه و آله... آگاه باشید هر کسی علی را دوست داشته باشد از صراط رد می شود مانند برق جهنده و هیچ مشکلی را نخواهد دید.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد برای او برات آزادی از جهنم و آزادی از نفاق و عبور از صراط و امان از عذاب مینویسند.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد نامه عملش باز نمیشود و برایش ترازوی حساب نمیگذارند باو گفته می شود داخل بهشت بشو بدون حساب.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد از حساب و میزان و صراط در امان است...ایضاح دفائن النواصب: 26-24.

4- ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله... ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعْقَدَ عَلَى الصِّرَاطِ سَبْعُ فَنَاطِرٍ طُولُ كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعَةُ عَشَرَ أَلْفَ فَرَسًا وَ عَلَى كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْأَلُونَ هَذِهِ الْأُمَّةَ نِسَاءَهُمْ وَ رَجَالَهُمْ عَلَى الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى عَنْ وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ فَمَنْ أَتَى بِهِ جَاَزَ الْقَنْطَرَةَ الْأُولَى كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَ مَنْ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِهِ سَقَطَ عَلَى أُمِّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَ لَوْ كَانَ مَعَهُ مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ عَمَلٌ سَبْعِينَ صَدِيقًا. كنز جامع الفوائد: 276 و 277 من النسخه الرضويه. بعد دستور ميدهد خدا كه بر صراط هفت پل قرار دهند طول هر پل هفده هزار فرسخ است و بر روی هر پل هفتاد هزار ملك از مرد و زن اين امت بر پل اولی ميرسند از ولايت علي بن ابی طالب و حب اهل بيت محمد. هر كس ولايت و حب او درست باشد از پل اولی چون برق جهنده ميگذرد و هر كه اهل بيت پيامبر را دوست نداشته باشد بسر در قعر جهنم می افتد اگر چه اعمال نيكوی او برابر با هفتاد صديق باشد.

5- وَ بَسَّ نَدِ آخَرَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عَنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. العمده: 193.

با سند دیگری از زهري نقل کرد كه گفت از انس بن مالك

شنیدم می فرمود قسم بخدائی که جز او خدائی نیست از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام است.

6- وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَمْعَدُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى الْفِرْدَوْسِ وَهُوَ جَبَلٌ قَدْ عَلَا عَلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَهُ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مِنْ سَفْحِهِ تَنْفَجِرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ وَ تَتَفَرَّقُ فِي الْجَنَانِ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ تَجْرِي بَيْنَ يَدَيْهِ السَّسَنِيمُ لَا يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَّا وَ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بَوْلَايَتِهِ وَ وَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ يُشْرِفُ عَلَى الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُ مُجَبِّهِ الْجَنَّةَ وَ مُبْغِضِيهِ النَّارَ. إيضاح دفائن النواصب: 35 فيه: الا و من معه.

ابن مسعود گفت پیامبر اکرم فرمود: وقتی روز قیامت شود علی بن ابی طالب بر فردوس می نشیند که کوهی مشرف بر بهشت و بالای آن عرش خدای جهان است از پائین آن کوه نهرهای بهشت خارج می شود و در اطراف بهشت جاری می گردد روی تختی از نور نشسته از جلو آن جناب نهر تسنیم جاری است از صراط عبور نمیکند احدی مگر اینکه با او نوشته ای از ولایت علی و اهل بیتش باشد مشرف به بهشت می شود محبین خود را داخل بهشت و دشمنان خود را داخل جهنم می نماید.

7- امالی: برادر دعبل از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم این آیه را تلاوت نمود لا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ فرمود: اصحاب بهشت کسانی هستند که مرا اطاعت کنند و تسلیم علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من باشند و اقرار بولایت او نمایند یک نفر پرسید اصحاب جهنم کیانند.

فرمود کسی که مخالف ولایت باشد و پیمان شکنی کند و با علی علیه السلام پس از من بجنگ پردازد.

8- وَبَسَنَدٍ آخَرَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عَنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. العمده: 193.

با سند دیگری از زهری نقل کرد که گفت از انس بن مالک شنیدم می فرمود قسم بخدائی که جز او خدائی نیست از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام است.

9- ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَلَا تَيِّ وَلَا يَهُ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ. أمالی الصدوق: 283 و 284.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ولایت من و اهل بیتم امان از آتش جهنم

است.

10 - بصائر: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که چون این آیه نازل شد یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ مسلمانان گفتند یا رسول الله مگر شما امام تمام مردم نیستی.

پیامبر اکرم فرمود: من رسول خدا برای تمام مردم ولی پس از من امام هائی برای مردم از جانب خدا تعیین شده از اهل بیت در میان مردم قیام بحق میکنند ولی آنها را تکذیب مینمایند و مورد ستم قرار میدهند پیشوایان کفر و گمراهی و پیروان آنها بدانید هر کسی آنها را دوست ندارد و پیرو ایشان باشد و تصدیق کند ایشان را او از من است و بزودی مرا ملاقات خواهد نمود و بدانید هر کسی بآنها ستم کند و یا همکاری با ظالم بنماید و تکذیب کند آنها را او از من نیست و نه با من خواهد بود و من از او بیزارم.

11 - الأمالی للصدوق ابی حمزه الثمالی عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن آبائه ع قال: قال رسول الله ص لعلی ع یا علی ما ثبت حبک فی قلب امرئ مؤمن فزلت به قدم علی الصراط إلا ثبت له قدم حتی یدخله الله عز وجل بحبک الجنة. أمالی الصدوق:

347 و 348. ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر از پدرانش علیهم السلام، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی محبت تو

ص: 315

در قلب مؤمنی که ثابت شد، پس اگر یک پای او در صراط متزلزل شد، پای دیگرش ثابت می ماند تا او را، خدای عزّ و جلّ بخاطر محبتش بر تو، به بهشت داخل نماید.

و احادیث زیاد که در ضمن روایات این کتاب و کتاب های روائی فراوان دیگر، آمده است.

## دوستان و دشمنان خدا کیانند.

1- تفسیر العیاشی عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَا أَبَا حَمَزَةَ إِنَّمَا يُعْبُدُ اللَّهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ أَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ كَانَتْهُ يَعْْبُدُ غَيْرَهُ هَكَذَا ضَالًّا قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ يُصَدِّقُ اللَّهُ وَ يُصَدِّقُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ ص فِي مَوَالِهِ عَلَيْهِ وَ الْإِيْتِمَامُ بِهِ وَ بِإِيْمَةِ الْهُدَى مِنْ بَعْدِهِ وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ كَذَلِكَ عَرَفَانُ اللَّهُ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيُّ شَيْءٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَنَا اسْتَكْمَلْتُ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ قَالَ تَوَالِي أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ تَعَادِي أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ تَكُونُ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ قَالَ قُلْتُ وَ مَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَقَالَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ انْتَهَى الْأَمْرُ إِلَيْنَا ثُمَّ ابْنِي جَعْفَرٌ وَ أَوْمًا إِلَى جَعْفَرٍ وَ هُوَ جَالِسٌ فَمَنْ وَالَى هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَالَى أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ كَانَ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ قُلْتُ وَ مَنْ أَعْدَاءُ اللَّهِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ

ص: 316



الْأَوْثَانُ الْأَرْبَعَةُ قَالَ قُلْتُ مَنْ هُمْ قَالَ أَبُو الْفَصِيلِ وَرُمُعٌ وَنَعْتَلٌ وَمُعَاوِيَةُ وَ مَنْ دَانَ دِينَهُمْ فَمَنْ عَادَى هَؤُلَاءِ فَقَدْ عَادَى أَعْدَاءَ اللَّهِ.

المجادله: 23. تفسیر العیاشی 1: 156. تفسیر العیاشی 2: 116. تفسیر عیاشی: ابو حمزه ثمالی گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود ای ابا حمزه خدا را کسی پرستیده که او را بشناسد، کسی که خدا را نشناخته باشد گویا دیگری را پرستیده. این چنین گمراه می شود. عرضکردم شناخت خدا چیست؟

فرمود تصدیق کند خدا و پیامبرش محمد مصطفی را در باره ولایت علی و پیروی از او و ائمه بعد از آن جناب و بیزاری از دشمنان آنها شناخت خداوند این طوری است.

گفت: عرضکردم چکار بکنم ایمان واقعی را تکمیل نمایم؟ فرمود:

دوست داشتن دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او و با صادقین باشی آن طور که خدا دستور داده.

عرضکردم: اولیای خدا کیانند؟ فرمود: محمد رسول الله و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین سپس منتهی بما شد، بعد پسر جعفر در این موقع اشاره بفرزندش جعفر کرد که نشسته بود گفتم دشمنان خدا کیانند فرمود بتهای چهارگانه

ص: 317

گفتم آن چهار بت کیانند فرمود ابو الفیصل ورمع و نعتل و معاویه و هر کس پیرو آنها باشد. هر که دشمن اینها باشد دشمنی با دشمنان خدا کرده.

### علی چراغ هدایت و روشنی تاریکیهاست

1- کِتَابُ الْمَنَاقِبِ، لِابْنِ شَازَانَ أَسَدُ تَارِخِ الْكَرَاجِكِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي فَيَكُ بِأَمْرِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي أَقْرَأُ مُحَمَّدًا مِنِّْي السَّلَامَ وَأَعْلِمُهُ أَنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْهُدَى وَمِصْبَاحُ الدُّجَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَإِنِّي آلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا أُدْخِلَ النَّارَ أَحَدًا تَوَلَّاهُ وَسَلَّمْتُ لَهُ وَلِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَلَا أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وَلَايَتَهُ وَالتَّسْلِيمَ لَهُ وَلِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَحَقَّ الْقَوْلُ مِنِّْي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ وَأَطْبَاقَهَا مِنْ أَعْدَائِهِ وَلَا أَمْلَأَنَّ الْجَنَّةَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ. إِيضاح دَفَائِنِ النُّوَاصِبِ: 20.

کتاب مناقب ابن شاذان: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ص: 318

یا علی جبرئیل مرا خبر داد بامری در باره تو که موجب روشنی چشم و شادی قلبم شد. بمن گفت یا محمد خداوند بمن فرمود محمد را از جانب من سلام برسان و باو اعلام کن که علی پیشوای هدایت و چراغ تاریکی و حجت بر اهل دنیا است او صدیق اکبر و فاروق اعظم است من بذات خود سوگند خورده ام داخل جهنم نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و اوصیای بعد از او باشد و داخل بهشت نمیکنم کسی را که ولایت او را رها نماید و تسلیم او و اوصیای پس از او نشود، این یک واقعیت است که میگویم جهنم و طبقات آن را پر خواهم کرد از دشمنان او و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش میکنم.

### در میان امت جانشین پیامبر کیست؟

1- وَ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ لَقِيتُنِي أَبِي نُوحٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ نَعَمْ الْخَلِيفَةُ خَلَفْتَ ثُمَّ لَقِيتُنِي أَخِي مُوسَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلِيًّا فَقَالَ نَعَمْ الْخَلِيفَةُ خَلَفْتَ ثُمَّ لَقِيتُنِي أَخِي عِيسَى فَقَالَ لِي

ص: 319

مَنْ خَلَفَتْ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلَيَّ فَقَالَ نِعَمَ الْخَلِيفَةُ خَلَفْتَ قَالَ فَقُلْتُ لِجَبْرِئِيلَ يَا جَبْرِئِيلُ مَا لِي لَا أَرَى إِبْرَاهِيمَ قَالَ فَعَدَلَ بِي إِلَى حَظِيرِهِ فَإِذَا فِيهَا شَجَرَةٌ لَهَا صُرُوعٌ كَصُرُوعِ الْغَنَمِ كُلَّمَا خَرَجَ صُرُوعٌ مِنْ فَمِ وَاحِدٍ رَدَّهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلَيَّ فَقَالَ نِعَمَ الْخَلِيفَةُ خَلَفْتَ إِنِّي يَا مُحَمَّدُ سَأَلْتُ اللَّهَ رَبِّي أَنْ يُؤَلِّينِي غِذَاءَ أَطْفَالٍ شِيعَةٍ عَلَيْهِ بَنُ أَبِي طَالِبٍ فَأَنَا أُغْذِّيهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . إيضاح دفتان النواصب: 57 و 58.

بیان: الداره ما أحاط بالشیء و هاله القمر و زخ به فی مکان ای دفع و رمی فحبوا علی بناء المفعول من الحبه و هی العطیه.

از حضرت رضا از آباء گرامش از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی مرا بجانب آسمان بردند پدرم نوح مرا دید پرسید محمد! چه کسی را در میان امت خود جانشین قرار داده ای گفتم علی بن ابی طالب را. گفت خوب جانشینی است بعد برادرم موسی مرا دید گفت چه کسی را در میان امت بجانشینی تعیین کرده ای گفتم علی را گفت خوب جانشینی است سپس با عیسی برخورد کردم او نیز پرسید چه کسی را جانشین خود قرار داده ای گفتم علی را گفت خوب جانشینی است.

ص: 320

بجبرئیل گفتم چرا ابراهیم را نمی بینم مرا بجانب باغی برد که در آن درختی بود دارای پستان هائی مانند پستان گوسفند هر وقت پستان از دهان یکی از آنها خارج میشد خداوند آن را بر میگرداند ابراهیم باو گفت ای محمد چه کسی را جانشین میان امت قرار داده ای گفتم علی را گفت خوب جانشینی است یا محمد صلی الله علیه و آله من از خدا درخواست کردم مرا مامور غذا دادن اطفال شیعه علی بن ابی طالب بگرداند تا روز قیامت ب آنها غذا خواهم داد.

2- الأمالی للشیخ الطوسی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَلَا يَتَنَا وَلَا يَهُ اللَّهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِهَا .

أمالی الشیخ: 63.

مجالس مفید: محمد بن عبد الرحمن گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود ولایت ما ولایت خدا است آن ولایتی که هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر باین ولایت.

### طرفداران ولایت از گذشته گذشتند.

1- وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

ص: 321

فَقَالَ مَنْ انْتَحَلَ وَلَا يَتَنَا فَقَدْ جَاَزَ الْعَقَبَةَ الْبَلَدُ: 11 و 14.

البلد: 11 و 14. فَنَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ الَّتِي مَنْ اقْتَحَمَهَا نَجَا ثُمَّ مَهْلًا أُفِيدَكَ حَرْفًا هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا قَوْلُهُ تَعَالَى فَكُ رَقَبَةٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَكُ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ بَوْلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَنْتُمْ صَفْوَةُ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَأْتِي بِذُنُوبٍ مِثْلِ رَمْلِ عَالِجٍ لَشَفَعْنَا فِيهِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى فَلَكُمْ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

از حضرت صادق علیه السلام در باره آیه فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ فرمود هر کس طرفدار ولایت ما باشد از گردنه گذشته است ما همان گردنه ای هستیم که هر کس از آن بگذرد نجات یابد اینک توجه کن برایت حرفی میزنم که بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است باشد در این آیه می فرماید فَكُ رَقَبَةٍ خداوند

شما را از آتش جهنم بواسطه ولایت ما رهانید شما برگزیده خدائید اگر مردی از شما بمحشر آید با گناهی باندازه انبوهی شن ما شفیع او خواهیم بود نزد خداوند شما را بشارت باد در دنیا و آخرت تغییری در کلمات خدا نیست اینست آن رستگاری بزرگ.

**از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟**

ص: 322

1- وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْبَاقِرِ عَنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهَا وَعَمَّهَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِيهَا شَجَرَةً تَحْمِلُ الْحُلِيَّ وَالْحُلَّلَ أَسْفَلُهَا خَيْلٌ بُلُقٌ وَأَوْسَطُهَا الْحُورُ الْعَيْنُ وَفِي أَعْلَاهَا الرِّضْوَانُ قُلْتُ لِحَبْرَيْلَ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ قَالَ هَذِهِ لِابْنِ عَمِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْخَلِيقَةَ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ يُؤْتَى بِشَيْعَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ حَتَّى يَنْتَهِيَ بِهِمْ إِلَى هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَيَلْبَسُونَ الْحُلِيَّ وَالْحُلَّلَ وَيُرْكَبُونَ خَيْلَ الْبُلُقِ وَيُنَادَى مُنَادٍ هَؤُلَاءِ شَيْعَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي الدُّنْيَا عَلَى الْأَذَى فَحُبُّوا الْيَوْمَ. إيضاح دفاّن النواصب: 56 و 57 فيه:

فجوزوا اليوم.

حضرت جواد از آباء گرام خود از حضرت باقر از فاطمه دختر حسین علیه السلام از پدرش و عمویش حسن بن علی از امیر المؤمنین صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود: وقتی مرا داخل بهشت کردند دیدم درختی زیور و زینت هائی دارد پائین درخت مرکب های سفید و سیاهند و در وسط آن حور عین هستند و در بالای درخت رضوان است.

بحبرئیل گفتم این درخت از کیست؟ گفت متعلق به پسر

ص: 323

عمویت امیر- المؤمنین است وقتی خداوند دستور دهد مردم داخل بهشت شوند شیعیان علی بن ابی طالب را می آورند تا باین درخت میرسند آنگاه لباسهای زینتی و حله های بهشتی را میپوشند و سوار بر مرکبهای سیاه و سفید بهشتی میگردند منادی فریاد میزند اینها شیعیان علی بن ابی طالب هستند که در دنیا بر آزار و اذیت صبر کردند امروز ب آنها این کرامت بخشیده شده.

### هرکس با ولایت بمیرد شهید است.

1- وَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قَالَ لِي الصَّادِقُ ع يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْمَيِّتَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ شَهِيدٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ قَالَ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ فَإِنَّهُ حَيٌّ يُرْزَقُ . كنز جامع الفوائد:

419 من النسخه الرضويه.

ابو بصير گفت حضرت صادق بمن فرمود ای ابا محمد! کسی که با ولایت ما بمیرد شهید است گفتم فدایت شوم گر چه در رختخواب از دنیا رود. فرمود گر چه در رختخواب از دنیا رود او زنده است و باور روزی می بخشد.

2-... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ

ص: 324



## امتیازاتی بر ولایتمداران

1- المحاسن: 152. جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد پیامبر اکرم فرمود:

رحمت و آسایش و رستگاری و پیروزی و آسودگی و برکت و آمرزش و سلامتی و تندرستی و بی نیازی از مردم و بشارت و شادمانی و خشنودی و نزدیکی بخدا و خویشاوندی با ائمه و یاری و ظفر و تمکین قدرت و سرور و محبت از جانب خداوند تبارک و تعالی اختصاص بکسی دارد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد و او را ولی امر بداند و از او پیروی کند و بمقامش اقرار نماید و جانشینانش را پس از او دوست بدارد و بر من لازم است که آنها را مشمول شفاعت خود کنم و بر

خداوند لازم است دعای مرا در باره آن ها مستجاب نماید ایشان پیروان من هستند و هر که پیرو من باشد از من است. در باره من و جانشینانم پس از من مثل ابراهیم جاری است زیرا من از ابراهیم و ابراهیم علیه السلام از من است دین او دین

ص: 325

من و سنت او سنت من است و من از او برتر و افضل و فضل او از فضل من است سخن مرا سخن پروردگارم تصدیق می نماید

## آنها حجت خدايند به تمام عالريان و جمیع

مخلوقات

1- عَنِ الْعِبَادِيَّ عَبْدِ الْخَالِقِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ عَالَمٍ كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ مَا يَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَالَمًا غَيْرَهُمْ وَ إِنِّي الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ. الخصال 171: 2 و 172، بحار الانوار: 57، 320 و ج 27 از آن و از منتخب البصائر از محمد بن سنان از مفضل از ابی عبدالله علیه السلام.

عبادی عبد الخالق از دیگری نقل کرد که او از حضرت صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: خداوند را دوازده هزار عالم است، هر عالمی بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین است هیچ کدام از این عوالم برای خدا عالمی غیر خود نمیدانند و من حجت (خدا) بر آنها هستم.

2- ابو حمزه ثمالی از علی بن الحسین علیهما السلام قال:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مِنْ نَوْرِ عَظَمَتِهِ وَ أَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا قَبْلَ الْمَخْلُوقَاتِ، ثُمَّ قَالَ: أَتَظُنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ

ص: 326

خلقا سواکم؟ بلی واللہ لقد خلق اللہ ألف؟ لف آدم و ألف ألف عالم، و أنت واللہ فی آخر تلک العوالم. بحار الانوار ج 57 ص 331 از مشارق الانوار: برسی .

فرمود: همانا خداوند محمد و علی و پاکان از نسل آنها را، قبل از مخلوقات از نور عظمتش آفرید و آنها را به صورت اشباح پایدار نمود، سپس فرمود: آیا چنین گمان می کنی خداوند جز شما خلقی نیافریده؟ بلی بخدا قسم یقینا خدا هزار هزار آدم و هزار هزار عالم آفرید به خدا قسم تو در آخر آن عالم ها هستی.

3- محمد بن سنان گوید نزد ابی جعفر دوم (امام محمد تقی) علیه السلام بودم، اختلاف شیعه را پیش کشیدم فرمود:

یا محمد انّ اللّٰه لم یزل متفردا بوحدانیته ثمّ خلق محمّدا وعلیّا و فاطمه فمکثوا ألف دهر، ثمّ خلق جمیع الاشیاء فأشهدهم خلقها، و أجرى طاعتهم علیها و فوّض أمورها الیهم فهم یحلّون ما یشائون و یحرّمون ما یشاؤون ولن یشاؤا الاّ أن یشاء اللّٰه تبارک و تعالی، ثمّ قال: هذه الدیانه الّتی من تقدّمها مرق و من تخلّف عنها محق، و من لزمها لحق، خذها الیک یا محمد. اصول کافی: ج 1 ص 440، بحار الانوار: ج 57 ص 195 از آن.

ای محمد همانا خداوند در وحدانیتش تنها بود سپس

ص: 327

محمد و علی و فاطمه را آفرید پس هزار دوران ماندند سپس تمام اشیاء را آفرید و آنها را به آفرینش آنها شاهد گرفت و اطاعت آنها را به همه اشیاء واجب نمود و کارهای آن اشیاء را به آنها سپرد، پس آنها را هرچه را بخواهند حلال می کنند و حرام می کنند هرچه بخواهند و ابداً چیزی را نمی خواهند تا خدای تبار و تعالی بخواهد سپس فرمود: اینست دیانتی که هرکس بر آن پیشی گیرد، دور انداخته شده و اگر تخلف نماید، نابود می گردد و هرکس به آن چنگ زند، به حقیقت رسیده است، بگیر ای محمد (این گفته ها را نجات در آن است).

4- بصائر الدرجات ابن ابی عمیر عن رجالة عن ابی عبد الله ع یرفع الحدیث الی الحسن بن علی ع أنه قال: إن لله مَدینَتینِ إحداهما بالمشرق والأخرى بالمغرب علیهما سوران من حديد و علی کُلِّ مَدینَةٍ أَلْفُ أَلْفِ مِصْرَاعٍ مِنْ ذَهَبٍ وَفِیْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ لُغَةٍ یَتَكَلَّمُ کُلُّ لُغَةٍ بِخِلَافٍ لُغَةٍ صَاحِبِهِ وَ أَنَا أَعْرِفُ جَمِیعَ اللُّغَاتِ وَ مَا فِیْهَا وَ مَا بَیْنَهُمَا وَ مَا عَلَیْهِمَا حُجَّةٌ غَیْرِی وَ الْحُسَینِ أَخِی . بصائر الدرجات: 98.

ابو عمیر از رجال خود از حضرت صادق علیه السلام نقل

کرد و حدیث را بحسن بن علی علیه السلام نسبت داد فرمود:

خدا را دو شهر است یکی در مشرق و دیگری در مغرب آن دو شهر دو دروازه از آهن دارد و بر هر شهر یک میلیون درب از ذهب است و در آن هفتاد میلیون لغت است که هر زبانی بر خلاف دیگری صحبت میکند من تمام آن زبانها را میدانم و آنچه در آن شهرها است و آنچه بین آنها است در آن دو شهر حجتی غیر من و برادرم نیست.

5- أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع إِنَّ

لِلَّهِ مَدِينَةٌ بِالْمَشْرِقِ وَ مَدِينَةٌ بِالْمَغْرِبِ عَلَى كُلِّ وَاحِدَةٍ سُوْرٌ مِنْ حَدِيدٍ فِي كُلِّ سُوْرِ سَبْعُونَ أَلْفَ مِصْرَاعٍ مِنْ ذَهَبٍ يَدْخُلُ مِنْ كُلِّ مِصْرَاعٍ سَبْعُونَ أَلْفَ لُغَةٍ آدَمِيَّةٍ وَ لَيْسَ فِيهَا لُغَةٌ إِلَّا مُخَالَفٌ لِلْأُخْرَى وَ مَا مِنْهَا لُغَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُهَا وَ لَا فِيهِمَا وَ لَا بَيْنَهُمَا ابْنُ نَبِيٍّ غَيْرِي وَ غَيْرُ أَخِي وَ أَنَا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ . بصائر الدرجات: 145 المختصر: 103 و 104

ابی الجارود از ابی سعید گفت: (امام) حسن بن علی علیهما السلام فرمود: همانا برای خدا شهریست در مشرق و شهریست در مغرب، برای هر کدام دیوار قلعه ایست از آهن و در هر دیوار هفتاد هزار لنگه دریست از طلا و از هر مصراع هفتاد هزار لغت آدمیست و در آن نیست مگر مخالف لغت

ص: 329

دیگر و نیست در آن دوشهر لغتی مگر اینکه من آنها را می دانم و نیست در آن دوشهر و نه در میان آن دو فرزند پیغمبری غیر از من و برادر من (حسین) و منم حجت (خدا) برای آنها.

روایت فوق را در مختصر بصائر الدرجات ص 10 و 11 نیز با سندهای دیگر آورده .

6- هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْمَشْرِقِ مَدِينَةً اسْمُهَا جَابَلْقَا لَهَا اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَابٍ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ كُلِّ بَابٍ إِلَى صَاحِبِهِ فَرَسٌ عَلَى كُلِّ بَابٍ بُرْجٌ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُقَاتِلٍ يَهْلُبُونَ الْخَيْلَ وَيَشْهَرُونَ السَّيْفَ وَالسَّلَاحَ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ قَائِمِنَا وَإِنِّي الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ . المختصر: 102.

از هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: خداوند را در مشرق شهری بنام جابلقا است که دارای دوازده هزار درب است از طلا بین هر درب تا درب دیگر یک فرسخ فاصله است بر کنار هر درب برجی است در آن دوازده هزار جنگجو است آماده جنگ با شمشیر آخته و سلاح لازم، منتظر قیام قائم ما هستند من حجت خدا بر آنهایم.

7- بصائر الدرجات: 144 و 145.

هشام جوالمقی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که

ص: 330

فرمود خدا را شهری است پشت دریا وسعت آن باندازه مسیر چهل روز خورشید در آنجا گروهی هستند که هرگز خدا را معصیت نکرده اند و شیطان را نمی شناسند و نمیدانند که خدا ابلیس را آفریده ما در هر روز آنها را ملاقات میکنیم و نیازهای خود را از ما سؤال میکنند از ما تقاضای دعا مینمایند بآنها می آموزیم و می پرسند قائم ما کی ظهور خواهد کرد.

آنها دارای عبادت و کوشش شدیدی هستند شهر آنها را درب هائی است که بین هر لنگه درب تا لنگه دیگر صد فرسخ است دارای تقدیس و کوشش زیادی هستند اگر آنها را مشاهده کنید عمل خویش را حقیر خواهید شمرد.

یک مرد از آنها یک ماه در سجده است که سر برنمیدارد غذای آنها تسبیح و لباس ایشان برگ، پوست چهره های آنها میدرخشد وقتی یکی از ما را مشاهده میکنند اطرافش را می گیرند و از رد پای او برای برکت برمیدارند. هنگام نماز صدائی دارند شدیدتر از صدای باد تند، در میان آنها گروهی هستند که از ابتدا هنوز سلاح را بزمین نگذاشته انتظار قائم ما را دارند دعا میکنند او را مشاهده نمایند هر کدام هزار سال عمر میکنند وقتی آنها را مشاهده کنی مجسمه ای از خشوع و تواضع و درخواست نزدیکی بخدا خواهی دید.

وقتی ما دیرتر پیش آنها برویم خیال میکنند این تاخیر از خشم و ناراحتی بوده پیوسته انتظار آن ساعتی را دارند که ما بیائیم نه کسل می شوند و نه خسته. کتاب خدا را همان طور که ب آنها آموخته ایم میخوانند در بین آنچه ما بایشان آموخته ایم چیزهایی است که اگر بر مردم بخوانند آن را انکار میکنند و نخواهند پذیرفت وقتی اشتباهی داشته باشند راجع بقرآن از ما می - پرسند، برای آنها که توضیح میدهم شرح صدر پیدا میکنند از شنیدن توضیح ما تقاضای طول زندگی میکنند که ما را از دست ندهند میدانند منت از جانب خدا است بر آنها در باره تعلیمی که بآنها میدهم.

آنها با امام قیام خواهند کرد وقتی ظهور کند اسلحه داران ایشان جلوتر خواهند بود دعا میکنند خداوند آنها را از کسانی قرار دهد که دین خدا را یاری میکنند، در میان ایشان پیر و جوان وجود دارد وقتی جوانی پیرمردی را مشاهده میکند مانند بنده ای در مقابل او می نشیند از جای حرکت نمیکند تا باو دستور دهد. آنها خود بطریقی با امام ارتباط دارند که خواسته امام را از همه مردم بهتر میدانند وقتی امام بآنها دستوری دهد پیوسته آن کار را انجام میدهند تا خود امام ایشان را بکار دیگری مامور نماید اگر آنها بجمعیتی که بین



مشرق و مغرب را فرا گرفته باشند حمله کنند در فاصله یک ساعت همه را از بین می برند، آهن در آنها اثر نمی گذارد.

دارای شمشیرهایی از آهن هستند غیر از این آهنها اگر مردی از ایشان با شمشیر بکوهی فرود آورد آن را دو نیم میکند. امام بهمراهی آنها با هند و دیلم کرد و ترک و روم و بربر و ما بین جابرسا و جابلقا که دو شهر هستند یکی در مشرق و دیگری در مغرب جنگ خواهد کرد باهل هر دین که برخورد کنند آنها را دعوت بخدا و دین اسلام می کنند و اقرار بمحمد صلی الله علیه و آله و هر کس اقرار باسلام نکند و نپذیرد او را می کشند تا هر که در شرق و غرب و تمام دنیا هست اقرار آورد.

توضیح: ظاهراً در صورت ثابت شدن حدیث، آن در عالم دیگر غیر از زمین است و گرنه لازم می آید یک قطعه از زمین، چهل برابر تمام زمین، شود.

8- عَجَلَانِ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قُبَّةِ آدَمَ فَقُلْتُ لَهُ هَذِهِ قُبَّةُ آدَمَ فَقَالَ نَعَمْ وَلِلَّهِ قِبَابٌ كَثِيرَةٌ أَمَا إِنَّ خَلْفَ مَغْرِبِكُمْ هَذَا تِسْعَةٌ وَ ثَلَاثِينَ مَغْرِباً أَرْضاً بَيْضَاءَ مَمْلُوءَةً خَلْقاً يَسْتَضِيُّونَ بِنُورِنَا لَمْ يَعْصُوا اللَّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمْ لَمْ يَخْلُقْهُ يَتَبَرَّءُونَ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ قِيلَ لَهُ كَيْفَ هَذَا يَتَبَرَّءُونَ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ هُمْ لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمْ لَمْ

يَخْلُقُهُ فَقَالَ لِّلسَّائِلِ أَ تَعْرِفُ إِيلِيَسَ قَالَ لَا إِلَّا بِالْخَبْرِ قَالَ فَأَمِرْتُ بِاللَّعْنَةِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَكَذَلِكَ أَمَرَ هَؤُلَاءِ .

عجلان ابي صالح گفت از حضرت صادق عليه السلام راجع بقبه آدم پرسيد عرض کردم اين قبه آدم است؟ فرمود:

آری خداوند را قبه های زیادی است پشت اين مغرب شما سی و نه مغرب است سرزمین سفید که پر از مخلوق است و از نور ما استفاده می نمایند یک چشم بهم زدن معصیت خدا را نکرده نمیدانند خدا آدم را هم آفریده یا نه از فلانی و فلانی بیزاری میجویند.

عرض کردند چگونه ممکن است از فلان و فلان تبری بجویند با اینکه آنها نمیدانند خدا آدم را خلق کرده یا نه. در جواب آنها فرمود تو شیطان را می شناسی جوابداد نه، جز از راه خبر فرمود دستور داده اند بتو او را لعنت کن و از او بیزاری جو گفت آری. فرمود همین طور ب آنها نیز دستور داده اند به تبری.

9- جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ مِنْ وَرَاءَ شَمْسِكُمْ هَذِهِ أَرْبَعِينَ عَيْنَ شَمْسٍ مَا بَيْنَ شَمْسٍ إِلَى شَمْسٍ أَرْبَعُونَ عَامًا فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ مَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ أَوْ لَمْ يَخْلُقْهُ وَإِنَّ مِنْ وَرَاءَ قَمَرِكُمْ هَذَا أَرْبَعِينَ قَمَرًا مَا بَيْنَ قَمَرٍ إِلَى قَمَرٍ

ص: 334

مَسِيرُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِيهَا خَلَقَ كَثِيرٌ مَّا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ أَوْ لَمْ يَخْلُقْهُ قَدْ أَلْهَمُوا كَمَا أَلْهَمَتِ النَّحْلُ لَعْنَهُ الْأَوَّلِ وَالثَّانِي فِي كُلِّ وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَقَدْ وُكِّلَ بِهِمْ مَلَائِكَةٌ مَتَى لَمْ يَلْعَنُوهُمَا عَذَّبُوا. مختصر البصائر: 104. بصائر الدرجات: 145.

جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که می فرمود بجز این خورشید چهل خورشید است که فاصله هر خورشید تا خورشید دیگر چهل سال است در آن ها گروه زیادی هستند که نمیدانند خداوند آدم را آفریده یا نه و بجز این ماه شما چهل ماه است که فاصله هر ماه تا ماه دیگر چهل روز راه است در آنها گروه زیادی هستند که نمیدانند خداوند آدم را آفریده یا نه، بآنها الهام شده همان طور که بزبور عسل الهام گردیده لعنت بر اولی و دومی در هر وقت ملائکه هائی مامورند که هر وقت آنها را لعنت نکردند ایشان را عذاب کنند.

توضیح: مجلسی (قده) می فرماید: اخبار زیادی در این مورد در باب عوالم از کتاب السماء و العالم نقل کرده ام.

10 - السرائر من جامع البرنطی عن سَ لَیْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا مِنْ آدَمِيٍّ وَلَا إِنْسِيٍّ وَلَا جِنِّيٍّ وَلَا مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَنَحْنُ الْحُجَجُ عَلَيْهِمْ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا إِلَّا وَقَدْ عُرِضَ وَلَا يَتَنَا عَلَيْهِ وَاحْتُجَّ بِنَا عَلَيْهِ

ص: 335

فَمُؤْمِنٌ بَنَّا وَكَافِرٌ وَجَاحِدٌ حَتَّى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ الْآيَةِ. السرائر: 473. سليمان بن خالد گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود: هیچ چیز نه از آدم و نه انس و نه جن و نه ملک در آسمانها نیست مگر ما حجت بر آنها هستیم هیچ آفریده ای را خدا نیافرید مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه داشت و بوسیله ما بر او حجت تمام کرد. بعضی ایمان بما دارند و بعضی کافر و منکرند حتی آسمانها و زمین و کوهها تا آخر آیه.

#### 11 - الإختصاص عَلَى بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ فَسَلَّمَ فَردَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ لَهُ عِنْدَكُمْ عُلَمَاءُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا بَلَغَ مِنْ عِلْمِ عَالِمِكُمْ قَالَ يَزْجُرُ الطَّيْرُ وَيَقْفُو الْأَثَرُ فِي السَّاعَةِ الْوَاحِدَةِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ لِلرَّاكِبِ الْمُحِثِّ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ عَالِمَ الْمَدِينَةِ أَعْلَمُ مِنْ عَالِمِكُمْ قَالَ وَ مَا بَلَغَ مِنْ عِلْمِ عَالِمِ الْمَدِينَةِ قَالَ إِنَّ عَالِمَ الْمَدِينَةِ يَنْتَهِي إِلَى أَنْ لَا يَقْفُو الْأَثَرُ وَلَا يَزْجُرُ الطَّيْرُ وَيَعْلَمُ فِي اللَّحْظَةِ الْوَاحِدَةِ مَسِيرَةَ الشَّمْسِ يَقْطَعُ اثْنَيْ عَشَرَ بُرْجاً وَ اثْنَيْ عَشَرَ بَرّاً وَ اثْنَيْ عَشَرَ بَحْراً وَ اثْنَيْ عَشَرَ عَالِماً فَقَالَ لَهُ الْيَمَانِيُّ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ أَحَدًا يَعْلَمُ هَذَا وَ مَا أَدْرِى مَا هُنَّ وَ خَرَجَ. الإختصاص: 319.

(اختصاص: علی بن حسان از عموی خود عبد الرحمن نقل کرد که گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که مردی از اهالی یمن وارد شد سلام کرد امام علیه السلام باو جواب داد باو فرمود: آیا در شهر شما دانشمندان هستند جوابداد آری. فرمود علم عالم شما چقدر است جوابداد عالم ما از حرکت و صدای پرندگان و اوضاع ستارگان در یک ساعت باندازه یک ماه برای یک سوار تندرو اطلاع میدهد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود عالم مدینه از عالم شما داناتر است. پرسید علم عالم مدینه چقدر است فرمود عالم مدینه بدون اینکه توجه بصدا و حرکت پرندگان داشته باشد در یک چشم بهم زدن بقدر حرکت خورشید در دوازده برج و دوازده بیابان و دوازده دریا و دوازده عالم اطلاع دارد مرد یمانی گفت: فدایت شوم خیال نمیکنم کسی این قدر اطلاع داشته باشد و نمیدانم اینها چیست؟ این را گفت و خارج شد.

روایات در این موارد زیاد است و به جلد امامت و السماء و العالم بحار الانوار و سایر منابع مراجعه شود.

**اسماء امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)**

ص: 337

در جلد اول این کتاب در فصل 24 -اسماء ائمه علیهم السلام دو روایت مفصل در این مورد، نوشتم و این هم روایات دیگر در این باره.

1- وَ بِإِسْمِ نَادِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَدَّثَنِي جِبْرِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزِّ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَ رَسُولِي وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَّجِي أَذْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي وَ نَجَّيْتُهُ مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي وَ أَبَحْتُ لَهُ جَوَارِي وَ أَوْجَبْتُ لَهُ كَرَامَتِي وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْهِ نِعَمَتِي وَ جَعَلْتُهُ مِنْ خَاصَّتِي وَ خَالِصَتِي إِنْ نَادَانِي لَبِيَّتُهُ وَ إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ إِنْ سَكَتَ ابْتَدَأْتُهُ وَ إِنْ أَسَاءَ رَحِمْتُهُ وَ إِنْ فَرَّ مِنِّي دَعَوْتُهُ وَ إِنْ رَجَعَ إِلَيَّ قَبِلْتُهُ وَ إِنْ قَرَعَ بَابِي فَتَحْتُهُ وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَ رَسُولِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَّجِي فَقَدْ جَحَدَ نِعَمَتِي وَ صَغَّرَ عَظَمَتِي وَ كَفَرَ بِآيَاتِي وَ كُتِبِي وَ رُسُلِي إِنْ قَصَدَنِي حَبَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي حَرَمْتُهُ وَ إِنْ نَادَانِي لَمْ أَسْمَعْ نِدَاءَهُ وَ إِنْ دَعَانِي لَمْ أَسْتَجِبْ دُعَاءَهُ وَ إِنْ رَجَانِي خَيَّبْتُهُ وَ ذَلِكَ جَزَاؤُهُ مِنِّي وَ مَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا

ص: 338

رَسُولَ اللَّهِ وَ مِنْ الْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكَتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْكَاضِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ النَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا هَؤُلَاءِ يَا جَابِرُ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ أَوْلَادِي وَ عَتَرَتِي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي

وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا . إيضاح دفائن النواصب: 53-55. این حدیث از روایات سنی هاست غف لت نکن.

با همان اسناد از حضرت صادق علیه السلام از آباء گرامش فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

جبرئیل مرا خبر داد از جانب پروردگار عزیز که فرمود هر کس بداند خدائی جز من نیست و محمد بنده و پیامبر من و علی بن ابی- طالب خلیفه من و ائمه از فرزندان او حجت‌های منند او را برحمت خود داخل بهشت میکنم و با عفو من از آتش

نجات میدهم و همسایگی خود را باو میبخشم و مستوجب لطف خویش میگردانم و نعمتم را بر او تکمیل میکنم و او را از برجسته ها و شخصیت‌های مخصوص خود می گردانم اگر مرا بخواند جوابش را میدهم و اگر درخواستی بکند باو عنایت می نمایم اگر ساکت باشد پیش از سؤال باو می دهم اگر خطا کند می بخشم و اگر از من فرار نماید صدایش میزنم. اگر برگردد او را می پذیرم. اگر درب خانه مرا بکوبد برایش میگشایم.

و هر که گواهی بیکتائی من ندهد یا گواهی بدهد و گواهی به بندگی و رسالت پیامبرم ندهد یا این را قبول داشته باشد اما گواهی بخلافت علی بن ابی طالب ندهد یا این گواهی را بدهد و گواهی باینکه ائمه از فرزندان او حجت منند ندهد نعمت مرا منکر و عظمت مرا تحقیر و آیات و کتابها و پیامبران من کافر شده اگر بجانب من آید راهش نمی دهم اگر تقاضا کند تقاضایش را بر نمی آورم اگر مرا بخواند بحرفش گوش نمی دهم اگر دعا کند دعایش را مستجاب نمیکنم اگر بمن امیدی داشته باشد ناامیدش میکنم، اینست کیفر او از جانب من، من هرگز ستم به بندگان روا نمی دارم.

جابر بن عبد الله انصاری از جای حرکت کرده گفت: یا



رسول الله ائمه از فرزندان علی بن ابی طالب کیانند؟! فرمود:

حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت بعد از او زینت بخش عبادت کنندگان در زمان خود علی بن الحسین سپس باقر، محمد بن علی در آینده او را خواهی دید اگر او را دیدی سلام مرا باو برسان. پس از او صادق: جعفر بن محمد. آنگاه کاظم:

موسی بن جعفر. بعد رضا: علی بن موسی. سپس تقی: محمد بن علی بعد نقی: علی بن محمد بعد زکی: حسن بن علی سپس پسری قائم بحق مهدی امت من که زمین را پر از قسط و عدل میکند همان طوری که پر از ظلم و جور شده.

جابر! اینها خلفاء و اوصیا و اولاد و عترت من هستند هر که از آنها اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر که با آنها مخالفت کند معصیت مرا نموده و هر کس منکر یک نفر از آنها باشد منکر من است بواسطه آنها خدا نگه میدارد آسمان را که بر زمین نیفتد مگر با اجازه خودش و بوسیله آنها خداوند نگه میدارد که زمین اهلش را نلرزاند.

2- وروی ابن شاذان باسناده قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: ليله اسرى بي إلى الجليل جل جلاله أوحى إلي: آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه، قلت: والمؤمنون، قال: صدقت يا محمد، من خلفت في امتك؟ قلت: خيرها، قال: علي بن أبي طالب؟ قلت:

نعم يارب ، قال : يا محمد إني اطلعت إلى الارض اطلعه فاخترتك منها فشقت لك اسما من أسمائي فلا اذكر في موضع إلا ذكرت معي فأنا المحمود وأنت محمد صلى الله عليه وآله ، ثم اطلعت الثانية فيها فاخترت منها عليا وشقت له اسما من أسمائي فأنا الاعلى وهو علي . يا محمد إني خلقتك و خلقت عليا وفاطمة والحسن والحسين والائمة من ولده من سنخ نور من نوري ، وعرضت ولايتكم على أهل السماوات وأهل الارضين فمن قبلها كان عندي من المؤمنين ، ومن جحدتها كان عندي من الكافرين ، يا محمد لو أن عبدا من عبيدي عبدني حتى ينقطع ويصير كالشن البالي ثم أتاني جاحدا لولايتكم ماغفرت له حتى يقر بولايتكم ، يا محمد تحب أن تراهم؟ قلت : نعم يارب ، فقال لي : التفت عن يمين العرش . فالتفت : فاذا أنا بعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والمهدي في ضحضاح من نور قيام يصلون وفي وسطهم المهدي يضيء كأنه كوكب دري ، فقال : يا محمد هؤلاء الحجب والقائم من عترتك وعزتي وجلالي له الحجة الواجبه لاوليائي وهو المنتقم من أعدائي ، بهم يمسك الله السماوات أن تقع على الارض إلا باذنه . ايضاح دفائن النواصب : 11 و 12.

ابن شاذان باسناد خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج خداوند بمن وحی کرد: آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ. پیامبر ایمان آورد ب آنچه بر او نازل شده بود عرض کردم پروردگارا مؤمنین نیز ایمان آوردند.

فرمود راست میگوئی یا محمد چه کسی را در میان امت خود جانشین قرار دادی گفتم بهترین آنها را. فرمود علی بن ابی طالب؟.

عرض کردم آری. فرمود یا محمد من توجهی بزمین کردم و از میان جهانیان ترا برگزیدم و برایت یک اسم از اسم های خود جدا کردم هیچ جا از من ذکری نمیشود مگر اینکه تو با من یاد خواهی شد من محمودم و تو محمد صلی الله علیه و آله باز دو مرتبه توجه بزمین کردم علی را انتخاب نمودم و برای او اسمی از اسمهای خود جدا کردم من اعلی هستم و او علی.

یا محمد من تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از فرزندان حسین را از سنخ نوری از نور خود آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمانها و اهل زمینها عرضه کردم هر که پذیرفت در نزد من از مؤمنین است و هر که کافر ب آن شد نزد من از کافرین است ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم مرا چنان

عبادت کند که همچون مشکی خشک گردد بعد بیاید پیش من با انکار ولایت شما هرگز او را نمی آمرزم مگر اقرار بولایت شما نماید.

ای محمد مایلی آنها را تماشا کنی؟ عرض کردم آری پروردگارا! فرمود نگاه براست عرش کن نگاه کردم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را در توده ای از نور دیدم که ایستاده اند و نماز میخوانند در وسط آنها مهدی همچون ستاره ای درخشان میدرخشد فرمود ای محمد اینها حجت های منند با قائم از عترت تو بعزت و جلالم این حجت لازم برای اولیای من است و او انتقام گیرنده از دشمنانم.

بوسیله آنها خدا آسمان ها

را نگه داشته که بر زمین فرو نریزند مگر با اجازه خودش.

### 3- کِتَابُ صَفْوَةِ الْأَخْبَارِ.

کتاب صفوه الاخبار از ابراهیم بن محمد نوفلی از پدرش که خادم حضرت رضا علیه السلام بود نقل میکند که حضرت موسی بن جعفر از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود: برادر و دوستم پیامبر

ص: 344

اکرم فرمود: هر کس مایل است خدا را ملاقات نماید در حالی که باو توجه داشته باشد و از او روی نگرداند باید ترا دوست داشته باشد یا علی و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که از او راضی باشد باید دوست

بدارد فرزندت حسن را هر که میخواهد خدا را ملاقات نماید در حالی که ترسی نداشته باشد باید دوست داشته باشد فرزندت حسین را و هر که بخواهد خدا را ملاقات نماید در حالی که گناهایش از بین رفته باشد باید علی بن الحسین را دوست بدارد زیرا او از کسانی است که خداوند در باره آنها فرموده سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ.

و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند با چشم روشن باید دوست داشته باشد محمد بن علی حضرت باقر را و هر که مایل است خدا را ملاقات نماید در حالی که نامه عملش را بدست راستش بدهند دوست بدارد جعفر بن محمد علیه السلام را و هر که دوست دارد خدا را ملاقات نماید پاک و پاکیزه باید دوست بدارد موسی بن جعفر علیه السلام را و هر که مایل است خدا را شاد و خندان دوست بدارد علی بن موسی الرضا علیه السلام را و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند با درجات بلند و گناهایش تبدیل بحسنه شده

باشد باید دوست بدارد محمّد بن علی حضرت جواد را.

و هر که مایل است خدا را ملاقات نماید و از او بسادگی حساب بکشند و داخل بهشت عدنی شود که عرض آن باندازه آسمانها و زمین است که آماده پذیرائی برای پرهیزگاران است باید دوست بدارد علی بن محمّد حضرت هادی علیه السّلام را.

و هر که میخواهد خدا را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد باید دوست بدارد حسن بن علی حضرت عسکری را و هر که مایل است خدا را ملاقات کند با ایمان کامل و اسلام نیکو باید دوست بدارد حجه بن حسن امام منتظر صلوات الله علیه را اینها را پیشوایان هدایت و راهنمای تقوی هر که آنها را دوست بدارد من بهشت را ضامن میشوم برای او از جانب خدا.

### منظور از معرفت اهل بیت امامت آنهاست

1- أبی لیلی عن الحسین ابن علی علیه السلام قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : ألزموا مودتنا أهل البيت فانه من لقی الله يوم القيامة وهو یودّنا دخل الجنة بشفاعتنا ، والذي نفسی بیده لا ینفع عبدا

ص: 346

عمله إلا بمعرفه حقنا. (امالی ابن الشیخ : 266 و 267).

ابو لیلی از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود پایدار باشید در راه محبت ما اهل بیت زیرا هر کس خدا را در قیامت ملاقات کند با دوستی ما بشفاعت ما داخل بهشت می شود قسم ب آن کس که جانم در دست اوست هیچ کس از عمل خود بهره ای نخواهد برد مگر با شناختن حق ما.

2- فضیل ابن عثمان قال : سئل أبو عبد الله عليه السلام فقیل له : إن هؤلاء الأجانب (الخابث) یروون عن أبیک یقولون : إن أباک علیه السلام قال : إذا عرفت فاعمل ماشئت ، فهم یستحلون من بعد ذلک کل محرم فی نسخه : یستحلون بذلک کل محرم.

قال : مالهم لعنهم الله؟ إنما قال أبی علیه السلام : إذا عرفت الحق فاعمل ماشئت من خیر یقبل منک المعانی ص 181 و 182.

معانی الاخبار: فضیل بن عثمان گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آقا این ناپاکان از پدرت حدیثی نقل می کنند. که فرموده: وقتی عرفان یافتی هر چه می خواهی بکن بهمین دلیل هر کار حرامی را حلال میدانند فرمود خدا آنها را لعنت کند اینها را چه شده؟ پدرم فرمود وقتی حق را شناختی

ص: 347

هر عمل خیری که مایلی انجام ده که از تو خدا قبول میکند.

3- عن المفضل بن عمر أن أبا عبد الله عليه السلام كتب إليه كتابا فيه : إن الله عز وجل لم يبعث نبيا قط يدعو إلى معرفه الله ليس معها طاعه في أمر ولا نهى ، وإنما يقبل الله من العباد العمل بالفرائض التي افترضها الله على حدودها مع معرفه من دعا إليه ، ومن أطاع حرم الحرام ظاهره وباطنه وصلى وصام وحج واعتمر وعظم حرّات الله كلها لم يدع منها شيئا وعمل بالبر كله ومكارم الاخلاق كلها وتجنب سيئها.

ومن زعم أنه يحل الحلال ويحرم الحرام بغير معرفه النبي صلّى الله عليه وآله لم يحل لله حلالا ولم يحرم له حراما وإن من صلى وزكى وحج واعتمر وفعل ذلك كله بغير معرفه من افترض الله عليه طاعته فلم يفعل شيئا من ذلك لم يصل ولم يصم ولم يزك ولم يحج ولم يعتمر ولم يغتسل من الجنابه ولم يتطهر ولم يحرم لله حراما ولم يحل لله حلالا ، ليس له صلاه وإن ركع وإن سجد ، ولا له زكاه ولا حج ، وإنما ذلك كله يكون بمعرفه رجل من الله عز وجل على خلقه بطاعته وأمر بالاخذ عنه.

فمن عرفه وأخذ عنه أطاع الله ، ومن زعم أن ذلك إنما هي المعرفه وأنه إذا عرف اكتفى بغير طاعه فقد كذب وأشرك ، وإنما

ص: 348



قیل : اعرف واعمل ماشئت من الخیر فانه لایقبل منک ذلک بغیر معرفه ، فاذا عرفت فاعمل لنفسک ماشئت من الطاعه قل أو کثر فانه مقبول منک.(علل الشرائع : 91).

مفضل بن عمر گفت حضرت صادق علیه السلام نامه ای نوشت که در آن چنین نوشته بود: خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده که دعوت بمعرفت خدا کند ولی اطاعت از امر و نهی در دعوت او نباشد خداوند از بندگان قبول میکند عمل بواجباتی را که قرار داده با حفظ حدودی که معین کرده با معرفت کسی که دعوت بخدا می نماید هر کسی اطاعت کند حرام میداند ظاهر و باطن حرام را نماز میخواند و روزه میگیرد و حج و عمره انجام میدهد و تعظیم تمام دستورات خدا را مینماید هیچ یک را وانگذازد و تمام خوبی ها را عمل کند و تمام اخلاق پسندیده را و از هر بدی پرهیز کند.

و هر کسی گمان کند حلال پیامبر را حلال و حرام را حرام دانسته بدون معرفت پیامبر حلالی را حلال و حرامی را برای خدا حرام ندانسته و هر که نماز بخواند و زکات دهد و حج و عمره بجا آورد تمام این کارها بدون معرفت کسی که خدا اطاعت او را واجب نموده انجام دهد هیچ کاری را انجام نداده نه نماز و نه روزه و نه زکات و حج و عمره بجا آورده و نه

غسل از جنابت کرده و پاک نشده نه حرامی را حرام و نه حلالی را حلال دانسته اهل نماز نبوده گر چه رکوع و سجود کرده و نه زکات و حج انجام داده تمام اینها در صورتی صحیح است که بشناسد کسی را که خداوند بر مردم منت نهاده با اطاعت کردن و پیروی از او.

هر که او را بشناسد و اطاعت کند خدا را اطاعت نموده و هر کسی خیال کند که فقط معرفت کافی است بدون اطاعت دروغ گفته و مشرک است گفته شده بشناس آنگاه هر چه میخواهی کار نیک انجام ده زیرا از تو نمی پذیرند کار نیک را مگر با معرفت. وقتی معرفت پیدا کردی آنگاه هر چه مایلی بنفع خود اطاعت و فرمانبرداری کن چه کم و چه زیاد مقبول و پذیرفته است.

4- إسحاق بن غالب از أبي عبد الله عليه السلام قال : عبد الله خبر من أحبار بني إسرائيل حتى صار مثل الخلال فأوحى الله عز وجل إلى نبي زمانه : قل له : وعزتي وجلالي وجبروتي لو أنك عبدتني حتى تذوب كما تذوب الالیه فی القدر ما قبلت منك حتى تأتيني من الباب الذي أمرتك . (ثواب الاعمال : 196).

اسحاق بن غالب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود یکی از احبار بنی اسرائیل آنقدر عبادت کرد که

همچون خلّالی (نازک) شد خداوند به پیامبر زمان او وحی کرد که باو بگو بعزت و جلال و جبروتم سوگند اگر آنقدر مرا عبادت کنی که همچون چربی در دیگ آب شوی از تو نخواهم پذیرفت مگر از آن راهی بیایی که بتو دستور داده ام.

این روایت در المحاسن : ص 98 نیز آمده است.

5- باسناده عن زریق عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قلت له :

أى الأعمال هو أفضل بعد المعرفة؟ قال : ما من شئ بعد المعرفة يعدل هذه الصلاة ولا بعد المعرفة والصلاة شئ يعدل الزكاة ، ولا بعد ذلك شئ يعدل الصوم ، ولا بعد ذلك شئ يعدل الحج ، وفاتحه ذلك كله معرفتنا ، وخاتمه معرفتنا. الخبر. امالى الشيخ :

74.

بااسناد خود از زریق از حضرت صادق علیه السلام نقل میکنند که عرض - کردم چه عملی بعد از معرفت از همه اعمال افضل است. فرمود هیچ کاری بعد از معرفت معادل نماز نیست بعد از معرفت و نماز چیزی برابر زکات نیست و بعد از آن چیزی برابر روزه نیست و بعد از آن چیزی برابر حج.

و پیش آهنگ تمام اینها معرفت ما است و پایان تمام آنها نیز معرفت ما است .... در صحیفه الرضا: نیز همین روایت آمده است

6- الأمالی للصّدوق أبي قُدّامَة القُدّانيّ قال قال رسول الله

ص: 351

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي وَلَا يَتَّهِمُ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ. أمالي الصدوق: 283 و 284.

أمالي الصدوق: 283 و 284.

امالی صدوق: ابو قدامه گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس خدا بر او منت نهد بمعرفت اهل بیت من و ولایت آنها برایش خداوند تمام خیر و نیکی را جمع نموده.

6-المجالس للمفيد عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ يُحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا . مجالس المفيد: 7.

مجالس مفيد: عبد الرحمن بن ابی لیلی از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود محبت ما را از دست ندهید زیرا هر کس خدا را با محبت ما اهل بیت ملاقات کند بشفاعت ما داخل بهشت می شود قسم ب آن کسی که جانم در دست اوست هیچ بنده ای از عمل خود بهره مند نمیشود مگر با معرفت ما.

7-المحاسن ابن أبي ليلى عن الحسين بن علي ع قال قال رسول الله ص الزموا مودتنا أهل البيت فإنه من لقي الله وهو يودنا أهل البيت دخل الجنة بشفاعتنا والذي نفسي بيده لا

ص: 352

يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّهَا. المحاسن: 61.

محاسن: ابن ابی لیلی از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: در راه محبت اهل بیت پایدار باشید زیرا هر که بملاقات خدا با مودت ما اهل بیت برود داخل بهشت می شود بشفاعت ما، قسم ب آن کسی که جانم در دست اوست هیچ کس بهره مند از عمل خود نمیشود مگر با شناخت حق ما.

8- وَ سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا مَا عَنِ بِذَلِكَ فَقَالَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي رَقَبَتِهِ بَيَعَةٌ لِإِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ فَمَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَ فَكَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ كَمَنْ قَاتَلَ مَعَهُ ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ وَ اللَّهُ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص.

ابو بصیر از امام علیه السلام سؤال کرد راجع باین آیه وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا منظورش چیست؟ فرمود منظور از حکمت معرفت امام است و اجتناب کبائر. هر کس بمیرد و بر گردن او تعهد امامی نباشد بنوع جاهلیت مرده.

بهانه ای از مردم نمی پذیرند در راه شناسائی امامشان هر که با

ص: 353

عرفان امام خویش بمیرد او را زیانی نخواهد رسید که ظهور پیش افتد یا تاخیر شود او مثل کسی است که با قائم بوده در خیمه اش. راوی گفت مختصری مکث نمود سپس فرمود نه بلکه مانند کسی است که در رکابش بجنگ پردازد سپس فرمود: نه بخدا مانند کسی است که در سپاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشهادت رسیده باشد.

9- تفسیر فرات بن ابراهیم: الحسین بن سعید باسناده عنه علیه السلام مثله وزاد فی آخره :

ألا إن أبانا إبراهيم خليل الله كان ممن اشترط على ربه قال :

« فاجعل أُنْده من الناس تهوى إبراهيم : 4.

إليهم » إنه (اما انه). لم يعن الناس كلهم فأنتم أولياؤه رحمكم الله ونظراؤكم ، وإنما مثلکم فی الناس مثل الشعره السوداء فی الثور الابيض ومثل الشعره البيضاء فی الثور الاسود ، ينبغي

للناس أن يحجوا هذا البيت ويعظمونا (فی المصدر : يعظموها لتعظيم الله اياه وان يلقونا). لتعظيم الله وأن تلقونا حيث كنا ، نحن الادلاء على الله تعالى .تفسیر فرات : 80.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از امام باقر علیه السلام همان خبر را نقل کرده و در آخر آن افزوده است پدر ما ابراهیم خلیل از چیزهایی که با خدا قرار گذاشت. این بود که

ص:354

گفت خدایا دل‌های مردم را متوجه و علاقمند بخاندان و فرزندان من بگردان. منظور ابراهیم همه مردم نبود. شما اولیا ما و کسانی که شبیه شمایند اولیای او هستید. شما در میان مردم مانند یک موی سیاه در پیکر گاوی سفید و مانند موی سفیدی در گاو سیاهی هستید. سزاوار است مردم حج خانه خدا را بجا آورند و ما را احترام و تعظیم کنند بواسطه عظمتی که خدا ب‌ما عنایت کرده و با ما برخورد کنند با مقامی که ما داریم ما راهنمایان بسوی خدا هستیم.

سن : أبی عن حماد بن عیسی فیما أعلم عن یعقوب بن شعیب قال : سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله عزوجل : « إلا من تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدى » طه : 84. قال : إلى ولايتنا والله ، أما ترى كيف اشترط الله عزوجل . المحاسن : 142.

### اعمال کسانی قبول است که معتقد به امامت آنها

باشد.

1- عبید الله بن علی الحلبي قال : قال أبو عبد الله علیه السلام : ما أردت أن أحدثکم ولا أحدثکم ولا نصحن لکم ، وكيف لا أنصح لکم وأنتم والله جند الله ، والله ما يعبد الله عزوجل أهل دین غیرکم ، فخذوه ولا تذیعوه ولا تحبسوه عن أهله ، فلو حبست عنکم

ص: 355

یحبس عنی .المحاسن : 145 و 146. عبید الله بن علی حلبی گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: نمیخواهم برایتان حدیث بگویم برای شما حدیث خواهم گفت و نصیحت خواهم کرد چگونه شما را نصیحت نکنم با اینکه شما بخدا قسم سپاه خدا هستید بخدا سوگند خدا را نپرستیده دینداری جز شما این را بگیرید و از بین نبرید و از اهل آن جلوگیری نکنید اگر از شما جلوگیری کنم از من جلوگیری می شود.

2- زراره قال : سئل أبو عبد الله عليه السلام وأنا جالس عن قول الله: (من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها) (الانعام : 161). یجری لهؤلاء ممن لا یعرف منهم هذا الامر؟ فقال : لا إنما هذه للمؤمنین خاصه قلت له : أصلحك الله أرايت من صام وصلى واجتنب المحارم وحسن ورعه ممن لا یعرف ولا ینصب؟ فقال : إن الله یدخل أولئک الجنة برحمته .المحاسن : 158. زراره گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند من نیز حضور داشتم از این آیه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا شامل کسانی که اعتقاد بامامت نداشته باشند می شود؟ فرمود: نه این اختصاص بمؤمنین دارد عرض کردم آیا کسی که روزه بدارد و نماز بخواند و از کارهای حرام پرهیز کند و پرهیز- کار باشد اما اعتقاد بامامت نداشته باشد ولی ناصبی و دشمن هم نباشد. فرمود:



خداوند آن ها را برحمت خود وارد بهشت میکند.

3- عمر بن حنظله قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام: إن آیه فی القرآن تشککنی ، قال : وماهی؟ قلت : قول الله :

« إنما يتقبل الله من المتقين » قال : أى شئ شککت فیها؟ قلت :

من صلی وصام وعبدالله قبل منه ، قال : إنما يتقبل الله من المتقين العارفين ، ثم قال : أنت أزهدي في الدنيا أم الضحاک بن قیس؟ قلت : لا ، بل الضحاک بن قیس ، قال : فان ذلك. لا يتقبل منه شئ مما ذكرت . المحاسن : 168. عمر بن حنظله گفت بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم یک آیه در قرآن مرا بشک انداخته فرمود: کدام آیه. عرض کردم إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ فرمود:

در چه چیز این آیه مشکوک شده ای گفتم: هر کس نماز بخواند و روزه بگیرد و خدا را بپرستد از او می پذیرد. فرمود: خداوند از پرهیزکاران عارف می پذیرد.

بعد فرمود: تو پارسا و زاهدتر هستی یا ضحاک بن قیس.

گفتم نه ضحاک بن قیس فرمود: از او هیچ یک از عبادتهائی که ذکر کردی نمی پذیرند.

4- أمير المؤمنين عليه السلام در نامه ای که با محمد بن ابی بکر به اهل مصر نوشت : يا عباد الله إن اتقيتم الله وحفظتم نبيكم في أهل بيته فقد عبدتموه بأفضل ما عبد ، و ذكرتموه

بأفضل ماذكر ، وشكرتموه بأفضل ماشكر ، وأخذتم بأفضل الصبر والشكر واجتهدتم أفضل الاجتهاد ، وإن كان غيركم أطول منكم صلاه وأكثر منكم صياما فأنتم أنقى لله منه وأنصح لاولى الامر (امالى ابن الشيخ : 117).

در ضمن نامه ای که امیر المؤمنین علیه السلام بوسیله محمد بن ابی بکر برای مردم مصر فرستاد نوشت ای بندگان خدا اگر از خدا پرهیزید و مراعات پیامبر خود در راه اهل بیتش بنمائید با بهترین وجه خدا را پرستیده اید و با بهترین صورت او را یاد کرده اید و بهترین سپاسگزاری را کرده اید و بهترین صبر و شکر را نموده اید و عالی ترین کوشش را کرده اید گر چه دیگران از شما نماز بیشتر و روزه زیاده‌تری داشته باشند شما پرهیزگارتر و خیرخواه‌تر برای ائمه و پیشوایان دین خود هستید.

### امسال حاجی چقدر زیاد است؟!

1 - عبدالرحمان یعنی ابن کثیر (در مصدر : عبدالکریم).

قال : حججت مع أبي عبدالله عليه السلام فلما صرنا في بعض الطريق صعد على جبل فأشرف فنظر إلى الناس فقال : ما أكثر الضجيج وأقل الحجيج؟ فقال له داود الرقي : يابن رسول

ص:358

الله هل يستجيب الله دعاء هذا الجمع الذى أرى؟ قال : ويحك يا أبا سليمان إن الله لا يغفر أن يشرك به ، الجاحد لولايه على كعابد وثن. قال : قلت : جعلت فداك هل تعرفون محبكم ومبغضكم؟ قال : ويحك يا أبا سليمان إنه ليس من عبد يولد إلا كتب بين عينيه : مؤمن أو كافر ، وإن الرجل ليدخل إلينا بولایتنا وبالبراءه من أعدائنا فنرى مكتوبا بين عينيه : مؤمن أو كافر ، قال الله عز وجل : « إن فى ذلك لآيات للمتوسمين » الحجر : 75.

نعرف عدونا من ولينا بصائر الدرجات : 105. عبد الرحمن بن كثير: گفت با حضرت صادق علیه السلام بحجج رفتم در بین راه امام علیه السلام بر فراز کوهی رفت و مردم را از نظر گذرانید.

فرمود چقدر سر و صدا زیاد است ولی حاجی کم است. داود رقی عرضکرد یا ابن رسول الله آیا خداوند دعای این جمعیت را مستجاب میکند. فرمود وای بر تو ای ابا سلیمان خداوند نمی آمرزد کسی را که برایش شریک قرار دهد و منکر ولایت علی مانند بت پرست است. عرضکرد: که آیا شما دوست و دشمنان را میشناسید.

فرمود: وای بر تو ابا- سلیمان هیچ کس متولد نمیشود مگر اینکه در پیشانی او نوشته می شود. مؤمن یا کافر است.

شخصی پیش ما می آید با ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان ما

می بینیم در پیشانیش نوشته است مؤمن است یا کافر، خداوند در قرآن میفرماید إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ ما دشمنانمان را از دوست مان باز میشناسیم.

2- معاذ بن کثیر قال : نظرت إلى الموقف والناس فيه كثير فدنوت إلى أبي عبدالله عليه السلام فقلت : إن أهل الموقف كثير ، قال : فضرب ببصره فأدراه فيهم ثم قال : ادن مني يابا عبدالله ، فدنوت منه فقال : غثاء يأتي به الموج من كل مكان ، والله ما الحج إلا لكم ، لا والله ما يتقبل الله إلا منكم. (امالی الشيخ : 116).

معاذ بن کثیر گفت در عرفات تماشا کردم جمعیت زیادی دیدم نزدیک بحضرت صادق علیه السلام رفتم عرض کردم در عرفات جمعیت کثیری شرکت کرده اند. چشم باطراف انداخت سپس فرمود نزدیک من بیا خدمت آن جناب رفتم.

پس گفت: خار و خاشاکی است که موج از این طرف و آن طرف می آورد بخدا قسم حج نیست مگر برای شما نه بخدا قسم قبول نمیکند خدا مگر از شما.

3- عمر الکلبی قال : كنت أطوف مع أبي عبدالله عليه السلام وهو متكئ على إذ قال : يا عمر ما أكثر السواد يعني الناس ، فقلت : أجل جعلت فداك ، فقال : أما والله ما يحج لله غيركم ولا يؤتي أجره مرتين غيركم ، أنتم والله رعا الشمس والقمر ،

وَأَنْتُمْ وَاللَّهُ أَهْلُ دِينِ اللَّهِ ، مِنْكُمْ يَقْبَلُ وَلَكُمْ يَغْفِرُ الْمُحَاسِنُ : 145.

عمر الکلبی گفت با حضرت صادق علیه السلام طواف خانه کعبه می‌کردم او بر من تکیه کرده بود فرمود عمر! چقدر جمعیت زیاد است عرض کردم آری فدایت شوم فرمود بخدا قسم حج بجا نمی آورد غیر شما و دو چندان پاداش نمی دهند بکسی جز شما، بخدا قسم شما مورد عنایت خورشید و ماه هستید و شما بخدا قسم اهل دین خدا هستید از شما قبول میکنند و شما را می آمرزند.

4- أبی الجارود قال أبوجعفر علیه السلام : یا أبا الجارود أمارضون أن تصلوا فیقبل منکم ، وتصوموا فیقبل منکم ، وتحجوا فیقبل منکم؟ والله إنه لیصلی غیرکم فما یقبل منه ، ویصوم غیرکم فما یقبل منه ، وحج غیرکم فما یقبل منه بشاره المصطفی : 82 ج 84. ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد فرمود: ای ابا جارود آیا راضی نمی شوید نماز گذارید از شما پذیرفته شود؟! و روزه بدارید قبول شود و حج بجا آورید از شما قبول شود؟ بخدا قسم غیر از شماها نماز می خوانند و روزه می دارند و حج بجا می آورند از آنها قبول نمی شود.

(چون به ولایت و امامت اهل بیت عقیده ندارند).

ص: 361

5- أبی الجارود عن أبی جعفر علیه السلام قال : قلت له بمکه أو بمنی : یابن رسول الله ما أكثر الحاج؟ قال : ما أقل الحاج ما یغفر الله، إلا لک ولاصحابک ولا یتقبل إلا منک ومن أصحابک بشاره المصطفی : 88. با همین اسناد از ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که عرض کردم بایشان در مکه یا منی یا ابن رسول الله چقدر حاجی زیاد است:

فرمود چقدر حاجی کم است نمی آمرزند مگر شما و دوستانتان را پذیرفته نمیشود مگر از شما و یارانت.

6- عمر بن أبان الکلبی قال : قال لی أبوعبدالله علیه السلام : ما أكثر السواد : قلت : أجل یابن رسول الله قال : أما والله ما یحج لله غیرکم ولا- یصلی الصلاتین غیرکم ، ولا-یؤتی أجره مرتین غیرکم ، وإنکم لرعاه الشمس والقمر والنجوم وأهل الدین ، ولکم یغفر ومنکم یقبل (المحاسن : 167. عمر بن ابان کلبی گفت:

حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود چقدر جمعیت زیادی هستند. عرض کردم آری یا ابن رسول الله فرمود: بخدا قسم بجز شما کسی حج برای خدا انجام نمیدهد و نماز نمیخواند و پاداش دو چندان را نمیدهند مگر بشما و مراقبین ماه و خورشید و ستارگان (یعنی مراقب برای انجام نمازها و اوقات آنها) و اهل دین شما هستید و شما را می آمرزند و از شما

7- وباسناده عن منصور الصیقل قال : كنت عند أبي عبدالله عليه السلام في فسطاطه بمنى ، فنظر إلى الناس فقال : يأكلون الحرام ويلبسون الحرام وينكحون الحرام وتأكلون الحلال وتلبسون الحلال وتنكحون الحلال ، لا والله ما يحج غيركم ولا يتقبل إلا منكم (فضائل الشيعة : 39).

با همان سند از منصور صیقل نقل کرده که گفت در منی خدمت حضرت صادق در خیمه آن جناب بودم نگاهی بمردم نموده فرمود غذایشان حرام و لباسشان حرام و ازدواج آنها حرام است اما شما غذایتان حلال و لباستان حلال و ازدواجتان حلال است بخدا قسم جز شما حج را انجام نمیدهد و از غیر شما پذیرفته نخواهد شد.

8- ابن أبي عمير عن بعض أصحابه از أبي عبدالله عليه السلام قال :

قیل له : إن أبا الخطاب يذكر عنك أنك قلت له : إذا عرفت الحق فاعمل ما شئت ، فقال : لعن الله أبا الخطاب والله ما قلت له هكذا ولكنی قلت له : إذا عرفت الحق فاعمل ما شئت من خير يقبل منك ، إن الله عز وجل يقول : « من عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب » المؤمن :

43. ويقول تبارك وتعالى : من عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو

مؤمن فلنحییته حیاہ طیبہ».(النحل : 99. (معانی الاخبار : 388 و 389. ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب و یاران خود نقل کرد از حضرت صادق علیه السلام که بآن جناب عرض کردند ابو الخطاب از قول شما نقل کرده که فرموده اید وقتی حق را شناختی هر عملی مایلی انجام بده فرمود:

خدا لعنت کند ابو الخطاب را بخدا قسم این طور باو نگفته ام من باو گفتم وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که میخواهی انجام بده خداوند می پذیرد خداوند می فرماید مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ و در این آیه می فرماید: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً .

9 - معانی الاخبار: فضیل بن عثمان گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آقا این ناپاکان از پدرت حدیثی نقل می کنند. که فرموده: وقتی عرفان یافتی هر چه میخواهی بکن بهمین دلیل هر کار حرامی را حلال میدانند فرمود خدا آنها را لعنت کند اینها را چه شده؟ پدرم فرمود وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که مایلی انجام ده که از تو خدا قبول میکند.

ص: 364



10 -أبی سعید الخدری قال : سمعت رسول الله صَلَّى الله عليه وآله يقول : لو أن عبدا عبد الله ألف عام مابين الركن والمقام ثم ذبح كما يذبح الكبش مظلوما لبعثه الله مع نفر الذين يقتدى بهم ويهتدى بهداهم ويسير بسيرتهم إن جنة فجنة وإن نارا فنار المحاسن : 61. ابو سعيد خدری گفت از پیامبر اکرم شنیدم اگر بنده ای خدا را هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند آنگاه او را بکشند چنانچه گوسفند را میکشند مظلوم وار خداوند او را مبعوث خواهد کرد با کسانی که ب آنها اقتداء کرده و از هدایت ایشان پیروی می نموده و روش خود آنها را از پیش گرفته است اگر بهشتی باشند بهشت و اگر جهنمی باشند جهنم:

11 -علا- از محمد از أحدهما علیه ما السلام قال : قلت له : إنا نرى الرجل من المخالفين عليكم له عبادة واجتهاد وخشوع ، فهل ينفعه ذلك شيئا؟ فقال : يا محمد إنما مثلنا أهل البيت مثل أهل بيت كانوا في بني إسرائيل وكان لا يجتهد أحد منهم أربعين ليلة إلا دعا فاجيب وإن رجلا منهم اجتهد أربعين ليلة ثم دعا فلم يستجب له ، فأتى عيسى بن مريم عليه السلام يشكو إليه ما هو فيه ، ويسأله الدعاء له ، فتطهر عيسى وصلى ثم دعا فأوحى الله إليه : يا عيسى إن عبدی أتانی من غیر الباب الذی اوتی منه ،

إنه دعانی وفي قلبه شک منک ، فلو دعانی حتی ینقطع عنقه وتنتشر أنامله ما استجبت له.

التفت عیسی فقال : تدعوریک وفي قلبک شک من نبیه؟ فقال : یا روح الله وکلمته قد کان والله ماقلت ، فاسئل الله أن یذهب به عنی ، فدعا له عیسی علیه السلام فتقبل الله منه وصار فی حد أهل بیته کذلک نحن أهل البیت لا یقبل الله عمل عبدوهو یشک فینا (امالی المفید : 2. علا از محمد از حضرت صادق یا باقر علیهما السلام نقل کرد که گفت من خدمت ایشان عرض کردم ما مشاهده می کنیم مردی از مخالفین شما را که دارای عبادت و کوشش و خشوع است آیا این اعمال برای او نفعی دارد فرمود مثل ما اهل بیت مانند خانواده ایست که در بنی اسرائیل بود که هر کدام از این خانواده اگر چهل شب بعبادت میپرداخت دعائی که می کرد مستجاب می شد.

یکی از آنها چهل شب عبادت کرد بعد دعا کرد ولی مستجاب نشد خدمت عیسی بن مریم رسید و شکایت از حال خود کرد و تقاضای دعا برای خود نمود عیسی وضو گرفت و نماز خواند سپس دعا کرد. خداوند باو وحی نمود:

ای عیسی این بنده من از دری که باید نیامده او دعا کرد ولی در دل نسبت بتو مشکوک بود اگر آنقدر دعا کند که

گردنش بشکند و بندهای انگشتش از هم پاشد دعایش را مستجاب نخواهم کرد.

عیسی رو باو نموده فرمود خدا را میخوانی با اینکه در دل نسبت به پیامبرش شک داری گفت ای روح الله و ای کلمه الله بخدا قسم این مطلب در دلم بود از خدا بخواه از دلم بزدايد عیسی برایش دعا کرد خداوند پذیرفت و مانند سایر خانواده خود شد همچنین است وضع ما اهل بیت عمل کسی را که در باره ما مشکوک باشد خدا پذیرد.

این روایت از کنز الفوائد 38 و 39 و عده الداعی از محمد بن مسلم نیز نقل شده.

### **آنچه لازم است مراعاتش از نظر حفظ احترام و**

عذاب هرکس که با آنها بجنگد

1- داود بن سلیمان عن الرضا عن آبائه عن أمير المؤمنين : قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : حرمت الجنة على من ظلم أهل بيتی وقاتلهم وعلى المتعرض عليهم والساب لهم اولئك لا خلاق لهم فى الآخرة ولا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر اليهم. يوم القيامة.) آل عمران : 71. ولا يزيكهم ولهم عذاب أليم .(امالى ابن الشيخ :

102. پیامبر در مورد ائمه عليهم السلام و کیفر قاتل و ظالم و

ص: 367

خوارکننده آنها و کسی که بایشان کمک نکرده

امالی: داود بن سلیمان از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش از امیر- المؤمنین نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهشت حرام شده بر کسی که ستم باهل بیت من نماید و با آنها جنگ کند و کسی که با ایشان برخورد بد داشته و ناسزا ب آنها بگوید آنها را در آخرت بهره ای نیست و خداوند با ایشان روز قیامت سخن نخواهد گفت و نه پاکشان میکند و دچار عذابی سخت میشوند.

در صحیفه الرضا: همین روایت نقل شده پس از جنگ کننده با آنها آمده است و کسی که همکاری با ستمگر آنها نماید و کسی که ناسزا بایشان بگوید.

2-امالی: با همین اسناد از علی بن ابی طالب علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که این آیه را تلاوت نمود فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ عرضکردند یا رسول الله اصحاب آتش کیانند فرمود هر کسی پس از من با علی علیه السلام جنگ کند اینها اصحاب آتشند با کافران. اینها کافر بحق شده اند وقتی برای آنها حق آمد. بدانید علی پاره تن من است هر کس با او جنگ کند با من جنگ کرده و خدا را بخشم در آورده سپس علی علیه السلام را صدا زده فرمود یا علی جنگ تو

ص:368

جنگ من و سازش تو سازش من و تو راهنمای مردم بعد از من برای امتم هستی.

3- امالی مفید: زیاد بن احمر از زید بن علی بن الحسین نقل کرد که این آیه را تلاوت کرد وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ سَپس گفت خداوند آن دو بچه را حفظ کرد چون پدرشان مرد صالحی بود چه کسی از ما سزاوارتر به حفظ است جدّ ما پیامبر و دخترش سرور زنان بهشت، مادر ما است و اولین کسی که ایمان بخدا آورد و موحد شد و نماز خواند پدر ما است.

4- امالی: ابو العباس بن شیبب از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: مراعات کنید در باره ما آنچه را عبد صالح در باره آن دو یتیم مراعات کرد که پدرشان مرد صالحی بود (اشاره بداستان خضر است).

5- ثواب الاعمال: عمرو بن قیس مشرقی گفت خدمت حضرت حسین رسیدم من و پسر عمویم، امام علیه السلام در محلی بنام قصر بنی مقاتل بود سلام کردیم پسر عمویم عرضکرد: یا ابا عبد الله آنچه در چهره مبارکتان می بینم خضاب است یا رنگ موی شما است؟ فرمود خضاب است پیری بسرعت بما خانواده روی می آورد آنگاه بما توجه نموده

فرمود آمده اید برای نصرت و یاری من. عرض کردم من مردی پیر و قرض دار و عیالوارم و مقداری مال مردم در اختیار من است و نمی دانم چه- می شود و مایل نیستم امانتها از بین برود پسر عمویم نیز شبیه همین حرف را زد، فرمود: پس بروید تا صدای گرفتاری مرا شنوید و چشمتان بسیاهی جمعیت ما نیفتد زیرا هر کس صدای گرفتاری ما را بشنود یا سیاهی جمعیت ما را ببیند و ما را اجابت نکند و بداد ما نرسد بر خداست که او را با سر در آتش جهنم افکند.

6- عیون اخبار الرضا: از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود خداوند و پیامبرش شدت خشم می گیرند بر کسی که خون مرا بریزد و مرا آزار نماید در باره عترتم.

عیون: با همین سند پیامبر اکرم فرمود وای بر ستمگر اهل بیت من گویا می بینم که آنها فردا در پائین ترین درجه آتش جهنم هستند.

7- عیون: با همین سند پیامبر اکرم فرمود هر کسی به همراه ما قتال نماید در آخر الزمان مثل این است که قتال بهمراهی ما نموده با دجال.

8- عیون اخبار الرضا: حسین بن علی علیه السلام از پیامبر

اکرم از جبرئیل از خداوند بزرگ نقل میکند که فرمود: هر کسی با اولیای من دشمنی ورزد با من بمبارزه جنگی پرداخته و هر کس با اهل بیت بجنگ پردازد عذاب من او را فرا می گیرد و هر که غیر آنها را دوست بدارد مشمول غضب من می شود و هر که عزیز شمارد غیر ایشان را مرا آزرده و هر که مرا بیازارد اهل آتش است.

توضیح: منظور از اینکه دیگری را عزیز بدارد یعنی کاری بکند که موجب خواری ائمه بشود با این عزیز داشتن.

9- امالی: عمرو بن خالد گفت زید بن علی در حالی که موی خود را بدست داشت از زین العابدین پدر خود نقل کرد که موی را بدست داشت گفت شنیدم پدرم حسین بن علی در حالی که موی خود را بدست داشت فرمود پدرم امیر المؤمنین در حالی که موی خود را در دست داشت فرمود پیامبر اکرم در حالی که موی خود را در دست داشت فرمود هر که یک موی مرا بیازارد مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده و هر که خدا را بیازارد او را اهل آسمانها و زمین لعنت میکنند و این آیه را تلاوت نمود إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا.

10- تفسیر عیاشی: ابو سعید خدری گفت پیامبر اکرم

فرمود خداوند سخت خشم گرفت بر یهود که گفتند عزیر پسر خدا است و سخت خشم گرفت بر نصرانیان که گفتند عیسی مسیح پسر خدا است و سخت غضبناک است بر کسی که خون مرا بریزد و آزارم نماید در مورد عترتم.

### ابدال همان ائمه علیهم السلام هستند

1- ج، الإحتجاج رَوَى عَنِ الْخَالِدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْفَارِسِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ فِي الْأَرْضِ أَبْدَالًا فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْأَبْدَالُ قَالَ صَدَقُوا الْأَبْدَالُ الْأَوْصِيَاءُ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ بَدَلِ الْأَنْبِيَاءِ إِذْ رَفَعَ الْأَنْبِيَاءَ وَ خَتَمَهُمْ مُحَمَّدٌ ص .

احتجاج طبرسی: هیثم فارسی گفت: بحضرت رضا علیه السلام گفتم: مردم معتقدند که در زمین ابدالی وجود دارد این ابدال کیانند فرمود راست میگویند ابدال همان اوصیا هستند خداوند آنها را در زمین بدل و بجای انبیاء قرار داده، چون انبیاء از دنیا رفته اند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتم است.

توضیح: ظاهر دعائی که از ام داود از حضرت صادق علیه السلام نقل شده در نیمه رجب که میفرماید:

ص: 372



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالشُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأَنْتَ هَدَيْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالسِّيَاحِ وَالْعُبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ.

احتجاج الطبرسی: 240. تا آخر دعا.

حاکمی است ابدال با ائمه علیهم السلام فرق دارند ولی صراحت ندارد ممکن است حمل بر تاکید شود ممکن است منظور از ابدال در دعا خواص اصحاب ائمه باشند.

ظاهر خبر نفی میکند ادعای صوفیه اهل سنت که خود را ابدال میدانند چنانچه متبع و محقق خود این مطلب را دریافت میکند).

### صاحب این امر محفوظ است و او به پیشگاه

پروردگار می آید با مؤمنین هر عصر

1- تفسیر العیاشی سَلِّمَانُ بْنُ هَارُونَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ بَعْضَ هَذِهِ الْعِجَلِيَّةِ يَقُولُونَ إِنَّ سَيِّفَ رَسُولِ اللَّهِ ص عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا رَأَاهُ هُوَ وَلَا أَبُوهُ يَوَاحِدُهُ مِنْ عَيْنَيْهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَأَاهُ أَبُوهُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ ع وَإِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ فَلَا تَذْهَبَنَّ يَمِينًا وَلَا

ص: 373

شِمَالًا فَإِنَّ الْأَمْرَ وَاللَّهِ وَاضِحٌ وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَحْوِلُوا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ مُؤَيِّدِهِ الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ فِيهِ مَا اسْتَطَاعُوا وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ كَفَرُوا جَمِيعًا حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ لَجَاءَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ بِأَهْلِ يَكُونُونَ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ الْمَائِدَةُ: 59. حَتَّى فَرَّغَ مِنَ الْآيَةِ وَ قَالَ فِي آيَةٍ أُخْرَى فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ الْأَنْعَامُ: 89. ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَهْلَ هَذِهِ الْآيَةِ هُمْ أَهْلُ تِلْكَ الْآيَةِ . تفسیر العیاشی 326: 1.

تفسیر عیاشی: سلیمان بن هارون گفت بامام علیه السلام گفتیم بعضی از عجلیه‌ها می‌گویند شمشیر پیامبر اکرم پیش عبد الله بن حسن است فرمود بخدا قسم آن را ندیده و نه پدرش با یک چشمش مگر اینکه پدرش در نزد حضرت حسین علیه السلام دیده باشد. صاحب این امر محفوظ است برای او نگهداری می‌شود بطرف راست و چپ نرو مطلب بخدا قسم واضح است.

بخدا قسم اگر اهل آسمان و زمین اجتماع کنند بر تغییر مقام امامت و قرار دادن آن را از محلی که خدا قرار داده بدیگری قدرت نخواهند داشت اگر همه مردم کافر شوند

بطوری که احدی باقی نماند خداوند گروهی را خواهد آورد که معتقد بامامت باشند مگر این آیه را نشنیده ای که خداوند می فرماید یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ تا آخرای مؤمنین هر کس از دین خود منحرف شود بزودی خداوند گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست می دارد و آنها خدا را دوست می دارند در مقابل مؤمنین متواضع هستند ولی در مقابل کافران با شخصیت و بزرگواری.

و در آیه دیگر میفرماید: فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَكْفُرُنَّ بِهَا بِكَافِرِينَ اگر اینها کافر شوند ما گروهی را قرار داده ایم که نسبت ب آن کافر نیستند».

سپس فرمود افرادی که در این آیه مورد نظرند همان کسانی هستند که در آن آیه از ایشان ذکر شده.

### گناهانشان بخشیده می شود اگر چه به تعداد

ریگ های بیابان باشد.

1- الأُمَالِي لِلشَّيْخِ الطُّوسِي الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَأَحَبَّ مُحِبَّنَا لَا لِعَرَضٍ دُنْيَا يُصِيبُهَا مِنْهُ وَعَادَى عَدُوَّنَا لَا لِأَحْنَةٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ثُمَّ جَاءَ

ص: 375

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَزَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ . أمالي ابن الشيخ: 97 (الإحنه بالكسر الحقد).

امالی ابن شیخ: حسین بن مصعب گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم. می فرمود هر که ما را دوست داشته باشد برای خدا و دوست داشته باشد دوست ما را نه بجهت هدفی مادی که از او چشم دارد و دشمن بدارد دشمن ما را نه بواسطه اختلافی که بین او و دشمن ما است. در صورتی که وارد قیامت شود با اینکه دارای گناهی باشد باندازه ریگ انبوه و کف دریا خداوند او را می آمرزد.

2- ثواب الأعمال صالح بن سهل عن أبي عبد الله قال: مَنْ أَحَبَّنَا وَابْغَضَ عَدُوَّنَا فِي اللَّهِ مِنْ غَيْرِ تَرَهٍ وَتَرَهَا إِيَّاهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا ثُمَّ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَلَقِيَ اللَّهَ وَعَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ . ثواب الأعمال: 165.

ثواب الاعمال: صالح بن سهل از حضرت صادق نقل کرد که فرمود: هر که ما را دوست بدارد و دشمن ما را دشمن بی آنکه اختلافی با او داشته باشد در امور دنیا بعد با همین وضع بمیرد اگر باندازه کف دریا گناه داشته باشد خدا او را می آمرزد.

1- تفسیر القمی فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر ع فی قوله ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه فیحب بهذا و یبغض بهذا فاما محبتنا فیخلص الحب لنا کما یخلص الذهب بالنار لا کدر فيه من اراد ان یعلم حبتنا فلیمتحن قلبه فان شارکه فی حبتنا حب عدونا فلیس منا و لسننا منه و الله عدوهم و جبرئیل و میکائیل و الله عدو للکافرین. تفسیر القمی: 514.

المصدر و نسخه من الكتاب خال عن قوله: ينظر إلى الله و.

تفسیر قمی: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام در آیه ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه نقل کرد که فرمود دوست داشته باشد با این قلب و دشمن داشته باشد با همان قلب، اما محبت ما دوستی را خالص میکند چنانچه طلا بوسیله آتش خالص می شود که دیگر کدورتی در آن نیست هر که مایل است آزمایش محبت ما را نماید بقلب خود مراجعه کند اگر در قلب خود با محبت ما محبت با دشمنان ما را نیز یافت از ما نیست و ما نیز از او نیستیم خدا با آنها دشمن است و جبرئیل و میکائیل و خداوند دشمن کافران است.

2- قرب الإسناد ابن عیسی عن البرنطی قال: کتب إلی الرضا قال أبو جعفر علیه السلام من سره أن لا یكون بینه و بین الله

حِجَابٌ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ وَيَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَلْيَتَوَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ وَيَبْرَأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَيَأْتَمَّ بِالْإِمَامِ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ

نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَنَظَرَ إِلَى اللَّهِ . قرب الإسناد: 153.

قرب الاسناد: بزنی گفت حضرت رضا علیه السلام بمن نوشت حضرت باقر علیه السلام فرموده است هر که مایل است بین او و خدا حجابی نباشد تا بسوی خدا تماشا کند و خدا باو توجه نماید، دوست بدارد آل محمد را و از دشمنان آن ها بیزاری جوید و پیرو ائمه از آل محمد باشد وقتی چنین بود توجه بخدا نموده و خدا نیز متوجه اوست.

توضیح: نگاه کردن بخدا کنایه از کمال معرفت است بحسب طاقت و قابلیت او و نگاه خداوند به بنده کنایه از کمال لطف و مرحمت است.

3- الخصال فی خبرِ الأعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ قَالَ: حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاجِبٌ وَالْوَلَايَةُ لَهُمْ وَاجِبَةٌ وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ...

.الخصال: 153: 2 و 154. خصال: در خبر اعمش از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود:

دوستی اولیای خدا واجب است ولایت آنها لازم است و بیزاری از دشمنان آنها واجب است و هم از کسانی که ستم به آل محمد صلی الله علیه و آله کرده اند و حجاب ایشان را هتک نموده و از فاطمه زهرا علیها السلام فدک را گرفته اند و او را از

میراثش بازداشته و حق او و شوهرش را غصب کرده اند و کوشش برای سوختن خانه اش کردند و بنیاد ظلم را نهاده سنت پیامبر را تغییر دادند و بیزاری از پیمان شکنان و ستمگران و منحرفین لازم است و بیزاری از شقی ترین فرد گذشتگان و آیندگان همتای پی کننده شتر ثمود کشنده امیر المؤمنین علیه السلام لازم است همچنین بیزاری از تمام کشندگان اهل بیت واجب است.

و ولایت مؤمنینی که تغییر و تبدیلی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوجود نیاورده اند لازم است مانند سلمان فارسی و ابو ذر غفاری و مقداد بن اسود کندی و عمار بن یاسر و جابر بن عبد الله انصاری و حذیفه بن یمان و ابی الهیثم بن التیهان و سهل بن حنیف و ابو ایوب انصاری و عبد الله بن صامت و عباد بن صامت و خزیمه بن ثابت ذو الشهادتین و ابی سعید خدری و هر کس از راه اینها رفته باشد و کردارش شبیه آنها و ولایت پیروان و اقتداکنندگان بایشان و هدایتشان لازم و واجب است.

توضیح: از حضرت رضا علیه السلام شبیه این روایت با مختصر تغییری در نامه ای که آن جناب برای مامون می نویسد راجع باصول و فروع دین، آمده است.

4- الأمالی للصدوق هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن محمد ع قال: مَنْ جَالَسَ لَنَا عَائِيًّا أَوْ مَدَحَ لَنَا قَالِيًّا أَوْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعًا أَوْ قَطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ وَالَى لَنَا عَدُوًّا أَوْ عَادَى لَنَا وَلِيًّا فَقَدْ كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ . أمالی الصدوق:

34 و 35. امالی صدوق: هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود هر کس با عیجوی ما بنشیند یا تعریف کند از دشمن و کینه توز ما و همبستگی داشته باشد با کسی که از ما قطع نموده یا قطع نماید از کسی که با ما پیوسته است یا دشمن ما را دوست بدارد و یا دوست ما را دشمن بدارد کافر شده است بخدائی که سبع مثانی و قرآن کریم را نازل نموده.

5- المجالس للمفید ، الأمالی للشیخ الطوسی المفید حبیش بن المعتمر قال: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ كَيْفَ أَمْسَيْتَ قَالَ أَمْسَيْتُ مُحِبًّا لِمُحِبِّينَا وَ مُبْغِضًا لِمُبْغِضِنَا... مجالس المفید: 197. حبیش بن معتمر گفت: خدمت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رسیده گفتم سلام علیک و رحمه الله و برکاته شب را چگونه گذرانده اید فرمود شب کردم در حالی که دوست دارم دوستان خود را و دشمنم با دشمنان خود و

ص: 380



دوست ما شب کرد در حالی که مورد حسرت است از رحمتی که خدا باو عنایت کرده و انتظار آن را میکشد اما دشمن ما شب کرد در حالی که پای بر کنار گودالی پر از آتش نهاده که این کناره او را ب آتش جهنم سقوط می دهد گویا درهای رحمت برای اهل آن باز شده گوارا باد رحمت برای اهل آن مرگ بر اهل جهنم و سزاوار آتشند.

یا حبیش هر کس دوست دارد بفهمد دوست یا دشمن ما است دل خود را آزمایش کند اگر دوست ما را دوست داشته باشد دشمن ما نیست و اگر دشمن بدارد دوستی از ما را دوست ما نیست خداوند پیمان گرفته از دوستانمان بر

محبت و دوستی ما و در ذکر نام دشمن ما را نوشته. ما نجیبانیم و فرزندان ما فرزندان انبیاء هستند.

6- التفسیر العسکری: 18، معانی الأخبار: 113، عیون الأخبار: 161، علل الشرائع: 58.

امام حسن عسکری از آباء گرام خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از اصحاب خود فرمود ای بنده خدا دوست بدار برای خدا و دشمن بدار برای خدا و محبت داشته باش در راه خدا و دشمنی را براه خدا اختصاص بده هرگز بولایت خدا نخواهی رسید مگر بهمین کار و شخص

ص: 381

طعم ایمان را نخواهد چشید اگر چه نماز و روزه زیاد داشته باشد مگر چنین باشد مدار دوستی مردم حالا بیشتر در مسائل دنیوی است هدف های دنیوی موجب دوستی و دشمنی می شود اما این مطلب آنها را از جانب خدا بی نیاز نمیکند.

عرض کرد بچه وسیله بدانم دوستی و دشمنی من در راه خدا است و دوست خدا کیست تا او را دوست بدارم و دشمن خدا کیست تا او را دشمن بدارم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره بعلی علیه السلام نمود فرمود این را می بینی عرض کرد آری فرمود دوست او دوست خدا است او را دوست بدار و دشمن او دشمن خدا است او را دشمن بدار فرمود دوست علی را دوست بدار گر چه قاتل پدر فرزندت باشد و دشمن بدار دشمن او را اگر چه پدر یا فرزندت باشد.

7- الأُمَالِی لِلصَّدُوقِ الثَّمَالِیِّ عَنْ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُؤَالَ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ. أُمَالِی الصَّدُوق: 283.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود هر که دوست دارد خداوند برایش تمام خیر را فراهم کند باید علی

را بعد از من دوست داشته دوستانش را دوست بدارد و دشمنانش را دشمن.

8- ثواب الأعمال: جابر عن أبي جعفر قال: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ سُوءَ مَا أَتَى إِلَيْنَا مِنْ ظُلْمِنَا وَ ذَهَابِ حَقِّنَا وَ مَا رَكِبْنَا بِهِ فَهُوَ شَرٌّ مِنْ أَنْ يَكُنْ مِنْ أَتَى إِلَيْنَا فِيمَا وُلِّينَا بِهِ . ثواب الأعمال: 200.

ثواب الاعمال: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود هر کس شناسد زشتی ستمی که بما وارد شده و حق ما را که از بین رفته و آنچه ما دیده ایم، او شریک کسی است که بما آن ستم را روا داشته در این حکومت ستمگرانه ای که بما داشته.

9- تفسیر العیاشی: سعدان عن رجل عن أبي عبد الله ع في قوله وإن تُبْدُوا ما في أنفسكم أو تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء قال حقيق على الله أن لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبه من خردل من حبهما .

تفسیر عیاشی: سعدان از مردی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که در باره آیه و إن تُبْدُوا ما في أنفسكم أو تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء فرمود:

سزاوار است که خداوند داخل بهشت نکند کسی را که در دل باندازه یک دانه خردل محبت آن دورا داشته باشد.

ص: 383

بیان: من حبهما اى من حب أبی بکر و عمر فالمراد بقوله لِمَنْ يَشَاءُ الشيعة كما ورد فى الأخبار الكثيرة.

10 - السرائر مِنْ كِتَابِ أَنَسِ الْعَالِمِ لِلصَّفَوَانِيِّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا قَدِمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُحِبُّكَ وَأُحِبُّ فُلَانًا وَسَمَّى بَعْضَ أَعْدَائِهِ فَقَالَ عَ أَمَّا الْآنَ فَأَنْتَ أَعُوْرُ فِيمَا أَنْ تَعْمَى وَإِمَّا أَنْ تُبْصِرَ. السرائر: 488. از کتاب انس العالم صفوانی می نویسد مردی خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رسیده گفت یا امیر المؤمنین من ترا دوست دارم و فلانی را هم دوست دارم یکی از دشمنان علی را نام برد فرمود اکنون تو یک چشم سالم داری یا کور باش و یا بینا.

11 - وَقِيلَ لِلصَّادِقِ عَ إِنَّ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَصْغُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَقَالَ هِيَاهُ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَلَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّنَا. بحضرت صادق علیه السلام عرضکردند فلان کس شما را دوست میدارد ولی در بیزاری از دشمنانتان ضعیف است فرمود: هیاهات دروغ میگوید کسی که مدعی است ما را دوست میدارد ولی از دشمنان ما بیزاری نمیجوید.

### ثواب دوست داشتن و یاری و ولایت ائمه علیهم

السلام امان از آتش جهنم است

ص: 384

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ اِبْرَاهِيمَ فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

تفسیر: منظور از (الَّذِينَ آمَنُوا) در هر دو آیه ائمه علیهم السلام هستند و بزودی اخبار متواتر از طریق شیعه و سنی در این مورد خواهیم آورد. وجوب دوست داشتن و محبت آنها و اعتقاد بامامتشان ثابت شده اما آیه دوم در اخبار زیاد مورد اعتماد خواهد آمد که مقصود از ذریه، آنهاست در دعای ابراهیم علیه السلام. ابراهیم دعا کرد برای شیعیان آنها دعا کرد که دلهایشان متمایل بائمه گردد.

از حضرت باقر علیه السلام در روایت عیاشی نقل شده که فرمود: در دعای خود، ابراهیم همه مردم را در نظر نگرفته بود بلکه شما و هم عقیده های شما مورد نظر ابراهیم هستید مثل شما مانند موی سفیدی است بر پیکر گاوی سیاه.

در کافی از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: ابراهیم خانه کعبه را مورد نظر نگرفته اگر نه باید میگفت دلهای مردم

را متوجه آن بکن. بخدا قسم ما مقصود از دعای ابراهیم هستیم آنجا که میگوید: دلهای مردم را متمایل بآنها بگردان.

در بصائر: از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: دلهای مردم را متمایل بما گردانید.

علی بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: خداوند از این آیه وَ ارزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ منظور از ثمرات، ثمرات دلها است یعنی دوستی ایشان که موجب توجه مردم بآنها شود اخبار در این مورد خواهد آمد.

تفسیر العیاشی 2: 233

1- الأمالی للصدوق عَبَادُ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصَّغْرَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَتْ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَاهِي بِكُمْ وَغَفَرَ لَكُمْ عَامَّةً وَلِعَلِّيَّ خَاصَّةً وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ لِقَرَابَتِي هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَأَنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ. أمالی الصدوق: 109 و 110. امالی صدوق: علی بن الحسین از فاطمه

ص: 386

صغری از حسین بن علی از مادرش فاطمه زهرا علیها السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم پیش ما آمد در شب عرفه، فرمود:

خداوند عزیز مباحات و افتخار کرد بتمام شما و شما را آمرزید بطور عموم و علی را خصوصاً مورد عنایت قرار داد. من پیامبر خدایم بسوی شما بی آنکه حمایت از خویشانم کنم اینک جبرئیل بمن خبر میدهد که سعادت‌مند یعنی بتمام معنی سعادت‌مند و سعید واقعی کسی است که علی را دوست داشته باشد در زمان حیاتش و بعد از درگذشت او. و شقی شقاوت‌مند کامل و واقعی کسی است که با علی علیه السّلام دشمنی ورزد در حیات و بعد از درگذشتش.

2- الأمالی للصدوق جابر الجعفی عن أبي جعفر عن آبائه قال: جاء رجل إلى النبي ص فقال يا رسول الله أكل من قال لا إله إلا الله مؤمن قال إن عداوتنا تلحق باليهود والنصارى إنكم لا تدخلون الجنة حتى تحبوني وكذب من زعم أنه يحبني ويغض هذا يعني علياً ع. أمالی الصدوق: 161 و 162.

جابر جعفی از حضرت صادق علیه السّلام از آباء گرام خود نقل کرد که مردی خدمت پیامبر اکرم آمده گفت یا رسول الله آیا هر کس بگوید لا اله الا الله مؤمن است؟ فرمود: دشمنی ما شامل یهود و نصاری می شود شما داخل بهشت نخواهید شد

مگر اینکه مرا دوست داشته باشید و دروغ میگوید کسی که گمان میکند مرا دوست میدارد ولی با این یعنی علی علیه السلام دشمن باشد.

3- الإختصاص عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْجُعْفِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَعَمِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَأَذْنَاهُ وَقَالَ مَنْ هَذَا مَعَكَ قَالَ ابْنُ أَخِي إِسْمَاعِيلَ فَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ وَتَجَاوَزَ عَنْهُ سَبِيٌّ عَمَلِهِ كَيْفَ خَلَفْتُمُوهُ قَالَ بِخَيْرٍ مَا أَبْقَى اللَّهُ لَنَا مَوَدَّتَكُمْ فَقَالَ يَا حُصَيْنُ لَا تَسْتَصْغِرُوا مَوَدَّتَنَا فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا اسْتَصْغَرْتُهَا وَلَكِنْ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهَا. الاختصاص: 85 و 86. عبد الرحمن جعفی گفت من و عمویم حصین بن عبد الرحمن خدمت حضرت صادق رسیدیم، امام عمویم را نزدیک خود خوانده پرسید این کیست؟ جوابداد پسر برادرم اسماعیل است. فرمود خدا اسماعیل را رحمت کند و از کردار زشتش درگذرد. حالش چطور است. عرضکردیم خوب بود و ما نیز خوب هستیم تا موقعی که افتخار مودّت شما را داشته باشیم.

فرمود: حصین مبادا مودت ما را کوچک شماری چون مودت ما از باقیات الصالحات است. عمویم گفت من هرگز کوچک نمی شمارم خدا را بر این نعمت سپاسگزارم.



4- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَعِثْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ قَالَ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ يَا بَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ مَا تَزَالُ تَجِيءُ بِالْحَدِيثِ يُحِبُّ اللَّهُ بِهِ الْقُلُوبَ . أُمَالِي الصَّدُوق: 201.

امالی: محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی از پدر خود نقل کرد که گفت پیامبر اکرم فرمود ایمان ندارد شخص مگر مرا از خود بیشتر دوست داشته باشد و خانواده مرا از خانواده خود و عترت مرا از عترت خود و ذات مرا (یعنی هر چه بمن انتساب دارد غیر از چیزهایی که قبلاً ذکر شد) از ذات خود و گفت یکی از مردم گفت ای عبد الرحمن پیوسته برای ما احادیثی را نقل میکنی که باعث زنده شدن دلها می شود.

5- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعَمِهِ وَأَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي . أُمَالِي الصَّدُوق: 219. عبد الله بن عباس از پدرش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدا را دوست بدارید بواسطه نعمت هایی که بشما عنایت کرده و مرا دوست بدارید بواسطه دوستی خدا و اهل بیت مرا دوست بدارید بواسطه دوستی

من. این حدیث در الخصال و الأمالی للشیخ الطوسی نیز آمده است.

6- علل الشرائع، الأمالی للصدوق زید بن ثابت قال قال رسول الله ص من أحب علياً في حياته وبعد موته كتب الله عز وجل له من الأمان والإيمان ما طلعت عليه شمس وغربت ومن أبغضه في حياته وبعد موته مات موته جاهلياً وحسب بما عمل. علل الشرائع: 59، زید بن ثابت گفت پیامبر اکرم فرمود هر کس علی را دوست داشته باشد در زمان حیات و بعد از فوتش خداوند برای او مقرر میدارد امن و ایمان بمقدار فاصله طلوع خورشید و غروب آن و هر کس او را دشمن بدارد در حیات و بعد از مرگش بمثل جاهلیت خواهد مرد و مورد محاسبه قرار میگیرد بواسطه اعمالی که انجام داده.

7- امالی: ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السلام از آباء گرام خویش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعلی علیه السلام فرمود: یا علی محبت تو در دل هر مرد مؤمنی که ثابت شود اگر یک قدم او بلغزد پای دیگرش ثابت می شود تا با محبت تو وارد بهشت گردد.

8- قرب الإسناد ابن سعد عن الأزدي قال قال أبو عبد الله ع من أحبنا نفعه الله بذلك ولو كان أسيراً في يد الدليم ومن أحبنا لغير الله فإن الله يفعل به ما يشاء إن أحبنا أهل البيت ليحط

ص: 390

الدُّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ .

قرب الاسناد: ازدی گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس ما را دوست داشته باشد خداوند از آن دوستی بهره مندش میکند گر چه اسیر در دست دیلمیان باشد و هر که ما را برای غیر خدا دوست داشته باشد خداوند با او هر چه بخواهد انجام میدهد. محبت ما خانواده گناهان را از بندگان میزداید همان طوری که باد شدید برگ را از درخت میریزد.

### چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم

9- عیون أخبار الرضا علیه السلام و الخصال داؤد بن سَلَمَیْمَانَ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَرْبَعَةٌ أَنَا الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَتَوْنِي بِدُنُوبٍ أَهْلٍ

الأَرْضِ مُعِينٌ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ عِنْدَ مَا اصْطَرُّوا إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ عیون أخبار الرضا: 143 الخصال 91: 1. داود بن سلیمان از حضرت رضا از آباء گرامش نقل میکند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم روز قیامت گر چه با گناه تمام اهل زمین بیایند.

1- کمک کننده باهل بیتم.

ص: 391

2- برآورنده نیازهای آنها هنگام اضطرار ایشان بآن.

3- دوست دار ایشان با دل و زبان.

4- دفاع کننده از آنها با دستش.

10- رَوَى ابْنُ شَيْبَرٍ فِي الْفَرْدَوْسِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَزْبَعَهُ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُكْرِمُ لِيَذُرِّيَنِي وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ وَ السَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ مَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ .

ابن شیرویه در فردوس از علی علیه السلام روایت میکند که پیامبر اکرم فرمود چهار نفرند که من از آنها روز قیامت شفاعت میکنم.

1- کسی که بازماندگان مرا گرامی بدارد.

2- برآورنده حوائج آنها.

3- سعی کننده در کارهای ایشان هنگامی که راهی ب آن نداشته باشند.

4- و دوستدار ایشان با دل و زبان.

11- الخصال 99: 2.

ابو سعید خدری گفت: پیامبر اکرم فرمود: هر کس به او روزی شود حبّ ائمه از اهل بیت من بخیر دنیا و آخرت

ص: 392

رسیده، نباید شکی داشته باشد در اینکه بهشتی است همانا در محبت اهل بیت من بیست امتیاز است. ده امتیاز آن در دنیا است و ده امتیاز در آخرت.

اما در دنیا: زهد و اشتیاق بعمل ورع در دین و علاقه بعبادت و توبه قبل از مرگ و آمادگی و شوق برای شب زنده داری بعبادت و قطع امید از آنچه در دست مردم است و حفظ دستور خدا و نهی او نهم دشمنی دنیا و دهم سخاوت.

و اما در آخرت، نامه عملش گشوده نمیشود و برای حساب اعمال ترازو نمی نهند و نامه عملش را بدست راستش میدهند و باو برات آزادی از آتش جهنم خواهند داد و چهره اش سفید می شود و از زیورهای بهشت میپوشد و در باره صد نفر از فامیل خود میتواند شفاعت کند. خداوند با دیده رحمت باو توجه میکند و از تاجهای بهشت بر سر میگذارد دهم وارد بهشت می شود بدون حساب خوشا بحال دوستداران اهل بیت من.

12- عیون أخبار الرضا علیه السلام بالأسانید الثلاثة عن الرضا عن آبائه قال قال رسول الله ص يا علي إن الله قد غفر لك ولأهلك ولشيعتك ومحببي شيعتك ومحببي شيعتك فأبشروا

فَإِنَّكَ الْأَنْزِعُ الْبَطِينُ مَنْزُوعٌ مِنَ الشَّرِكِ بَطِينٌ مِنَ الْعِلْمِ . عیون أخبار الرضا: 211.

از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود: یا علی خداوند آمرزید تو و خانواده و شیعه ات را و دوستان شیعیان و دوست دوست شیعه ترا مژده باد که تو انزع البطین هستی (انزع یعنی) از شرک جدا شده ای و پر از علم هستی (معنی بطین).

13- عیون أخبار الرضا علیه السلام بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي .

عیون أخبار الرضا: 220. عیون: باسناد تمیمی از حضرت رضا از آباء گرام خود نقل میکند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که دوست دارد که چنگ بزند بعروه الوثقی باید چنگ بزند بمحبت علی و اهل بیت من.

14 - عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عیون أخبار الرضا: 220. عیون: با همین اسناد پیامبر اکرم فرمود: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد خداوند او را روز قیامت با امان محشور میکند.

ص: 394

15- عیون أخبار الرضا علیه السلام وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع مَنْ أَحَبَّكَ كَانَ مَعَ النَّبِيِّ فِي دَرَجَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ مَاتَ وَهُوَ يُبْغِضُكَ فَلَا يُبَالِي مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

عیون أخبار الرضا: 220. عیون با همین اسناد پیامبر اکرم بعلی علیه السلام فرمود: هر کس ترا دوست داشته باشد با پیامبران خواهد بود در درجه ایشان روز قیامت، و هر کس بمیرد در حال دشمنی با تو باکی نیست که یهودی بمیرد یا نصرانی.

16- عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص وَ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ ع مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَلَا يُحِبُّ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ .

عیون أخبار الرضا: 221. عیون: پیامبر اکرم در حالی که دست علی را گرفته بود فرمود هر کس گمان کند مرا دوست میدارد و حال اینکه این شخص را دوست نمیدارد دروغ گفته.

17- عیون أخبار الرضا علیه السلام وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . عیون أخبار الرضا: 222 و 223. عیون: با همین اسناد پیامبر اکرم فرمود: اول چیزی که از بنده میپرسند حب ما اهل بیت است. مجالس المفید: 158 و 159، و امالی ابن الشیخ، 20.

### محب و دوستدار ما منتظر رحمت است

18. مجالس مفید و امالی شیخ: ابواسحاق سبعی گفت

ص: 395

رفتیم پیش مسروق اجدع، میهمانی داشت که او را نمی شناختیم مشغول غذا خوردن بودند، میهمان گفت من با پیامبر اکرم بودم در خیبر همین که این حرف را زد فهمیدیم که از اصحاب پیامبر بوده.

گفت: صفیه دختر حی بن اخطب خدمت پیامبر اکرم آمده گفت یا رسول الله من مثل سایر زنان تو نیستم پدر و برادر و عمویم کشته شده اگر برای شما پیش آمده بکنند مرا بکه میسپاری. پیامبر اکرم فرمود: باین، اشاره بعلی بن ابی - طالب کرد.

سپس گفت: مایل نیستید برای شما حدیثی که حارث بن اعور برایم نقل کرده بگویم گفتیم چرا گفت خدمت علی بن ابی طالب رسیدم فرمود: برای چه آمده ای اعور! عرض کرد محبت تو یا امیر المؤمنین. فرمود ترا بخدا؟ گفتم بخدا سوگند سه مرتبه مرا قسم داد سپس فرمود بنده ای از بندگان خدا نیست که دلش را بایمان خداوند آزمایش کرده باشد مگر اینکه محبت ما را در قلب خود می یابد او ما را دوست میدارد.

و بنده ای نیست از بندگان خدا که مورد خشم خدا قرار گرفته باشد مگر اینکه او بغض ما را در قلب خود می یابد و ما



را دشمن میدارد.

محب و دوستدار ما منتظر رحمت است درهای رحمت بروی او گشوده شده و دشمن ما در کنار گودالی از آتش جهنم است گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و مرگ بر دوزخیان باد در جایگاهشان.

روایت فوق در بشاره المصطفی و کشف الغمه 40 از کفایه الطالب

نیز آمده است.

19- الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَنَا وَلِقَرِيْشٍ إِذَا تَلَقَّوْا تَلَقَّوْا بِوُجُوهِ مُسْتَبْشِرَةٍ وَإِذَا لَقَّوْنَا لَقَّوْنَا بِغَيْرِ ذَلِكَ فَغَضِبَ النَّبِيُّ ص ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَدْخُلُ قَلْبُ رَجُلٍ الْإِيمَانُ حَتَّى يُحِبَّكُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ . أمالی ابن الشیخ: 30.

امالی ابن شیخ: عباس بن عبد المطلب (رضی الله عنه) گفت عرض کردم یا رسول الله ما را با قریش چکاری است که هر وقت با یک دیگر روبرو میشوند با صورتهای شاد و شادمان هستند ولی وقتی ما را می بینند بر خلاف اینست.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خشمگین شد سپس فرمود قسم بآن کسی که جانم در دست اوست ایمان وارد قلب کسی نمیشود مگر اینکه شما را بواسطه خدا و پیامبر دوست داشته باشد.

ص: 397

كُنْتُ أَنَا وَعُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ جَالِسَيْنِ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ النمل: 64 قَالَ فَانْتَقَضَ عَلِيُّ عِ انتَقَضَ الْعَصْمُ فَمُورٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا شَأْنُكَ تَجَزَّعُ فَقَالَ وَمَا لِي لَا أَجَزَّعُ وَاللَّهِ يَقُولُ إِنَّهُ يَجْعَلُنَا خُلَفَاءَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَجَزَّعْ وَاللَّهِ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ. مجالس المفيد: 181، امالی ابن الشیخ: 47. عمران بن حصین گفت: من و عمر بن خطاب خدمت پیامبر اکرم نشستہ بودیم علی علیہ السلام نیز پهلویش نشستہ بود. پیامبر این آیه را خواند اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ...

امیر المؤمنین علیہ السلام چون گنجشکی بلرزه افتاد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود ترا چه شد کہ ناراحت شدی. عرضکرد چگونہ ناراحت نشوم کہ خداوند میفرماید:

ما را خلیفہ زمین قرار میدہد پیامبر اکرم فرمود ناراحت نشو بخدا سوگند ترا دوست نمیدارد مگر مؤمن و دشمنی با تو نمی کند مگر منافق.

21-الأمالی للشیخ الطوسی جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ:

لَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ رَكَبَ رَاحِلَتَهُ وَ

أَنْشَأَ يَقُولُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْإِسْلَامُ فَقَالَ عَ الْإِسْلَامُ لَامٌ عُرْيَانٌ وَ لِبَاسُهُ التَّقْوَى وَ زِينَتُهُ الْحَيَاءُ وَ مَلَائِكَةُ الْوَرَعِ وَ كَمَالُهُ الدِّينُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . امالی ابن الشیخ: 52.

جابر از حضرت باقر از آباء گرام خود نقل کرد که فرمود وقتی پیامبر اکرم اعمال حج خود را در حجه الوداع انجام داد سوار بر مرکب خود شد و این چنین میفرمود: داخل بهشت نمیشود مگر کسی که مسلمان باشد.

ابو ذر از جای حرکت کرده گفت یا رسول الله اسلام چیست؟ فرمود:

اسلام عریان است لباس او تقوی است و زینت آن حیاء و ملاک و قوامش ورع و کمال آن دین و ثمره آن عمل و برای هر چیزی اساسی است و اساس اسلام محبت ما خانواده است.

22- الأمالی للشیخ الطوسی زَادَانَ قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَقُولُ لَا أَزَالُ أَحِبُّ عَلِيًّا ع فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَضْرِبُ فَحْدَهُ وَ يَقُولُ مُحِبُّكَ لِي مُحِبٌّ لِلَّهِ مُحِبٌّ وَ مُبْغِضُكَ لِي مُبْغِضٌ لِلَّهِ تَعَالَى مُبْغِضٌ . امالی ابن الشیخ: 82 و 83.

زادان گفت از سلمان شنیدم میگفت من پیوسته علی را

ص: 399

دوست میدارم پیامبر اکرم را دیدم که بر ران علی میزد و میفرمود دوستدار تو دوستدار من است و دوستدار من دوست خداست و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست.

23- المحاسن بشر بن غالب عن الحسين بن علي عليه السلام قال لي يا بشر بن غالب من أحبنا لا يحبنا إلا لله جئنا نحن وهو كهاتين وقد ربي بين سبائتيه ومن أحبنا لا يحبنا إلا للدنيا فإنه إذا قام قائم العدل وسع عدله البر والفاجر. المحاسن: 61. محاسن: بشر بن غالب از حسين بن علي عليه السلام نقل کرد که فرمود یا بشر بن غالب! هر که ما را دوست بدارد فقط برای خدا ما و او خواهیم آمد مانند بین این دو انگشت سبابه خود را جمع نمود. و هر که ما را دوست داشته باشد فقط برای دنیا زمانی که امام قیام نماید عدالت او شامل نیکوکار و تبهکار هر دو می شود.

24- ما، الأمالی للشيخ الطوسي عيسى بن أحمد عن أبي الحسن الثالث عن آبائه عن أمير المؤمنين ع قال قال النبي ص أربعه أنا لهم شفيع يوم القيامة المحب لأهل بيته والموالي لهم والمعادى فيهم والقاضى لهم حوائجهم والساعى لهم فيما ينوبهم من أمورهم. أمالی ابن الشيخ: 197.

مجالس المؤمنین: عیسی بن احمد از حضرت امام علی النقی از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود چهار دسته هستند که من شفیع آنها هستم در روز قیامت. دوستدار اهل بیت و علاقمند ب آنها. دشمن با دشمنان ایشان و برآورنده نیازهای آنها و کوشش کننده در راه گرفتاری ایشان.

25- علل الشرائع الحکم بن ابی لیلی قال قال رسول الله ص لا يؤمن عبد حتى اكون احب اليه من نفسه و يكون عترتي احب اليه من عترته و يكون اهلي احب اليه من اهله و تكون ذاتي احب اليه من ذاته. علل الشرائع: 58 و 133 طبعه قم.

حکم بن ابی لیلی گفت پیامبر اکرم فرمود ایمان ندارد شخص مگر اینکه مرا از خود بیشتر دوست داشته باشد و عترتم را بیشتر از عترت خود و خانواده ام را بیشتر از خانواده خود و ذات مرا (آنچه بمن انتساب دارد غیر از آنچه ذکر شد) بیشتر از ذات خود.

روایت فوق در کتاب بشاره المصطفی 63-62 نیز آمده است.

**این از شیعیان آنهاست**

ص: 401

1- الصَّبَّاحُ بْنُ سَيَّابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحِبُّكُمْ وَ مَا يَدْرِي مَا تَقُولُونَ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُبْغِضُكُمْ وَ مَا يَدْرِي مَا تَقُولُونَ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ النَّارَ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَمْلَأُ صَدْحِيْفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ قُلْتُ فَكَيْفَ قَالَ يَمُرُّ بِالْقَوْمِ يَنَالُونَ مِنَّا وَ إِذَا رَأَوْهُ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِهِمْ وَ يَمُرُّ بِهِمُ الرَّجُلُ مِنْ شَيْعَتِنَا فَيَرْمُوْنَهُ وَ يَقُولُونَ فِيهِ فَيَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ حَسَنَاتٍ حَتَّى يَمْلَأُ صَدْحِيْفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ . فضائل الشيعة: 38 و 39. باسناد صدوق از صباح بن سيابه از حضرت صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود شخص شما را دوست میدارد اما از عقیده شما اطلاعی ندارد با همین حبّ خداوند او را وارد بهشت میکند و شخص با شما دشمن است و نمیداند عقیده شما چیست بواسطه همین دشمنی با شما خدا او را بجهنم می برد و مرد نامه عملش پر از ثواب می شود بدون اینکه عملی انجام داده باشد. عرضکردم چگونه چنین - چیزی ممکن است.

فرمود: از کنار گروهی رد می شود که بدگویی از ما می کنند همین که چشمشان باو می افتد بیکدیگر میگویند این مرد از شیعیان آنها است و مردی از شیعیان ما از کنار آنها رد می شود او را هدف قرار می دهند و باو بد میگویند خداوند بواسطه این مطلب آنقدر باو ثواب می دهد که نامه عملش پر می شود

2- معانی الأخبار ثعلبیه عن جعفر بن محمد قال: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُخْرَجُ مِنْ مَنْزِلِهِ إِلَى حَاجَتِهِ فَيَرْجِعُ وَمَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَتَمَلَّأَ صَدْحِيَّتُهُ حَسَنَاتٍ قَالَ فَقُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ يَمُرُّ بِالْقَوْمِ وَيَذْكُرُونَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَيَقُولُونَ كُفُّوا فَإِنَّ هَذَا يُحِبُّهُمْ

فَيَقُولُ الْمَلِكُ لِصَاحِبِهِ اكْتُبْ هَيْبَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي فَلَانِ الْيَوْمِ. معانی الأخبار: 56 و 57.

ثعلبی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که شخصی از منزل خود خارج می شود برای کاری که دارد برمیگردد با اینکه سخنی از خدا بر زبان نیاورده (و یادی از خدا نکرده) اما نامه عملش پر از حسنه میگردد.

گفت عرض کردم چگونه چنین می شود. فرمود بگروهی میگذرد که حرف ما اهل بیت را میزنند. تا او را مشاهده میکنند میگویند حرف نزنید که این شخص دوستدار آنها است ملک موکل بر او بملک دیگر میگوید بنویس حمایت کرد از آل محمد در فلان روز و موجب وحشت دشمنان ما شد.

30- الأمالی للصدوق أبي بصير قال قال الصادق جعفر بن محمد ع مَنْ أَقَامَ فَرَائِضَ اللَّهِ وَاجْتَنَبَ مَحَارِمَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ

الْوَلَايَةِ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ تَبَرَّأ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَدْخُلْ مِنْ أَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شَاءَ . أمالی الصدوق: 285.

امالی صدوق: ابو بصیر گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس واجبات را بجا آورد و از محرمات پرهیز نماید و در ولایت اهل بیت پیامبر طریق احسن را به پیماید و از دشمنان خدا بیزاری جوید از هر درب هشت گانه بهشت که مایل است وارد می شود.

31 - علل الشرائع زید بن ثابت قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ الْأَمْنَ وَ الْإِيْمَانَ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ حُوسِبَ بِمَا عَمِلَ . علل الشرائع: 59.

زید بن ثابت گفت پیامبر اکرم فرمود هر که دوست بدارد علی را در حیات من و بعد از مرگم خداوند برای او امن و ایمان را مینویسد در طول عمر و هر که او را دشمن بدارد در حیات من و بعد از مرگم بمرگ جاهلیت مرده و نسبت بکردارش محاسبه خواهد شد.

32 - المحاسن الْمُفَضَّل عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ حَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَى يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ وَ جُدَّدَ الْإِيْمَانُ فِي قَلْبِهِ وَ جُدَّدَ لَهُ عَمَلُ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ سَبْعِينَ



صِدِّيقاً وَ سَبْعِينَ شَهِيداً وَ عَمَلُ سَبْعِينَ عَابِداً عَبْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ سَنَةً. المحاسن: 61. مفضل از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود هر که اهل بیت را دوست داشته باشد و محکم کند حب ما را در دل خویش سرچشمه های حکمت از زبانش جاری می شود، ایمان در دلش تجدید می گردد و برای او عمل هفتاد پیامبر را می نویسند با هفتاد صدیق و هفتاد شهید و عمل هفتاد عابدی را که هفتاد سال عبادت خدا را کرده باشد.

### ای علی تو مانند قل هو الله احدى

1- المحاسن عمرو بن ابی المقدام عن ابی عبد الله ع قال: قال رسول الله ص لا مِير المؤمنين ع انما مثلك مثل قل هو الله احدى فانه من قراها مرة فكانت قرأ ثلث القرآن و من قراها مرتين فكانت قرأ ثلثي القرآن و من قراها ثلاث مرات فكانت قرأ القرآن و كذلك من احبك بقلبه كان له مثل ثلث ثواب العباد و من احبك بقلبه و نصرک بلسانه كان له مثل ثلثي ثواب اعمال العباد و من احبك بقلبه و نصرک بلسانه و يديه كان له مثل ثواب ثواب العباد. المحاسن: 153. عمرو بن ابی المقدام از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود مثل تو مانند قل هو الله احدى

اللَّهُ أَحَدٌ است هر که یک بار بخواند مثل این است که یک سوم قرآن را خوانده و هر که دو بار بخواند دو سوم قرآن را و هر که سه مرتبه بخواند مثل این است که تمام قرآن را خوانده.

همچنین هر کس ترا با دل دوست داشته معادل ثواب یک سوم از اعمال بندگان باو میدهند و هر که ترا با دل دوست داشته باشد و با زبان یاریت کند باو دو سوم از ثواب اعمال بندگان را میدهند و هر کس ترا با دل دوست داشته باشد و با زبان و دست خود یاری کند معادل ثواب تمام بندگان باو میدهند.

2- در کتاب مشارق الانوار از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که به علی علیه السلام فرمود: ای علی؛ مثل تو در میان امت من مثل (قل هو الله احد) است، هر کس آن را یک بار بخواند یک سوم قرآن را خوانده است و کسی که دو بار بخواند مانند آن است که دو سوم قرآن را خوانده است، و آنکه سه بار بخواند مانند آن است که همه قرآن را خوانده است. سپس فرمودند: فمن احبک بلسانه فقد کمل ثلث الایمان، و من احبک بلسانه و قلبه فقد کمل ثلثی الایمان، و من احبک بیده و قلبه و لسانه فقد کمل الایمان. والذی بعثنی بالحق نبیاً لو احبک اهل الارض کمحبه اهل السماء لما عذّب الله احداً

بالنار. کسی که تو را به زبان دوست داشته باشد یک سوم ایمان را احراز کرده است، و کسی که تو را به زبان و قلبش دوست داشته باشد دوسوم ایمان را به دست آورده، و آنکه تو را به دست خود و قلب و زبانش دوست داشته باشد ایمان او کامل است. و قسم به حق آنکه مرا به پیغمبری به راستی برانگیخت اگر اهل زمین تو را همانند آسمان دوست داشته باشند خداوند یکی از آن ها را به آتش دوزخ وارد نمی کند. ای علی؛ جبرئیل از طرف پروردگار عالم به من بشارت داده و فرموده است: یا محمد بشّر اخاک علیاً علیه السلام إني لا أعذب من تولاہ ولا ارحم من عاداه. ای محمد به برادرت علی علیه السلام مژده بده که من اهل ولایت و محبت او را عذاب نمی کنم و به دشمنان او رحم نخواهم کرد.

3- الخصال 164: 2 و 165 و 168.

خصال: از جمله احادیث اربعمائه (چهارصدتا) امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر که بما چنگ زند بهدف میرسد و هر که از غیر راه ما برود غرق می شود برای محبین و دوستان ما فوجهایی از رحمت خدا است و برای دشمنان ما نیز فوجهایی از خشم خدا.

و فرمود: هر که ما را با دل دوست داشته باشد و با زبان

ص: 407

کمک کند و بکمک ما با دشمنانمان با دست خود بجنگد با ما خواهد بود در درجه ی ما و هر که با دل ما را دوست داشته باشد و بزبان کمک کند ولی بهمراه ما با دشمنانمان نجنگد او یک درجه کمتر از اولی است و هر که ما را با دل دوست بدارد ولی با زبان کمک نکند و نه با دست، او در بهشت است و هر که ما را با دل دشمن بدارد و با زبان دوست بر ضرر ما کار کند او با دشمن ما در جهنم است و هر که با دل دشمن بدارد و بر ضرر ما بوسیله دست و زبان کمک نکند در جهنم است.

فرمود: من پشتیبان مؤمنینم و مال پشتیبان ستمکاران.

بخدا سوگند دوست نمیدارد مرا مگر مؤمن و دشمن نمیدارد مرا مگر منافق.

4-المجالس للمفید ابنِ اَبی المقَدمِ عَنْ اَبیهِ عَنِ الحَسنِ بْنِ عَلیٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِیَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِی الغُرْفَةِ الَّتِی نَحْنُ فِیْهَا وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِلِسَانِهِ فَهُوَ دُونَ ذَٰلِكَ بِدَرَجَةٍ وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ كَفَّ بِیَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ فِی الْجَنَّةِ .مجالس المفید: 20 و 21.

مجالس مفید: ابن ابی المقدام از پدر خود از حسن بن علی علیه السلام نقل کرد که فرمود: هر که ما را با دل دوست داشته باشد و با دست و زبان یاری کند با ما خواهد بود در غرفه ای

که ما در آن هستیم و هر که ما را بدل دوست داشته باشد و با زبان یاری کند او یک درجه پائین تر خواهد بود و هر که با دل دوست داشته باشد اما دست و زبان خود را نگه دارد او اهل بهشت است.

36- تفسیر العیاشی أَبِي عُيَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقُلْتُ يَا أَبِي أَنْتَ رَبُّمَا خَلَا بِيَ الشَّيْطَانُ فَحَبَبْتُ نَفْسِي ثُمَّ ذَكَرْتُ حُبِّي إِيَّاكُمْ وَانْقَطَعَ عَنِّي إِلَيْكُمْ فَطَابَتْ نَفْسِي فَقَالَ يَا زِيَادُ وَيَحَكَ وَمَا الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ أَلَا تَرَى إِلَى قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ . آل عمران: 29.

تفسیر العیاشی 167: 1. ابو عبیده حذاء گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیدم. عرض کردم فدایت شوم گاهی که شیطان مرا تنها یابد نفس مرا آلوده میکند بعد بیاد دوست داشتتم شما را می افتم و اینکه خدمت شما میرسم باز خوشحال میشوم فرمود: ای زیاد مگر دین جز حب است مگر این آیه را نشنیده ای إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد.

توضیح: شاید استشهاد بآیه یا به جهت این است که دوستی با آنها دوستی با خدا است یا باینکه حب تکمیل نمیشود مگر با متابعت.

37- تفسیر العیاشی برید بن معاویہ العجلی قال: کُنتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَاسَانَ مَاشِيًا فَأَخْرَجَ رَجُلِيهِ وَقَدْ تَغَلَّفَتَا وَ قَالَ أَمَّا وَاللَّهِ مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَاللَّهِ لَوْ أَحَبَبْنَا حَجَرَ حَسَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَقَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ تفسیر العیاشی 167: 1 و 168 و الآیه فی آل عمران: 31.

برید بن معاویہ عجللی گفت خدمت حضرت باقر علیہ السلام بودم کہ یک نفر تازه وارد از خراسان داخل شد کہ پیاده آمده بود پاهای خود را نشان داد کہ پینه بسته بود گفت بخدا قسم مرا از این راه دور خدمت شما نیاورده مگر محبت شما اهل بیت. حضرت باقر علیہ السلام فرمود بخدا قسم اگر ما را سنجی دوست داشته باشد خداوند او را با ما محشور میکند هل الدین الا الحب مگردین غیر حب و دوستی است خداوند فرموده: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ.

38- تفسیر العیاشی عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّا نُسَمِّي بِأَسْمَائِكُمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِكُمْ فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ

اللَّهُ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ .

ربعی پسر عبد الله گفت بحضرت صادق عرضکردند فدایت شویم ما بچه های خود را بنام شما و پدران گرامتان می نامیم آیا این کار برای ما سودمند است. فرمود آیا دین جز محبت است خداوند میفرماید إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ .

توضیح: جواب این است که نام نهادن فرزندان بنام ائمه علیهم السلام از حبّ و دوستی سرچشمه میگیرد.

39 - التفسير المنسوب الى الامام العسكري (عليه السلام).

تفسیر امام: ثوبان غلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جای حرکت کرده گفت پدر و مادرم فدایت یا رسول الله کی قیامت بر پا می شود. پیامبر اکرم فرمود:

چه چیز برای قیامت آماده کرده ای که می پرسی گفت یا رسول الله من عمل زیادی آماده نکرده ام جز اینکه خدا و پیامبرش را دوست میدارم پیامبر اکرم فرمود چقدر پیامبر را دوست میداری؟ گفت قسم بآن کسی که ترا بحق به پیامبری مبعوث نموده در دل من آنقدر محبت شما جای گرفته که اگر مرا با شمشیر قطعه قطعه کنند و با اژه ببرند و با مقرّاض ریز ریزه کنند و با آتش بسوزانند و با آسیاب سنگ نرم کنند  
برایم

ص: 411

بهتر و ساده تر است از اینکه در دل خود غلّ و غشی یا کینه ای بیابم نسبت بشما یا یکی از اهل بیت و اصحاب.

و محبوب ترین شخص نزد من بعد از شما کسی است که او را بیشتر دوست میداری و دشمن ترین شخص نزد من کسی است که ترا دوست نداشته باشد و دشمن تو یا یکی از اصحاب باشد عرضکرد این بود مقدار علاقه من بشما و علاقه ام بدوستان و دشمنی با دشمنان شما یا کسی که دشمن باشد با یکی از دوستان شما اگر این مقدار از من قبول شود سعادت مند هستم اگر عمل دیگری غیر از این از من خواسته باشید چیزی که آماده کرده باشم و بتوان بر آن اعتماد داشت ندارم همه شما را دوست میدارم با اصحاب گر چه عمل آنها را ندارم.

فرمود بتو بشارت میدهم همانا در روز قیامت شخص محشور می شود با کسی که او را دوست میدارد ای ثوبان اگر آنقدر گناه داشته باشی بمقدار فاصله بین زمین تا عرش با این موالاتی که داری تمام آنها از بین می رود با سرعتی زیادتر از رفتن سایه از روی سنگ صاف هنگامی که آفتاب بر آن بتابد و مانند رفتن نور خورشید از روی همین سنگ وقتی خورشید غروب کند.

ص: 412



40- تفسیر الإمام علیه السلام مَنْ أَدْمَنَ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنَ الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَأَبَاحَهُ جَمِيعَهَا يَدْخُلُ مِمَّا شَاءَ مِنْهَا وَكُلُّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يُنَادِيهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَلَمْ تَدْخُلْنِي أَلَمْ تَخْصِنِي مِنْ بَيْنِهَا. التفسير المنسوب الى الامام العسكري (عليه السلام): 243.

تفسیر امام: فرمود هر کس پیوسته دوستدار ما اهل بیت باشد، خداوند هشت درب بهشت را بروی او می‌گشاید و او را اجازه می‌دهد که از هر درب مایل است داخل شود هر یک از درب ها او را صدا می‌زنند: ای ولی الله از من داخل

نمیشوی مرا از بین سایر درب ها باین امتیاز مفتخر نمیکنی؟

### نه بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه

میکنید.

41- رجال الکشی علی بن عقیبه عن أبيه قال: قلت لأبي عبد الله ع إن لنا خادمه لا نعرف ما نحن عليه فإن أذنبت ذنباً وأرادت أن تحلف بيمين قالت لا وحق الذي إذا ذكرتموه بكيتكم قال فقال رحمكم الله من أهل بيت رجال الکشی: 220.

علی بن عقبه از پدر خود نقل کرد بحضرت صادق علیه السلام گفتم من یک کنیز و کارگر زنی دارم که اطلاع از اعتقاد ما ندارد وقتی کار بدی میکند و بخواهد قسم بخورد میگوید نه

ص: 413

بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه میکنید. امام علیه السلام فرمود: خداوند شما را رحمت کند پیاداش محبتی که با اهل بیت دارید.

## یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت

یک سال

42- کشف الغمه ابن مسعود عن النبی ص قال: حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ یَوْمًا خَیْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ مَنْ مَاتَ عَلَیْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. کشف الغمه:

39. کشف الغمه: ابن مسعود از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود:

یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت یک سال هر که بر محبت اهل بیت بمیرد داخل بهشت می شود.

43- أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي. ابو هريره از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود:

بهترین شما کسی است که بهتر باشد برای خانواده من.

## پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان.

44- کتاب الروضه، الفضائل لابن شاذان

فضائل الشیعه: جابر بن عبد الله انصاری گفت: پیامبر اکرم در مسجد نشسته بود که علی در حالی که حسن طرف راست و حسین طرف چپش بود، وارد شد، پیامبر از جای حرکت

ص: 414

کرد علی را در بغل گرفت و حسن را روی زانوی چپش نشاند پیوسته آن دورا می بوسید و لبان آنها را می مکید و میفرمود پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان.

سپس فرمود: مردم خداوند تبارک و تعالی مباحات کرد باین دو و پیدر و مادرشان و به نیکوکاران از فرزندان این دو بر تمام ملانکه. بعد فرمود: خدایا گواه باش من اینها را دوست میدارم و هر کس اینها را دوست داشته باشد خدایا هر کس مرا اطاعت کند در مورد اینها و وصیت مرا حفظ نماید او را رحمت فرما برحمت خود یا ارحم الراحمین اینها خانواده من و بیاداران دین من و زنده کنندگان سنتم و خواننده کتاب پروردگارم، اطاعت از آنها اطاعت من و مخالفت با آنها مخالفت با من است.

## آن دورا دوست دارم و دوستان آنها را.

1 - بشاره المصطفی ابن عباس قال: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَ وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ هَذَا عَلَى عَاتِقٍ وَ هَذَا عَلَى عَاتِقٍ وَ هُوَ يَلْتُمُ هَذَا مَرَّةً وَ هَذَا مَرَّةً فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ إِنَّكَ تُحِبُّهُمَا قَالَ إِنِّي أُحِبُّهُمَا وَ أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمَا فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي . بشاره المصطفی: 63.

بشاره المصطفی: ابن عباس گفت پیامبر اکرم از خانه خارج

شد با حسن و حسین یکی را روی شانه و دیگری را روی شانه دیگر یک مرتبه او را میبوسید و یک مرتبه این را جبرئیل باو گفت آیا این دورا دوست دارید فرمود دوست دارم این دورا و کسی که آنها را دوست داشته باشد هر که آنها را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که با آنها دشمن باشد با من دشمن است.

### از شاهراه هدایت خارج نمیکند

45- بشاره المصطفی زید بن مطرف قال قال رسول الله ص من اراد ان يحيا حياته ويموت موته ويدخل الجنة التي وعدني ربي فليتول علي بن ابي طالب و ذريته فانهم لن يخرجوكم من باب هدى و لم يدخلوكم في باب ضلاله. بشاره المصطفی:

108. بشاره المصطفی: زید بن مطرف گفت: پیامبر اکرم فرمود:

کسی که میخواهد بزندگی من زنده باشد و بنوع مردن من بمیرد و داخل بهشتی که خدایم وعده داده شود علی بن ابی طالب و ذریه اش را دوست بدارد همانا ایشان شما را از شاهراه هدایت خارج نمیکند و بوادی گمراهی نمیکشاند.

### بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین

46 -تفسیر فرات بن ابراهیم : 208 و 209.

تفسیر فرات: جعفر بن احمد از حضرت صادق علیه السلام

ص: 416

نقل کرد که فرمود: من با پدرم روزی رفتیم بجانب مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دیدیم گروهی از اصحاب بین منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته اند پدرم بر آنها سلام کرد سپس فرمود اما و الله انی لا حب ریحکم و ارواحکم فاعینونی علی ذلک بورع و اجتهاد، من ائتم بعد فلیعمل بعمله.

توجه داشته باشید بخدا قسم من دوست دارم بوی شما و ارواحتان را مرا کمک کنید بر این محبت با پارسائی و کوشش هر کسی پیرو شخصی باشد باید پیرو عمل او باشد شما شیعه آل محمد و پاسدار خدا و یاران خدا و شما سبقت گیران از گذشتگان و سبقت گیران هستید از آیندگان در دنیا و سبقت گیران هستید در آخرت بسوی بهشت ما بهشت را برای شما تضمین کرده ایم از جانب خدا و پیامبر و اهل بیت آن جناب.

شما طیبین هستید و زنان شما طیب اند هر زن و مرد مؤمنی صدیق است.

چند مرتبه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بقبر فرمود قنبر! مژده باد ترا و مژده بده بدیگران و خوشحال باش بخدا قسم پیامبر اکرم از دنیا رفت در حالی که بر تمام امت خشم داشت بجز شیعه برای هر چیزی شرفی است شرف دین اسلام شیعه است باید بدانی که هر چیزی را دست

آویزی است دست آویز دین اسلام شیعه است هر چیزی را امامی است امام زمین زمینی است که شیعه در آن ساکن است هر چیزی سروری دارد سرور مجالس مجلس شیعه است هر- چیزی بجهت و سرور دنیا و لذت او بجهت سکونت شیعه است در آن.

بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین مخالفین شما از خویبه‌های زندگی خود بهره نمی‌برند و در آخرت نصیبی ندارند هر دشمن ناصب اگر چه پارسا باشد مشمول این آیه است **وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ .** الغاشية: 5-2.

### این روایت را بخوانید

47- وَرَوَى صَاحِبُ الْكَشَافِ وَالتَّعْلِي فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا الْآيَةَ.

يَا مَنَادِهِ إِلَى جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُغْفُورًا لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ

ص: 418

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُرَفَّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُرَفَّ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهِنَّ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ زُورَ قَبْرِهِ الْمَلَائِكَةَ بِالرَّحْمَةِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوباً بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ .

صاحب کشف و ثعلبی در تفسیر این آیه قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرٌ\* باسناد خود تا جریر بن عبد الله بجلي نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود هر که بمیرد با حب آل محمد شهید مرده و هر که بمیرد با حب آل محمد آمرزیده مرده.

بدانید هر که بمیرد با حب آل محمد با توبه مرده و هر که بمیرد با حب آل محمد مؤمن مرده با ایمان کامل.

هر که بمیرد با حب آل محمد ملک الموت او را بشارت بهشت میدهد. بعد از ملک الموت منکر و نکیر. بدانید هر که با حب آل محمد بمیرد چنان روانه بهشت می شود مثل عروسی که بحجله داماد می رود بدانید هر که با حب آل محمد بمیرد ملائکه رحمت بدستور خدا در قبر زیارت می آیند بدانید هر کس بمیرد با حب آل محمد بر سنت و جماعت

بوده و هر که بمیرد بر بغض آل محمد روز قیامت می آید در حالی که بر پیشانی او نوشته شده مایوس از رحمت خدا است بدانید هر که با بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را نمی شنود.

### دست از علی بر ندارید او مولای شما است

48- كُنْزُ الْفَوَائِدِ لِلْكَرَاجِكِيِّ، ابْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ مَوْلَاكُمْ فَأَحِبُّوهُ وَكَبِّرُوهُ فَاتَّبِعُوهُ وَعَالِمُكُمْ فَأَكْرِمُوهُ وَقَائِدُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَعَزُّوهُ وَإِذَا دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ وَإِذَا أَمَرَكُمْ فَاطِيعُوهُ أَحَبُّوهُ لِحُبِّي وَأَكْرَمُوهُ لِكِرَامَتِي مَا قُلْتُ لَكُمْ فِي عَلِيٍّ إِلَّا مَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي . كنز الكراجكي: 208 و 209.

ابن نباته گفت از سلمان فارسی راجع به علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدند گفت: شنیدم پیامبر اکرم میفرمود دست از علی بر ندارید او مولای شما است او را دوست بدارید او بزرگ شما است از او پیروی کنید او عالم شما است گرامی بدارید و رهبر شما بسوی بهشت است احترامش کنید هر گاه شما را دعوت کرد اجابتش نمایید اگر فرمانی داد اطاعت کنید او را دوست بدارید برای دوستی من و گرامی بدارید بواسطه گرامی داشت من چیزی در باره علی علیه السلام بشما

ص: 420



نمیگویم مگر اینکه خدا بمن دستور داده.

49- کنز الکرّاجکی: 214 و 215.

سهل بن سعد گفت ابا ذر با گروهی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود من نیز از آن جمله بودم علی بن ابی طالب علیه السلام آمد ابا ذر چشم بآن جناب دوخت و بعد برگشت و رو بجمعیت نموده گفت که میتواند معرفی کند مردی را که محبت او گناهان را چنان میزداید همچون بادی شدید و سخت که برگ را از درخت میریزد؟ من از پیامبر اکرم شنیدم در باره او چنین میفرمود گفتند آن کیست؟ فرمود همین مردی که بجانب شما می آید پسر عموی پیامبرتان شنیدم میفرمود علی باب علم من روشنگر تمام چیزهائی است که من از جانب پروردگار برای امت آورده ام پس از من.

حب علی ایمان و دشمنی با او نفاق است تماشای او با مهربانی و علاقه عبادت است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم میفرمود: مثل اهل بیت من در امتم مانند کشتی نوح است هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که فاصله گرفت غرق شد و مانند باب حطه در بنی اسرائیل است.

سپس فرمود: یا ابا ذر هر که عمل برای آخرت خود کند

ص: 421

خداوند امور دنیا و آخرتش را کفایت خواهد کرد و هر که بین خود و خدا به نیکی پردازد خداوند آنچه بین او و مردم است برایش درست میکند و هر که قلبش را اصلاح نماید خداوند ظاهر او را نیکو مینماید. لقمان حکیم بفرزندش در حالی که او را پند میداد گفت پسرم چه کسی جویای خدا شد او را نیافت و چه کسی بخدا پناه برد خدا از او دفاع نکرد و چه کس بخدا توکل کرد، خداوند کار او را درست نکرد.

سپس علی علیه السلام رد شد ابوذر جمعیت را مخاطب قرار داده گفت قسم بآن کس که جان اباذر در اختیار اوست هیچ امتی نیست که پیشوا قرار داد (یا گفت پیروی کرد از شخصی) و حال اینکه در میان آنها دانایان از آن شخص بخدا و دین وجود دارد مگر اینکه کار آنها تباه شده.

### مصافحه کننده با علی با انبیاء مصافحه کرده است.

1- وَ بِإِسْمِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَافَحَ عَلِيًّا فَكَأَنَّمَا صَافَحَنِي وَمَنْ صَافَحَنِي فَكَأَنَّمَا صَافَحَ أَزْكَانَ الْعَرْشِ وَمَنْ عَانَقَهُ فَكَأَنَّمَا عَانَقَنِي وَمَنْ عَانَقَنِي فَكَأَنَّمَا عَانَقَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ وَمَنْ صَافَحَ مُجِبًّا لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ

ص: 422

حَسَابٍ . ایضاح دفائن النواصب: 27. از ابن عباس نقل میکنند که پیامبر اکرم فرمود هر که با علی مصافحه کند و دست دهد مثل این است که با من مصافحه نموده و هر که با من مصافحه کند مثل این است که با ارکان عرش مصافحه نموده و هر که با او معانقه کند (او را در آغوش بگیرد) مثل این است که با من معانقه کرده و هر که با من معانقه کند مثل این است که با تمام انبیاء معانقه کرده هر که بعلی دست دهد با علاقه و محبت خداوند گناهایش را می آمرزد و بدون حساب وارد بهشت می شود.

### به حمزه و پسر عمویم جعفر گفتم کدام عمل را در

آخرت بهترین اعمال یافتید؟

1- وَ عَنْ سَمْرَةَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلَّمَا أَصْبَحَ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ هَلْ رَأَى أَحَدٌ مِنْكُمْ رُؤْيَا وَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْبَحَ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ عَمِّيَ حَمَزَةَ وَابْنَ عَمِّيَ جَعْفَرًا جَالِسَيْنِ وَبَيْنَ يَدَيْهِمَا طَبَقُ تَيْنٍ وَهُمَا يَأْكُلَانِ مِنْهُ فَمَا لَبِثَا أَنْ تَحَوَّلَ رُطْبًا فَأَكَلَا مِنْهُ فَقُلْتُ لَهُمَا فَمَا وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ فِي الْآخِرَةِ قَالَا الصَّلَاةُ وَحُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِخْفَاءُ الصَّدَقَةِ.

ایضاح دفائن النواصب: 43 و 44. سمره گفت پیامبر اکرم هر روز صبح رو باصحاب خود میکرد و میفرمود گویا کسی از

ص: 423

شما خوابی دیده؟ یک روز پیامبر اکرم فرمود در خواب عمویم حمزه و پسر عمویم جعفر را دیدم نشسته اند و جلو آنها ظرفی از انجیر است مشغول خوردن هستند انجیر تبدیل بخرما شد از آن نیز خوردند به آن دو گفتم کدام عمل را در آخرت بهترین اعمال یافتید گفتند نماز و دوست داشتن علی بن ابی طالب و پنهان صدقه دادن.

## هر که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد من

از او راضیم

1- وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَمَنْ أَبْغَضََهَا فَهُوَ فِي النَّارِ يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائِهِ مَوْطِنٌ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمُحَاسَبَةُ فَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ رَضِيَ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبْتُ عَلَيْهِ وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانُ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ

دُرِّيَّتَهَا وَشِدَّيَعَتَهَا . سلمان فارسی گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای سلمان هر که فاطمه را دوست بدارد او در بهشت با من خواهد بود و هر که دشمن بدارد در جهنم.

ص:424

سلمان! دوستی فاطمه در صد جایگاه سود میبخشد که ساده ترین این جایگاه ها مرگ و قبر و میزان و محشر و صراط و محاسبه است هر که دخترم فاطمه از او راضی باشد من از او راضیم و هر که من از او راضی باشم خدا از او راضی است و هر که فاطمه بر او خشم بگیرد من بر او خشم میگیرم و هر کس من بر او خشم بگیرم خدا بر او خشمگین است. سلمان وای بر کسی که او را ستم نماید و ستم بر ذریه و شیعیانش کند.

2- أَعْلَامُ الدِّينِ، لِلدَّيْلَمِيِّ مِنْ كِتَابِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا وَلَقِيَ اللَّهَ وَ عَلَيْهِ مِثْلُ رَبِّدِ الْبَحْرِ ذُنُوبًا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.

اعلام الدین: صفوان از حضرت صادق نقل میکند که فرمود هر کس ما را دوست بدارد و خدا را ملاقات کند با اینکه باندازه کف دریا گناه داشته باشد سزاوار است که خدا او را ببامرزد.

3- حُبِّشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ ع وَهُوَ فِي الرَّحْبَةِ مُتَكِنًا فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ وَرَدَّ عَلَيَّ وَقَالَ أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ مُحِبًّا لِمُحِبِّنَا صَابِرًا عَلَى بُغْضِ مُبْغِضِنَا إِنَّ مُحِبِّنَا يَنْتَظِرُ الرُّوحَ وَ

الْفَرْجَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَإِنْ مُبْعَضْنَا بَنَى بُنْيَانًا فَأَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَكَانَ مَا بُنِيَانُهُ قَدْ انْهَارَ .

حبیب بن معتمر گفت خدمت علی علیه السلام رسیدم او در صحن مسجد تکیه کرده بود عرض کردم سلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته حال شما چطور است. آن جناب سر بلند نمود و جواب مرا داد فرمود هم اکنون در حالی هستم که دوست دارم دوستدار خود را و صبر میکنم بر دشمنی دشمنانم دوستان ما منتظر آسایش و فرج در هر شب و روز هستند و دشمنان ما بنیانی را بنا نهاده بر کنار گودالی سراسیب که هر آن انتظار سرازیر شدن آنها است.

#### عبور فاطمه علیها السلام از محشر

4- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره فاطر: 31 و 32: 253 و 254. ابو ذر رحمه الله علیه گفت سلمان و بلال را مشاهده کردم خدمت پیامبر اکرم می آیند سلمان خود را بر پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انداخت و شروع ببوسیدن کرد پیامبر اکرم او را از این کار منع کرد باو فرمود سلمان نسبت بمن آن کاری که ایرانیان نسبت پیداشاهان خود میکنند نکن! من بنده ای از بندگان خدایم مانند بندگان غذا میخورم و مانند آنها

سلمان گفت مولای من شما را بخدا سوگند می دهم مرا از مقام فاطمه علیها السلام در روز قیامت اطلاع دهید. پیامبر اکرم با چهره ای خندان و شاد توجه نموده فرمود قسم بکسی که جانم در دست اوست فاطمه دختری است که از صحرای قیامت می گذرد سوار بر شتری است که سر او از خشیت خدا و چشمانش از نور خدا است آرایش آن از جلال خدا است و گردنش از بهاء الله و کوهانش از رضوان الله و دم او از قدس الله و پاهایش از مجد خدا است اگر راه رود تسبیح میکند و اگر سرعت بگیرد تقدیس میکند بر روی آن هودجی از نور است که در آن هودج دختری از نسل انسان ولی حوریه ای بس ارجمند که آفرینش او از سه چیز جمع و ساخته شده اول آن مشک ناب و سطرش عنبر الشهب و آخر آن زعفران قرمز است که با آب حیات آمیخته شده اگر آب دهان در هفت دریای شور بیاندازد شیرین می شود و اگر ناخن انگشت کوچک خود را بطرف دنیا خارج کند خورشید و ماه را میپوشانند. جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ علی علیه السلام جلو و حسن و حسین پشت سرش خداوند او را نگه میدارد و حفظ میکند.

از صحرای قیامت رد می شود در این موقع ندائی از جانب خدا بلند می شود مردم! چشم بپوشید و سر بزر اندازید این دختر پیغمبر شما است و همسر علی امامتان مادر حسن و حسین از صراط رد می شود چادری سفید دارد وقتی وارد بهشت شود و نگاه میکند ب آنچه خداوند برایش آماده کرده از جاه و جلال این آیه را میخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . \*الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ خداوند باو وحی میکند: ای فاطمه از من بخواه تا بتو عطا کنم و از من درخواست کن تا خشنودت کنم.

او میگوید الهی تو آرزوی من و بالاتر از آرزوی منی از تو درخواست میکنم که دوست من و دوست عترتم را عذاب نکنی خداوند باو وحی میکند: ای فاطمه بعزت و جلال و مقام ارجمندم و بذات خود سوگند خورده ام دو هزار سال قبل از آفرینش آسمانها و زمین که عذاب نکنم دوستان تو را و دوستان عترت ترا با آتش.

### خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد

5- وَ بِإِذِهِ نَادَاهُ عَنْ بِلَالِ بْنِ حَمَّامَةَ قَالَ: طَلَعَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ ص ذَاتَ يَوْمٍ وَ وَجْهُهُ مُشْرِقٌ كَدَارِهِ الْقَمَرِ فَقَامَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَوْفٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا النُّورُ

ص: 428



فَقَالَ بِشَارَةً أَتُنْبِئِي مِنْ رَبِّي فِي أَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي وَأَنَّ اللَّهَ زَوْجٌ عَلِيًّا بِفَاطِمَةٍ وَأَمْرٌ رِضْوَانٍ خَازِنِ الْجَنَانِ فَهَرَّ شَجَرَهُ طُوبَى فَحَمَلَتْ رِقَاعاً يَعْنِي صِدْكَ كَأَنَّ بَعْدَ مُجِبِّي أَهْلَ بَيْتِي وَأَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ وَدَفَعَ إِلَى كُلِّ مَلَكٍ صِدْكَاً فَإِذَا اسْتَوَتْ الْقِيَامَةُ بِأَهْلِهَا نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلَائِقِ فَلَا تَلْقَى مُحِبّاً لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتْ إِلَيْهِ صِدْكَاً فِيهِ فَكَأَنَّهُ مِنَ النَّارِ بِأَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي فَكَأَنَّ رِجَالٍ وَنِسَاءً مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ. إيضاح دفائن النواصب:

39 فيه: ویل لمن یظلمها و یظلم بعلمها امیر المؤمنین علیا ویل لمن یظلم ذریتها و شیعتها.

با همان سند از بلال بن حمامه گفت: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با چهره ای درخشان همچون ماه تابان پیش ما آمد عبد الله بن عوف از جای حرکت کرده گفت یا رسول الله این چه نوری است؟ فرمود: بشارتی است که از جانب خدا در مورد برادر و پسر عمو و دخترم آمده. خداوند باز دواج علی در آورده فاطمه را و دستور داد برضوان نگهبان بهشت که درخت طوبی را تکان دهد تکه های کاغذی بارور گردید بتعداد دوستان اهل بیتم و از زیر درخت طوبی ملائکه ای از نور بوجود می آید و در اختیار هر ملکی یکی از نوشته ها قرار میگیرد وقتی قیامت برپا می شود ملائکه در

میان خلائق فریاد میزنند بهر یک از دوستان ما اهل بیت میرسند یکی از آن نامه ها را که آزادی از جهنم است باو می دهند بوسیله برادر و پسر عمویم و دخترم آزاد میشوند گروهی از امت از آتش جهنم.

### از وحشت روز قیامت در امان است

62- وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِدَاوُدَ الرَّقِّي أَلَا أُحَدِّثُكَ بِالْحَسَنَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِنْ فِرَاقِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَبِالسَّيِّئَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ الْحَسَنَةُ حُبُّنَا وَالسَّيِّئَةُ بُغْضُنَا. حضرت صادق علیه السلام بدادود رقی گفت برایت توضیح ندهم حسنه ای را که هر کس انجام دهد از وحشت روز قیامت در امان است و آن سیئه ای که هر کس انجام دهد خداوند او را بصورت در آتش میاندازد؟ گفتم چرا.

فرمود:

حسنة حب ما است و سيئة دشمنی با ما است.

### اینک برای تو جریانی را میگویم

63- وَعَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ فَقُلْتُ حُبُّكَ فَقَالَ اللَّهُ اللَّهُ مَا جَاءَ بِكَ إِلَّا حُبِّي فَقُلْتُ نَعَمْ

ص: 430

فَقَالَ أَمَا إِنِّي سَأَحَدُّكَ بِشَيْءٍ كَرِهَهَا إِلَهُهُ لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّنِي حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يُحِبُّ وَلَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُبْغِضُنِي حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يَكْرَهُهُ. حارث اعور گفت خدمت امیر المؤمنین علیه السلام رسیدم فرمود: برای چه آمده ای. گفتیم علاقه بشما مرا اینجا آورده فرمود: ترا بخدا راست بگو فقط محبت ترا آورده گفتم آری. فرمود اینک برای تو جریانی را میگویم که پاداش آن را ببینی. هیچ بنده ای نمی میرد که مرا دوست داشته باشد جز اینکه مرا خواهد آن طور دوست دارد و نخواهد مرد بنده ای که با من دشمن است جز اینکه مرا می بیند آن طور که موجب ناراحتی او می شود.

64- وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ لِعُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ يَا بَا صَخْرٍ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّهُ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ أَنْتُمْ وَاللَّهُ عَلَى دِينِي وَدِينِ آبَائِي.

حضرت صادق علیه السلام بعمر بن حنظله فرمود ای ابا صخر خداوند دنیا را هم بکسی که او را دوست میدارد و هم بکسی که با او دشمن است ولی مسأله ولایت را نمیدهد مگر به برگزیدگانش بخدا قسم شما بر دین من و دین آبای من هستید.

65- وَقَالَ عَ وَاللَّهِ لَنَشْفَعَنَّ وَاللَّهِ لَنَشْفَعَنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى

يَقُولُ عَدُوُّنَا فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ إِنَّ شَيْعَتَنَا يَأْخُذُونَ بِحُجْرَتِنَا وَنَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْرَةِ نَبِيِّنَا وَنَبِيِّنَا آخِذٌ بِحُجْرَةِ اللَّهِ.

فرمود بخدا قسم شفاعت خواهم کرد بخدا قسم شفاعت خواهم کرد البته سه مرتبه تکرار کرد تا جایی که دشمن ما میگوید ما شفاعت کننده و دوست مهربانی نداریم شیعیان ما دامن ما را می گیرند و ما دامن پیامبرمان را میگیریم و او چنگ بلطف خدا میزند.

66- وَقَالَ لَهُ زِيَادُ الْأَسْوَدُ إِنِّي أَلَمُّ بِالذُّنُوبِ فَأَخَافُ الْهَلَكَةَ ثُمَّ أَذْكُرُ حُبَّكُمْ فَأَرْجُو النِّجَاءَ فَقَالَ ع وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَقَالَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَقَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص إِنِّي أُحِبُّكَ فَقَالَ إِنَّكَ لَتُحِبُّنِي فَقَالَ الرَّجُلُ إِي وَاللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَّيْتَ.

زیاد اسود بامام عرضکرد من متوجه گناهامم میشوم میترسم که هلاک شوم بعد بیاد محبت شما می افتم امیدوار بنجات می شوم امام علیه السلام فرمود آیا دین جز حب است خداوند می فرماید حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ و فرموده إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ و مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضکرد من شما را دوست دارم فرمود: تو مرا

دوست میداری عرضکرد آری بخدا فرمود تو با آن کسی خواهی بود که او را دوست میداری.

## تعهد خدا

67- جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: مؤمن نزد خدا بیست امتیاز دارد که خداوند برایش وفا خواهد کرد: یکی این است که نفریبد او را و گمراهش نکند و او را عریان نکند و گرسنه اش نکند و او را خوار نگرداند و عزیزش کند و اینکه خدا او را بغرق و یا سوختن نکشد و اینکه بر روی چیزی نیفتد و چیزی بر روی او نیفتد و اینکه او را از حيله حيله گران نگه دارد و از ستم ستمگران و اینکه خداوند او را با ما قرار دهد در دنیا و آخرت و اینکه خداوند بر او مسلط نکند بیماری هائی را که شکل او را بد و زشت میکند.

و او را بر گناه کبیره نمیراند و اینکه خداوند او را نفراموشاند از گناهان تا تجدید توبه نماید و او را از دانش خود مانع نشود و او را عارف بحجت خود نماید و اینکه باطل را از دلش بیرون کند و اینکه خداوند او را روز قیامت محشور نماید در حالی که نورش پیشاپیش می درخشد و او را موفق

ص: 433

برای هر کار نیک کند و دشمنش را بر او مسلط نکند تا خوار و ذلیلش نماید و عاقبت او را با من و ایمان ختم کند و او را با ما قرار دهد در رفیق اعلی اینست تعهد خدا برای مؤمنین.

## روایات در شأن شیعیان

### 1- وَ مِنْ كِتَابِ فَرْجِ الْكَرْبِ،

از کتاب فرج الكرب از ابی بصیر نقل کرده که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای ابا محمد مردم بدسته های مختلف متفرق شدند شما دل بستید باهل بیت پیامبران آنچه خدا میخواست خواستید و آن کس را که خدا دوست میدارد شما دوست دارید و کسی را که خدا انتخاب نموده شما انتخاب نمودید بشارت باد شما را شاد باشید، شما بخدا قسم آمرزیده هستید و حسنات شما را قبول میکنند و از گناهان شما می گذرند آیا موجب شادی تو شدم عرض کردم آری.

فرمود: ای ابا محمد گناه ها از پشت شیعیان ما میریزد چنانچه برگ ها بوسیله باد از درخت می ریزد این آیه همان است که می فرماید: وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الزمر: 75.

فرمود: بخدا قسم ای ابا محمد خداوند در این آیه جز شما را اراده نکرده.

(شبهه این آیه در سوره غافر آیه 7 اینگونه است. الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا).

آیا ترا مسرور کردم گفتم آری اضافه بفرمائید.

فرمود خداوند شما را در کتاب کریمش ذکر کرده رجالٌ صدَقُوا ما عاهدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ أَحْزَاب 23.

منظور این است که شما وفا کرده اید به پیمانی که در مورد ولایت ما از شما گرفته شده و دیگری را بجای ما نگرفتید و فرموده است الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ الزخرف: 67.

بخدا قسم از متقین جز شما را اراده نکرده آیا ترا مسرور کردم عرض کردم آری اضافه بفرمائید.

فرمود خداوند در این آیه شما را ذکر نموده إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ الحجر: 47

بخدا قسم جز شما را اراده نکرده آیا شادت کردم.

عرض کردم آری ولی بیشتر بفرمائید فرمود: در این آیه خداوند از شما یاد کرده فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ النساء: 69،

پیامبر اکرم در این آیه نبیین است ما صدیقین و شهداء هستیم و شما صالحین هستید بخدا قسم شما شیعیان ما هستید آیا مسرورت کردم؟  
گفتم: آری اضافه بفرمائید.

خداوند شما را از تسلط شیطان استثناء کرد فرموده إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانُ الْحَجَرِ: 42.

بخدا قسم جز شما را از این آیه اراده نکرده آیا مسرورت کردم گفتم آری اضافه بفرمائید.

فرمود خداوند می فرماید: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً الزمر: 53. بخدا قسم جز شما را اراده نکرده آیا مسرورت کردم ای ابا محمد؟ گفتم آری بیشتر بفرمائید فرمود ای ابا محمد هیچ یک از پیامبران و پیروان آنها را استثناء نفرموده جز شیعیان ما را فرموده است يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ الدخان: 41 و 42.

آنها که مورد رحمت خدا قرار میگیرند شیعیان ما هستند آیا ترا مسرور کردم؟ عرض کردم:

آری اضافه بفرمائید یا ابن رسول الله فرمود: خداوند شما را در کتاب خود یاد کرده در این آیه هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ  
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ الزمر: 9 ما کسانی



هستیم که میدانیم و دشمنان ما آنها را نمی دانند و شیعیان ما اولوالباب هستند عرض کردم بیشتر بفهمید.

فرمود: یا ابا محمد چند برابر شدن ثواب اعمال شما از حدّ شماره بیرون است. ای ابا محمد هر آیه ای که معنی آن برگشت به بهشت میکند و اهل بهشت را به نیکی یاد میکند در باره ما و شما است و هر آیه ای که اشاره بجهنم دارد در باره دشمن ما و مخالفین ما است بخدا قسم بر دین محمد و ملت ابراهیم جز ما و شما نیست سایر مردم از شما بیزارند ای ابا محمد آیا ترا مسرور کردم گفتم آری یا ابن رسول الله فدایت شوم بعد با شادی و خوشحالی از خدمت امام مرخص شدم.

2- میسر گفت من و علقمه پسر حضرمی و ابو حسان عجلّی و عبد الله بن عجلان منتظر حضرت باقر بودیم خارج شدند و فرمودند خوش آمدید شاد باشید بخدا قسم من بوی شما و ارواح شما را دوست می دارم شما بر دین خدا هستید علقمه گفت هر کس بر دین خود باشد شما برای او گواهی بهشت میدهید مختصری امام علیه السلام توقف نمود سپس فرمود خود را بیازمائید اگر مرتکب کبائر نباشید من گواهی میدهم عرض کردیم کبائر چیست؟ فرمود شرک بخدای بزرگ و خوردن مال یتیم و نسبت ناشایست دادن بزنان شوهردار و

گفت هیچ یک از ما فاعل یکی از اینها نبوده فرمود در این صورت نجات می یابید این ولایت خود را برای خدا قرار دهید مبادا برای مردم باشد زیرا هر چه برای مردم باشد بمردم بر میگردد و هر چه برای خدا باشد ارتباط بخدا پیدا میکند. با مردم بنزاع نپردازید راجع بدین خود زیرا خصومت دل را بیمار میکند خداوند به پیامبرش می فرماید إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَفَرَمُودَهُ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ .

3- وَعَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ شِيعَتُنَا أَقْرَبُ الْخَلْقِ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ بِالسَّلَامِ وَأَهْلُ أَثَرِهِ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَأَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَأَهْلُ دَعْوَتِهِ بِطَاعَتِهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ أَسْ مَاؤُكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُصْلِحُونَ وَأَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَالْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِي الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَإِذَا أَذْنَبْتُمْ اسْتَغْفِرُوا وَأَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَ قُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ- لِلْجَنَّةِ خُلُقْتُمْ وَفِي الْجَنَّةِ نَعِيمُكُمْ وَإِلَى الْجَنَّةِ تَسِيرُونَ. ابو حمزه گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود شیعیان ما نزدیکترین خلق بعرش خدا هستند در روز قیامت و فرمود شما را خداوند تحیت بسلام

میگوید و شما برگزیده رحمت خدائید و کسانی هستید که خداوند توفیق بآنها داده برای جلوگیری از گناه و شما را دعوت باطاعت نموده هیچ باکی بر شما نیست و نه محزون میشوید. اسامی شما در نزد ما صالحین خیرخواه هستید شما اهل رضا هستید بواسطه خشنودی خدا از شما ملائکه برادران شما هستند

در نیکی هر وقت کوشش نمودید دعا کنید و اگر گناهی کردید استغفار نمائید شما بهترین مردم هستید بعد از ما، شهر و دیار شما برایتان بهشت است.

و قبرهای شما برایتان بهشت است برای بهشت آفریده شده اید و در بهشت نعمتهای شما است و بسوی بهشت در حرکت هستید.

### بخدا قسم ما بدیدار شما انسی داریم

4- وَرَوَى خَالِدُ بْنُ نَجِيحٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ مَرْحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا وَ سَهْلًا وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَسْتَأْنِسُ بِرُؤْيَاكُمْ إِنَّكُمْ مَا أَحْبَبْتُمُونَا لِقَرَابِهِ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ وَ لَكِنْ لِقَرَابَتِنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَالْحُبُّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى غَيْرِ دُنْيَا أَصَدَّ بَتْمُوهَا مِنَّا وَ لَا مَالٍ أُعْطِيتُمْ عَلَيْهِ أَجَبْتُمُونَا فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ حُدَّةٍ لَا شَرِيكَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ

ص: 439

فَضَّيْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا وَجْهَهُ وَلَيْسَ يَبْقَى إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُمَّ كَمَا كَانُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الدُّنْيَا فَاجْعَلْهُمْ مَعَهُمْ فِي الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ سِرُّهُمْ عَلَى سِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتُهُمْ عَلَى عَلَانِيَتِهِمْ فَاجْعَلْهُمْ فِي ثَقُلِ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خالد بن نجیح گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدیم فرمود: خوش آمدید شاد باشید و موفق، بخدا قسم ما بدیدار شما انس داریم شما ما را بواسطه خویشاوندی که بینمان باشد دوست نمیدارید ولی برای خویشاوندی ما با پیامبر است این علاقه شما بواسطه پیامبر است نه برای بهره ای دنیوی که از ما ببرید و نه مالی بر این محبت بشما پرداخت شده شما دعوت ما را در راه یکتائی خدا که شریک ندارد پذیرفتید خداوند در باره ساکنین آسمانها و زمین حکمی مقرر نموده فرموده کُلُّ شَيْءٍ إِلَّا وَجْهَهُ همه چیز از بین میرود جز وجه پروردگار چیزی باقی نمی ماند مگر خدای یکتا که شریک ندارد خدایا همان طوری که اینها در دنیا با آل محمد بوده اند در آخرت نیز ایشان را با آل محمد قرار ده خدایا همان طوری که پنهان و آشکار آنها مانند پنهان و سرّ آل محمد است ایشان را در گروه آل محمد در قیامت قرار ده.

5- حارث بن احول گفت از حضرت باقر علیه السلام شنیدم می فرمود پیامبر اکرم بعلی علیه السلام فرمود شبی که مرا با آسمان بردند در بهشت نهری سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل دیدم کنار نهر آفتابه هائی بتعداد ستارگان آسمان بود بر کنارش قبه های یاقوت قرمز و درّ سفید بود جبرئیل با پر خود زد بیک طرف آن ناگاه مشک ناب مشاهده شد.

سپس فرمود قسم بآن کس که جان محمد (صلی الله علیه و آله) در دست اوست در آن بهشت درختی است صدائی به تسبیح بلند میکند که پیشینیان و آیندگان مانند آن صدا را شنیده اند میوه هائی مانند انار میدهد. میوه آن فرو می ریزد برای شخص آن را می شکافد دارای هفتاد زیور است. یا علی مؤمنین بر روی تخت هائی از نور نشسته اند و آنها دارای چهره ای درخشاند و تو امام آنها هستی شخص دارای کفشی است که بند کفش او چنان می درخشد که راهش را روشن میکند هر جای بهشت را که بخواهد. در همین موقع زنی از بالای سر آنها مشرف می شود و میگوید: سبحان الله ای بنده خدا ما را مفتخر نمفرمائی باو میگوید تو که هستی. جواب میدهد من از آن بانوانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید در نزد ما افزون هست (و لدینا من مزید) در همین موقع زن دیگری بر او

مشرف می شود از بالای سرشان و میگوید سبحان الله ای بنده خدا آیا مرا مفتخر نمی فرمائی.

میگوید تو که هستی جواب میدهد من از آن نعمت هائی هستم که خداوند میفرماید فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ هیچ کس نمیداند چه چیزها برای آنها ذخیره شده است از چیزهائی که موجب روشنی چشمش می گردد در مقابل اعمالی که انجام داده اند.

سپس فرمود قسم ب آن کسی که جان محمد در دست اوست هفتاد هزار فرشته پیش او می آیند او را بنام خود و پدرش می نامند.

6- كِتَابُ الْمُحْتَضَرِّ، لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ: 101 و 102.

حسن بن سلیمان سند را می‌رساند به سلمان فارسی رضی الله عنه گفت در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که مرد عربی از بنی عامر وارد شد سلام کرده گفت یا رسول الله از طرف شما پیکی آمد و ما را دعوت باسلام نمود مسلمان شدیم بعد ما را به نماز و روزه و جهاد دعوت کرد دیدیم کار خوبی است بعد ما را از زنا و دزدی و غیبت و کار زشت باز داشت ما هم این کارها ترک کردیم پیک شما بما گفت بر ما واجب است داماد شما علی بن ابی طالب علیه السلام را

ص: 442

دوست بداریم سرّ این چیست با اینکه عبادت شمرده نمیشود.

پیامبر اکرم فرمود: بواسطه پنج امتیاز. اول اینکه من در روز بدر پس از تمام شدن جنگ نشسته بودم که جبرئیل نازل شده گفت خداوند سلامت می‌رساند.

و میگوید من مباحثات کردم امروز بواسطه علی با ملائکه آن موقعی که در بین صفوف جنگ در نبرد بود و الله اکبر میگفت ملائکه با او تکبیر میگفتند.

قسم بعزت و جلالم حب او را ارزانی میدارم بکسی که دوست او باشد و بغضش را بکسی که با او دشمن باشد.

دوم من روز جنگ احد نشسته بودم کار تجهیز عمویم حمزه تمام شده بود که جبرئیل بر من نازل شد. گفت یا محمد خداوند می‌فرماید نماز را واجب کردم.

و آن را از مریض برداشتم و روزه را واجب نمودم اما از مریض و مسافر برداشتم و حج را واجب نمودم اما از ناتوان فقیر برداشتم و زکات را واجب نمودم اما از کسی که مالک نصاب نباشد برداشتم ولی دوستی علی بن ابی طالب را برایش راه فراری نگذاشتم.

سوم. خداوند هیچ کتابی را نفرستاده و نه خلقی را آفریده

جز اینکه برایش سروری قرار داده قرآن سرور کتابهای آسمانی است و جبرئیل سرور ملائکه یا فرمود اسرافیل. و من سرور انبیاء هستم و علی سرور اوصیاء، هر چیزی سروری دارد دوستی من و دوستی علی بهترین چیزی است که بنده مطیع میتواند بوسیله آن بخدا تقرب جوید.

چهارم. خداوند در دلم انداخت که حبّ علی درخت طوبی است که خداوند در بهشت آن را بدست خویش کاشته.

پنجم. جبرئیل گفت روز قیامت برای تو منبری نصب می شود طرف راست عرش و تمام پیامبران در طرف چپ عرش و جلو آن هستند و برای علی یک تخت قرار داده می شود در طرف پهلوی تو بجهت احترام او کسی که دارای چنین امتیازهایی باشد واجب است او را دوست بدارید مرد عرب گفت بدیده می پذیرم و اطاعت میکنم.

7-المحتضر: 97 و 98. و الآیه فی القمر: 55.

جابر بن عبد الله گفت روزی در مسجد مدینه اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته بودیم یکی از اصحاب صحبت از بهشت کرد. ابو دجانة گفت یا رسول الله از شما شنیدم می فرمودی بهشت حرام است بر پیامبران و سایر امت تا وقتی شما داخل شوی- فرمود ابو دجانة! مگر نمیدانی

ص: 444



خداوند پرچمی از نور و ستونی از نور دارد که آن دورا دو هزار سال قبل از آفرینش آسمان ها آفرید بر روی آن پرچم نوشته است «

لا اله الا الله. محمد رسول الله. آل محمد خیر البریه»

صاحب پرچم علی علیه السلام که پیشوای مردم است ابو دجانه گفت خدا را ستایش میکنیم که ما را بوسیله تو هدایت نمود و مفتخر فرمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود نمیدانی هر کس ما را دوست داشته باشد و محبت ما را پذیرفته باشد خداوند او را با ما ساکن میکند و این آیه را خواند فی مقعد صدق عند ملک مقتدر.

8- یَعْقُوبُ بْنُ مِثْمٍ أَنَّهُ وَجَدَ فِي كِتَابِ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيًّا قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ نَعَمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَشَيْعَتُكَ وَمِعَادُكَ وَمِعَادُهُمُ الْحَوْضُ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مَكْحَلِينَ مُتَوَجِّحِينَ قَالَ يَعْقُوبُ فَحَدَّثْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع بِهَذَا فَقَالَ هَكَذَا هُوَ عِنْدَنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع

ثُمَّ قَالَ وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ فِي كِتَابِهِ نَحْوَ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ حَدِيثًا فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ مِثْلُ مَا ذَكَرَهُ فِي هَذَا الْحَدِيثِ أَنَّ خَيْرَ الْبَرِيَّةِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

وَشِيعَتُهُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ هُمْ عَدُوُّهُ وَشِيعَتُهُمْ . المحتضر: 126.

رواه صاحب الكنز في ص 400 والآيه في البيه: 6.

يعقوب بن میثم در نوشته های پدر خود چنین دید که علی بن ابی طالب علیه السلام گفت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود خداوند فرموده: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّیِّهِ کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند بهترین مردمند.

در این موقع روی بجانب علی علیه السلام نموده فرمود آری تو یا علی و شیعیانت هستید وعده گاه تو و آنها حوض کوثر است با چهره ای درخشان چشمهای زیبا و قدم های آراسته با تاج مرصع بر سر.

يعقوب گفت من حدیث را برای حضرت باقر علیه السلام نقل کردم فرمود در نوشته های حضرت علی علیه السلام همین طور نوشته شده است. سپس گفت و محمد بن عباس در کتاب بیست و پنج در تفسیر این آیه نقل میکند شبیه آنچه در همین حدیث نقل شده بود: بهترین مردم امیر المؤمنین و شیعیان اویند و تفسیر الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ کسانی که کافرند از اهل کتاب.

دشمنان علی و پیروان آنهایند.

ص: 446

از کتاب منهج التحقيق روايت کرده از کتاب آل ابن خالويه حديث را بجابر انصاری می‌رساند که پیامبر اکرم می فرمود خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را از یک نور آفرید آن نور را فشرده از فشرده آن نور شیعیان ما خارج شدند ما خدا را تسبیح کردیم آنها تسبیح کردند ما تقدیس کردیم پس آنها تقدیس کردند ما تهلیل کردیم بعد آنها تهلیل کردند ما تمجید کردیم پس آنها تمجید کردند و خدا را بیکتائی ستودیم آنها نیز ستودند.

سپس خداوند آسمانها و زمین و ملائکه را آفرید ملائکه صد سال بود که نه تسبیح و نه تقدس را می دانستند ما تسبیح نمودیم بعد شیعیانمان بعد ملائکه تسبیح کردند همچنین در سایر چیزها پس ما موحدینی هستیم که موحدی غیر ما نبوده، بر خدا شایسته است همان طوری که بما و شیعیانمان امتیاز بخشیده ما و شیعیانمان را در اعلی علین جای دهد خداوند ما و شیعیانمان را برگزید قبل از اینکه بصورت بدن باشیم ما را خواند جواب دادیم ما و شیعیانمان را آمرزید پیش از اینکه استغفار کنیم.

10- أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنَ الشَّيْعَةِ أَنْتُمْ الطَّيِّبُونَ وَنِسَاؤُكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ صَدِيقٌ وَقَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ شَيْعَتَنَا أَقْرَبُ الْخَلْقِ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعْدَنَا وَمَا مِنْ شَيْعَتِنَا أَحَدٌ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا اكْتَنَفَتْ فِيهَا عَدَدٌ مَنْ خَالَفَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ جَمَاعَةً حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَإِنَّ الصَّائِمَ مِنْكُمْ لَيَرْتَعُ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُفْطِرَ . المحتضر: 156.

ابو حمزه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که شنیدم بمردی از شیعیان می فرمود. شما مردان پاک و طیب هستید و زنانتان طیبات هستید و هر مؤمنی صدیق است و شنیدم شیعیان ما نزدیکترین خلق خدا هستند بعرش خدا در روز قیامت بعد از ما. هر یک از شیعیان ما که بنماز می ایستد بتعداد مخالفین عقیده ی او ملائکه اطرافش را می گیرند بر او درود می فرستند دسته جمعی تا از نماز فارغ شود و روزه دار شما در باغ های بهشت می خرامد و ملائکه برایش دعا می کنند تا افطار کند.

11 - عیسی بن ابی منصور گفت ما در خدمت حضرت صادق بودیم من و ابن ابی یعفور و عبد الله بن طلحه امام

علیه السلام بدون سؤال قبلی فرمود ای پسر ابی یعفور هر که دارای شش امتیاز باشد در پیش خدا در طرف راست او قرار خواهد گرفت.

ابن ابی یعفور گفت فدایت شوم آنها چیست؟ فرمود: مرد مسلمان برای برادر خود بخواهد آنچه برای عزیزترین فرد خانواده خود میخواهد و ناپسند شمارد برای برادر خود آنچه برای عزیزترین فرد خانواده خود ناپسند می‌شمارد.

و در راه ولایت خیرخواه او باشد. ابن ابی یعفور گریه کرده گفت چگونه خیرخواه او باشد در ولایت.

فرمود ای ابن ابی یعفور اگر با او آنقدر همبستگی داشته باشد اندوه او اندوه اینست و شادی او شادی این در صورتی که دوستش شاد شود. و محزون می شود بواسطه حزن او اگر بتواند گره از کارش بگشاید می‌گشاید و گرنه دعا برایش میکند. سپس حضرت صادق فرمود سه چیز را باید شما انجام دهید و سه چیز را ما. شما فضل و مقام ما را بشناسید و در مورد فرزندان ما نیز مراعات کنید و انتظار عاقبت ما را داشته باشید. هر کسی چنین باشد در نزد خدا طرف راست او خواهد بود و کسی که در نزد خدا طرف راست باشد از نورش کسانی که پائین از او باشند استفاده خواهند کرد و اما آن کس

که در طرف راست خداست دیگران اگر او را ببینند که در چه ناز و نعمت است زندگی برای آنها خوش نمیگذرد بواسطه فضل و مقامی که از آنها می بینند.

ابن ابی یعفور گفت چرا آنها را نبیند با اینکه طرف راست خدا هستند فرمود آنها پوشیده در نور خدایند مگر این حدیث پیامبر اکرم را نشنیده ای فرموده خداوند را خلقی است طرف راست و در مقابلش صورتشان از برف سفیدتر و از خورشید تابان درخشان تر است سؤال میکنند اینها کیانند؟ گفته می شود اینها کسانی هستند که دوستی آنها در راه خدا بود.

12- نَوَادِرُ الرَّاَوْنَدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَيْتُكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي وَلِأَصْحَابِي.  
نَوَادِرُ الرَّاَوْنَدِيِّ.

نوادر راوندی باسناد خود از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود ثابت ترین شما در صراط کسی است که بیشتر اهل بیت و اصحاب مرا دوست داشته باشد.

13- محمد بن مسلم از جعفر بن محمد از پدرش از آباء گرامش از علی بن ابی- طالب علیه السّلام از پیامبر اکرم صلی

اللّٰه عليه و آله فرمود: یا علی شیعیان ما از قبرهای خود روز قیامت خارج میشوند با عیب ها و گناههایی که دارند صورتهای آنها مانند ماه شب چهارده میدرخشد ناراحتی ها از آنها دور شده و شدائد برای ایشان ساده گردیده بآنها امن و امان عنایت شده و حزن و اندوه از آنها برطرف گردیده مردم میترسند اما آنها ترسی ندارند مردم محزون هستند آنها اندوهی ندارند بند کفش های آنها از نور می درخشد سوار بر شترهای سفیدی هستند که دارای بال هستند رام و آرامند بی آنها مرا بیازاری و سرعت می گیرند بدون ناراحتی و زحمت گردن آنها از طلای قرمز است و نرم تر از حریر این الطاف بواسطه قدر و منزلت آنها است در نزد خدا.

### امام رضا علیه السلام در نیشابور

14 - الأمالی للشیخ الطوسی أمالی الشیخ: 24.

مجالس مفید: ابا صلت هروی گفت با حضرت رضا علیه السلام بوم وقتی داخل نیشابور شد سوار قاطر خاکستری رنگ بود علمای نیشابور باستقبالش خارج شده بودند همین که رسید بسر چهار راه دانشمندان لجام قاطرش را گرفته گفتند

ص: 451

یا ابن رسول الله شما را بحق آباء طاهرینت سوگند می دهیم که ما را حدیثی از آباء گرام خود صلوات الله علیهم نقل فرما.

امام علیه السلام سر از هودج بیرون آورد و تن پوشی از خز داشت فرمود پدرم موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی سرور جوانان بهشت از امیر المؤمنین از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود جبرئیل بمن خبر داد از روح الامین از خداوند پاک و بزرگ فرمود: من خداوند یکتایم که جز من خدائی نیست بندگانم مرا پرستید! بدانید هر که بدیدن من آید با گواهی دادن بلا اله الا الله با اخلاص داخل دژ و حصار من شده و هر که داخل حصار من شود از عذابم در امان است عرضکردند اخلاص شهادت لا اله الا الله چیست؟ فرمود: اطاعت خدا و پیامبرش و ولایت اهل بیت او.

15- وَ رَوَى الْبُرْسِيُّ فِي كِتَابِ مَشَارِقِ الْأَنْوَارِ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ بِيَدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَ هُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا ابْنُ عَلِيٍّ فَأَعْرِفُوهُ فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّهُ لَفِي الْجَنَّةِ وَ مُجَبُّوهُ فِي الْجَنَّةِ وَ مُحِبُّوهُ مُجَبُّوهُ فِي الْجَنَّةِ .

مشارق الأنوار. برسی در کتاب مشارق الأنوار از حذیفه بن



یمان نقل میکند که گفت دیدم پیامبر اکرم دست حسن بن علی علیهما السلام را گرفته و می فرماید مردم! این پسر علی است او را بشناسید سوگند ب آن کس که جان من در دست اوست او و دوستانش در بهشت هستند و دوستان دوستانش در بهشت هستند.

### قبول توبه شیعیان تا دم مرگ

1- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره زوئی عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ ع يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَحْرِمَ شَيْعَتَكَ التَّوْبَةَ حَتَّى تَبْلُغَ نَفْسُ أَحَدِهِمْ حَنْجَرَتَهُ فَأَجَابَنِي إِلَى ذَلِكَ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِغَيْرِهِمْ. كنز جامع الفوائد: 304.

کنز الفوائد: از پیامبر اکرم نقل شده که بعلى عليه السلام فرمود يا على من از خداوند درخواست کردم که شیعیان ترا از توبه محروم نکند تا جانشان بگلو میرسد این درخواست مرا پذیرفت این امتیاز را بدیگری نداده اند.

### نهی بد گفتن به شیعیان

1- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره: 304 و 305.

ص: 453

کنز الفوائد: یونس شحام گفت بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام گفتم بعضی از دوستان شما گنه کارند شراب میخورند و گناهان زشتی مرتکب میشوند که ما از آن بیزاریم فرمود از کارش بیزار باشید ولی از خوبی او بیزار نباشید عملش را دشمن بدارید. گفتم میتوانیم باو بگوئیم فاسق فاجر؟

فرمود نه. فاسق فاجر کافر و منکر ولایت ما است خدا امتناع دارد از اینکه ولی ما فاسق و فاجر باشد گر چه آن کارها را انجام دهد ولی بگوئید فاسق العمل و فاجر العمل و فاجر العمل است اما مؤمن النفس و بدکار است پیکر و روان پاک دارد.

بخدا قسم نه، دوست ما خارج نمیشود از دنیا مگر اینکه خدا و پیامبر و ما از او راضی هستیم خداوند او را با همان گناهی که دارد با چهره ای درخشان محشور میکند عیب هایش پوشیده و دلش آسوده است ترس و اندوهی ندارد.

و این جریان چنین است که از دنیا خارج نمیشود مگر اینکه از آلودگی های گناه پاک می شود یا بمصیبتی در مال یا جان یا فرزند یا بیماری و کمترین کاری که خداوند نسبت

بدوست ما انجام می دهد خواب وحشتناکی می بیند و صبح میکند اندوهگین از این خواب همین کفاره گناهش می شود یا ترس و وحشتی که از طرف دولت باطل بر او وارد می شود و یا بر او سخت گرفته می شود هنگام مرگ بعد بملاقات خدا میرود پاک از گناه با دلی آسوده بواسطه محمد و امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما بعد در پیش روی خود با یکی از دو امر روبرو می شود. رحمت خدا که وسیع تر از تمام مردم جهان است یا شفاعت محمد و امیر المؤمنین علیهما السلام بعد مشمول رحمت وسیع خدا می شود که شایسته آن است و از مزایای آن بهره مند می شود.

### شیعیان در حکم شهید

1- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَى صَاحِبُ كِتَابِ الْبَشَارَاتِ مَرْفُوعاً إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَبِرَ سِنِّي وَدَقَّ عَظْمِي وَاقْتَرَبَ أَجَلِي وَقَدْ خِفْتُ أَنْ يُمْدِرَكَنِي قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الْمَوْتُ قَالَ فَقَالَ لِي يَا بَا حَمْزَةَ أَوْ مَا تَرَى الشَّهِيدَ إِلَّا مَنْ قُتِلَ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي يَا بَا حَمْزَةَ مَنْ آمَنَ بِنَا وَصَدَّقَ حَدِيثَنَا وَانْتَظَرَنَا كَانَ كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ

ص: 455

صاحب کتاب بشارات سند را به حسین بن حمزه میرساند از پدرش نقل میکند که گفت بحضرت صادق عرض کردم فدایت شوم ستم زیاد شده و استخوانم نازک شده و اجلم نزدیک است می ترسم پیش از شناختن امام از دنیا بروم فرمود ای ابا حمزه مگر عقیده ات این نیست که شهید کسی است که کشته شود. گفتم فدایت شوم همین طور است.

فرمود ابا حمزه! هر کس ایمان بما آورد و تصدیق کند حدیث ما را و انتظار ما را داشته باشد مثل کسی است که زیر پرچم قائم است بلکه زیر پرچم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

محل این دو در بالا پیدا شود

برای این حدیث اولی دارد یا مصنف مختصر کرده یا از نسخه او ساقط شده است اول این است: قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: جعلت فداک أرايت الراد علی هذا الامر فهو کالراد علیکم؟ فقال: یا با محمد من ردّ علیک هذا الامر فهو کالراد علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الله تبارک و تعالی، یا با محمد المیت منکم. وفيه: فقال: ای والله وان مات اه.

## سرزنش دشمن ائمه عليهم السلام و اینکه او کافر

است و خونش حلال و ثواب لعنت بر دشمنان ائمه

عليهم السلام

1- ثواب الاعمال: محمد بن مروان از حضرت صادق عليه السلام از آباء گرامش نقل کرد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کس ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی بر می انگیزاند عرض شد یا رسول الله گر چه گواهی بدو شهادت بدهد ( گواهی بلا اله الا الله و محمد رسول الله است).

فرمود آری چون او با اعتراف باین دو گواهی جان خود را حفظ کرده یا جلو پرداخت جزیه را با کمال خواری گرفت.

سپس فرمود هر کسی اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی بر می انگیزاند عرض شد یا رسول الله چگونه چنین چیزی ممکن است فرمود اگر او دجال را درک کند باو ایمان می آورد.

2- امالی: از حضرت صادق عليه السلام شنیدم میفرمود اگر دشمن علی بیاید کنار نهر فرات در حالی که آب موج میزند و تمام اطراف رود را پر کرده و از آن یک کف بیاشامد و بگوید بسم الله. و پس از آشامیدن بگوید الحمد لله این

ص: 457

آشامیدن او مردار یا خون ریخته شده و یا گوشت خوک است.

توضیح: منظور اینست با اینکه آب این قدر فراوان و زیاد است و احتمال اسراف و غصب و سختگیری در آن نیست وقتی از آن آب می آشامد با حفظ آداب مستحب این آب برای او حرام است چون کافر است زیرا نعمتهای دنیا برای مؤمنین حلال شده است نه بر کافران.

### دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و

زناکار باشد

3- امالی شیخ: یعقوب بن میثم تمار غلام زین العابدین علیه السلام گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیدم گفتم فدایت شوم یا ابن رسول الله من در نوشته های پدرم میثم دیدم نوشته است که علی علیه السلام پی‌درم فرموده است: دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و زناکار باشد و دشمن بدار دشمن آل محمد را گر چه روزه- گیر و شب زنده دار باشد من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم میفرمود الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ در این موقع متوجه من شده فرمود بخدا قسم اینها تو و شیعیان تو هستند وعده گاه تو و آنها فردا در کنار حوض است در حالی که چهره ای درخشان و امتیاز دارند و بتاج کرامت

ص: 458

امام باقر علیه السلام فرمود این مطلب عینا در نوشته های حضرت علی هست.

### سعادت‌مند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد

4- امالی شیخ: قاسم بن ولید از پیرمردی از شماله نقل کرد که گفت پیش پیره زنی بس پیر از قبیله بنی تمیم رفتم که برای مردم صحبت میکرد گفتم مرا حدیثی از فضائل علی علیه السلام بفرما گفت برایت حدیث نقل کنم با بودن این پیرمرد که مشاهده میکنی؟! گفتم این پیرمرد کیست؟ گفت ابو الحمراء خادم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است جلو پیرمرد رفتم همین که احساس کرد من آمده ام از جای حرکت کرد و نشست. گفتم خدا ترا رحمت کند مرا حدیثی بگو از آنچه دیده ای پیامبر اکرم نسبت بعلی علیه السلام انجام میدهد و خداوند از آن بازخواست خواهد کرد گفت بسیار خوب پیش شخص واردی آمده ای. روز عرفة پیامبر اکرم خارج شد و پیش ما آمد در حالی که دست در دست علی داشت فرمود ای جمعیت! خداوند افتخار کرد بشما در این روز تا بیامرزد همه شما را بطور عموم در این موقع روی بعلی علیه السلام نموده فرمود: خداوند ترا آمرزید بطور خصوصی.

بعد فرمود یا علی نزدیک من بیا. علی علیه السلام نزدیک رفت فرمود سعادتمند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد و از تو اطاعت کند و بدبخت واقعی کسی است که با تو دشمن باشد و کینه بورزد و دشمنی ترا شعار خود قرار دهد یا علی دروغ گفته کسی که خیال میکند مرا دوست میدارد در حالی که با تو دشمن است هر که با تو جنگ کند با من جنگ کرده و هر که با من جنگ کند با خدا جنگ کرده یا علی هر که با تو دشمنی بورزد با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند با خدا دشمن است نصیب و بهره او هلاک است و خداوند او را در آتش جهنم می افکند.

### **ای علی این شخص همان ریاخ غلام آل نجار است.**

شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا در میان جمعی از اصحاب نشسته بودند که ناگهان چهار نفر از سیاهان جنازه سیاه چهره ای را به دوش گرفته و در حالی که او را میان پارچه ای پیچیده بودند به طرف قبرش حمل می کردند. رسول خدا فرمود او را نزد من آورید. وقتی جنازه را آوردند در مقابل خود به زمین گذاشت و صورتش را باز کرد سپس به علی علیه السلام فرمود ای علی،



این شخص همان ریاح غلام آل نجار است. علی علیه السلام فرمود: به خدا قسم هرگاه مرا می دید تواضع می کرد و خجالت می کشید و می گفت ای علی، تو را دوست دارم. بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد او را غسل دادند و در لباسی از لباس های خودش او را کفن کرد و به همراه مسلمانان تا کنار قبرش تشییع نمود و مردم زمزمه شدیدی را در آسمان می شنیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اِنَّهُ قَدْ شِيعَهُ سَبْعُونَ اَلْفَ قَبِيلَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، کل قبيله سبعون الف ملک، واللّه ما نال ذلک الا بمحبّتك يا علی. هفتاد هزار گروه از فرشتگان او را مشایعت کردند که هر گروهی هفتاد هزار نفر بودند، و به خدا قسم جز به محبت و دوستی علی علیه السلام به این مرتبه نرسید. سپس رسول خدا با دست خود او را در میان قبر نهاد و بعد از آنکه از او برای مدّتی روی خود را برگردانید خاک ها را روی آن ریخت. اصحاب فرمودند ای رسول خدا! دیدیم شما مدتی از او روی برگرداندی، سپس قبر را با خاک پوشاندی. علتش چه بود؟ یغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این بنده فرمانبردار خدا تشنه از دنیا رفته بود. همسران بهشتی او یعنی حورالعین با شتاب برایش از بهشت آب آوردند و او چون

غیرتمند است دوست نداشتم با نگاه کردن به همسرانش او را محزون سازم، مدتی از او روی برگرداندم تا آب آشامید.

5- امالی شیخ: محمد بن حنفیه از پدر خود نقل کرد که فرمود خداوند چیزی از سگ بدتر نیافریده ناصبی از او هم بدتر است.

6- مجالس مفید و امالی شیخ: ابی صیرفی گفت از حضرت باقر علیه السلام شنیدم می فرمود: خدا بیزار باشد از کسی که کناره گیری از ما میکند و لعنت کند کسی را که ما را لعنت میکند خدا هلاک کند شخصی را که با ما دشمن است خدایا تو میدانی ما واسطه هدایت آنهایم ما را در راه تو دشمن میدارند پس خود به- تنهائی ایشان را عذاب فرما.

7- تفسیر قمی: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد در مورد آیه وَ مِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ فرمود کسانی که ایمان نمی آورند باو دشمنان آل محمدند و منظور از فساد در آیه مخالفت با خدا و پیامبر است.

8- عیون اخبار الرضا: با سه سند از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل میکند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بهشت حرام شده است بر کسی که اهل بیت مرا

ستم کند و بر کسی که با آنها جنگ نماید و بر کسی که بر ضرر آنها قدم بر- دارد و بر کسی که بآنها ناسزا گوید اینها را در آخرت بهره ای نیست و با آنها خدا سخن نمی گوید و نه بآنها توجه می نماید در روز قیامت و نه پاکشان میکند و دچار عذابی سخت میشوند.

9- تفسیر منسوب بامام: حضرت صادق علیه السلام در آیه اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ فرمود یعنی ما را راهنمایی کن براه راست. یعنی براهی دار که ما را برساند بمحبت تو و مانع شود از پیروی هوای نفس که موجب نابودی ما است و با متکی شدن ب آراء خود هلاک میشویم.

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود خوشا بحال کسانی که مطابق فرموده پیامبر اکرمند.

آن جناب فرمود بار این علم را بدوش می گیرند از هر جمعیتی بازماندگان پاک و عادل که مانع از تحریف و تغییر دادن سرکشان و ادعای یاوه سرایان و تاویل و توجیه نادانان میشوند.

مردی از حاضرین عرضکرد یا ابن رسول الله من عاجزم از اینکه با بدن خود شما را یاری کنم جز بیزاری از دشمنان شما و لعنت بر آنها کاری از دستم نمی آید حال من چگونه است؟

حضرت صادق علیه السلام در جواب او فرمود پدرم از پدرش از جدش از پیامبر اکرم صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود هر کس ناتوان باشد از یاری ما اهل بیت ولی در خلوت دشمنان ما را لعنت کند خداوند صدای او را بتمام ملائکه جهان از زمین تا عرش میرساند هر وقت او لعنت کند با او هم زبان میشوند و کسی را که او لعنت میکند آنها نیز لعنت میکنند بعد او را میستایند و میگویند خدایا درود فرست از جانب خود بر این شخصی که باندازه قدرت خود خدمت کرد اگر بیشتر میتواندست انجام میداد. ندائی از جانب پروردگار بر می آید که دعای شما را پذیرفتم و صدایتان را شنیدم درود بر روح او فرستادم در میان ارواح و او را در نزد خود از برگزیدگان نیک سیرت قرار دادم.

### من و خدا و تمام انبیاء آنها را لعنت کرده اند

12 - تفسیر فرات: حضرت صادق علیه السلام فرمود هر دشمن ما و ناصبی منسوب باین آیه است **وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ . عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ . تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً . تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ .**

مجلسی میگوید: در فردوس ابن شیرویه نقل میکند از ابن عباس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود چهار نفرند که من و خدا و تمام انبیای دارای مقام اجابت آنها را

لعنت کرده اند.

1 - کسی که در کتاب خدا بیفزاید 2 - تکذیب قدر خدا را نماید. 3 - کسی که خویشتن را با جبروت بزرگ شمارد تا خوار کند آن کسی را که خدا عزیز کرده و عزیز نماید کسی را که خدا ذلیل کرده 4 - و کسی که حلال شمارد در باره عترتم آنچه را خدا حرام نموده.

13 - ابن بطریق در عمده از تفسیر ثعلبی در باره آیه عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ نقل میکند که گفت چکاوک در صدای خود میگوید خدایا لعنت کن دشمن آل محمد صلی الله علیه و آله را.

### **دست را در دست من بگذار من و تو از یک درخت**

آفریده ایم

14 - و نیز در کتاب فضائل الصحابه سمعانی باسناد خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل میکند که من و علی در خدمت پیامبر اکرم بودیم در عرفات. پیامبر اکرم اشاره بعلی علیه السلام نموده فرمود: دست را در دست من بگذار من و تو از یک درخت آفریده شده ایم من اصل آن هستم و تو تنه آن و حسن و حسین شاخه های آن هستند هر کس چنگ یکی از شاخه های آن بزند داخل بهشت شده یا علی اگر امت من روزه

ص: 465

بگیرند تا همچون کمان خمیده شوند و نماز بخوانند تا چون نخی باریک گردند ولی ترا دشمن بدارند خداوند آنها را برو در آتش میافکند.

15- در کتاب فضائل الصحابه: از کتاب فردوس. از جابر بن عبد الله. گفت پیامبر اکرم فرمود سه چیز است که هر کس دارای یکی از آنها باشد نه از من محسوب می شود و نه من از او. هر که علی را دشمن بدارد و برای اهل بیت من علم مخالف بپا کند و ناصبی باشد. و هر که بگوید ایمان فقط اقرار با زبان است.

16- ابن شاذان از موسی بن جعفر از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود وارد بهشت شدم دیدم بر در آن نوشته است.

لا اله الا الله محمد حبيب الله علي بن ابي طالب ولي الله فاطمه امه الله و الحسن و الحسين صفوه الله بر دشمنان ایشان لعنه الله.

### **ما را وادار بر فحش دادن بعلي عليه السلام کرد.**

17- عبد الرحمن بن سائب از پدرش نقل کرد که زیاد ما را در میدان جلو قصر خود جمع کرد داخل قصر و میدان پر از جمعیت بود و ما را وادار بر فحش دادن بعلي عليه السلام و

ص: 466

بیزاری از او کرد مردم گرفتار ناراحتی بزرگی شدند.

پدرم گفت من در همان حال مختصر چرتی زدم در خواب دیدم شخصی گردن دراز که مژه های چشمش دراز بود مویهایش ریخته بود و لبهای بزرگی داشت از آسمان بزمین سرازیر شد. من ترسیدم و گفتم تو کیستی. گفت من نقاد ذو الرقبه هستم خدا مرا فرستاده پیش صاحب این قصر. از خواب بیدار شدم و جریان را بدوستان گفتم. گفتند تو دیوانه شده ای. هنوز متفرق نشده بودیم که مأموری آمد و گفت بخانه های خود بروید که امیر گرفتار ناراحتی شده.

متوجه شدیم که گرفتار سکنه گردیده عبد الرحمن این شعر را سرود:

ما کان منتھیا عما اراد بنا حتی تناولہ النقاد ذو

الرقبہ

فاسقط الشق منه بضربه ثبتت کما تناول منه صاحب الرقبہ

از ما دست برنداشت تا نقاد ذو الرقبه گریانش را گرفت با یک ضربت کارش را ساخت همان طوری که او امیر المؤمنین علیه السلام را بیاد ناسزا گرفت.

**مگر نمیدانی خانه من خانه تو است**

23-زید بن علی از پدر خود و از جدہ خویش از امیر

ص:467

المؤمنین علیہ السلام نقل کرد که گفت وارد خدمت پیامبر اکرم شدم در یکی از خانه هایش اجازه ورود خواستم اجازه داد همین که داخل شدم فرمود: مگر نمیدانی خانه من خانه تو است چرا اجازه میخواهی. گفتم یا رسول الله من مایلم این کار را بکنم. فرمود آنچه را خدا میخواهد تو خواستی و بآداب خداوند پرداختی مگر نمیدانی یا علی خداوند و خالق و رازق من امتناع ورزیده از اینکه من سرّ و رازی داشته باشم که تو مطلع نباشی یا علی وصی من هستی پس از من تو مظلوم و مغلوب هستی بعد از من، یا علی کسی که در راه تو ثابت قدم باشد با من خواهد بود و کسی که از تو جدا شود از من جدا شده یا علی دروغ گفته کسی که گمان کرده مرا دوست میدارد ولی با تو دشمن باشد چون خدا من و ترا از یک نور آفریده.

### **دشمن ما خانواده از بت پرست بدتر است.**

30 - ثواب الاعمال: ابو بصیر گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود شراب خوار مثل بت پرست و دشمن ما خانواده از او بدتر است. عرض کردم فدایت شوم چه کس از بت پرست بدتر است؟ فرمود شراب خوار را ممکن است روزی شفاعت فرا- گیرد اما دشمن ما خانواده را اگر تمام اهل



آسمانها و زمین شفاعت کنند شفاعت آنها پذیرفته نمیشود.

31- ثواب الاعمال: حمران از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود اگر تمام ملائکه ای که خدا آفریده و همه انبیای فرستاده شده و هر صدیق و همه شهیدان شفاعت کنند در باره ناصبی و دشمن ما اهل بیت که از آتش جهنم خارج شود خداوند هرگز او را خارج نخواهد کرد خداوند در قرآن میفرماید مَآكِثِنَّ فِيهِ أَبَدًا در آنجا خواهند بود همیشه.

توضیح: این آیه در مورد اهل بهشت است ولی ممکن است استدلال بواسطه مفهوم آیه باشد که دلالت میکند غیر مؤمن صالح در بهشت نخواهد بود چه رسد به کسی که ایمان ندارد شاید بر راوی اشتباه شده زیرا آیه وَ نَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَآكِثُونَ اشتباه در لفظ مکث شده.

### خداوند مرجئه را کور محشور مینماید

32- ثواب الاعمال: علی بن سلیمان سند را بامیر المؤمنین علیه السلام می‌رساند که فرمود خداوند مرجئه را کور محشور مینماید و امام آنها نیز کور است بعضی از مردم که آنها را می بینند میگویند ما امت محمد را جز کور ندیدیم بآنها میگویند اینها امت محمد نیستند اینها تغییر دادند. خداوند هم آنها را تغییر داد.

چون موجب تغییر شدند خدا هم وضع آنها را دگرگون

کرد.

33- ثواب الاعمال: ابو سعید گفت حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود خداوند در موقع هر نماز که مردم میخوانند آنها را لعنت میکند عرض کردم فدایت شوم چرا فرمود بواسطه انکار کردن حق ما و تکذیب نمودن ما.

34- ثواب الاعمال: حنان بن سدیر گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود دشمن علی از دنیا خارج نخواهد شد مگر اینکه جرعه ای از حمیم جهنم می آشامد فرمود برای کسی که مخالف امامت باشد مساویست چه نماز بخواند و چه زنا کند.

35- در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام میفرماید دشمن و ناصب اهل - بیت فرقی ندارد روزه بدارد یا نماز بخواند زنا کند یا دزدی نماید او در آتش است او در آتش است.

36- ثواب الاعمال: ابو سعید مکاری از مردی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که حضرت علی علیه السلام فرمود دشمن ما بر کنار گودالی از آتش است او را سرایشب آتش جهنم نموده مرگ بر اهل جهنم باد در جایگاهشان.

خداوند میفرماید فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ هیچ کس تقصیر از

ص: 470

حب و دوستی ما ندارد بواسطه چیزی که خدا در او قرار داده (که چون شخص خوبی است در محبت ما تقصیر کند).

37- ثواب الاعمال: علی صائغ گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود مؤمن شفاعت میکند دوستش را مگر اینکه ناصبی باشد اگر در باره ناصبی تمام پیمبران مرسل و تمام ملائکه شفاعت کنند شفاعت آنها پذیرفته نمیشود.

38- ثواب الاعمال: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که نوح در کشتی سگ و خوک قرار داد ولی ولد زنا را راه نداد و ناصبی از او بدتر است.

39- ثواب الاعمال: عبد الحمید گفت بحضرت باقر علیه السلام عرض کردم همسایه ای دارم که تمام کارهای زشت را انجام میدهد تا جایی که نماز نمیخواند تا چه رسد بدیگر اعمال فرمود سبحان الله چه کار بزرگی. فرمود بتو اطلاع ندهم از کسی که بدتر از اوست گفتم چرا فرمود ناصبی و دشمن ما بدتر از اوست.

40- محاسن: محمد بن علی یا دیگری میگوید بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم آیا حذیفه بن یمان منافقین را می شناخت مردی گفت او دوازده نفر را می شناخت و شما دوازده هزار نفر را میشناسی خداوند تبارک و تعالی میفرماید:

لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ میدانِ بد زبانی چیست.

عرض کردم نه بخدا فرمود بغض علی بن ابی طالب پروردگار کعبه قسم.

توضیح: یعنی کفر و نفاق آنها از آنچه خارج می شود از دهنشان راجع

به بغض و دشمنی با علی علیه السلام معلوم می شود.

و در مجمع از خدری روایت کرده که گفت (لحن القول) دشمنی با علی بن ابی طالب علیه السلام است گفت ما منافقین را در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میشناختیم با همین کینه و دشمنی که با علی بن ابی طالب علیه السلام است. گفت ما منافقین را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله میشناختیم با همین کینه و دشمنی که با علی بن ابی طالب علیه السلام داشتند.

شبهه همین روایت از جابر نیز نقل شده و انس گفت هیچ منافقی بعد از نزول این آیه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پنهان نبود.

41- محاسن: ابو بصیر گفتم آیا بنظر شما کسی که رد کند این امر را مثل کسی است که شما را رد کرده باشد فرمود ای ابا محمد هر کس بر تو این امر را (منظور اعتقاد بامامت است) رد کند او مانند کسی است که بر پیامبر اکرم رد کرده.

42- محاسن: ابو بصیر گفت بحضرت صادق علیه السلام

ص: 472

عرض کردم آیا کسی که با علی آغاز جنگ کند مثل کسی است که با پیامبر جنگ نموده فرمود آری بخدا کسی که با توستیز کند این کار او بواسطه اعتقاد تو است او نیز مثل کسی است که جنگ با پیامبر اکرم کرده.

43- محاسن: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است کسانی که ترک ولایت علی را کنند و منکر فضل او باشند و کسانی که دشمنان او را کمک کنند از اسلام خارجند هر کدام بر همین عقیده از دنیا روند.

44- مناقب: از حضرت باقر علیه السلام راجع باین آیه سؤال کردند وَفَقَّوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (در متن حدیث خود آیه نقل نشده بلکه نقل بمعنی شده است).

فرمود آنها را نگه میدارند و سؤال میکنند چطور شد حالا- در آخرت با یک دیگر همداستان و همکار نمیشوید در راه مخالفت با علی چنانچه در دنیا این کار را میکردید خداوند میفرماید: بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ . وَاقْبَلْ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ تَا (مجرمین) امروز دیگر تسلیم هستند بعضی بعض دیگر را سرزنش میکنند.

45- تفسیر عیاشی: طیالسی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که سؤال کردم از این آیه وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ فرمود آیا دیده ای کسی خدا را فحش دهد عرض کردم فدایت شوم پس چگونه است؟

فرمود هر کس ولی خدا را فحش دهد خدا را ناسزا گفته.

(مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بخش امامت).

### اعتقادات صدوق:

اعتقاد ما در باره ظالمین این است که آن ها مورد لعنت خدایند و بیزاری از آن ها واجب است خداوند میفرماید: وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ . الَّذِينَ يَصَّدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ .

ابن عباس در تفسیر این آیه میگوید: سبیل الله در این آیه علی بن ابی - طالب است.

امام در قرآن دو نوع است

1- امام هدایت کننده

ص: 474

2- امام گمراه کننده. خداوند در قرآن میفرماید وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا السجده: 24. و در مورد امامان گمراه کننده میفرماید وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ . القصص: 41 و 42.

وَ اتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعَنَهُ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ .

چون این آیه نازل شد: وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً الأنفال: 25. پیامبر اکرم فرمود: هر کس علی علیه السلام را مورد ستم قرار دهد که جانشین من بعد از مرگم هست مثل کسی است که منکر پیامبری من و پیامبران قبل از من است هر که دوست ندارد ظالمی را او خود ظالم است خداوند میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنَّ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ التوبه: 23.

و در این آیه می فرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الممتحنه: 13.

و در این آیه می فرماید لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ المجادله: 23.

و در این آیه میفرماید وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ. هود: 113.

ظلم عبارت است از قرار دادن چیزی در غیر محل خودش. پس کسی که ادعای امامت کند با اینکه امام نباشد او ظالم و ملعون است و هر که امامت را نسبت دهد بکسی که شایسته آن نیست او نیز ظالم و ملعون است. پیامبر اکرم فرمود: هر کس منکر امامت علی بعد از من بشود منکر نبوت من شده و هر که نبوت مرا منکر شود منکر خدا شده است.

پیامبر اکرم بعلی علیه السلام فرمود: یا علی تو پس از من مظلوم خواهی بود هر که بتو ستم روا دارد بمن ستم روا داشته و هر که حق ترا مراعات کند حق مرا مراعات نموده و هر که منکر تو شود منکر من شده هر کس ترا دوست داشته باشد مرا دوست داشته و کسی که دشمن تو باشد دشمن من شده و هر که پیرو تو باشد پیروی از من نموده و کسی که با تو مخالفت کند با من مخالفت نموده.

اعتقاد ما اینست که منکر امامت علی بن ابی طالب و امامان پس از او مانند کسی است که منکر نبوت انبیاء باشد.

و اعتقاد ما در باره کسی که اقرار بامیر المؤمنین داشته باشد ولی منکر یکی از ائمه پس از او باشد مانند کسی است



که ایمان بتمام انبیاء داشته باشد ولی منکر نبوت پیامبر ما باشد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: کسی که آخرین نفر ما را منکر شود مثل کسی است که منکر اولی ما باشد.

وَقَالَ النَّبِيُّ ص الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي.

وَقَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ائمه علیهم السلام بعد از من دوازده نفرند که اولی آنها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و آخری آنها قائم است اطاعت از آن ها اطاعت از من و مخالفت با آنها مخالفت با من است و هر کس منکر یکی از آنها باشد منکر من شده.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس شک در کفر دشمنان و ظالمین ما داشته باشد او کافر است.

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: من پیوسته از زمان تولد مظلوم بوده ام بطوری که گاهی عقیل بدرد چشم مبتلا میشد میگفت من نمیگذارم دوا بچشم من بکنید مگر اینکه اول بچشم علی بنمائید با اینکه من مبتلا به درد چشم نبودم.

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ وَلَدْتَنِي أُمِّي حَتَّى إِنَّ عَقِيلًا كَانَ يُصَيِّبُهُ رَمْدٌ فَقَالَ لَا تَذُرُونَنِي حَتَّى تَذُرُوا عَلِيًّا فَيَذُرُونَنِي وَمَا بِي رَمْدٌ .

وَاعْتِقَادُنَا فِيمَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا ع كَقَوْلِ النَّبِيِّ ص مَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا فَقَدْ قَاتَلَنِي وَقَوْلِهِ مَنْ حَارَبَ عَلِيًّا فَقَدْ حَارَبَنِي وَمَنْ حَارَبَنِي فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ .

وَقَوْلِهِ ص لِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ .

وَ أَمَّا فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَاعْتِقَادُنَا أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ لِغَضَبِهَا وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا وَ أَنَّهَا خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا سَاخِطَةً عَلَى ظَالِمِهَا وَ غَاصِبِهَا وَ مَانِعِي إِزْنِهَا .

وَقَالَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةُ بَصَّةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِي وَ مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي امير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: من پیوسته از زمان تولد مظلوم بوده ام بطوری که گاهی عقیل بدرد چشم مبتلا میشد میگفت من نمیگذارم دوا بچشم من بکنید مگر اینکه اول بچشم علی بنمائید با اینکه من مبتلا به درد چشم نبودم.

اعتقاد ما در باره کسی که با علی علیه السلام جنگ کند

مانند فرمایش پیامبر است که فرموده هر که با علی جنگ کند مثل کسی است که با من جنگ کند و فرمایش دیگر پیامبر: که هر کس با علی جنگ کند با من جنگ کرده و با خدا جنگ نموده.

و فرمایش دیگر پیامبر بعلی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین که من جنگ دارم با کسی که با آنها جنگ کند و در حال صلح هستم با کسی که با آن ها مسالمت نماید.

اما در باره حضرت فاطمه علیها السلام معتقد هستیم که بهترین زنان جهان است از گذشتگان و آیندگان خداوند بواسطه خشم او خشمگین می شود و با خشنودی او خشنود میگردد فاطمه علیها السلام از دنیا رفت در حالی که خشم داشت بر ستمگران خود و غاصبین حقش و کسانی که مانع ارث او شدند.

وَقَالَ ص فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ يَسُوفُنِي مَا سَاءَ مَا يَسْرُتُنِي مَا سَرَّهَا وَاعْتِقَادُنَا فِي الْبِرَاءَةِ أَنَّهَا وَاجِبَةٌ مِنَ الْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ وَالْإِنَاثِ الْأَرْبَعِ وَمِنْ جَمِيعِ أَشْيَاءِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَنَّهُمْ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَتِمُّ الْإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِالْأَمَّةِ إِلَّا بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. اعتقادات الصدوق:

114-111.

ص: 479

پیامبر اکرم فرموده: فاطمه پاره تن من است هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که او را بخشم آورد مرا خشمگین نموده و هر که او را مسرور نماید مرا مسرور کرده.

و فرموده: فاطمه پاره تن من و اوروح من است که در کالبد من است مرا ناراحت میکند هر چه او را ناراحت کند و مرا مسرور می نماید هر چه او را مسرور کند.

اعتقاد ما در مورد بیزاری از دشمنان آنها اینست که برائت واجب است از آن چهار بت و چهار زن و از تمام پیروان و یاران آنها و اعتقاد داریم که آنها بدترین خلق خدایند. اقرار بخدا و پیامبر و ائمه تکمیل نمیشود مگر با بیزاری از دشمنان آنها.

ص: 480

نام: محمد نام خانوادگی: امینی گلستانی ش ش 15 فرزند:

حاج سردار مرحوم کشور: ایران، استان: اردبیل روستای گلستان.

تخصص: فلسفه و فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ. تألیفات (33). تحصیلات (خارج فقه و اصول و فلسفه). استادان معروف از مراجع و غیرهم (21 نفر).

در سال 1329 شمسی از زادگاهم قریه گلستان در 30 کیلومتری اردبیل نزدیک شهرستان (نیر) به مدرسه علمیه ملا ابراهیم اردبیل وارد و پس از گذراندن دوره مقدماتی صرف و نحو و منطق از استاد سید مسلم خلخالی و شیخ سعید اصغری و غیرهما.

در سال 1331 به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا (آقایان شیخ عبدالکریم ملانی و سید جواد خطیبی و میرزا احمد پایانی و مسلم ملکوتی و میرزا محسن دوزدوستانی و غیرهم) استفاده نموده است، و در نیمه دوم سال 1334 به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا (آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و مراجع دیگر و شیخ مجتبی لنگرانی و عارف بزرگ شیخ محمدعلی سرابی و آقای

تسوجی وسید اسدالله مدنی آذرشهری و غیرهم دروس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و غیره)، استفاده نموده ام. و در تاریخ 1340 از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل با صبیبه آیت الله حاج شیخ علی عرفانی از شاگردان علامه محمدحسین نائینی و هم دوره آیات عظام سید ابوالقاسم خوئی و سید محسن حکیم ازدواج کرده و به مدت یازده سال در آن شهر که آن وقت یک روستای کوچک بیش نبود اقامت نموده ام. در طول این مدت مشغول کارهای تبلیغی و علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشته ام.

مانند.

1- مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت 800 متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات و فضای باز مسجد 1400 متر.

2- احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

4- تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از 17 صندوق شروع و

ص: 482

فعالاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فراگرفته است.

5- اگر عمری باقی باشد در فضای حیاط آن حوزه علمیه خواهران، تأسیس نمایم انشاءالله.

در سال 1351 شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نموده و مقیم گشته و در خلال مدت 14 سال اقامت در اردبیل به کارهای روحانیت و تبلیغاتی اسلامی و 11 سال سرپرستی حجاج بیت الله الحرام را ادامه داده ام.

در سال 1357 شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و در بحبوحه انقلاب اسلامی در نازی آباد ساکن شده و پس از پیروزی انقلاب .

در سال 1359 به اردبیل برگشته مشغول کارهای روحانیت خود شده و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشته ام. تا اینکه در سال 1365 دوباره به تهران برگشته و در خانه خیابان دانشگاه جنگ ساکن گشته و مشغول تبلیغ و تفسیر و کارهای مربوط به روحانیت شده ام. تا این که در سال 1375 از تهران به قم هجرت نموده و در خانه پشت صدا و سیما ساکن شدم.

در سال 1375 شمسی در اردبیل زلزله ویرانگر به وقوع پیوست که در اثر آن تعداد یک صد و یازده روستا را از 25

ص: 483

درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد.

در سال 1381 بنا به دعوت بزرگان سرعین جهت تبلیغ ماه مبارک رمضان، دوباره به آنجا رفته و با دیدن وضع مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و تقویت و توسعه داده و تعداد چهار باب مغازه برای هزینه مسجد، و ایجاد گنبد و مناره ها و کاشیکاریهای آنرا انجام داد.

در این سفر باز در سرعین و اطراف، به کارهای امور خیر شروع و ادامه دادم از جمله.

1- مسجد مجلل باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام به مساحت 1500 متر با متعلقات آن که در سال 1382 تا سال 1392 ادامه پیدا کرد، و الان مورد استفاده مردم محل و دهها هزار مسافر شهرتوریستی می باشد و در نظر است که اگر عمری باقی باشد، تأسیس حوزه علمیه برادران و درمانگاه عمومی و 15 باب مغازه برای هزینه های مسجد را شروع نمایم انشاءالله.

2- در زادگاهم روستای گلستان، که در اثر زلزله دو مسجد آنجا خراب شده بود، مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) را بنا و



تأسیس نموده و به پایان رساندم.

3- در سال 1382 مسجد مجللی در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورتچی احداث و در سال 1384 تقریباً به اتمام رسید و مورد استفاده قرار گرفت.

4- احداث غسال خانه های متعدد در روستاهای اطراف سرعین.

5- با حصارکشی قبرستان سرعین که در وسط شهر، زیر پای حیوانات و مورد تجاوز ساکنین دور و بر قبرستان بود، محافظت نمودم.

در دوران سکونت جدید قم مشغول تألیفات متعدد گشته ام، که تعدادی از آنها را از نظر خوانندگان عزیز می گذرانم.

### **تالیفات چاپ شده از مؤلف**

1- سرچشمه حیات -وزیری یک جلد 402 صفحه.

در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، درباره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و

ص:485

محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه 4 مرتبه چاپ شد و فعلاً کمیاب می باشد.

2- سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دو جلد ضخیم وزیری 1283 صفحه در باره کیفیت کشورداری و مدیریت آن حضرت کشوری به وسعت کره زمین را از نظر فرهنگی و قضائی و اقتصادی و نظامی و اجتماعی و هزاران مطالب نو و متنوع در این مورد که امتیازش را به انتشارات مسجد مقدس جمکران، واگذار و آن را چاپ و نشر می کند.

### **خواب سیده سکینه خانم طباطبائی**

در 29 ماه صفر سال 1386 در روز آخر مجالس روضه دخترم امینه خانم در شهر قدس من صحبت کردم و برای خانمها مسائل گفته و موعظه کرده و در نهایت چون روز شهادت امام رضا علیه السلام بود، به امام رضا علیه السلام توسل نمودم، چند روز بعد دخترم امینه گفت: بابا یک نفر سیده خانم هست به نام سکینه طباطبائی که آن روز در مجلس روضه حضور داشت باگریه شدید گفت: از مجلس شما که رفتم شب خوابیدم در خواب دیدم در مجلس روضه شما هستم، ناگهان

ص: 486

یک نفر سید نورانی که من تا آن روز شخصیت چنانی با آن نورانیت ندیده بودم وارد شد و مستقیماً رفت پیش حاجی آقا (یعنی من) و روبرو نشست و حاجی آقا در دستش دو جلد کتاب بود و با زبان عربی باهم صحبت زیاد نمودند و من هم پشت سر آن آقا نشسته گریه می کردم و به من متوجه شده و فرمود: زیاد گریه نکن چشمهایت خراب می شود تو که هر هفته نزد من هستی، دوباره با حاجی آقا به صحبت ادامه دادند و می دانستم راجع به آن کتاب صحبت می کردند، حاجی آقا آن دو جلد کتاب را به آن آقا تحویل داد و ایشان هم تحویل گرفتند و چون آتش شما را من تقسیم می کردم آن آقا به من فرمود: به هرکس که از آتش می دهید هم نامش را بنویسید و هم آن را مهر نموده به من دهید و ما هم به این دستور عمل کردیم و تمامی آنها را لای کتاب حاجی آقا گذاشت و با خود برد، در این حال من به صدای گریه خودم از خواب بیدار شدم.

البته آن دو جلد کتاب (سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام) است که در باره حالات و نحوه مدیریت و حکومت آن حضرت بعد از ظهور نوشته ام که انشاء الله مورد قبول آن آخرین امید شیعیان، قرار گرفته است و امتیاز آن را مسجد

مقدس جمکران قم از من گرفت و خودشان چاپ کردند که خدا را شکر مورد قبول اقشار مختلف جامعه قرار گرفته است که

در مدت یک سال دوبار با تیراژ بالا 16 هزار جلد چاپ شده است والحمدلله.

3- از مباهله تا عاشورا - در یک جلد وزیری 684 صفحه در باره مباهله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نصارای نجران و سر انجام تسلیم آنها و مقایسه آن جریان با سرگذشت پنج تن آل عبا علیهم السلام و عدم تسلیم مسلمان نماهای دشت کربلا به امام حسین علیه السلام فرزند آن حضرت و شهید کردن آن امام را با مظلومیت تمام. این کتاب حاوی مطالب جالب و مفید فراوان می باشد.

4- والدین دو فرشته جهان آفرینش - در یک جلد وزیری در 320 صفحه در باره حقوق متقابل والدین و اولاد در برابر هم از نظر آیات و اخبار و گفتار بزرگان و مطالب فراوان در این مورد.

5- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی - وزیری 276 صفحه. کتابیست تحقیقی و تحلیلی درباره ازدواج جوانان عزیز و راهنمایی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام

ص: 488

العمر، از منظر آیات و اخبار و... که در واقع مکمل کتاب والدین دوفرشته جهان آفرینش می باشد.

6- کتاب مهم اسلام فراتر از زمان -درباره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می گیرند، دین اسلام چگونه می تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند.

در این کتاب قسمت مهمی از پیشگوئیهای بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل: یا کمیل بن زیاد هاهنا موضع قبرک ثم أشار بیده المبارکه یمیناً و شمالاً و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور و قصور ما من بيت في ذلك الزمان الا و فيه شيطاناً أریل).

کلمه اریل لغت انگلیسی است که به گیرنده و آنتن اریال گویند، حضرت 1400 سال پیش نه انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سیأتی: زمان علی امتی یخربون قباب الأئمه بالبناديقبه زودی می آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد)های قبرهای امامان را با بندق ها (یعنی با نارنجک یا بمب) ویران سازند!!.

دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است که نه امامی

شهید شده و نه در جانی مدفون شده بود و نه از گنبد حرمها و اختراع بمب خبری بود که پس از قرن‌ها در سامرا و قبلاً نیز در بقیع اتفاق افتاد یا روایت در مورد ازدواج همجنسها *يَتَزَوَّجُ الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَيَتَزَوَّجُ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ*، و روایت *لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ* و *الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ* درباره تغییر جنسیت دهندگان و صدها امثال این روایتها، در 688 صفحه وزیری. پیشگونی های آیات و روایات، از بزرگان دین در باره پیشرفت علوم آیندگان و اوضاع حیرت انگیز جهان، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد و حاوی مطالب نو آوری زیاد می باشد.

7- آغلار ساولان - سبلان گریان یا سبلان می گرید: رقی 50 صفحه. با زبان آذری در باره زلزله سال 1375 استان اردبیل و تخریب 111 بخش و روستا از 25 در صد تا صد در صد که یکی از آنها روستای گلستان زادگاه مؤلف و کشته شدن وزیر آوار ماندن 77 نفر از نزدیکان نسبی و سببی ام و بیان نام تک تک آنها.

8- 111 پرسش و پاسخ در بار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - رقی در 295 صفحه سوال و جواب های متنوع در طول سال های تبلیغی مؤلف در شهر توریستی و بیلاقی

9- فلسفه قیام و عدم قیام امامان - در 198 صفحه جیبی در باره این که چرا بعضی از آن بزرگواران قیام و اکثرشان قعود نمودند و اساسا قیامی از آنها وجود داشت یا برایشان تحمیل نمودند و مطالب متنوع و مفید دیگر.

10 - گلستان سخنوران شامل 110 مجلس سخنرانی مذهبی در دو جلد وزیری 1480 صفحه چکیده ای از تبلیغات متنوع مؤلف.

11 - جلد اول «ولایت شرط قبولی اعمال» در 320 صفحه در باره ولایت امیر مؤمنان و ساید ائمه علیهم السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله.

12 - شرح دعاهاى روزانه ماه مبارک رمضان در 328 صفحه که طی مصاحبه نشریه حوزه علمیه قم با اینجانب ضبط و هر روز در اینترنت پخش گردید.

13 - جلد دوم «ولایت شرط قبولی اعمال» در 510 صفحه زیر چاپ.

14 - کتاب «اسلام دین صلح و گفتگو با ادیان» در 2 جلد (همین کتاب) که برای چاپ آماده می شود.

### کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف

1- آیا و چرا - درباره زیر سؤال بردن برادران اهل سنت و علمای آنان و آوردن دلایل فراوان از کتاب های معتبر خود آنان در باره امیر مؤمنان و فاطمه زهراء علیهما السلام و به زیر سؤال بردن آنها در عمل نکردن به این دلایلها و اسناد خودشان.

2- 600 مجلس سخنرانی مذهبی از منبرهای 55 ساله مؤلف و بیان مطالب متنوع دینی و اسناد و روایات فراوان در هر مقوله، که سخنرانان مذهبی و منبری های محترم را از مراجعه به کتاب های متفرقه و جمع آوری مطالب برای بیان در سخنرانی هایشان. بی نیاز می سازد در 12 جلد و در دست تنظیم و آماده سازیست و بخواست خدا، بتدریج به چاپ خواهد رسید.

3- رحمت واسعه - در باره رحمت عالمگیر و فراگیر خدای متعال و آوردن آیات و روایات متنوع و جریان های توبه کنندگان و شمول غفران الهی در باره آنها . این کتاب امید دهنده گناهکاران و دور ساختن آنان از یأس و نومیدی و جذب دور شدگان از خدا را به سوی پروردگار بخشنده و مهربان.

ص: 492



4- شب- کتابیست در باره برکات و فضایل و امتیازات شب و اینکه شب مردان خدا روز جهان افروز است و شب خود مورد توجه بزرگان عالم و خلوتگه راز و نیاز آنان با معبودشان و مطالب فراوان در این موارد.

5- عتبات قرآن- در باره این که چرا خداوند متعال بعضی از انبیاء علیهم السلام را، مورد عتاب قرار داده و آیا این عتاب ها با عصمت آنها منافات دارد؟ مانند (عفا الله عنک لم اذنت لهم) یا مسئله چیز دیگر است.

6- خاطرات زندگی یا سرگذشت تلخ و شیرین من- این نوشته حاوی شرح حال دوران زندگی از بدو تولد تا امروز 1393/6/30 که به 400 صفحه رسیده است و هنوز هم خلاصه و امهات اوضاع و زوایای زندگی ام را می نویسم.

7- دعای عرشیان بفرشیان- درباره استغفار فرشتگان و حاملان عرش خدا برای بنی آدم به استناد آیه 7 سوره غافر و سایر آیات، نزدیک به اتمام .

8- نشانه هائی از او- کتابیست در باره آیات بیان کننده نشانه های خدا شناسی و روایات پیرامون آن.

9- مرزهای زندگی- از دید آیات و روایات و سیره پیشوایان.

ص:493

10 - مرز خوراکی ها و نوشیدنی ها - از منظر آیات و احادیث و پزشکی.

11 - نوادر - روایات و سرگذشت ها و نوادر جریان های گوناگون به صورت کَشکول در 7 جلد.

12 - شیطان: علت وجودی او و پرسش و پاسخهایی درباره وی.

13 - مادران 14 معصوم علیهم السلام، هنگام ازدواج هیچکدام بیوه نبودند.

14 - یاد داشتهای انترنتی ام در سایت «امینی گلستانی» در دو جلد که وسیله (مؤسسه مرکز تحقیقات علوم اسلامی «نور» حوزه علمیه قم) بخش می شود و هنوز هم ادامه دارد 15 - متفرقات مطالب گلچینی شده از کتاب های فراوان گوناگون.

و چندین کتاب دیگر ناتمام و در دست تألیف و مقاله های زیاد.

ص: 494

1-قرآن کریم.

2-نهج البلاغه.

الف:

3-«آنگاه هدايت شدم» تأليف دكتور سيد محمد تيجانى سماوى ص 2.

4-آثار الصادقين

5-آل محمد العلامة المردى الحنفى

6-أعلام الدين: حسن بن ابى الحسن ديلمى، يك جلد،

7-احقاق الحق قاضى نور الله شوشترى

ص:495

8- اخبار اصبهان:

9- اسباب النزول ابو الحسن واحدى نيشابورى .

10- اسد الغابه: لابن اثير جزرى

11- أرجح المطالب الأمر تسرى

12- التمهيد:

13- الخصائص

14- ايضاح دلائل النواصب :

15- ارشاد مفيد:

16- ارشاد سارى

17- اسنى المطالب جزرى

18- استدراك سيف بن عميره

19- امام على عليه السلام خورشيد بى غروب: سراج ، محمد ابراهيم.

20- انديشه قم.

21- امام على بن ابى طالب عليه السلام عبد الفتاح عبد المقصود.

22- امام على بن ابى طالب عليه السلام (روزگار عثمان) تأليف: عبد الفتاح عبد المقصود

23- امام على عليه السلام خورشيد بى غروب: سراج ، محمد ابراهيم.

24- امالى عبدالرزاق

25- انساب الاشراف، بلاذرى.

ص: 496

27-الاربعين المنتقى احمد بن اسماعيل طالقاني

28-الإحتجاج: ابو منصور احمد بن علي طبرسي، يك جلد،

29-الأمالى: شيخ صدوق، يك جلد،

30-الأمام امير المومنين على عليها السلام از ديدگاه خلفا فقيه ايماني ، مهدي ،

31-الأمالى: شيخ طوسي ، ، يك جلد،

32-الأمالى: شيخ مفيد، يك جلد،

33-الامالى ابن الشيخ :

34 -الأمامه و السياسه:ابن قتيبه.

35 -الإصابه، ابن حجر العسقلاني، محقق: معوض، ناشر: دار الكتب العلميه، بيروت،

36 -الإمام المهاجر العلامة عبدالله الجيابخوري

37 -السيره النبويه ابن كثير دمشقى

38 -المصنف عبدالرزاق،

39 -الخصال، شيخ صدوق، دو جلد در يك مجلد،

40-الجامع لاحكام القرآن

41 -المعيار و الموازنه،

42 -السنه ابن ابى عاصم،

43-الطرائف: سيد علي بن موسى بن طاوس، يك جلد،

44-العقدہ:

45-الفتوح نوشته ابو محمد احمد بن علي اعثم كوفي كندی، ترجمه محمد بن احمد مستوفي هروی

46-المواقفه: ابان السمان.

47-الصواعق المحرقة: ابن حجر ص 126

48-المناقب: الموفق بن أحمد بن محمد الخوارزمي،

49-المناقب علي عليه السلام ابن مغازلي شافعي ص 119

50-الاستيعاب ابن عبد البر،

51-المسند الجامع،

52-المجروحين لابن حبان،

53-الموضوعات لابن جوزي

54-العقد الفريد: ابن عبد ربه،

55-الغدير، علامه اميني، يازده مجلد.

56-الغيبه: شيخ طوسي، يك جلد، مؤسسه معارف اسلامي، قم، 1411ق.

57-الغيبه، محمد بن ابراهيم النعماني،

58-الفضائل: شاذان بن جبرئيل قمي، يك جلد، .

59-الكافي: ثقة الاسلام كليني، هشت جلد، .

ص:498

60-المراجعات، السيد عبدالحسين شرف الدين، يك مجلد،

61-المحتصر: الشيخ الجليل حسن بن سليمان الحلبي، الطبعة الاولى،

62-الولاية: حافظ ابو سعيد سجستاني (

63-الدُرّ المَنثور في التفسير المأثور: نوشته جلال الدين سيوطي در گذشته به سال 911ه.ق.

64-المعجم الكبير: طبراني. مكتبه الزهراء؛

65-المعجم الوسط : طبراني.

66-المعجم الصغير: طبراني.

67-المستدرک علی الصحیحین: حاکم دار الکتب العلمیه؛

68-البدایه و النهایه: ابن کثیر.

69-الروضه :

70-الرياض النضره فی مناقب العشره طبری،

71-المجالس للمفيد

72-الْمَنَاقِبِ، لِابْنِ شَاذَانَ

73-الْمُحْتَصَرِ، لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ:

74-الملل و نحل شهرستانی

75-الاختصاص: شيخ مفيد.

76-الخصال: شيخ صدوق، جامعه مدرسين.

77-الغارات، ابراهيم محمد الثقفي.

78-الْفِرْدَوْسِ ابْنُ شَيْرَوَيْهِ.

79-الفضائل: سمعاني.

80-الكنى و الاسماء دولابي

81-الكامل في التاريخ ابن اثير،

82-المستطرف ابشيهي

83-الطبقات الشعراني

84-الطبقات الكبرى ابن سعد،

85-المسترشد طبري

86-المصنف عبدالرزاق،

87-المعارف ابن قتيبه

88-المواقف قاضي ايجي

89-المهمه ابن صباغ،

ب:

90-بحار الأنوار: علامه مجلسي، 110 جلد، مؤسسه الوفاء بيروت لبنان، 1404 ق.

91-بحر المناقب العلامة درويش برهان، مخطوط؛

92-بصائر الدرجات في فضائل آل محمد : ابي جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمي، م 290 منشورات مكتبه مرعشي نجفي قم 1404 ق.

93-بيان الأئمة: شيخ محمد مهدي نجفي، نشر مكتبه الاسلاميه بيروت.

ص:500



94-بشاره المصطفی لشيعه المرتضى : أبی جعفر محمد بن ابی القاسم محمد بن علی الطّبری (از علمای قرن 6).

95 -بیست و پنج سال سکوت علی علیه السلام: فؤاد فاروقی.

96-بوستان معرفت تألیف سید هاشم حسینی تهرانی

ت

97 -تاریخ عمر ابن خطاب: ابن جوزی

98 -تاریخ المدینه المنوره:

99-تاریخ الخلفاء سیوطی : مطبعه السعاده.

100-تاریخ الامم و الملوك طبری .

101 -تاریخ یعقوبی،

102 -تاریخ بغداد للخطیب البغدادی

103-تاریخ کبیر،

104 -تاریخ مدینه لابن شبه النُمیری،

105 -تاریخ ابن کثیر

106-تاریخ جرجان،

107-تاریخ دمشق: ابن عساکر.

108-تاریخ اندیشه های کلامی،

109 -تاج العروس: الزبیدی

110-تبیا User Name

ص: 501

111- تحفه الاحوذی

112- تذکره الخواص: سبط ابن جوزی

113- ترجمه علی بن ابیطالب

114- تفسیر الاتقان،

115- تفسیر نیشابوری

116- تفسیر کشف و البیان: تالیف ثعلبی چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت

117- تفسیر کشف: زمخشری

118- تفسیر نمونه: جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی

119- تفسیر فراء، 33- فراء بن ابراهیم کوفی، یک جلد.

120- تفسیر القمی: علی بن ابراهیم، دو مجلد، تصحیح سید طیب الجزائری، 121-122- تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود عیاشی، دو جلد.

123- تفسیر منسوب به امام حسن العسکری علیه السلام.

124- تفسیر کبیر: فخر رازی.

125- تفسیر المنار شیخ محمد عبده مصری.

126- تفسیر ابن کثیر،

127- توضیح الدلائل، علامه شهاب الدین الشافعی النسخه المصوره من مخطوطه مکتبه الملی بفارس.

128- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار صادر، بیروت، لبنان.

ص: 502

129-تهذيب الكمال،

ث:

130-ثواب الاعمال:

ج:

131-جامع الصغير،

132-جامع الاخبار:

133-جامع الفوائد:

134-جلوه ی ولایت: عذرا انصاری، .

چ:

135-چهارده معصوم، مظاهری، حسین .

136-چرا شیعه شدم» تألیف محمد رازی، ص 218،

ح: تاریخ ابن کثیر.

137 حاشیه مسند احمد

138-حاشیه اصابه ریاض النضره

139-حاشیه شرح عزیزی

140-حاشیه سراج المنیر،

141 -حدیقه الشیعه: مقدس اردبیلی.

142 -حیوه الحیوان الکبری: الدمیری.

143-حلیه الاولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی

ص:503

خ:

144- خصائص الوحي المبين، الحافظ ابن البطريق

145 - خصائص امير المؤمنين عليه السلام

د:

146 - درّ السحابه في مناقب القرابه و الصحابه،

147 - دلائل الصدق محمد حسن مظفر.

148- دانش نامه اميرالمومنين(عليه السلام)، محمد محمدی ری شهری، ناشر:

دارالحديث، چاپ اول.

149 - دانشنامه ی امام علی علیه السلام رشاد ، علی اکبر.

150 - دلائل النبوه بیهقی

ذ:

151- ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی

ر:

152 - رجال الکشی

153 - ربیع الابرار: زمخشری.

154- روح المعانی شهاب الدین آلوسی شافعی.

155- ریاض النضره طبری.

س:

156 - سایت جامع سربازان اسلام

ص: 504

157-سایت جامع سربازان اسلام

158-سایت التوحید

159-سایت علی (علیه السلام) غلام غلامان امیر مؤمنان علیه السلام

160-سرّالعالمین: غزالی.

161-سنن کبری نسائی:

162-سنن ابن ابی داوود،

163-سنن کبری بیهقی،

164-سنن ابن ماجه

165-سیری در صحیحین» تألیف محمد صادق نجمی

ش:

166-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

167-شرح الأخبار: .

168-شرح حال امام علی علیه السلام: ابن عساکر.

169-شرح محمودی برینایع الموده.

170-شرح جامع صغیر شیخ محمد حنفی

171-شرح السنه بغوی

172-شواهد التنزیل حاکم حسکانی

ص:

173-صحیح مسلم،

ص:505

174- صحیح بخاری

175- صحیح ابن حیان،

176- صَفْوَةُ الْأَخْبَارِ

177- صحیفه الرضا:

ط:

178- طبقات ابن سعد 459، 460،

179- طبقات المحدثین،

180- طبقات شافعیه شیرازی

ع:

181- علل الشرائع، شیخ صدوق یک جلد، انتشارات مکتبه الداوری، قم.

182- عیون أخبار الرضا(علیه السلام): دو جلد در یک مجلد، انتشارات جهان، 1378 ق.

183- عمده القاری فی شرح صحیح البخاری بدر الدین حنفی.

184- عدّه الداعی: ابنُ طَریق.

185- علی از زبان دیگران . /س

186- علی علیه السلام ابر مرد مظلوم.

ف:

187- فرائد السمطین . ابو اسحاق حموینی

188- فرائد السمطین شیخ الاسلام حموئی

ص: 506

189-فردوس الأخبار، شيرويه، طبعه طهران؛

190 -فردوس الاخبار: ديلمى،

191 -فصول المهمه: ابن صباغ مالكى .

192-فتح القدير: قاضى شوكانى.

193-فتح البارى فى شرح صحيح البخارى:

194-فتح الملك العلى: احمد بن صديق مغربى

195 -فضائل الشيعة صدوق رحمه الله عليه:

196 -فضائل الخمسه: رهبر ، محمد تقى ،

197 -فضائل صحابه لابن حنبل:

198-فيض القدير: الشوكانى.

ق:

199-قصص الانبياء: جزايرى .

200 -قرب الإسناد

ك:

201-كامل ابن عدى:

202 -كشف الغمه: على بن عيسى إربلى، دو جلد،

203 -كشف الغمه عز الدين عبدالرزاق الحنبلى

204-كشف الاستار:

205 -كتاب السنه:

ص:507

206- كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره: ابى الفتح محمد بن على الكراجكى،

207- كشف اليقين:

208- كنزالدقائق

209- كفايه الطالب: تاليف كنجى شافعى الكرخى چاپ نجف اشرف

210- كفايه الخصال:

211- كفايه الخصام أبو نعيم الإصبهاني

212- كامل ابن اثير، ج 3، ص 197

213- كنز العمال: متقى هندی مؤسسه الرساله بيروت، چاپ پنجم (،

ل:

214- لسان الميزان،

215- لسان العرب، ابن منظور، ؛

م:

216- ما نزل من القرآن فى على عليه السلام حافظ ابى نعيم اصبهاني،

217- مصنف ابن ابى شيبه:

218- معانى الاخبار: شيخ صدوق .

219- ما نزل من القرآن فى على: حافظ ابو نعيم اصفهاني .

220- منهاج السنه: ابن تيميه

221- مجمع الزوائد: هيثمى.

ص: 508



222- مستدرک حاکم،

223- مسند احمد حنبل:

224- مسند ابویعلیٰ موصلی

225- مسند رویانی

226- مسند شمس الاخبار قرشی،

227- مسند بزار،

228- مشکل الآثار،

229- محاسن برقی:

230- مصباح الظلام

231- مقالات الاسلامیین،

232- معجم کبیر طبرانی:

233- معرفه الصحابه ابونعیم،

234- مناقب عمر:

235- مناقب الخوارزمی

236- مناقب ابن مغازلی.

237- مناقب علی، علامه العینی الحیدر آبادی طبعه بریش چهار منار؛

238- مناقب ابن شهر آشوب،

239- مناقب شافعی،

240- مناقب کوفی:

241- معانی القرآن

242- معالم العترة النبويه

243- منتخب البصائر

244- منتخب كنز العمال

245- مشارق الانوار: برسی .

246- مقاله «محمد ابراهيم سراج».

247- مختصر بصائر الدرجات: حسن بن سليمان الحلبي، الطبعة الاولى

248- مقتل الحسين خوارزمي

249- مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد

250- مقدمه شرح نهج البلاغه صبحي صالح،

251- مقاله «محمد ابراهيم سراج».

252- مطالب السؤل، محمد بن طلحه،

253- موده القربى ابن مغازلى شافعى

254- موده القربى مير سيد على شافعى،

255- موده القربى مير سيد على همدانى.

ن :

256- نزاهه المجالس صفورى

257- نورالابصار:

258- نظم درر السمطين، الزرندي الحنفي

ص: 510

259 -نهایه العقول: فخر رازی.

و:

260 -وسيله المال باکثير حضرمی

ی:

261-ینابیع الموده لذوی القربی: نوشته شیخ سلیمان ابن شیخ ابراهیم قندوزی بلخی معروف بخواجه کلان.

ص:511

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند ؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی  
خاتمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی  
**www.Ghaemiyeh.com**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

